

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ معاصر ایران

سال سوم آموزش متوسطه

کلیه رشته‌ها

(به استثنای رشته‌های ادبیات و علوم انسانی - علوم و معارف اسلامی)

وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

برنامه‌ریزی محتوا و نظارت بر تألیف: دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی

نام کتاب: تاریخ معاصر ایران - ۲/۲۵۳

مؤلفان: دکتر علی‌اکبر ولایتی، دکتر جلیل عرفان‌منش، غلامرضا میرزایی و یعقوب توکلی

با همکاری: مسعود جوادیان

بازنگری و اصلاح: دکتر علی‌اکبر ولایتی، دکتر جلیل عرفان‌منش با همکاری عباس پرتوی مقدم

ویراستار: محمدرضا سرشار

آماده‌سازی و نظارت بر چاپ و توزیع: اداره کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی

تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

تلفن: ۹-۸۸۸۳۱۱۶۱، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹

وب سایت: www.chap.sch.ir

تصویرگران: صادق صندوقی، مجید غزنوی

صفحه‌آرا: زهره بهشتی شیرازی

طراح جلد: طاهره حسن‌زاده

ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران - تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروبخش)

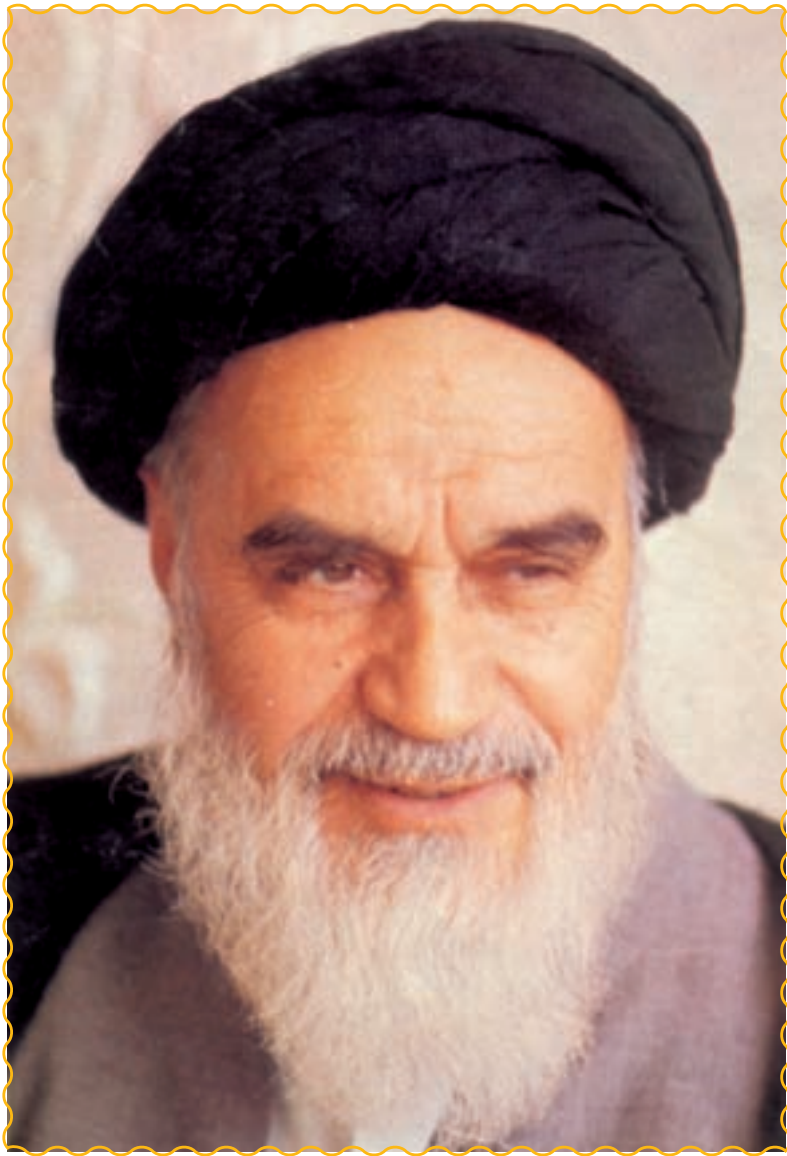
تلفن: ۵-۴۴۹۸۵۱۶۱، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۱۳۹-۳۷۵۱۵

چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

سال انتشار و نوبت چاپ: چاپ هفتم ۱۳۹۱

حَقّ چاپ محفوظ است.

شابک ۹۶۴-۰۵-۱۳۴۹-۰ ISBN-964-05-1349-0



امروز دانش‌آموزان باید سعی کنند تاریخ انقلاب
اسلامی‌مان را و نقش وحدت خودشان و دانشگاهیان را باروحنیون
بیاموزند.

امام خمینی

فهرست مطالب

	سخنی با دبیران گرامی
	سخنی با دانش آموزان عزیز
۱	مروری بر پیشینه و تاریخ ایران از آغاز تا دوران قاجار (برای مطالعه)
۱۷	درس اول — حکومت قاجار از آقامحمدخان تا محمدشاه
۲۷	درس دوم — دوران ناصرالدین شاه
۳۷	درس سوم — زمینه‌های نهضت مشروطه
۴۳	درس چهارم — آغاز حرکت مردم علیه استبداد و پیروزی نهضت مشروطه
۵۲	درس پنجم — مشروطه در دوره‌ی محمدعلی شاه
۶۱	درس ششم — دوره‌ی دوم مشروطه (۱۲۹۳-۱۲۸۸ش)
۷۲	درس هفتم — کودتای ۱۲۹۹
۸۱	درس هشتم — رضاخان؛ تثبیت قدرت
۸۹	درس نهم — ویژگی‌های حکومت رضاشاه
۹۸	درس دهم — سقوط رضاشاه
۱۰۶	درس یازدهم — اشغال ایران توسط متفقین و آثار آن
۱۱۲	درس دوازدهم — نهضت ملی شدن صنعت نفت
۱۱۸	درس سیزدهم — زمینه‌های کودتای ۲۸ مرداد
۱۲۹	درس چهاردهم — کودتای بیست و هشتم مرداد
۱۳۵	درس پانزدهم — ربع قرن سیطره‌ی آمریکا بر ایران
۱۴۲	درس شانزدهم — زمینه‌ها و هدف‌های اصلاحات آمریکایی در ایران
۱۴۶	درس هفدهم — زمینه‌های پیدایش نهضت روحانیت
۱۵۲	درس هجدهم — قیام ۱۵ خرداد
۱۶۲	درس نوزدهم — تحولات ایران پس از تبعید امام خمینی
۱۷۳	درس بیستم — ایران در آستانه‌ی انقلاب اسلامی
۱۸۱	درس بیست و یکم — پیروزی انقلاب اسلامی
۱۹۰	درس بیست و دوم — دولت موقت مهندس مهدی بازرگان
۱۹۹	درس بیست و سوم — اولین دوره‌ی ریاست جمهوری
۲۱۰	درس بیست و چهارم — جنگ تحمیلی عراق علیه ایران
۲۲۰	درس بیست و پنجم — آرمان‌ها و دستاوردهای انقلاب اسلامی
۲۳۴	فهرست منابع

سخنی با دبیران گرامی

۱- در نگارش این کتاب، سعی بر این بوده است که به جای شیوه‌ی «وقایع نگاری» و «تاریخ نگاری نقلی» که به شرح رویدادها و توصیف حوادث می‌پردازد، از شیوه‌ی «تاریخ نگاری علمی و تحلیلی» استفاده شود. در این شیوه به جای پرداختن صرف به حوادث، به روابط علت و معلولی رویدادها، توجه می‌شود. و در چارچوبی تحلیلی، با نگاهی مستدل و با بهره‌گیری از اسناد و مدارک، رویدادهای تاریخی را بررسی می‌کنیم.

۲- در این کتاب کوشش شده است تا از آوردن اسامی، نام‌ها، و یا جدول‌های غیرضروری خودداری گردد. با این وجود، از دبیران محترم تاریخ و طراحان سؤال‌های امتحانی تقاضا شده است از طرح سؤال‌ها و موضوع‌ها، با رویکرد «حافظه‌مداری» که، در شیوه‌های وقایع نگاری و تاریخ نگاری نقلی متداول است اجتناب ورزند و به جنبه‌های تحلیلی وقایع تاریخی توجه بیشتری مبذول فرمایند.

۳- مطالبی تحت عنوان «بیشتر بدانید» و «برگی از تاریخ»، با هدف افزودن اطلاعات تاریخی دانش‌آموزان، به مباحث درس اضافه شده است. از این مطالب، و آنچه که در پی‌نوشت‌ها آمده است در امتحان‌های نیم‌سال و پایان سال، سؤالی طرح نمی‌گردد.

هدف‌های آموزشی درس تاریخ معاصر ایران

همکار گرامی انتظار می‌رود با تدریس درس تاریخ معاصر ایران، دانش‌آموزان نسبت به هدف‌های اصلی آن درس شناخت و درک نسبی پیدا کنند. بنابراین توصیه می‌شود به هنگام تدریس و ارزشیابی در طول سال تحصیلی، هدف‌های زیر را مدنظر قرار دهید:

۱- چگونگی تأسیس، استقرار و تثبیت حکومت قاجار با توجه به زمینه‌ها و عوامل داخلی و

خارجی

۲- اهداف و رقابت‌های استعماری دولت‌های بزرگ اروپایی (انگلستان، روسیه و فرانسه) در ایران

در دهه‌های نخست حکومت قاجار

۳- شخصیت و مدیریت شاهان و کارگزاران عالی‌رتبه‌ی حکومت قاجار

۴- نفوذ و دخالت‌های مستمر انگلستان و روسیه در امور ایران در طول دوران حاکمیت سلسله‌ی

قاجار

۵- ساخت اجتماعی و اقتصادی ایران (صورت‌بندی اجتماعی و اقتصادی) و تحولات آن در

عصر قاجار

۶- آثار و پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی گسترش مناسبات و ارتباطات بین‌المللی، به‌ویژه

روابط با کشورهای اروپایی

۷- زمینه‌ها و عوامل جنبش‌های مردمی در دوره‌ی قاجار با تکیه بر جنبش تنباکو و انقلاب مشروطه

۸- نتایج و پیامدهای جنبش تنباکو و انقلاب مشروطه

۹- نقش اجتماعی، فرهنگی و سیاسی روحانیت، به‌ویژه در مخالفت و مبارزه با استبداد داخلی

و استعمار خارجی

۱۰- شکل‌گیری گروه تحصیل‌کردگان غیر حوزوی (روشنفکران) و نقش اجتماعی و سیاسی آنان

۱۱- تأثیر و پیامدهای دو جنگ جهانی بر اوضاع ایران

۱۲- ظهور، استقرار و سقوط دیکتاتوری رضاشاه با توجه به زمینه‌ها و عوامل داخلی و خارجی

۱۳- اهداف و نتیجه‌ی اقدامات رضا شاه

۱۴- رقابت قدرت‌های بزرگ (انگلستان، شوروی و آمریکا) برای نفوذ و سلطه بر ایران بعد از

شهریور ۱۳۲۰

۱۵- جنبش ملی شدن صنعت نفت (زمینه، عوامل و نتایج)

۱۶- کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با تأکید بر عوامل داخلی و خارجی

۱۷- نفوذ و سلطه‌ی سیاسی، نظامی و اقتصادی آمریکا بر ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

۱۸- زمینه‌ها و عوامل نهضت اسلامی مردم ایران

۱۹- نقش امام خمینی در مبارزه با سلطه‌ی خارجی و وابستگی حکومت پهلوی

۲۰- معترضان و مخالفان حکومت پهلوی (دیدگاه و روش مخالفت و مبارزه)

۲۱- انقلاب اسلامی و سرنگونی نظام سلطنتی پهلوی در ایران

۲۲- استقرار و تثبیت نظام جمهوری اسلامی

۲۳- دسیسه و توطئه‌های قدرت‌های خارجی به‌ویژه آمریکا بر ضد جمهوری اسلامی ایران

۲۴- اقدامات خرابکارانه و فعالیت‌های گروهک‌های تروریستی و ضدانقلاب داخلی

۲۵- ایستادگی ملت ایران در برابر توطئه و دشمنی‌های دشمنان خارجی و داخلی انقلاب اسلامی

۲۶- جنگ تحمیلی عراق بر ضد ایران و دفاع ملت ایران در برابر متجاوز و پیامدهای آن

۲۷- رهبری و مدیریت حضرت امام خمینی و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

۲۸- دستاوردهای انقلاب اسلامی (استقلال در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی)

گروه تاریخ دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی

سخنی با دانش‌آموزان عزیز

از آن‌جا که درس تاریخ جزو درس‌های تخصصی شما نیست، چه بسا تصور کنید که این درس اهمیتی ندارد و شما تنها برای نمره قبولی باید آن را بخوانید. این تصور در نگاه اول درست به نظر می‌رسد؛ شما حق دارید برای امور زندگی خود برنامه داشته باشید و به آینده بیندیشید. آینده‌نگری شما و برنامه‌ریزی‌تان برای آن با توجه به چه چیزهایی صورت می‌گیرد؟ شناختی که از خود دارید؛ ارزیابی و شناختی که از شرایط موجودتان دارید؛ و نیز ارزیابی‌تان از آینده.

اما بیایید طوردیگری به این موضوع بیندیشیم؛ شما چه قدر خود را می‌شناسید و شخصیت کنونی‌تان محصول چه چیزهایی است؟ خواهید گفت: قدری از آن محصول وراثت است، یعنی خصوصیات جسمانی، فکری و به ویژه اخلاقی که از طریق گذشتگان به شما رسیده است. تعلیم و تربیت و زندگی خانوادگی، محیط اطراف و دوستان و آشنایان و تحولات اجتماعی و نیز تجارب شخصی هم بخشی از آن را شامل می‌شود. آیا این‌ها چیزی جز گذشته و در واقع چیزی جز تاریخ‌اند؟ اکنون به «شرایط موجود» توجه کنید؛ آیا «شرایط موجود» در یک تأمل هرچند سطحی، چیزی جز حاصل حوادث، تحولات و عملکردهایی است که گذشتگان ما نقش اصلی را در شکل‌گیری آن داشته‌اند؟

بنابراین، هرچه در گذشته بیشتر تأمل کنیم، هم خود را بهتر می‌شناسیم و هم جامعه‌مان را؛ زیرا همه پدیده‌ها و رفتارهای فردی و اجتماعی، ریشه در گذشته دارد. با شناخت بیشتر این ریشه‌ها، می‌توانیم ارزیابی درست‌تری از خود داشته باشیم، از کرده‌هایمان خواه فردی، خواه اجتماعی درس بگیریم. می‌توانیم راه‌حل‌های مناسب برای مشکلات و مسائل اجتماعی ارائه کنیم، نیازهای واقعی‌مان را تشخیص دهیم و در راه سعادت و کامیابی گام برداریم. به همین دلیل است که بخش‌های قابل توجهی از آیات قرآن کریم و کلام همه بزرگان و دانشمندان به ذکر تاریخ و توصیه مطالعه و تأمل در آن اختصاص دارد. تاریخ پیامبران، اقوام، جوامع، و نیز زنان و مردانی که اکنون دیگر در میان ما نیستند. به علاوه همچنان که، می‌دانیم تاریخ تنها ذکر اعمال پادشاهان و تحولات سیاسی جوامع نیست بلکه سرگذشت علوم و فنون، هنرها و هنرمندان، ورزشکاران و قهرمانان، همه و همه تاریخ است و هر یک جنبه‌هایی از زندگی اجتماعی انسان را شامل می‌شود که مطالعه آن مفید و لذت بخش است.

تاریخ دانشی بسیار گسترده است و در ساعات محدود درسی نمی‌توان به اندازه کافی بدان پرداخت. پس چه باید کرد؟ برای شما که درس تاریخ جزو درس‌های تخصصی‌تان نیست و تنها بخش کوچکی از

برنامه‌های آموزشی‌تان را شامل می‌شود، مطالعه تاریخ معاصر ایران، ضروری‌تر به نظر می‌رسد. این دوره از تاریخ به ما نزدیک‌تر است و نتایج حوادث و تحولات مربوط به آن، ملموس‌تر و زنده‌تر. شما در آینده هر رشته تحصیلی و نیز هر شغلی را انتخاب کنید و به اصطلاح جامعه‌شناسان، هر نقش اجتماعی را که ایفا نمایید، به مطالعه تاریخ نیازمندید به ویژه هر چه بیش‌تر رشد کنید و بزرگ‌تر شوید ارزش آن را بهتر و بیشتر درخواهید یافت.

تاریخ معاصر ایران حوادث تلخ و شیرین بی‌شماری را به خود دیده است که در این کتاب به گونه‌ای فشرده و خلاصه، با بخش‌هایی از آن آشنا می‌شوید.

معلمان محترم، صاحب نظران، دانش‌آموزان عزیز و اولیای آنان می‌توانند نظر اصلاحی خود را در باره مطالب

این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران - صندوق پستی ۳۶۳ ۱۵۸۵۵ - گروه‌دسی مربوط و یا پیام‌نگار (Email)

talif@talif.sch.ir ارسال نمایند.

دو مجلدنامه ریوی و تألیف کتاب دبستان

مروری بر پیشینه و تاریخ ایران از آغاز تا دوران قاجار

ایران کشوری ریشه‌دار و کهن است. مردم ایران دارای ۷۰۰۰ سال تاریخ و تمدن درخشان هستند. تاریخ فرهنگ و تمدن ایران را می‌توان به دو دوره‌ی پیش از اسلام و بعد از اسلام تقسیم کرد. دوره‌ی پیش از اسلام نیز به دوران قبل از آریایی‌ها و بعد از آریایی‌ها تقسیم می‌شود.

ایران پیش از اسلام

از بررسی‌های آثاری که تاکنون توسط باستان‌شناسان کشف شده‌اند، معلوم می‌شود، سفال و سفال‌های لعاب‌دار و ساخت چرخ سفالگری (در هزاره‌های ششم تا چهارم پیش از میلاد) توسط ساکنان فلات ایران (قبل از ورود آریایی‌ها) اختراع شده است. هم‌چنین، ساخت ارابه‌های چهارچرخ، پرورش اسب و معماری طاق‌های هلالی گنبد شکل، از ابداعات ایرانیان بوده است که توسط ایلامی‌ها به سومر و از آن‌جا به دیگر نقاط جهان کهن رفته و رواج یافته است^۱. در این میان از مکان‌های مهم باستانی نظیر شهر سوخته (در سیستان)، تپه سیلک^۲ (در کاشان) و تپه‌ی مارلیک (در گیلان) نام برد. هم‌چنین ایرانیان در پیدایش خط به عنوان یکی از مراحل مهم تمدن‌سازی و تولید میراث معنوی جهان از قبیل: اندیشه‌های دینی، فلسفی، علم اعداد، نجوم و ریاضی سهم چشمگیری داشته‌اند. سرچشمه بسیاری از امور فرهنگی از فلات ایران آغاز شده است^۳. در حدود ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد، آریایی‌ها به فلات ایران^۴ مهاجرت کردند. آن‌ها سرزمینی را که وارد آن شده بودند ایران یعنی سرزمین آریایی‌ها نامیدند.

۱- برای اطلاع بیشتر، ن. ک: گیرشمن، ایران از آغاز تا اسلام، ص ۱۳، ۱۸، ۳۱، ۳۸، ۶۸ و ۷۲؛ هرتسلفد، تاریخ باستانی ایران،

ص ۱۲۸، ۱۴۱، ۱۹۷ و ۲۰۰.

۲- sialk

۳- آپهام پوپ، معماری ایران، ص ۱۴.

۴- کلمه ایران دست کم در حدود قرن سوم قبل از میلاد در منابع یونانی آمده است. شکل یونانی ایران ariane است.

اقوام آریایی^۱ شامل مادها، پارس‌ها و پارت‌ها بود که در غرب، جنوب و شمال شرقی فلات ایران ساکن شدند. اقوام ایرانی پس از استقرار و تثبیت موقعیت و مرزهای جغرافیایی خود، برای رفع نیازهای متقابل خویشتن با یکدیگر روابط مسالمت‌آمیزی داشتند و در همگرایی عمومی به سر می‌بردند.

پس از مدتی، زردشت که پیامبر ایران باستان است در میان ایرانیان ظهور کرد. او مردم را به پیروی از خدای یگانه که اهورامزدا نام داشت، دعوت کرد و مروج اندیشه، گفتار و کردار نیک بود. اعتقاد به سرای آخرت و جهان پس از مرگ، عقیده به آخرالزمان و ظهور یک منجی که حکومتی با عدل و داد و به دور از ناپاکی و ستم برپا خواهد کرد، از بنیان‌های استوار و اعتقادی ایرانیان بوده است که آن‌ها را از سایر ملل دوران باستان متمایز می‌ساخت.^۲



آثار یافت‌شده در شهر سوخته

قدر مسلم ایرانیان پیش از اسلام هم چون اعراب دوران جاهلیت بت‌پرست نبودند، همانند یونانیان، رب‌النوع‌های متعدد را نمی‌پرستیدند و یا هم چون هندوها گاوپرست نبودند. فرمانروایان سلسله‌های ایران باستان، به رغم همه‌ی خصلت‌های نیک و بد که تاریخ درباره‌ی آن‌ها ثبت کرده است، هیچ‌گاه هم چون فراعنه‌ی مصر باستان ادعای خدایی نمی‌کردند؛ زیرا ایرانیان مردمانی حق‌جو، و بکتاپرست بودند.^۳

۱- آریا ایریا یا آریان Aryan در اوستا که کهن‌ترین متون پارسی به جا مانده است. خاستگاه ایرانیان «ایتریانم و یجو» Airyanemvaejo آمده که در زبان پهلوی «ایران ویج» Eranvej می‌باشد که مرکب از دو واژه‌ی «ایران» و «ویج» به معنی تخمه و تژاد ایرانی و هنگامی که مکانی به این نام نامیده می‌شود به منزله جایگاه ایرانیان است. (ن.ک: پورد اوود، یشت‌ها، یشت پنجم، بندهای ۱۷-۱۸ و ۴۰:۱)

۲- برای اطلاع بیشتر ن. ک: علامه مجلسی، بحارالانوار ج ۵، ص ۳۷۹؛ مطهری، خدمات متقابل ایران و اسلام، ص ۲۳۵.
 ۳- ن. ک: جان ناس. تاریخ جامع ادیان، ص ۳۱۵؛ کریستین سن، ایران در زمان ساسانیان؛ معین، مزدیسنا و تأثیر آن در ادبیات فارسی، ص ۴۱؛ مطهری، خدمات متقابل ایران و اسلام، ص ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۲۳، ۲۳۶. برای اطلاع بیشتر، ن. ک: عرفان منش، حیات معنوی ایرانیان، ص ۳۰-۱۸.

بیش‌تر بدانید

خصلت‌های اخلاقی ایرانیان

از سجایای اخلاقی ایرانیان که در گزارش‌های مورخان ثبت شده می‌توان به شجاعت، پاکدامنی، راستگویی، اعتدال، نجابت و پوشش زنان و مردان اشاره کرد. آثار برجای مانده نشان می‌دهند که زنان ایرانی در زمان مادها و پس از آن پوشش کاملی داشتند که شامل پیراهن بلند چین‌دار، شلوار، چادر و شنلی روی لباس‌ها بود. این پوشش در زمان هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان نیز معمول بود. در منابع یونانی آمده است که زنان پارسی، ساده (بدون آرایش) و با لباسی کاملاً پوشیده ظاهر می‌شدند و نجابت مردان پارسی نیز دست کمی از زنان نداشته است. آنان برهنه بودن و یا باز گذاشتن هر یک از قسمت‌های بدن (مانند آستین دست) را شرم‌آور و خلاف ادب می‌شمردند و به همین جهت سرتاپای ایشان با سرپند (کلاه) و پاپوش پوشیده بود.^۱

به گفته‌ی شهاب‌الدین سهروردی در گذشته به سال ۵۸۷ ق، در ایران باستان امتی زندگی می‌کردند که بین آن‌ها پهلوانان و جوان‌مردانی یگانه‌پرست بودند که مشمول آیه‌ی «خداوند ولی کسانی است که ایمان آوردند، و ایشان را از ظلمات به سوی نور هدایت می‌کند»^۲ شدند و به مرحله‌ای از شهود نور الهی رسیدند.^۳ توجه سهروردی به حکمت ایرانیان، یادآور حدیث نبوی است که فرمود: اگر علم در ثریا هم باشد، مردانی از فارس به آن دست می‌یابند.^۴

سلسله‌ی هخامنشیان با فرمانروایی کوروش بزرگ آغاز شد. او توانست با متحدکردن اقوام پارس و ماد حکومتی را پایه‌گذاری کند که گستره‌ی قلمرو آن شامل تمدن‌های کهن به‌جز بخشی از قلمرو یونان باستان بود.^۵ کوروش به‌دلیل خداپرستی، عدالت‌خواهی و خردمندی‌اش، شهرت جهانی

۱- جهت اطلاع بیشتر ن. ک: هرودوت، تاریخ هرودوت، ص ۶۵، ۱۰۸ و ۱۹۵-۱۹۶، ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱۲، ص ۴۱۳ و ۵۵۲؛ مرتضی مطهری، مسئله حجاب در اسلام (مجموعه آثار) ج ۴۸، ص ۲۵ و ۶۳؛ علی محمدی آشتیانی، حجاب در ادیان الهی، ص ۹۵ و ۹۶؛ هرتسفلد، تاریخ باستانی ایران، ص ۱۴۱؛ راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، ج ۱، ص ۵۱۸-۵۲۰؛ شهشانی، تاریخچه پوشش سر در ایران، ص ۴۰؛ مقالات ایرانیکا، ص ۶۴؛ تالیوت رایس، هنرهای باستانی آسیای مرکزی تا دوره اسلامی، ص ۴۵؛ دهخدا، امثال و حکم، ج ۳، ص ۱۵۴۹-۱۵۵۷؛ ذکاء، داستان پوشش زن در ایران، ص ۲.

۲- الله ولی‌الذین امنوا یُخرجهم من الظلمات الی النور و... (سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۵۷).

۳- سهروردی، مجموعه تصنیفات شیخ اشراق، ص ۵۰۳-۵۰۲.

۴- «لَوْ تَعَلَّقَ الْعِلْمَ بِأَكْتافِ أَسْمَاءَ لَنَالَهُ قَوْمٌ مِنْ أَهْلِ فَارَسٍ»؛ علامه مجلسی، بحارالانوار (ج ۱۶)، ص ۳۱۰؛ علامه امینی، الغدیر (ج ۹)،

ص ۲۲. هم‌چنین. ک: مستوفی، نزهة القلوب، ص ۱۱۳؛ سبیتی، سلمان فارسی، ص ۴۰.

۵- بار تولد، تذکره‌ی جغرافیای تاریخی ایران، ص ۲۰۵.



تخت جمشید و طرح خیالی آن

یافته است.^۱ برخی معتقدند، «ذوالقرنین» که در قرآن مجید^۲ به عنوان فرمانروایی نیک سیرت ستوده شده، همان کوروش پادشاه ایران است.^۳ با این که مؤسس دولت مقتدر هخامنشیان از سرزمین پارس

۱- برخی از مورخان بیانیه‌ی کوروش در استوانه‌ی گلی را که با خط بابلی نوشته شده است، به عنوان اولین منشور جهانی حقوق بشر معرفی کرده‌اند. ن. ک: ویل دورانت، تاریخ تمدن ج ۱. ص ۱۸۲-۱۸۱؛ زرین کوب، روزگاران، ص ۶۹.

۲- سوره‌ی کهف، آیات ۹۸-۸۳.

۳- علامه طباطبایی، تفسیر المیزان (ج ۱۳)، ص ۶۶۵؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۵۴۹. برای اطلاع بیشتر ن. ک: عرفان منش، تحقیقی علمی درباره پیشینه و کیستی ذوالقرنین - کوروش ذوالقرنین و بازایی هویت ملی، با مقدمه دکتر علی اکبر ولایتی، ص ۲۹۹-۳۵۵.

برخاست اما نام قوم و سرزمین خود را برای قلمرو تحت حاکمیت خود انتخاب نکردند^۱. باید دانسته شود که در کتیبه‌های داریوش کلمه آریا به سکنه ایران اطلاق می‌شد. پارس در کتیبه‌های هخامنشی به صورت پارسه^۲ در یونانی پرسیس^۳ که مُعَرَّب آن فارس می‌باشد آمده است. اما یونانیان پرسیس را که تنها نام ایالت فارس است بر تمام ایران اطلاق می‌کردند^۴. هخامنشیان برای کنترل قلمرو گسترده‌ی خود، چند پایتخت تأسیس کردند. یکی از آن‌ها در شوش بود و به عنوان پایتخت زمستانه و دیگری در هگمتانه (همدان) که پایتخت تابستانه به شمار می‌رفت. اما مهم‌ترین و معروف‌ترین پایتخت هخامنشیان تخت جمشید است که پایتخت بهاری به حساب می‌آمد. بنای عظیم تخت جمشید نماد شکوه و عظمت تمدن ایرانی و توانایی مردم ایران باستان است.

هجوم اسکندر به ایران

فلات ایران از دیرباز به دلیل دارا بودن موقعیت حساس و مهم، مورد هجوم بیگانگان بوده است؛ به طوری که هریک از آن‌ها آرزوی استیلا بر این سرزمین را داشته‌اند. حمله‌ی اسکندر و هجوم فرهنگ یونانی به ایران، از نخستین بحران‌های هویتی تاریخ کشور ما بود.^۵ این واقعه خرابی‌های جبران‌ناپذیری برجای گذاشت. اسکندر مقدونی شهرهای بسیاری را ویران و بسیاری از آثار فرهنگ تمدن ایران را نابود کرد^۶، اما در مقابل آن‌چه که ویران کرد، تمدنی به ارمغان نیاورد. اگرچه مقاومت ایرانیان و نبرد دلیرانه‌ی آریوبرزن^۷، سردار شجاع ایرانی، با سپاه اسکندر نتوانست، مانع هجوم لشکریان اسکندر به ایران شود، اما ایرانیان به تدریج با مقاومت فرهنگی توانستند این بحران را از سر بگذرانند و بر آن غلبه کنند. پس از حاکمیت سلوکیان (جانشینان اسکندر) بر ایران، استقرار سلسله‌ی پارتیان، بار دیگر آغاز حاکمیت ایرانیان را نوید داد. پارتیان، یکی دیگر از اقوام آریایی، به تدریج سلوکیان را از ایران بیرون راندند.

۱- اقوام ایرانی برخلاف برخی از اقوام اروپایی که نام خود را به روی سرزمین خود گذاشتند. مانند انگل‌ها در انگلستان و یا فرانک‌ها در فرانسه نام یک قوم را بر روی تمامیت سرزمینی که اقوام دیگر در آن ساکن بودند نگذاشتند و در فرایند ملت‌سازی اقوام ایرانی با هم مشارکت داشتند.

۲- pirsā

۳- Persis

۴- ن. ک: اعتمادالسلطنه، تطبیق جغرافیای قدیم و جدید ایران، ص ۸۸.

۵- برای اطلاع بیشتر ن. ک: ولایتی، بحران‌های تاریخی هویت ایرانی، ص ۱۹-۲۰.

۶- ن. ک: اصفهانی، تاریخ سنی ملوک الارض و الانبیا، ص ۴۳-۴۰؛ ابن ندیم، الفهرست، ص ۴۳۶؛ ابن خلدون، مقدمه ج ۲، ص ۱۰۰۲؛

این مَسْکُوه، تجارب‌الامم ج، ۱ ص ۴۰-۳۸.

۷- این نبرد در منطقه‌ی دربند پارس در سال ۳۳۶ قبل از میلاد روی داد.

بیش‌تر بدانید

در متون کهن و روایات حماسی، ایرانیان دارای هویتی متمایز و میراثی مشترک هستند که قابل انتقال به غیر نیست و آنان را از سایر ملل همجوار متمایز می‌سازد. تا آن‌جا که سرزمین‌هایی را که ایرانیان گشودند هرگز «ایران» نام نگرفت. بلکه همواره «انیران» یعنی غیر ایرانی باقی ماندند.^۱ در تاریخ واقعی مردم ایران نشانه‌هایی از مهرورزی آن‌ها نسبت به سایر ملل و غیر ایرانی یافت می‌شود که بیانگر روح بزرگ و میهمان‌نوازی ایرانیان است. با این وصف، ایرانیان نسبت به دشمنان خود از حساسیت و غیرت ملی برخوردارند. در روایات حماسی دشمن ایرانیان ستایش نمی‌شود و تجاوزکنندگان به مرز و بوم و آیین ایران همواره به بدی و زشتکاری یاد شده‌اند.^۲

نکته‌ای جالب از ویژگی‌های مردم ایران زمین این است که به رغم شکست از یونانیان، فرهنگ مهاجم را در خود ذوب کردند. ایران پس از فروپاشی سلوکیان، ایران باقی ماند، اما یونان مضمحل و امپراتوری روم جایگزین آن شد. با وجود این، ایرانیان بعدها شکست‌های سختی بر امپراتوری روم وارد کردند. «نبرد حران» به فرمان‌دهی سورنای جوان، یکی از مشهورترین آن‌هاست.

در اواخر حکومت پارتیان، اختلاف و بی‌نظمی کشور را فرا گرفته بود.^۳ قیام اردشیر بابکان،

۱- ن. ک: طبری، تاریخ طبری، ج ۱، ص ۸۵۸؛ دینوری، اخبار الطوال، ص ۸۷؛ مسعودی، مروج الذهب، ج ۲؛ ص ۲۲۱؛ بلعمی، تاریخ بلعمی، ج ۲، ص ۱۰۸۱؛ ابوالقاسم فردوسی، شاهنامه، ص ۲۶۹۶، به نقل از احسان یارشاطر، تاریخ روایی ایران، مندرج در تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی، ج ۳، قسمت اول، ص ۵۲۱.

۲- به عنوان مثال اسکندر در متون کهن ایرانی فردی اهریمن صفت، ستمکار، ملعون، گجستک و بدکار، دشمن ایرانشهر و ویرانگر معرفی می‌شود. (مینوگ خرد، فصل ۸، بندهای ۲۹ و ۳۰. کارنامه‌ی اردشیر بابکان، ص ۴۱، بند ۱۱. نامه‌ی تنسر به گشنسب، ص ۸۷. شهرستان‌های ایران، بند ۴ و ۵ ارداویراف‌نامه، فرگرد اول بند ۷-۱) تصویری که بیش‌تر مورخان دوران اسلامی از اسکندر ارایه می‌دهند برگرفته از زندگانی واقعی اسکندر مقدونی نیست؛ بلکه با تصرف و نسب‌سازی و اختلاط تاریخ و افسانه همراه است. اسکندر زمانی ستوده می‌شود که شناسنامه ایرانی می‌گیرد تا چنین وانمود شود که اگر او توانست ایران را فتح کند و بر آن حکم فرمایی کند به این علت بود که پدری ایرانی داشت تا بدین وسیله با حفظ غرور و عزت ملی از محنت شکست ایران توسط یونانیان بکاهد. از این رو اسکندر تبدیل به یک قهرمان ملی می‌شود و زمانی شایسته ستایش و تقدیس قرار می‌گیرد که به باور آنان او ذوالقرنین ستوده شده در قرآن مجید است. و هرگاه از اسکندر به بدی یاد می‌شود او نه ایرانی است و نه ذوالقرنین است. (ن. ک: طبری، تاریخ طبری، (چاپ بیروت) ج ۱، ص ۳۲۷ و ۳۲۸؛ دینوری، اخبار الطوال، ص ۵۳ و ۵۴؛ بلعمی، تاریخ بلعمی، ج ۱، ص ۴۸۵؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۱، ص ۲۱؛ مستوفی، تاریخ‌گزیده، ص ۹۵؛ میرخواند، تاریخ روضه‌الصفاء، ج ۱، ص ۶۴؛ خواندمیر، حبیب‌السیر، ج ۱، ص ۲۰۹؛ میرخواند، تاریخ روضه‌الصفاء، ج ۱، ص ۶۴ به بعد؛ کاتب سمرقندی، اغراض‌السیاسه فی اغراض‌الریاسه، ص ۱۱). جهت اطلاع بیش‌تر ن. ک: عرفان‌منش، کوروش ذوالقرنین و بازیابی هویت ملی، ص ۳۵۱.

۳- پیرنیا، تاریخ ایران باستان، ج ۳، ص ۲۶۵؛ گریشمن، ایران از آغاز تا اسلام، ص ۳۴۴-۳۴۰.

بنیان‌گذار حکومت ساسانیان، به این وضع پایان داد. او حکومت مقتدر مرکزی را جای‌گزین حکومت ملوک‌الطوایفی کرد که موجب آشفتگی ایران شده بود. یکی دیگر از اقدامات او، رسمیت بخشیدن به دین زردشتی بود.

اقتدار ایران در دوران ساسانی، فقط تا پایان حکومت خسرو انوشیروان دوام یافت و پس از آن، اوضاع ایران رو به آشفتگی و ضعف رفت. جنگ‌های بی‌در پی میان ایران و روم، هر دو کشور را رو به زوال برد. علاوه بر آن، وجود نظام غیرعادلانه‌ی طبقاتی، ظلم و ستم، انحراف از تعالیم اولیه‌ی دین زردشت، فساد، قدرت‌طلبی، رقابت و توطئه‌های دائمی میان اشراف و درباریان، موجبات تضعیف و سقوط پادشاهی ساسانیان را فراهم آورد.^۱ در چنین شرایطی، ظهور آیین اسلام، سرآغاز دوره‌ای تازه برای مردم ایران شد.



قلمرو ساسانیان

۱- کریستین سن، ایران در زمان ساسانیان، ص ۳۶۲-۳۶۰ و ۱۴۸؛ زرین‌کوب، تاریخ مردم ایران، ج ۲، ص ۶۲۸؛ بویل، تاریخ ایران، ج سوم، قسمت اول، ص ۲۶۲-۲۶۱.

بیش‌تر بدانید

ایرانیان مردمانی حق‌جو و عدالت‌خواه بودند. گروهی از آن‌ها همان‌طور که در آستانه‌ی میلاد حضرت مسیح (ع) در انتظار ظهور آن حضرت بودند و به بیت لحم رفتند تا او را ببینند و از وی پیروی کنند،^۱ در آستانه‌ی ظهور پیامبر اسلام (ص) نیز در انتظار یک منجی بودند.^۲ در متون پارسی زردشتی، پیش‌گویی‌هایی گزارش شده‌اند که نوید ظهور پیامبر اسلام را می‌دهند. زندگانی پرمجازی روزبه (سلمان فارسی) نماد بارزی از حق‌جویی ایرانیان پیش از ورود اسلام به ایران است.^۳ به عقیده‌ی بسیاری از مورخان، اگر اسلام به ایران نمی‌آمد، مسیحیت ایران را فرا می‌گرفت.^۴ بنابراین حکومت ساسانیان از اسلام شکست نخورد. اگر اسلام هم نمی‌آمد، ساسانیان روند زوال و اضمحلال خود را می‌پیمودند. با همه‌ی این‌ها، وقتی اسلام به ایران آمد، حتی مسیحیان هم به اسلام گرویدند.^۵ اسلام به تدریج در ایران فراگیر شد و از پیروان سایر مذاهب کاست. در طول تاریخ ایران، اسلام تنها دینی بود که توانست اکثریت قاطع جامعه‌ی ایرانی را به پیروی از خود درآورد و سایر ادیان را تحت الشعاع قرار دهد.

ایران بعد از اسلام

یکی از بزرگ‌ترین حوادثی که در تاریخ ایران زمین روی داده است، اسلام آوردن مردم ایران بود. آن‌ها مردمی با شعور و پاک‌اندیش بودند. به همین دلیل اسلام را انتخاب کردند. اصول مترقیانه و عدالت‌خواهانه‌ی اسلام و طرد هرگونه برتری قومی، نژادی و طبقاتی، عامل تعیین‌کننده‌ی گرایش مردم ایران به اسلام محسوب می‌شود. انتظار مردم ایران، اجرای عدالت و جاری شدن احکام اسلام و سنت نبوی در کشورشان بود. اما بازگشت تدریجی فرهنگ جاهلیت در دوران بنی‌امیه و بنی‌عباس که به‌عنوان جانشین پیامبر (ص)، خلافت را غصب کرده بودند، مردم ایران را از آن‌ها روی‌گردان کرد. خلفای جور، همان‌گونه که به ایرانیان ظلم می‌کردند، خاندان پیامبر اکرم (ص) و ائمه‌ی معصومین (علیهم‌السلام)

۱- ن. ک: انجیل متی، باب دوم، آیه‌ی ۱ و ۲.

۲- اساتیر، شماره‌ی ۱۴؛ زریاب، سیرة رسول‌الله، ص ۸۶؛ تعالی، غرر اخبار ملوک‌الفرس و سیرهم، ص ۶۲۹ و ۶۳۰؛ رسولی محلاتی، زندگانی حضرت خاتم‌التبین، ص ۴۱ و ۵۵.

۳- ن. ک: ابن‌هشام، السیرة النبویه، ج ۱، ص ۱۴۵-۱۴۰؛ ابن‌عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة‌الاصحاب ج ۲، ص ۵۸؛ ابن‌حَجَر عَسقلاتی، الأصباه فی الصحابه ج ۲، ص ۶۲؛ شیخ صدوق، کمال‌الدین و اتمام‌النعمه، ص ۱۶۳؛ محدث نوری، نفس‌الرحمان فی فضایل سلمان، ص ۲۰.

۴- کریستین سن، ایران در زمان ساسانیان، ص ۳۲۸-۳۲۴؛ زرین‌کوب، تاریخ مردم ایران ص ۵۲-۵۱۷.

۵- آرنولد، تاریخ گسترش اسلام، ص ۵۳-۵۲ و ۹۶-۸۰.

را نیز مورد تعدی و ستم قرار می‌دادند.^۱ ایرانیان به دلیل مشی عدالت‌خواهانه‌ی امیرمؤمنان حضرت علی (ع) و فضایل و شایستگی‌هایی که در رفتار او و خاندانش موج می‌زد، گم‌شده‌ی خود را در دوستی با اهل بیت یافتند و به پیروی از آیین تشیع روی آوردند.

گسترش اسلام در ایران موجب تحولی شگرف و عمیق در زندگی و فرهنگ مردم شد. ایرانیان به دلیل داشتن پیشینه‌ی تمدن دوران باستان، در شکل‌گیری تمدن اسلامی نقش اساسی و مهمی ایفا کردند. در تمامی حوزه‌های علمی، دانشمندان بزرگی در ایران پس از اسلام ظهور کردند که بسیاری از آن‌ها مانند محمدبن زکریای رازی، ابوریحان بیرونی و ابن‌سینا، شهرت جهانی دارند. علاوه بر آن، ایرانیان در عرصه‌ی سیاست، در انقراض حکومت ستمگر اموی نقش مهمی ایفا کردند. در قیام‌هایی که علیه حکومت عباسی شکل گرفت نیز مشارکت داشتند. بعد از حکومت جابرانه‌ی بنی‌امیه و در دوران خلفای بنی‌عباس، به تدریج خاندان ایرانی طاهریان، صفاریان، سامانیان، آل‌بویه و آل‌زیار، به تشکیل حکومت مستقل دست زدند.

بیش‌تر بدانید

دوران سامانیان را باید یکی از نقاط عطف تاریخ فرهنگ و زبان فارسی بدانیم. در این دوران تلاش زیادی برای استقلال سیاسی ایرانیان از خلافت عباسی صورت گرفت که لازمه‌ی آن، احیای فرهنگ و زبان فارسی بود. در پرتو حمایت امیراسماعیل سامانی، نصرین‌احمد سامانی و امیر منصور بن نوح سامانی، و وزیران دانشمندی چون ابوالفضل بلعمی و ابوعلی بلعمی، آثار زیادی در زمینه‌های ادبیات و علوم گوناگون به فارسی تألیف و ترجمه شد.^۲ علمای ماوراءالنهر برای ترجمه‌ی تفسیر (قرآن) طبری به زبان فارسی فتوا صادر کردند.^۳ در این دوران، شاعران نام‌داری چون رودکی توانستند، تحول بزرگی در شعر و ادبیات فارسی ایجاد کنند. در زمان سامانیان، هنگامی که فرهنگ پویای اسلام به زبان و فرهنگ فارسی درآمد، توسعه و گسترش شگرفی یافت و توانست فرهنگ ایرانی و اسلامی را به مناطق دیگر منتقل کند.^۴ به گفته‌ی مقام معظم رهبری، اسلام به زبان عربی وارد ایران شد، اما به زبان فارسی ترویج پیدا کرد و در طول قرن‌های متمادی، بیش‌ترین معارف اسلامی و سخنان حکمت‌آمیز به وسیله‌ی ایرانیان فارسی‌زبان در میان ملت‌ها انتشار یافت.^۵

۱- برای بیان ظلم و ستمی که نسبت به ائمه‌ی اطهار (علیهم‌السلام) شد، همین اندازه کافی است که یادآوری کنیم، بیش‌تر امامان شیعه توسط خلفای جور بنی‌امیه و بنی‌عباس، با سلاح و یا با سم به شهادت رسیدند. ن. ک: ابن‌سعد، طبقات الکبری ج ۱، ص ۴۸۶؛ کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۶۳.

۲- ن. ک: بلعمی، تاریخ‌نامه‌ی طبری (تاریخ بلعمی)، ج ۱، ص ۱۸-۱۶؛ بهار (ملک‌الشعرا)، سبک‌شناسی، ج ۲، ص ۱۹؛ صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۱، ص ۳۲۴؛ فرای، عصر زرین فرهنگ ایران، ص ۱۲۹.

۳- ترجمه‌ی تفسیر طبری، ص ۶۹۵.

۴- ن. ک: صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۱، ص ۳۶۱؛ بهار (ملک‌الشعرا)، سبک‌شناسی، ج ۱، ص ۲۳۵.

۵- روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۸ آبان‌ماه ۱۳۸۶. هم‌چنین ن. ک: www. Khamenei-ir

با قدرت گرفتن آل بویه و تسلط آنان بر بغداد در سال ۳۳۴ ق، تعصبات مذهبی کاهش یافت و زمینه‌ی آزادی بیان و مباحث علمی و فرهنگی پیروان مذاهب گوناگون اسلامی، اعم از شیعه و سنی، فراهم شد. شیعیان در این زمان مراسم عزاداری امام حسین (ع) را برگزار می‌کردند. در این مراسم، مردم ایران و دوست‌داران اهل بیت از مذاهب گوناگون اسلامی، در سوگ امام حسین (ع) اطعام می‌کردند.^۱

ایران از دوران غزنویان تا خوارزمشاهیان

غزنویان، به ویژه سلطان محمود غزنوی، لشکرکشی‌هایی گسترده و پیاپی به هند کردند که یکی از پیامدهای آن‌ها، گسترش اسلام و زبان فارسی در هند بود. می‌دانیم که در این دوران حکیم ابوالقاسم فردوسی، شاعر بزرگ ایرانی به گردآوری و منظم کردن شاهنامه اقدام کرد.^۲ این اثر گران‌بها، برای شناخت و درک فرهنگ ایران باستان، از اهمیت خاصی برخوردار است. در دوران سلجوقیان، قلمرو ایران گسترش یافت. آل ارسلان در نبرد ملازگرد^۳ امپراتوری روم شرقی^۴ را به سختی شکست داد. پس از تصرف منطقه‌ی آسیای صغیر، زمینه برای گرایش مردم این منطقه به اسلام و گسترش زبان فارسی فراهم شد.^۵ در این دوران، تمدن و فرهنگ اسلامی ایرانی شکوفایی بیش‌تری یافت. اوج اقتدار سلجوقیان در زمان ملک‌شاه بود که توانست به کمک وزیر دانشمند خود، خواجه‌نظام‌الملک توسی، پایه‌های حکومتش را تحکیم بخشد. خواجه نظام‌الملک، نظامیه‌هایی را که مرکز تعلیم و تعلم بودند، پایه‌گذاری کرد که نظامیه‌های نیشابور و بغداد مشهورترین آن‌ها هستند.

یکی از موضوعات مهم دوران خوارزمشاهیان، کشمکش پی در پی آن‌ها با خلفای عباسی بود. همین عامل، با ورود مغولان به ایران، زمینه را برای ضعف و زوال آن‌ها فراهم ساخت.

هجوم مغول به ایران

یکی از دلایل حمله‌ی مغول به ایران، واقعه‌ی اترار بود که به کشته شدن بازرگانان اعزامی

۱- ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۸، ص ۵۲۰. هم چنین ن. ک: فقیهی، تاریخ آل بویه، ص ۷۳-۷۰.

۲- فردوسی، شاهنامه را به مدت ۳۰ سال در حدود سال‌های ۳۷۱ تا ۴۰۲ به پایان رساند.

۳- منطقه‌ای در ترکیه امروز

۴- بیزانس

۵- پس از استقرار حاکمیت سلجوقیان در آسیای صغیر، شاخه‌ای از آنان که به سلجوقیان روم شهرت یافتند، در این منطقه حاکمیت

یافتند.

از سوی چنگیزخان انجامید. این حادثه بهانه‌ای برای حمله به ایران بود.^۱ لشکرکشی مغولان یکی از بزرگ‌ترین راهپیمایی نظامی تاریخ به‌شمار می‌رود. حدود ۲۵۰ هزار نفر از قبایل مغول، در سرمای سخت از سرزمین مغولستان در شمال چین، به فرمان‌دهی تموچین (چنگیزخان) به سوی ایران سرازیر شدند.^۲ هدف نخستین آن‌ها شهر آترار بود، اما پس از قتل عام اهالی این شهر و دستگیری عاملان قتل بازرگانان، به سوی شهر بخارا و سایر ایالت‌های ایران پیشروی کردند.^۳ حمله‌ی مغول هم‌چون طوفانی سهمگین، نه‌تنها طومار حکومت خوارزمشاهی را در هم پیچید، بلکه بیش‌تر شهرهای ایران را ویران و مظاهر تمدن باشکوه دوران اسلامی را نابود کرد. دامنه‌ی این تندباد، علاوه بر ایران، بخش‌های زیادی از جهان اسلام را نیز درنوردید.^۴



مقبره الجایتو. سلطانیه

۱- میرخواند، روضة‌الصفاء، ج ۵، ص ۸۳؛ ابن‌اثیر، الکامل فی‌التاریخ، ج ۵، ص ۱۸۸؛ رشیدالدین فضل‌الله، جامع‌التواریخ،

ج ۱، ص ۲۸.

۲- گروسه، امپراتوری صحرانوردان، ص ۱۰-۲.

۳- عطاملک جوینی، تاریخ جهانگشا، ص ۸۴؛ گروسه، امپراتوری صحرانوردان، ص ۲۰۲؛ یاقوت حموی، معجم‌البلدان، ص ۴۸۶.

۴- رشید، دو، سقوط بغداد، ص ۲۹۱-۵؛ رشیدالدین فضل‌الله، جامع‌التواریخ، ص ۲۰۷.

پس از مرگ چنگیزخان، حدود یک قرن حکومت ایلخانان بر ایران تحمیل شد.^۱ اگرچه مغولان در عرصه‌ی نظامی‌گری بر ایران پیروز شدند، اما در عرصه‌ی فرهنگ و تمدن مغلوب ایران شدند. پویایی فرهنگ و تمدن ایران اسلامی، قوم مهاجم را در خود حل کرد. مغولان به تدریج دست از تندخویی کشیدند و اعتقادات خرافی خود را کنار گذاشتند. غازان‌خان، علاوه بر پذیرش آیین اسلام، تابعیت از خان بزرگ مغول را نیز کنار گذاشت و استقلال حکومت ایلخانی را کامل کرد. در این دوران، بزرگانی چون خواجه شمس‌الدین صاحب دیوان، خواجه نصیرالدین توسی، عظاملک جوینی، رشیدالدین فضل‌الله همدانی، مصلح‌الدین سعدی شیرازی و مولوی بلخی، با فعالیت‌های سیاسی، علمی و ادبی خود، علاوه بر مهارجوی ویرانگر مغولان، چراغ تمدن و فرهنگ ایران و اسلام را افروخته نگه داشتند.^۲

با آن‌که مغولان در آغاز ویرانی‌های بسیاری به همراه آوردند، ولی بر اثر آشنایی با فرهنگ ایران و اسلام، از طریق آنان فرهنگ، هنر و تمدن ایران و اسلام رواج یافت. پس از پایان حکومت ایلخانان، حکومت‌های ملوک‌الطوایفی و محلی متعددی چون تیموریان، آل جلایر، آل مظفر، سربداران و آل کرت، اتابکان، قراقویونلوها و آق قویونلوها طی قرن‌های هشتم و نهم ق بر ایران حکومت کردند، اما هیچ‌کدام نتوانستند یکپارچگی ایران را حفظ کنند. سرانجام در سال ۹۰۷ق، حکومت صفوی



میدان تاریخی امیر چخماق در مرکز شهر یزد

۱- باسورث، تاریخ ایران از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان ج ۵، ص ۲۲-۳۲۱ و ۳۲۹.
 ۲- ن.ک: رشیدالدین فضل‌الله، جامع‌التواریخ، ص ۷۱۵؛ ساندرز، تاریخ فتوحات مغول، ص ۱۲۰-۱۱۴؛ اقبال آشتیانی، تاریخ مغول و اوایل تیمور در ایران، ص ۲۰۱ به بعد.

توانست پس از نه قرن، با محور قرار دادن مذهب تشیع و ملیت ایرانی، سرزمین تجزیه شده‌ی ایران را متحد و یکپارچه سازد و هویت ملی و استقلال آن را هم‌چون گذشته احیا کند.

ایران در عصر صفویه

صفویان حکومتی تشکیل دادند که بیش از دو سده دوام یافت. در پرتو این حکومت مقتدر، علاوه بر برقراری امنیت و رونق اقتصادی، پیشرفت بازرگانی و کشاورزی و صنعت، تشکیل ارتش منظم و سیاست خارجی مقتدرانه، آن‌ها توانستند فرهنگ و تمدن ایران و اسلام را بار دیگر شکوفا کنند. هنر و معماری در این دوره نیز از نظر کمی و کیفی توسعه و تحول یافت. اصفهان، پایتخت صفویان، دارای مجموعه‌ای از معماری عصر صفوی است که نشان می‌دهد، معماری ایرانی



مسجد امام از آثار دوره‌ی صفوی در اصفهان

اسلامی به روزگار طلایی خود رسیده است.^۱ این شهر در عصر شاه عباس اول یکی از بزرگ‌ترین و آبادترین شهرهای جهان بود، به طوری که شاردن، جهانگرد فرانسوی، آن را بزرگ‌تر و پررونق‌تر از پاریس توصیف کرده است.^۲ در عصر صفویه، دانشمندان و فلاسفه‌ای چون میرداماد، شیخ بهایی، ملاصدرا شیرازی، میرفندرسکی و علامه مجلسی با نگرش آثار ارزشمند و طرح اندیشه‌های نو، زمینه‌های رشد و شکوفایی رشته‌های علوم اسلامی مانند حدیث، فقه و فلسفه را فراهم آوردند.^۳ هم‌چنین، هنرمندانی چون کمال‌الدین بهزاد، علی رضا عباسی و رضا عباسی در زمینه‌ی خط و نقاشی، آثار گران قدری پدید آوردند.^۴

صفویه در عصر شاه عباس بزرگ به اوج اقتدار رسید.^۵ پس از مرگ وی، اختلاف‌های درون خاندان صفوی و سران طایفه‌ها، موجب تضعیف روزافزون این سلسله شد. با به سلطنت رسیدن شاه سلیمان، سلسله‌ی صفویه به سرعت وارد دوره‌ای از زوال شد، تا آن‌که عاقبت با تحریک و حمایت پادشاه گورکانی هند، افغانان غلجایی قندهار شورش کردند و پس از محاصره‌ی طولانی اصفهان، شاه سلطان حسین، پادشاه بی‌کفایت صفویه را به تسلیم واداشتند و به حیات این دولت پایان دادند.^۶

در فاصله‌ی زوال صفویان تا پیدایش سردار قدرتمندی چون نادر، ایران دچار بی‌نظمی و ناامنی بود و مدعیان حکومت در گوشه و کنار کشور، برای کسب قدرت باهم در ستیز بودند. نادرشاه افشار توانست افغان‌های شورش‌گر را سرکوب کند و با شکست عثمانی‌ها و تصرف هند، بر اقتدار ایران بیفزاید.^۷ نادرشاه به اتکای پشتکار، سخت‌کوشی و شجاعت خود توانست غرور ملی جریحه‌دارشده‌ی ایرانیان را ترمیم و عظمت دوران سلسله‌ی صفوی را تجدید کند. با کشته‌شدن نادرشاه در سال ۱۱۵۹ ق به‌دست سرداران سپاهش، بار دیگر ایران دچار ضعف و اختلاف شد.

فرمانروایی کریم‌خان زند، پس از یک دوره کشمکش از سال ۱۱۶۵ ق آغاز شد. او شیراز را

۱- سیوری، ایران عصر صفویه، ص ۱۱۲-۱۱۰؛ زکی، هنر ایران، ص ۴۴-۳۷.

۲- شاردن، سیاحت‌نامه‌ی شاردن، ج ۵، ص ۹-۱۲۶. هم‌چنین ن. ک: کیانی، پایتخت‌های ایران، ص ۶۰۱-۵۷۱.

۳- کرین، تاریخ فلسفه اسلامی، ص ۵۶ به بعد.

۴- ن. ک: کن‌بای، نقاشی ایرانی، ص ۱۰۳-۹۷.

۵- سیوری، ایران عصر صفویه، ص ۶۶.

۶- ن. ک: لاکهارت، انقراض سلسله‌ی صفویه، ج ۲، ص ۱۲۰-۱۰؛ سیوری، ایران عصر صفویه، ص ۲۲-۲۱۳.

۷- جونس، زندگی نادرشاه، ص ۹۰؛ فلور، حکومت نادرشاه، ص ۹۵.



مجسمه و آرامگاه نادرشاه افشار در مشهد مقدس

به پایتختی خود انتخاب کرد و هیچ‌گاه خود را پادشاه نخواند و لقب و کیل‌الرعا یا را برگزید. کریم‌خان زند توانست با شیوه‌ی حکومت‌داری توأم با ملاحظت، عدالت و رفاه نسبی، نام نیکی از خود بر جای بگذارد.^۱ وی تلاش کرد روابط خارجی ایران را که به دلیل هرج و مرج و نبود امنیت دچار اختلال شده بود، سامان بخشد، هم‌چنین در برابر گسترش فعالیت‌های بازرگانی انگلستان در ایران ایستادگی کرد^۲ و از منافع نامشروع و استعماری این دولت جلوگیری به عمل آورد.

۱- ن. ک: آصف، رسم‌التواریخ، ج ۲، ص ۲۷۶؛ گلستانه، مجمل‌التواریخ پس از نادر، ص ۱۷۲؛ نوایی، ایران و جهان از مغول تا قاجار، ج ۱، ص ۴۲؛ نامی اصفهانی، گیتی‌گشا در تاریخ زندیه، ص ۲۸.

۲- شعبانی، مختصر تاریخ ایران در دوره‌های افشاریه و زندیه، ص ۱۹۲ و ۱۷۸؛ نوایی، ایران و جهان از مغول تا قاجار، ج ۱،

بیش تر بدانید

کریم خان زند درباره سیاست‌های استعماری انگلستان به کارگزاران خود گفته است: این فرنگیان همچنان که هندوستان را به مکر و خدعه و تزویر و نیرنگ مسخر کردند. می‌خواهند ایران را نیز مالک و متصرف شوند. اگر فکر می‌نمایید که فرنگی صاحب حسن سلوک است، بدانید چنانچه بر ایران غالب و مسلط گردد شما صاحب مناصب عالی‌ه نخواهید بود، آنان همه شما را می‌کشند و احدی از شما را زنده نخواهند گذاشت... اگر العیاذبالله فرنگی ایران را مالک شود برای این که خاطرش کاملاً جمع شود اسلام را برمی‌اندازد و بزرگان ایران را خوار و ذلیل می‌سازد.^۱

کریم خان بدون این که جانشینی برای خود تعیین کند، درگذشت. پس از مرگ او، کشمکش بر سر تصاحب قدرت، در میان جانشینان او ادامه یافت. این وضعیت موجب بهره‌برداری رقیب آن‌ها یعنی ایل قاجار شد که مدت‌ها در انتظار حکمرانی به سر می‌بردند.^۲ سرانجام طومار حکومت لطفعلی خان، آخرین فرمانروای خاندان زند، توسط آقا محمدخان قاجار در هم پیچیده شد.^۳

اندیشه و جست و جو

- ۱- در مورد یکی از شهرهای باستانی ایران که در سال‌های اخیر اکتشافات باستان‌شناسی در آن انجام شده است، مقاله‌ای تهیه کنید.
- ۲- درباره‌ی یکی از آثار باستانی مربوط به دوران باستان در استان خود، مطلبی تهیه کنید.
- ۳- درباره‌ی خصوصیات معنوی و یکتاپرستی ایرانیان پیش از اسلام مقاله‌ای تهیه کنید.
- ۴- در مورد خدمات ایرانیان و سهم آنان در تمدن جهان مطلبی برای روزنامه دیواری مدرسه‌ی خود بنویسید.

۱- رستم‌التواریخ، صص ۳۷۳-۳۸۶.

۲- حسینی فسائی، فارس‌نامه‌ی ناصری، ج ۲، ص ۵۹۷.

۳- ن. ک: شمیم، ایران در دوره‌ی سلطنت قاجار، ص ۳۲ به بعد.

حکومت قاجار از آقامحمدخان تا محمدشاه

در این درس ابتدا با شکل‌گیری سلسله‌ی قاجار و سپس با جنگ‌های ایران و روس و پیامدهای آن آشنا می‌شوید. تداوم تلاش‌های استعمارگران، و جنگ هرات، از دیگر موضوع‌های این درس است. «معاهده‌ی ارزنه‌الروم» بحث پایانی این درس را تشکیل می‌دهد.

بنیاد سلسله‌ی قاجار

ایل قاجار^۱ مانند سایر ایل‌ها و عشایر بزرگ ایران، یکی از عوامل مؤثر در تحولات سیاسی و اجتماعی ایران به شمار می‌آید. این ایل از ترکمانان بود و در زمان مغولان به ایران کوچ کرد. به هنگام تشکیل سلسله‌ی صفوی توسط شاه اسماعیل، ایل قاجار در شمار ایل‌هایی بود که به یاری او پرداخت و بعدها در جرگه‌ی قزلباش‌ها درآمد.^۲

پس از سقوط حکومت صفوی، نادرشاه افشار میانه‌ی خوبی با قاجاریان نداشت. زیرا آنان مدافع حکومت قبلی یعنی حکومت صفوی بودند. پس از مرگ نادرشاه، قاجارها، مانند دیگر ایلات کوشیدند قدرت را در ایران به دست بگیرند. اما رهبر قاجارها یعنی، محمدحسن خان، جان خود را بر سر دست‌یابی به قدرت، از دست داد، و فرزندش، آقامحمدخان، به اسارت کریم‌خان زند درآمد و حکومت به خاندان زند منتقل شد.

با مرگ کریم‌خان زند، آقامحمدخان از دربار او گریخت، و سرانجام با غلبه بر لطفعلی‌خان، آخرین فرمانروای زند، حکومت را در کشور به دست گرفت.

۱- واژه قاجار برگرفته از واژه‌ی ترکی قاج یا قاج (کاج) است که از مصدر قاجمک (گیتمک) به معنی فرار کردن می‌باشد و پسوند «ار» نشانه اسم فاعلی آن است. بنابراین واژه (قاج + ار) به معنی کسی که فرار می‌کند، یا کسی که در کوهستان می‌دود و نیز مرد دونده و به عبارت روشن‌تر مردی که تند می‌دود، آمده است.

۲- در جنگ با عثمانی‌ها نیز، شاه اسماعیل از یاری قاجارها بهره جست. ر. ک. به: نفیسی، «تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در

دوره‌ی معاصر»، ج ۱، ص ۲۸.



آقا محمدخان مؤسس حکومت قاجاریه

به این ترتیب، آقا محمدخان توانست سلسله‌ی قاجار را در ایران بنیاد نهد. وی تهران را که در آن زمان روستایی در حومه‌ی ری بود به پایتختی برگزید. این سلسله از سال ۱۱۷۴ تا ۱۳۰۴ ش. یعنی قریب صد و سی سال، بر ایران فرمانروایی کرد.

تلاش برای اعاده‌ی حاکمیت ایران بر قفقاز

قاجارها درست در زمانی به قدرت رسیدند که ایران درگیر رقابت‌های دولت‌های اروپایی شده بود. کاترین کبیر امپراتریس روسیه و جانشینان او می‌خواستند بر گرجستان که تحت حاکمیت مسیحیان بود و خان‌نشین‌های قفقاز که تحت کنترل مسلمانان بود، استیلای کامل خود را برقرار سازند. درحالی که این‌ها سرزمین‌هایی بودند که زمانی تحت حاکمیت صفویه قرار داشت و آقا محمدخان و قاجار به مدعی آن بود. وی برای اعمال حاکمیت دوباره بر ایالت‌های شروان و گرجستان که در دوران زند به زیر سلطه‌ی روس‌ها رفته بودند، دست به تلاش‌هایی زد. یکی از موفقیت‌های وی، بازپس‌گیری شهر تفلیس از دست روس‌ها، در سال ۱۱۷۴ ش. بود.^۱ اما بعداً در لشکرکشی به قفقاز، توسط عده‌ای از همراهانش به قتل رسید.^۲

هجوم سیاسی — نظامی استعمارگران اروپایی به ایران

الف) جنگ‌های ایران و روس: قتل آقا محمدخان در قفقاز، موجب بروز هرج و مرج در نیروی نظامی ایران شد. فتحعلی‌شاه برادرزاده‌ی او در شرایطی به سلطنت رسید که روسیه با حمله‌های پی‌درپی، ابتدا گرجستان و سپس ایالت‌های دیگر را مورد تاخت و تاز قرار داد، و باعث بروز دوره‌ی اول

۱- آصف، رستم‌التواریخ، ص ۴۲۳؛ کدی، ایران دوران قاجار، ص ۳۹-۴۱.

۲- در سال ۱۱۷۶ ش. ۱۲۱۲ ق.



فتحعلی شاه، دومین پادشاه قاجاریه

جنگ‌های ایران و روس شد. این جنگ‌ها از سال ۱۱۸۲ تا ۱۱۹۱ ش. به درازا کشید، و به بسته شدن «عهدنامه‌ی گلستان»^۱ انجامید. به موجب این عهدنامه، ایران حاکمیت روسیه را بر ولایت‌هایی که تا آن زمان اشغال کرده بود به رسمیت شناخت. به این ترتیب ایالات داغستان و گرجستان و شهرهای باکو، دربند، شیروان، قره‌باغ، شگی، گنجه، موقان و قسمت بالای طالش، به روسیه واگذار شد. به علاوه، حق کشتی‌رانی در دریای خزر، از ایران سلب گردید، در برابر، روسیه نیابت سلطنت عباس میرزا را در ایران به رسمیت شناخت و رساندن او به سلطنت را تعهد کرد. این بند که ظاهراً امتیازی برای ایران به

۱- چون این معاهده در روستای گلستان از توابع قره‌باغ نوشته شد، به این نام مشهور گردید.



قلمرو ایران (در اوایل قاجاریه)

حساب می‌آمد، در واقع به منزله‌ی نادیده گرفتن استقلال کشور و به رسمیت شناختن دخالت روسیه در امور داخلی آن بود.

در این جنگ‌ها، علمایی هم‌چون آیت‌الله شیخ جعفر نجفی کاشف الغطاء و آیت‌الله سید محمد مجاهد، که مقیم عتبات عالیات بودند، و ملا احمد نراقی و برخی از علمای ایران، فتوای جهاد علیه روس‌ها دادند، و بعضی از آن‌ها خود نیز در جبهه‌های جنگ شرکت کردند. این امر موجب شد که مردم ایران و حتی شهرهای نجف و کربلا، مشتاقانه در مناطق اشغالی به مقابله با روس‌ها پردازند و جلو پیشروی آنان را بگیرند.

عباس میرزا در این جنگ‌ها از خود شجاعت و کاردانی زیادی نشان داد. اما متأسفانه، به سبب ضعف و غفلت فتحعلی‌شاه و دربارش و خیانت انگلستان به ایران، سرانجام این دوره از جنگ‌ها، به

نفع دولت روسیه و زبان مردم ایران خاتمه یافت.^۱

بدرفتاری روس‌ها با ساکنان ولایت‌هایی که طبق معاهده‌ی گلستان به آن کشور واگذار شده بود، موجب نارضایتی این مردم شد؛ و آنان شروع به دادخواهی کردند. از سوی دیگر، معاهده‌ی گلستان در مورد تعیین خط‌های مرزی بین ایران و روسیه، مبهم بود. همین مسأله نیز، موجب دست‌درآزی روس‌ها به خاک ایران، از جمله اراضی اطراف ایروان و آذربایجان شد.

این عوامل سبب بروز جنگ‌های دوم ایران و روس، طی سال‌های ۱۲۰۴ تا ۱۲۰۶ ش. شد. در ابتدا، در اثر فتوای علمایی هم چون آیت‌الله سیدمحمد هاشم مجاهد، مردم مسلمان، مشتاقانه وارد جنگ با روس‌ها شدند، و عباس میرزا موفق شد مناطق بسیاری را از دست دشمن آزاد کند. اما بار دیگر خیانت دولت انگلستان و بی‌کفایتی دربار ایران، سرنوشت جنگ را به نفع دولت روسیه تزاری رقم زد. این دوره از جنگ‌ها، با بسته شدن قرارداد ننگین دیگری به نام «ترکمانچای» خاتمه یافت. مطابق این معاهده، علاوه بر سرزمین‌هایی که در عهد نامه‌ی گلستان به روس‌ها واگذار شده بود، ایروان، نخجوان و بخشی از دشت مغان نیز از ایران جدا شد و به روسیه تعلق گرفت؛ ایران متعهد به پرداخت پنج میلیون تومان غرامت به روسیه شد. هم‌چنین، برقراری حق کاپیتولاسیون یا قضاوت کنسولی، بر ایران تحمیل گردید. به موجب این حق، هرگاه اتباع روسی مقیم ایران مرتکب جرمی می‌شدند، دادگاه‌های ایران حق رسیدگی نداشتند، بلکه مراجع قضایی دولت روسیه می‌بایست به آن جرم رسیدگی می‌کردند.

فکر کنید و پاسخ دهید:

چرا روس‌ها خواستار اجرای کاپیتولاسیون در ایران شدند؟

ب) ایران در دام رقابت و توسعه‌طلبی فرانسه و انگلستان: علاوه بر روس‌ها که توسعه‌طلبی و منفعت‌خواهی آنان سبب تحمیل جنگ‌های زیانبار بر ایران شد، دو دولت فرانسه و انگلیس نیز در جهت کسب منافع خود در ایران، با یکدیگر به رقابت پرداختند.

ناپلئون بناپارت، امپراتور فرانسه، که از حمله مستقیم به انگلستان ناتوان بود،^۲ قصد داشت با تصرف مستعمره‌های انگلیس، این کشور را شکست دهد. مهم‌ترین مستعمره‌ی انگلیس، هندوستان بود؛

۱- ضعف دستگاه اداری کشور نیز در این شکست‌ها تأثیر داشت. زیرا در آن زمان، بار اصلی جنگ با روس‌ها بر دوش چهار ایالت شمالی ایران بود.

۲- چون انگلستان یک جزیره و دارای نیروهای دریایی قوی بود، قدرت دفع هرگونه تهاجم دریایی را داشت.



نابلیون بناپارت

که دسترسی به آن، از راه ایران امکان پذیر بود. به این منظور، ناپلئون قرارداد «فین کن اشتاین^۱» را با ایران بست. براساس این معاهده، فرانسه متعهد شد که ایران را در جنگ با روسیه کمک کند. در مقابل، ایران برای حمله به متصرفات انگلستان در هند، با افغان‌ها و قبایل هرات و قندهار متحد شود، و به انگلستان، اعلان جنگ دهد. همچنین، در صورتی که تصمیم ناپلئون بر لشکرکشی به هندوستان قرار گیرد، اجازه‌ی عبور لشکر او از ایران، به آن کشور داده شود.

از آن جا که همه‌ی استعمارگران به دنبال منافع، و نه دوستی دایمی با ایران بودند، پس از آن

که ناپلئون با تزار روس عهدنامه‌ی «تیلسیت^۲» را بست، تعهدهای خود نسبت به ایران را زیر پا گذاشت؛ و دربار ایران که از حمایت فرانسه ناامید شده بود، به انگلستان روی آورد.

انگلستان ایران را سدّ محکمی در برابر تهاجم به مستعمره‌های خود در هندوستان می‌دانست، و علاقه‌مند بود که در دربار ایران نفوذ کند. دولت ایران، با امضای توافق‌نامه‌ای با انگلستان در سال ۱۱۸۷ ش، کوشید که حمایت این کشور را جلب کند. به موجب این توافق‌نامه که به عهدنامه‌ی «مجمل» مشهور است، انگلستان تعهد کرد که هرگاه نیروی نظامی دولت‌های اروپایی به ایران حمله کنند، نیروی نظامی در اختیار ایران قرار دهد، و یا در عوض آن، به دولت ایران کمک مالی کند.

در سال ۱۱۹۰ ش، پس از پیروزی روس‌ها در مرحله‌ی اول جنگ، انگلستان معاهده‌ای با ایران منعقد کرد که به عهدنامه‌ی «مفصل» معروف شد. این عهدنامه در سال ۱۱۹۲ ش. به امضای فتحعلی‌شاه رسید؛ و مفاد آن به گونه‌ای بود که استقلال ایران را بر باد می‌داد.

برخی از تعهدهای ایران در این عهدنامه عبارت بودند از:

- ۱- قبول حکمیت نماینده‌ی انگلیس در اختلاف‌های مرزی خود با روسیه
- ۲- خودداری از بستن قرارداد با روسیه یا هر دولت سومی که دشمن انگلیس باشد.

۱- Finkeneshtien

۲- Tilsit

۳- استخدام نکردن افسر و افراد نظامی برای آموزش سپاه ایران، از کشورهایی که با انگلستان روابط دوستانه ندارند.

در برابر، انگلیس به تعهدات مبهم و بیش‌آمدهای احتمالی ملزم شد. برای مثال:

۱- اگر دولت ثالثی به خاک ایران تعرض کند، انگلستان حتی‌المقدور از کمک و مساعدت به ایران خودداری نکند.

۲- انگلستان از کمک به سرکشان و شاهزادگانی که علیه تاج و تخت پادشاه قاجار قیام کنند، خودداری کند.

انگلستان نیز مانند فرانسه، در مقابل سازشی که با روسیه انجام داد، به تعهدات خود عمل نکرد. این کشور نه تنها روابطی دوستانه با ایران برقرار نکرد، بلکه به منظور جلب دوستی دولت استعماری روسیه، مستشاران خود را از ارتش ایران فراخواند؛ از کمک به ایران خودداری کرد، و داوری سفیر خود را در پیمان صلح ایران و روسیه، به ضرر ایران، بر کشور ما تحمیل کرد.

جنگ هرات

شهر هرات دروازه‌ی هندوستان شمرده می‌شد، و در آن زمان جزء ایران بود. اما حکمران آن‌جا، کامران میرزا، با تحریک انگلیس‌ها علیه حکومت مرکزی ایران شورش کرده بود، و حتی گاهی به مناطق دیگر ایران دست‌اندازی می‌کرد.

پس از پایان جنگ‌های ایران و روسیه، فتحعلی‌شاه برای جبران ناکامی‌های خود متوجه شرق ایران و بازپس‌گیری هرات شد. فتحعلی‌شاه، ولیعهد خود، عباس میرزا، را به سوی هرات روانه کرد. ولی او قبل از انجام مأموریت فوت کرد و فتحعلی‌شاه نیز پس از زمان کوتاهی درگذشت. روس‌ها نیز ایران را در حمله به هرات تشویق می‌کردند. زیرا از سویی با انگلستان رقابت داشتند، و به خطر افتادن مستعمره‌های انگلیس در هند را به مصلحت خود می‌دانستند، و از سویی دیگر، مشغول شدن ایران در جنگ هرات را مایه‌ی فراموشی ایالت‌های از دست رفته‌ی شمالی، توسط دولت ایران می‌دانستند.

پس از مرگ فتحعلی‌شاه، محمد میرزا (فرزند عباس میرزا) به پادشاهی رسید. محمدشاه پس از سرکوب مدعیان سلطنت، صدراعظم خوشنام و شایسته‌ی خود میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی را به قتل رساند. پس از آن که کامران میرزا حاکم هرات دوباره نافرمانی کرد، محمدشاه اقدام به محاصره‌ی هرات کرد.

انگلستان به کمک عاملان خود در دربار ایران، تلاش زیادی کرد که ایران را از حمله به هرات باز



محمدشاه قاجار

دارد. محمدشاه به تحریک‌ها و دخالت‌های آشکار «مک‌نیل» سفیر انگلیس، اعتراض کرد. در پی این اعتراض، مک‌نیل با اعلام قطع روابط ایران و انگلیس (۱۲۱۷ ش) از ایران خارج شد؛ و هشدار داد که در صورت خاتمه نیافتن محاصره‌ی هرات، جنگ بین انگلستان و ایران، آغاز خواهد شد.

انگلیسی‌ها سرانجام جزیره خارک را اشغال کردند و تهدید کردند که در صورت ادامه‌ی محاصره‌ی هرات، در خاک ایران پیشروی خواهند کرد. محمدشاه که توان رویارویی با انگلیسی‌ها را در خود نمی‌دید و از جانب روس‌ها هم، حمایت عملی دریافت نکرده بود. دست از محاصره‌ی هرات برداشت.

بیش‌تر بدانید

میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی (قائم مقام ثانی)

میرزا ابوالقاسم قائم مقام ثانی وزیر عباس میرزا نایب السلطنه و صدراعظم محمدشاه، پسر میرزا عیسی فراهانی مشهور به میرزا بزرگ از رجال بزرگ ادب و سیاست ایران است. وی مدتی وزارت عباس میرزا را بر عهده داشت و پس از مرگ پدرش در سال ۱۲۳۷ ق، منصب قائم مقامی نیز به او اعطا شد. از این تاریخ به بعد، بیش‌تر اوقات همراه عباس میرزا بود. در آن مدت، فتحعلی‌شاه او را به وزارت و سرپرستی پسر خود فرخ میرزا نیرالدوله که حاکم همدان بود، منصوب کرد. میرزا ابوالقاسم که از اوایل دوره دوم جنگ‌های ایران و روس وارد دستگاه عباس میرزا شده بود، مخالف از سرگیری جنگ با روسیه بود. وی در ابتدای سلطنت محمدشاه به منصب صدارت منصوب شد. اما در حالی که در صدد انجام اصلاحات در مملکت بود، محمدشاه فرمان قتل او را در ماه صفر ۱۲۵۱ ق صادر کرد. منشآت از جمله آثار قائم مقام فراهانی است.

فکر کنید و پاسخ دهید:

چرا انگلیسی‌ها ایران را از محاصره و تصرف هرات باز داشتند؟

معاهده‌ی دوم ارزنة الروم^۱

دو کشور ایران و عثمانی، از دوره‌ی حکومت صفوی با یکدیگر اختلاف داشتند. دولت‌های استعمارگر نیز به این اختلاف‌ها دامن می‌زدند. چون جنگ بین دو کشور مسلمان را، به نفع خویش می‌دانستند. در زمان قاجارها نیز، این اختلاف‌ها ادامه پیدا کرد. در دوره‌ی فتحعلی‌شاه، عباس میرزا به خاک عثمانی لشکر کشی کرد. اما با وجود پیشروی قابل توجه، این لشکر کشی برای ایران نتیجه‌ای به دنبال نداشت، و دو کشور، تن به سازش دادند.

در زمان حکومت محمد شاه، اختلاف‌های مرزی بین ایران و عثمانی افزایش یافت، و درگیری‌های پراکنده‌ای بین دو کشور روی داد. سرانجام در شهر ارزنة الروم مذاکراتی بین نمایندگان ایران و عثمانی با حضور نمایندگان روسیه و انگلستان برای حل اختلاف‌ها انجام شد. نماینده‌ی ایران در این مذاکره‌ها میرزا تقی‌خان فراهانی امیر نظام بود که بعدها صدراعظم ناصرالدین شاه شد و به «امیر کبیر» مشهور گردید.

این مذاکره‌ها به عهدنامه‌ی دوم ارزنة الروم انجامید. به موجب این قرارداد، ایران از ادعاهای خود درباره‌ی بعضی مناطق، از جمله سلیمانیه، دست برداشت. در مقابل، دولت عثمانی، حاکمیت ایران بر خرمشهر و ساحل چپ اروندرود، نیز کشتی‌رانی در این رودخانه را، به رسمیت شناخت. علاوه بر آن، دولت عثمانی متعهد شد که از آزار و اذیت زائران ایرانی عتبات عالیات جلوگیری کند، و تسهیلات لازم را برای بازرگانان کشور ما در آن سرزمین، فراهم آورد.

۱- عهدنامه اول ارزنة الروم در سال ۱۲۰۲ ش بین نمایندگان ایران و عثمانی به امضاء رسید. با این حال به دلیل عدم تعیین دقیق مرزهای دو کشور، مدتی بعد مذاکرات دوباره آغاز و سرانجام به امضای معاهده‌ی دوم ارزنة الروم منجر شد.

پرسش‌های نمونه

- ۱- مفاد عهدنامه‌ی گلستان چه بود؟
- ۲- چه عواملی موجب بروز دوره‌ی دوم جنگ‌های ایران و روسیه شد؟
- ۳- مفاد عهدنامه‌ی ترکمانچای چه بود؟
- ۴- براساس کاپیتولاسیون، اتباع دولت روسیه در ایران از چه حقی برخوردار شدند؟
- ۵- هرکدام از دو دولت فرانسه و ایران براساس معاهده‌ی فین‌کن‌اشتاین چه تعهداتی داشتند؟
- ۶- چرا روس‌ها ایران را به لشکرکشی به سوی هرات تشویق می‌کردند؟
- ۷- مفاد عهدنامه دوم ارزنة‌الروم چه بود؟

دوران ناصرالدین شاه

دوران ناصرالدین شاه، چهارمین پادشاه قاجار، که پنجاه سال به طول انجامید، موضوع این درس است. در این درس هم‌چنین با سه شخصیت بزرگ دوران معاصر، یعنی میرزای شیرازی، امیرکبیر و سیدجمال‌الدین اسدآبادی آشنا خواهید شد.



ناصرالدین شاه

دوران طولانی سلطنت ناصرالدین شاه با چند

موضوع شناخته می‌شود:

۱- قتل صدراعظم دانشمند و ایران دوست، میرزاتقی خان امیرکبیر، به تحریک فاسدان و بدخواهانی که منافعشان به خطر افتاده بود.

۲- آشنایی تدریجی گروهی از ایرانیان با پیشرفت‌های اروپاییان.

۳- واگذاری امتیازات اقتصادی و فرهنگی به بیگانگان؛ نظیر امتیاز رویتر، امتیاز لاتاری و امتیاز خرید و فروش تنباکو.

صدارت امیرکبیر

پس از مرگ محمدشاه، فرزند شانزده ساله‌اش، ناصرالدین میرزا، به سلطنت رسید. او امیرکبیر را به صدارت برگزید.

میرزاتقی خان فراهانی ملقب به امیرکبیر از شخصیت‌های استقلال طلب و میهن دوست تاریخ معاصر ایران به شمار می‌آید. او در دوران زندگی سیاسی خود، چه قبل از صدارت و چه در زمان

کوتاه صدارت، برای حفظ تمامیت ارضی و مبارزه با دخالت بیگانگان، تلاش زیادی کرد. در روزگار او، سیاست داخلی و خارجی ایران به شدت تحت تأثیر دولت‌های بیگانه، به ویژه روسیه و انگلیس قرار داشت، و کار امیرکبیر در اتخاذ سیاست مستقل، بسیار دشوار و تحسین برانگیز بود.



میرزاتقی خان امیرکبیر

امیرکبیر از مردان بزرگ تاریخ ایران است. او با اراده‌ی استوار به اصلاح امور پرداخت و در مدت سه سال و سه ماه صدارت، اقدام‌های بزرگی انجام داد. که به گوشه‌ای از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- لغو لقب‌های طولانی و بی‌معنی، و اکتفا به کلمه‌ی جناب، حتی نسبت به مقام صدارت.

۲- منع رشوه‌خواری، و برقراری حقوق ثابت برای مأموران دولت.

۳- فرستادن شاگردانی به اروپا، برای کسب مهارت‌ها و دانش‌های جدید.

۴- استخدام معلمان و استادان خارجی، به ویژه از کشورهای غیر از انگلیس و روس.

۵- ترجمه‌ی کتاب، نشر روزنامه.

۶- تأسیس مدرسه‌ی عالی در تهران و ارائه‌ی طرح مدرسه‌ی دارالفنون؛ که پس از برکناری او شروع به کار کرد.

۷- جلوگیری از دخالت نمایندگان خارجی در امور داخلی ایران.



مدرسه‌ی دارالفنون

۸- دفع فتنه‌ی سالار^۱ در خراسان، و فرقه بایبه.

۹- تقویت ارتش ملی کشور.

۱۰- تلاش در جهت استقلال اقتصادی و توسعه‌ی صنعتی ایران.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما هدف امیرکبیر از مقابله با دخالت نمایندگان دولت‌های خارجی در امور داخلی ایران چه بود؟

بیش‌تر بدانید

یکی از ترفندهای استعمار برای از بین بردن بنیان‌های اعتقادی و فرهنگی کشورهای اسلامی، به‌وجود آوردن فرقه‌های منحرف مانند مسلک بابی در دوره‌ی محمدشاه و فرقه‌ی بهایی در دوره‌ی ناصری، در ایران بود. سید علی محمد باب، رهبر فرقه‌ی گمراه و منحرف بایبه، که ابتدا ادعای کرد باب، یعنی واسطه‌ی میان امام زمان (عج) و مردم است، در نهایت مدعی پیامبری و آوردن دین جدید شد. او پس از آن که در مجلس مناظره نتوانست از ادعاهای واهی خود دفاع کند، توسط علمای شیعه تکفیر گردید. وی در زمان ناصرالدین‌شاه در قلعه‌ی چهریق آذربایجان زندانی بود؛ و پس از سرکوب اغتشاش‌های بایبان در مازندران و زنجان، به دستور امیرکبیر، به اتفاق یکی از همراهانش، در میدان صاحب‌الزمان (عج) تبریز اعدام شد.^۲

واگذاری امتیازات به بیگانگان

کشورهای اروپایی که در اثر انقلاب صنعتی به رشد و شکوفایی اقتصادی رسیده بودند، به بازارهای مصرف و مواد اولیه ارزان قیمت نیاز داشتند. بنابراین، دولت‌های استعماری، روزه‌روز بر نفوذ خود در کشورهای دیگر می‌افزودند. دولت ایران، به ویژه از عهد ناصرالدین‌شاه، که با هزینه‌های سرسام‌آور خوش‌گذرانی‌ها و مسافرت‌های او به اروپا روبه‌رو بود، با واگذاری امتیازات به دولت‌های استعماری، سعی در تأمین این مخارج داشت. بنابراین دو دولت استعماری روس و انگلیس، ده‌ها امتیاز سیاسی و اقتصادی و حتی فرهنگی در ایران برای خود کسب کردند.

۱- سالار؛ پسر آصف‌الدوله، والی خراسان در زمان محمدشاه قاجار بود، که علم شورش و تجزیه‌طلبی را در آن ایالت برافراشت.

شورش او تا زمان ناصرالدین‌شاه ادامه داشت. امیرکبیر با اعزام سپاهیان زیادی، سرانجام موفق به ختم غائله شد؛ و سالار و همراهانش به قتل رسیدند. (ن.ک. به: پینا، «تاریخ سیاسی و دیپلماسی ایران» هم‌چنین: سپهر، «ناسخ‌التواریخ»، ص ۱۷۱ به بعد.)

۲- آدمیت، امیرکبیر، ص ۴۴۹؛ خسروشاهی، اسناد و مدارک درباره بهائی‌گری، ج ۲، ص ۴۵ به بعد؛ شهبازی، جستارهایی از

تاریخ بهائی‌گری، ص ۱۳.



میرزا ملکم خان

بی تردید افرادی که زیر نفوذ این دولت‌های استعماری بودند، در دادن این امتیازها نقشی چشمگیر داشتند. هم چنان که میرزا حسین خان سپهسالار و میرزا ملکم خان، عاملان اصلی واگذاری امتیاز رویترو و امتیاز لاتاری به دولت استعماری انگلیس بودند.

از سوی دیگر، علمای دین که پناهگاه مردم در مبارزه با بیگانگان بودند، در ناکام گذاردن استعمارگران و عاملان آنان در رسیدن به هدف‌های شومشان، تأثیر بسیار داشتند.

در این جا به سه امتیاز استعماری رویترو، لاتاری و توتون و تنباکو اشاره می‌شود:

امتیاز رویترو

این امتیاز در زمان ناصرالدین شاه (۱۲۵۰ ش./۱۸۷۲ م.) با تلاش میرزا حسین خان سپهسالار و صدر اعظم وقت و همکاری میرزا ملکم خان به یک یهودی به نام بارون جولوس دو رویترو واگذار شد. به موجب قرارداد رویترو، حق احداث راه آهن و تراموا و بهره‌برداری از کلیه معادن و منابع ایران به جز طلا و نقره و سنگ‌های قیمتی، نیز بهره‌برداری از جنگل‌ها و احداث قنات‌ها و کانال‌های آبیاری به مدت هفتاد سال و اداره گمرک‌ها و حق صدور همه نوع محصولات انگلیسی به ایران، به مدت بیست و پنج سال به رویترو واگذار شد. در مقابل رویترو تنها مبلغ دو بیست هزار لیره برای تأمین هزینه‌های سفر ناصرالدین شاه به اروپا به صورت وام پرداخت کرد.^۱

۱- بعداً معلوم شد که میرزا حسین خان سپهسالار ۵۰ هزار لیره، میرزا ملکم خان ۲۰ هزار لیره، معین‌الملک ۲۰ هزار لیره و مبالغی نیز اقبال‌الملک به عنوان رشوه برای عقد این قرارداد از سوی انگلیسی‌ها دریافت کرده‌اند. خاطرات سیاسی امین‌الدوله، ص ۲۲-۳۴؛ اعتماد السلطنه، کتاب خلسه، ص ۸۶؛ بامداد، رجال ایران، ص ۴۰۷-۴۱۱؛ فرهاد معتمد، سپهسالار اعظم، ص ۱۷۰.

بیش‌تر بدانید

وقتی خبر اعطای این امتیاز منتشر شد، شگفتی و حیرت بسیاری را برانگیخت. به طوری که لرد کرزن یکی از مأموران امپراتوری انگلیس در هند و خاورمیانه، درباره‌ی این امتیاز نوشت: «عجیب‌ترین امتیازی که در طول تاریخ نظیر ندارد و به موجب آن، تمام منابع طبیعی کشوری به یک خارجی تسلیم گشته است».^۱

روس‌ها از منافع سرشاری که این قرارداد برای رقیب آن‌ها در پی داشت ناراضی بودند و به آن اعتراض کردند و خواستار لغو آن شدند. در داخل کشور نیز مخالفت‌های شدیدی با این امتیاز صورت گرفت؛ مجتهد بزرگ تهران، آیت‌الله حاج ملا علی کنی به شدت با قرارداد رویتز مخالفت کرد. سرانجام ناصرالدین شاه مجبور به لغو امتیاز شد. هم‌چنین میرزا حسین خان سپهسالار را از صدارت برکنار کرد.^۲ رویتز که امتیاز بزرگی را از دست داده بود به تلاش برای جبران این خسارت پرداخت و در نهایت موفق شد امتیاز بانک شاهنشاهی را به مدت شصت سال، از شاه بگیرد.

امتیاز لاتاری

در سال ۱۲۶۷ ش. میرزا ملکم خان (معروف به ناظم‌الدوله) که خود را از روشنفکران مخالف استبداد و مدافع قانون می‌شمرد، ناصرالدین‌شاه را قانع کرد که امتیاز تأسیس قمارخانه (لاتاری) را، بدون ذکر نام صاحب امتیاز، به او واگذار کند. در آن امتیاز نامه شرط شده بود که میرزا ملکم خان بدون اجازه نهایی شاه آن را به کسی انتقال ندهد. اما او در ازای دریافت چهل هزار لیره، آن را به یک کمپانی انگلیسی واگذار کرد. پس از آشکار شدن امتیاز لاتاری، علمای دینی ایران با اعلام حرام بودن لاتاری به عنوان یک قمار، انگلیسی‌ها را در دست‌یابی به منافع آن ناکام گذاشتند.

شاه و دربار نیز وقتی متوجه سوء استفاده‌ی ملکم خان از این امتیاز شدند، از همان تاریخ او را از تصدی به کلیه مقام‌های مهم دولتی محروم کردند و سهام‌داران شرکت سرمایه‌گذاری، ملکم خان را به تقلب و کلاهبرداری متهم و از وی به مراجع قانونی شکایت کردند.

۱- کرزن، ایران و قضیه‌ی ایران، ص ۶۲۱-۶۴۴.

۲- اسناد وزارت خارجه، صندوق ۱۴؛ یکصد سند تاریخی، گزارش مشیرالدوله، ص ۲۱۰-۲۱۱.

بیش‌تر بدانید

میرزا ملک‌خان در سال ۱۲۳۷ ش. به پیروی از لژهای فراماسونری اروپایی، در ایران اقدام به تأسیس فراموش‌خانه (نوع ایرانی فراماسونری) کرد. او با استفاده از موقعیت تدریس در دارالفنون، عده‌ای از دانش‌آموزان آن مرکز را به عضویت فراموش‌خانه در آورد. ملک‌خان ایرانیان را فاقد شعور می‌دانست، و با عبارت‌هایی زننده و توهین‌آمیز از مردم ایران سخن می‌گفت. او معتقد بود که باید بدون هیچ دخل و تصرفی، در همه چیز از غرب تقلید کرد.^۱

نهیض تحریم تنباکو؛ نخستین حرکت مردمی فراگیر بر ضد استعمار

یکی از امتیازاتی که در دوره‌ی قاجار به دولت استعماری انگلیس واگذار شد، انحصار خرید و فروش توتون و تنباکو^۲ در داخل و خارج ایران به مدت پنجاه سال بود، که به یک انگلیسی به نام «تالبوت» داده شد. از این رو، این قرارداد به «قرارداد تالبوت» مشهور شده است؛ و از آن جا که نام شرکت او «رژئی» بود، این عهدنامه را رژئی نیز می‌نامند.

ناصرالدین‌شاه این امتیاز را برابر دریافت سالانه پانزده هزار لیره و $\frac{1}{4}$ سود سالانه، به تالبوت واگذار کرده بود. در حالی که دولت عثمانی، با وجودی که از محصول توتون و تنباکوی کمتری برخوردار بود، این امتیاز را برابر دریافت سالانه هفتصد هزار لیره، به یک کمپانی خارجی واگذار کرده بود.

مردم ایران که می‌دیدند محصول توتون و تنباکوی خود را باید به بهای کمی به بیگانه بفروشند و برای مصارف داخلی، دوباره آن را به قیمتی گزافی بخرند، شروع به قیام و اعتراض نسبت به این قرارداد کردند. این مخالفت، در شهرهایی مانند، تبریز، شیراز، اصفهان و تهران، به اوج خود رسید. عالمان دین، در شهرهای مختلف رهبری این نهیض را به دست گرفتند. آیت‌الله آقا نجفی اصفهانی در اصفهان، آیت‌الله سید علی اکبر فال اسیری در شیراز^۳، آیت‌الله میرزا حسن آشتیانی

۱- ن. ک. به: الگار، «ملک‌خان»، ص ۱۱۴-۱۲۰؛ تیموری، «عصر بی‌خبری»، ص ۱۹۱؛ مدنی، «تاریخ سیاسی معاصر ایران»، ج ۱، ص ۳۸-۳۵؛ کتیرایی، «فراماسونری در ایران»، ص ۱۴۷-۱۴۰.

۲- باید توجه داشت که توتون و تنباکو، از کالاهای مهم بازرگانی آن دوران به حساب می‌آمد، و نقش زیادی در اقتصاد کشور بازی می‌کرد.

۳- در آن زمان، اهمیت محصول توتون و تنباکو در فارس بیش از نقاط دیگر ایران بوده است. سید علی اکبر فال اسیری، در شیراز، پس از تجمع مردم در مسجد وکیل، بر بالای منبر رفت و سخنانی آتشین علیه دولت و صاحب امتیاز آن بیان کرد. در پایان سخنرانی، شمشیری را از زیر عبا بیرون آورده و اظهار داشت: «موقع جهاد عمومی است. ای مردم، بکوشید! من یک شمشیر و دو قطره خون دارم. هر بیگانه‌ای که برای انحصار دخانیات به شیراز بیاید، شکمش را با این شمشیر پاره خواهم کرد.» تیموری، تحریم تنباکو، اولین مقاومت منفی در ایران، ص ۶۹.



آیت‌الله میرزای شیرازی

و آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری در تهران و آیت‌الله میرزا جواد آقا مجتهد تبریزی در تبریز، از جمله‌ی این روحانیون بودند. آنان خطر سلطه‌ی استعمار انگلیس را به مردم گوشزد کردند. در این میان، شیخ فضل‌الله نوری، به عنوان نماینده‌ی میرزای شیرازی، مرجع بزرگ شیعیان، در ایران عمل می‌کرد و نقش اساسی در گرفتن فتوای تحریم تنباکو از مرجعیت بزرگ شیعه داشت.

سید جمال‌الدین اسدآبادی نیز به مخالفت با این قرارداد برخاست، او در این باره، نامه‌ای به آیت‌الله میرزای شیرازی که در سامرا بود، نوشت. سرانجام حکم تاریخی این مجتهد بزرگ و صاحب

نفوذ صادر شد، و نهضتی بزرگ در سراسر ایران پدید آورد که حتی به درون دربار شاه نیز نفوذ کرد.^۱ نهضت تحریم تنباکو، نمونه‌ای از دفاع روحانیت از حقوق مردم در مقابله با استبداد داخلی و استعمار خارجی بود، که آثار و پیامدهای مهمی بر تحولات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی تاریخ معاصر گذاشت.

حکم مذکور چنین بود:

«بسم الله الرحمن الرحيم

اليوم، استعمال تنباکو و توتون بآی نحو کان، در حکم محاربه با امام زمان عجل الله تعالی فرجه است.^۲

حررة الاحقر، محمدحسن الحسيني.»

۱- کربلایی، شیخ حسن، تاریخ دخانیه، ص ۶۲-۶۵، ۱۰۴-۱۰۸، ۱۲۰ و ۱۳۶؛ ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۱، ص ۴۴-۴۶.

۲- ترجمه‌ی این حکم چنین است: امروز استعمال تنباکو و توتون به هر شکلی در حکم دشمنی و ستیز با امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه است.

بیش‌تر بدانید

خودداری زنان دربار از استعمال تنباکو

اعتمادالسلطنه یکی از شخصیت‌های مشهور زمان سلطنت ناصرالدین شاه است. یکی از آثار اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات اوست. او در روزنامه‌ی خاطرات نوشته است:

«طوری مسأله تنباکو مهم است که حتی اندرون شاه، به هیچ‌وجه قلیان نمی‌کشند. شنیدم شاه به زنان خودش فرموده بود: «چه کسی قلیان را حرام کرده؟ بکشید...» یکی از خانم‌ها عرض کرد: «همان کسی که ماها را به شما حلال کرده.» شاه فرمود: «من می‌کشم؛ شما هم بکشید!» یکی از آنان گفت: «تکلیف مردم این نیست که تقلید شما را بکنند.»^۱

هم‌گرایی مسیحیان و یهودیان ایران در حمایت از تحریم تنباکو

بنا به روایت رساله دخانیه، حکم میرزای شیرازی در همان نیم روز اول تا صد هزار نسخه رسید و مایه‌ی شگفتی ایرانیان و اعجاب خارجیان شد. حتی بانوان و نوکران ناصرالدین شاه از کشیدن توتون و تنباکو امتناع کردند، به طوری که هیچ کس را یارای آن نبود که در خیابان به معامله یا مصرف تنباکو مشغول شود. تا جایی که مسیحیان و یهودیان هم تحریم شرعی را رعایت می‌کردند.^۲

برگی از تاریخ

سیدجمال‌الدین اسدآبادی (۱۲۱۷-۱۲۷۵ ش.)



محمدبن سیدصفدر، معروف به «سیدجمال» اندیشمند و سخنور بزرگ انقلابی، و از رهبران ضد استعماری ملت‌های مسلمان در عهد قاجار بود. وی در سال ۱۲۱۷ ش. در اسدآباد همدان به دنیا آمد. هرچند سیدجمال ایرانی و شیعه است، ولی درباره‌ی ملیت و مذهب او، برخی عقیده‌ای دیگر دارند. سیدجمال‌الدین اسدآبادی، از آن‌جا که از بنیانگذاران وحدت ملت‌های اسلامی بود، عمداً ملیت ایرانی و مذهب تشیع خود را مخفی نگاه می‌داشت. سیدجمال حافظه‌ای نیرومند داشت؛ و از فلسفه،

۱- اعتمادالسلطنه، «روزنامه‌ی خاطرات اعتمادالسلطنه»، ص ۸۹۳.

۲- هیدجی، رساله دخانیه، ص ۵۲-۵۳.

نجوم، علوم دینی و دانش‌های زمان خود بهره‌های فراوان برد. او مسافرت‌های زیادی به شرق و غرب عالم کرد؛ و در سراسر عمر، با استبداد و استعمار در مبارزه بود. درباریس مجله‌ی «العروة الوثقی» را انتشار داد و در آن، به سیاست انگلستان در شرق حمله کرد. و به همین دلیل با فشار انگلیسی‌ها، دولت فرانسه که مدعی دفاع از آزادی عقیده و مطبوعات آزاد بود مجله او را توقیف کرد!

در قاهره، استانبول، هند و افغانستان، با سخنرانی‌های آتشین خود، افکار آزادی خواهی را در بین مردم مسلمان پراکنده ساخت.

تأثیر سخنان او موجب ترور ناصرالدین شاه، پادشاه خودکامه‌ی قاجار، توسط میرزا رضا کرمانی شد.

سیدجمال در لندن روزنامه‌ی «ضیاء الخائفین» را به زبان‌های عربی و انگلیسی منتشر کرد. اما از سوی دولتمردان انگلیسی مورد تعقیب قرار گرفت، تا آن که مجبور به ترک خاک اروپا شد. او عاقبت در سال ۱۲۷۵ ش. به طور مشکوکی فوت کرد.

صدور این حکم سبب شد که شاه ناجار به تسلیم گردد؛ و ابتدا امتیاز داخلی دخانیات و سپس امتیاز خارجی آن، لغو شد. میرزای شیرازی، تا زمانی که به وسیله شیخ فضل‌الله نوری از لغو قرارداد تنباکو مطمئن نشد، تحریم تنباکو را لغو نکرد.^۱

این پیروزی بزرگ به رهبری روحانیون، سبب شد که ضربه‌ای سخت به استعمارگران و عاملان داخلی آنان وارد آید؛ و مردم باور کنند که توانایی ایستادگی در برابر استبداد داخلی و استعمار خارجی را دارند. بسیاری از تاریخ‌نویسان، این قیام را سرآغاز بیداری ایرانیان و طلیعه‌ی نهضت مشروطه دانسته‌اند.^۲

نهضت تحریم تنباکو، در شرایطی باورنکردنی به بار نشست. آن زمان، اوج اقتدار امپراتوری انگلیس بود؛ گستردگی این امپراتوری به اندازه‌ای بود که ملکه‌ی انگلستان ادعا می‌کرد که در قلمرو کشورش، آفتاب هرگز غروب نمی‌کند. در واقع در این نهضت، مردم ایران توانستند برای نخستین بار، در برابر مقتدرترین دولت عالم، در آن زمان، ایستادگی کنند، و آن را وادار به پذیرش خواسته‌های خود کنند.^۳

۱- حسین زاده، «شیخ فضل‌الله نوری در ظلمت مشروطه»، ص ۲۳۹.

۲- ناظم الاسلام کرمانی، کتاب خود، «تاریخ بیداری ایرانیان»، را با شرح این واقعه آغاز کرده است.

۳- درباره‌ی نهضت تحریم تنباکو، نسخه‌ای خطی با عنوان: «رساله‌ی دخانیه و اجازه‌ی کمپانی و تلگرافات» از شیخ حسن کرلایی برجا مانده است. هم‌چنین رساله دیگری به همین نام، تألیف حکیم حاج محمدعلی هیدجی به کوشش علی اکبر ولایتی در این باره منتشر شده است.

پرسش‌های نمونه

- ۱- امیرکبیر در دوره‌ی صدارت خود چه اصلاحات و اقداماتی انجام داد؟
- ۲- چرا کشورهای اروپایی در دیگر کشورها نفوذ می‌کردند؟
- ۳- براساس قراردادی که با روتر بسته شد، چه امتیازاتی به این شخص داده شد؟
- ۴- در داخل و خارج از ایران چه مخالفت‌هایی علیه امتیاز روتر ایجاد شد؟
- ۵- امتیاز توتون و تنباکو با چه شرایطی به تالبوت واگذار شد؟ آن را با امتیازی که دولت عثمانی به یک شرکت خارجی واگذار کرده بود، مقایسه کنید.
- ۶- چه کسی فتوای تحریم توتون و تنباکو را صادر کرد و این فتوا چه نتیجه‌ای به دنبال داشت؟

اندیشه و جست‌وجو

- ۱- مطلبی درباره‌ی نقش درباریان و عوامل بیگانه نقش اصلی در بدبینی ناصرالدین شاه نسبت به امیرکبیر تهیه کنید.
- ۲- در مورد «خودکامه‌بودن» ناصرالدین‌شاه و تأثیر آن در جلوگیری از انجام اصلاحات در ایران، مطلبی تهیه کنید.
- ۳- در مورد یکی از مدارسی که در زمان ناصرالدین شاه به شیوه‌ی جدید ایجاد شد، مطلبی تهیه کنید.

زمینه‌های نهضت مشروطه

مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای:
«باید به مشروطه افتخار بکنیم و مشروطه را جزو نقاط عطف تاریخ ایران بدانیم.
خواسته‌ی علما در مشروطه، عدالت‌خواهی بود. تحصن‌ها، فداکاری‌ها، ایستادگی‌ها و
مقابله‌هایی که با دستگاه استبداد صورت گرفت، فقط یک درخواست اخلاقی محض
نبود. عدالتی که آن‌ها می‌خواستند، عدالت در زمینه‌ی مسائل حکومتی بود...»^۱

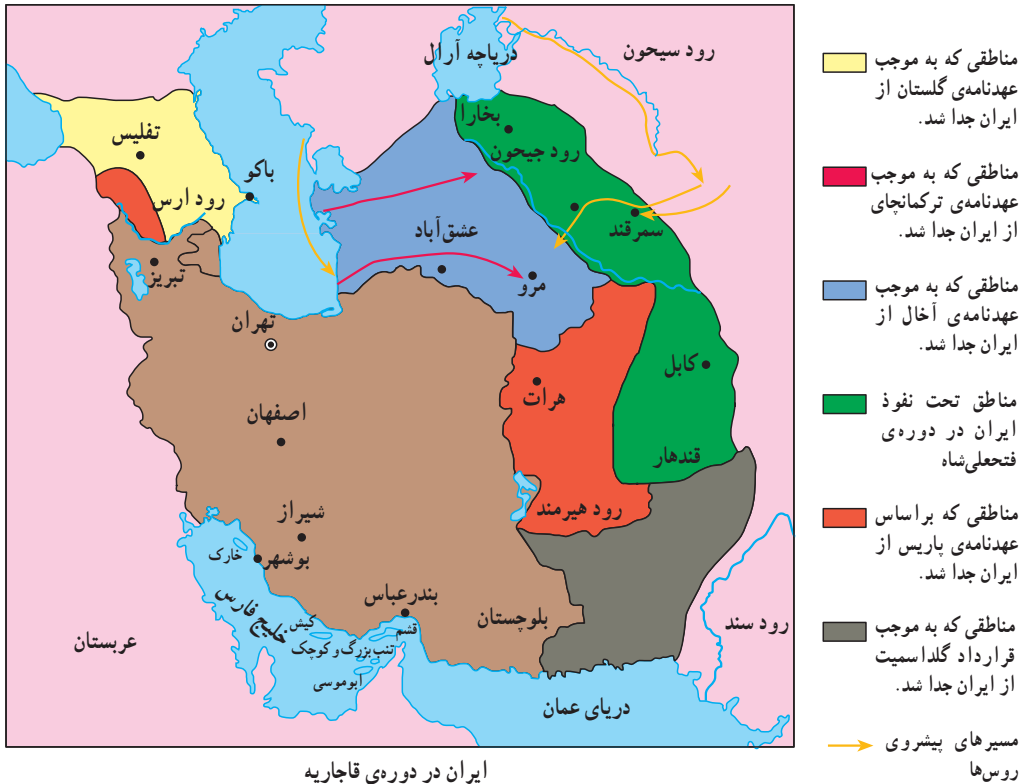
نهضت مشروطه یکی از حوادث بزرگ تاریخ معاصر ایران است، که تأثیر عمیق و پایداری در تحولات فکری و سیاسی جامعه‌ی ما گذاشته است.
در بررسی ریشه‌های پیدایش این نهضت، عواملی چند قابل تأمل اند که به تشریح آن‌ها می‌پردازیم.

۱- از دست رفتن سرزمین‌هایی از چهار سوی ایران

یکی از دلایل نارضایتی مردم از حکومت قاجار، از دست رفتن سرزمین‌هایی بود که به‌وسیله‌ی دولت‌های استعمارگر روس و انگلیس از ایران جدا شده بودند.
قسمت‌هایی که توسط روسیه از ایران جدا شد عبارت بودند از: کل قفقاز در شمال غربی و منطقه‌ی ماوراءالنهر در شمال شرقی (شامل کشورهای قزاقستان، تاجیکستان و ترکمنستان کنونی) به این ترتیب، در شرق و غرب دریای خزر، مناطق و ایالت‌های وسیع و زرخیزی از ایران جدا شدند.
سرزمین‌هایی که توسط انگلستان از ایران جدا شد عبارت بودند از: ایالت‌های هرات و قندهار؛ و بخش بزرگی از بلوچستان.^۲

۱- www.Khamenei.ir

۲- محیط مافی، مقدمات مشروطیت، ص ۲۹؛ مجتهدزاده، نگاهی به چگونگی شکل‌گیری مرزهای خاوری ایران، ص ۲۴-۲۳.



ایران در دوره قاجاریه

۲- غلبه‌ی استعمار بر مملکت

کشورهای استعمارگر اروپایی از قرن شانزدهم میلادی شروع به اشغال سرزمین‌هایی در آسیا، آفریقا، و قاره آمریکا کردند و تا اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم کشورهای متعددی را زیر سلطه خود درآوردند. ایران نیز به دلایل موقعیت ویژه‌ی جغرافیایی و برخورداری از منابع سرشار مواد اولیه، مورد توجه کشورهای استعمارگر قرار گرفت.

ضعف حکومت قاجار و طمع‌ورزی و فساد مالی درباریان، زمینه‌ی سلطه‌ی بیگانگان بر مملکت را فراهم کرده بود. بارزترین نتیجه‌ی این وضعیت، امتیازهای متعددی بود که به خارجیان داده می‌شد. علاوه بر آن قرض‌هایی که شاهان قاجار از کشورهای بیگانه می‌گرفتند موجب سلطه‌ی بیش‌تر استعمارگران بر مملکت شد. علاقه‌ی شاهان قاجار به مسافرت به اروپا، انگیزه و میزان دریافت وام از بیگانگان را افزایش داد. ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه قرض‌هایی از روس و انگلیس دریافت کردند و به جای این که این پول را هزینه‌ی کارهای اساسی کنند آن را، خرج سفرهای خود به اروپا کردند.

دادن امتیازات، گرفتن وام و اعمال حق کاپیتولاسیون که از عهدنامه‌ی ترکمانچای برقرار شد و هم‌چنین دخالت‌های دولت‌های بیگانه در امور داخلی ایران احساسات ملی را جریحه‌دار کرده بود.

فکر کنید و پاسخ دهید:

موقعیت جغرافیایی ایران چه نقشی در توجه استعمارگران به مملکت ما داشته است؟

۳- استبداد دستگاه حاکم

حکومت قاجار بر بنیاد استبداد متکی بود و قدرت در دست شاه و اراده‌ی او متمرکز بود. مردم ایران هیچ‌گونه تضمین برای حفظ جان و مال و ناموس خود در مقابل دستگاه استبدادی نداشتند.^۱ شاه و بستگانش هر کاری که مایل بودند، انجام می‌دادند و هر بلایی که می‌خواستند، بر سر مردم می‌آوردند. در ایالت (استان)ها وضع بدتر از مرکز حکومت بود. حاکمان ایالت‌ها از میان شاهزادگان انتخاب می‌شدند و در منطقه‌ی خود مانند یک شاه عمل می‌کردند. روش انتصاب حاکمان ایالت‌ها به این طریق بود که این ایالت‌ها در ازای دریافت مالیات‌های سنگین ثابت سالیانه، به‌طور کامل در اختیار شاهزادگان قرار می‌گرفتند. این نوع واگذاری شبیه به فروش ایالت‌ها بود؛ بدین‌گونه فشار مالیاتی کمرشکنی بر مردم تحمیل می‌شد. به این دلیل مردم از حکومت قاجار ناراضی بودند.

۴- مخالفت‌های مردم و علما با استبداد و استعمار

توجه مردم مسلمان ایران به آموزه‌های دین اسلام نظیر امر به معروف و نهی از منکر، عدالت‌خواهی و لزوم دفع ظلم که در آیات قرآن کریم و سیره‌ی معصومین به آن پرداخته شده است، موجب می‌شد نسبت به این آموزه‌ها احساس تکلیف کنند. از سوی دیگر گسترش فعالیت علمای دینی در دوره‌ی سلطنت

۱- یک روز در بازگشت ناصرالدین شاه از زیارت حضرت عبدالعظیم (ع)، سربازهایی که پرداخت حقوقشان ماه‌ها عقب افتاده بود، می‌خواستند عریضه‌ای به شاه تقدیم کنند اما از طرف همراهان او، با ضرب و شتم پس رانده شدند. آن‌ها نیز از شدت ناراحتی چند تکه سنگ به سوی نوکرهای شاه پرتاب کردند. یکی از این سنگ‌ها به کالسکه‌ی شاه خورد و اسب‌ها رمیدند. به دستور ناصرالدین شاه، سربازان شاکی را که ده نفر بودند، با دستان بسته به شهر آوردند و همگی آن‌ها را در حضور او، با طناب خفه کردند. (ن.ک. : شیخ‌الاسلامی، افزایش نفوذ روس و انگلیس در ایران، ص ۱۰۵)

ناصرالدین‌شاه، موجب برقراری ارتباط منظم میان مردم و روحانیون گردید و در نتیجه زمینه‌ی پیدایش حرکتی فکری به رهبری عالمان دینی فراهم شد. گسترش این حرکت فکری موجب افزایش آگاهی مردم در زمینه‌ی مسائل اعتقادی و دینی شد و باورهای مذهبی و فرهنگی جامعه را در مقابل آیین‌های ساختگی و دسیسه‌های بیگانگان تقویت کرد. اولین ثمره‌ی این فعالیت‌ها، پیروزی در نهضت تنباکو بود که علاوه بر لغو قرارداد توتون و تنباکو، قدرت و رهبری روحانیون شیعه را در صحنه‌ی سیاسی کشور آشکار کرد و آسیب‌پذیری استبداد داخلی و استعمار خارجی را در برابر اراده‌ی ملت نشان داد. این جریان فکری و اعتراض‌آمیز از دوره‌ی ناصرالدین‌شاه به دوره‌ی سلطنت مظفرالدین‌شاه منتقل شد و به تدریج به نهضتی عظیم به رهبری روحانیون تبدیل گردید که آیت‌الله سید محمد طباطبایی، آیت‌الله سید عبدالله بهبهانی و آیت‌الله شیخ‌فضل‌الله نوری در داخل ایران و مراجعی همچون آیت‌الله محمد کاظم خراسانی، آیت‌الله شیخ عبدالله مازندرانی و آیت‌الله حاج میرزا حسین فرزند میرزا خلیل تهرانی در نجف اشرف آن را رهبری می‌کردند. اساس این نهضت بر مبارزه با استعمار خارجی و استبداد داخلی و تلاش برای برقراری عدالت در مملکت قرار داشت، تا با ایجاد عدالت‌خانه و «دارالشورا» قدرت و اختیارات پادشاه و حکام را محدود و با اجرای قوانین اسلامی از لجام‌گسیختگی آن‌ها جلوگیری کند.

۵- ورود اندیشه‌های جدید

عصری که در آن، شاهان سلسله‌ی قاجار با خودکامگی بر مردم حکومت می‌کردند، دوران تحول‌های فکری و آزادی‌خواهی در قسمت‌هایی از جهان بود، و در تعدادی از کشورها، حکومت «مشروطه» برقرار شده بود. از سال ۱۲۳۸ تا سال ۱۲۹۰ ش. کشورهای انگلیس، ایتالیا، دانمارک، اتریش، مجارستان، آلمان، فرانسه، ژاپن، روسیه، چین و مصر به حکومت مشروطه و یا جمهوری دست یافتند.^۱ ایرانیان نیز به طور مستقیم و یا غیرمستقیم، تحت تأثیر این نهضت‌ها و رویدادهای فراگیر قرار داشتند.

زمینه‌های ورود تفکر مشروطه‌خواهی به ایران، به شکل‌های مختلف نظیر اعزام دانشجو به خارج، سفرهای درباریان و سیاستمداران به خارج، و مهاجرت برخی از ایرانیان به کشورهای مختلف فراهم شد.

دست‌آورد معاشرت‌ها، مسافرت‌ها و مأموریت‌های مهاجران، دانشجویان، جهان‌گردان و دیپلمات‌های ایرانی که با کشورهای پیشرفته در تماس بودند، از راه انتشار روزنامه‌ها و چاپ کتاب‌ها، و در خلال نامه‌ها و سخنان آنان، به جامعه منتقل می‌شد.

۱- حائری، تشیع و مشروطیت، ص ۱.

الف - روزنامه‌ها: یکی از عامل‌هایی که در دوره‌ی قاجار سبب ایجاد تحولی بزرگ در مردم

شد، انتشار روزنامه‌ها بود. در آن زمان روزنامه‌های فارسی زبان دو دسته بودند: داخلی و خارجی. روزنامه‌های داخلی خود به دو دسته‌ی روزنامه‌های «دولتی» و «غیردولتی» تقسیم می‌شدند. «کاغذ اخبار»، «وقایع اتفاقیه»، «شرف» و «شرافت» از جمله روزنامه‌های دولتی بودند. «کاغذ اخبار» اولین روزنامه‌ی ایران بود که توسط میرزا صالح شیرازی انتشار یافت. «تربیت» و «ادب» از معروف‌ترین روزنامه‌های غیردولتی چاپ ایران بودند. «عروة الوثقی»، «اختر»، «قانون»، «حبل‌المتین»، «حکمت» و «ثریا» از مشهورترین روزنامه‌های فارسی زبان بودند که در خارج از کشور چاپ و وارد ایران می‌شدند.^۱

فکر کنید و پاسخ دهید:

چرا برخی روزنامه‌های فارسی زبان در خارج از کشور چاپ می‌شد؟

ب - آثار روشنفکران

۱- سفرنامه‌ها: اولین نشانه‌های اندیشه‌های نوین، در سفرنامه‌های عهد قاجار مشاهده می‌شود. سفرنامه‌ی میرزا صالح شیرازی - از اولین دانشجویان اعزامی به خارج - از معروف‌ترین این آثار است. میرزا صالح شیرازی در سفرنامه‌ی خود به روشنی از اندیشه‌های نوین غربی، به‌ویژه نظام حکومت مشروطه‌ی انگلیس، تعریف و تمجید کرده است. «سیاحت‌نامه‌ی ابراهیم بیگ» اثر حاج‌زین‌العابدین مراغه‌ای، یکی دیگر از این آثار است. در این سفرنامه، اوضاع نابه‌سامان کشور به زبان ساده بیان گردیده و در مقابل، از ویژگی‌های مثبت تمدن غرب سخن گفته است.

۲- کتاب‌ها و آثار دیگر: نوشته‌های میرزا ملکم‌خان، میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله، عبدالرحیم‌خان طالبوف و میرزا فتحعلی آخوندزاده معروف‌ترین آثاری هستند که در پیدایش مشروطه‌خواهی مؤثر بودند. پذیرش اندیشه‌های غربی و شیفتگی و خودباختگی بی‌چون و چرادر برابر فرهنگ بیگانه، از ویژگی‌های بارز افکار این افراد بود. آنان نهضت مشروطه‌طلبی مردم ایران را که بر مبنای عدالت‌خواهی و نفی استبداد و استعمار بود، با عقاید برخاسته از اندیشه‌های وارداتی و غربی خود درآمیختند.

۱- ن. ک: مولانا، سیر ارتباطات اجتماعی در ایران، ص ۹۴-۹۸؛ ذاکر حسین، مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت،

ص ۴۰-۴۴؛ صدره‌اشمی، تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۱، ص ۶۳.

پرسش‌های نمونه

- ۱- چه عواملی زمینه‌های نهضت مشروطه را فراهم کرد؟
- ۲- اندیشه‌ی سیاسی اسلام و فعالیت عالمان دینی چه نقشی در پیدایش مشروطه‌خواهی داشت؟
- ۳- نهضت تحت رهبری روحانیون در دوره‌ی ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه بر چه پایه‌هایی استوار بود و چه اهدافی را دنبال می‌کرد؟
- ۴- در دوره‌ی قاجار اندیشه‌های سیاسی جدید از چه طریقی به ایران راه یافت؟
- ۵- در آثار روشنفکران ایرانی دوره‌ی قاجار، به چه مسائلی توجه شده است؟

اندیشه و جست و جو

- ۱- سفرنامه‌ی یکی از ایرانیانی را که در زمان ناصرالدین شاه به اروپا سفر کرده، تهیه کنید و بخش‌هایی از آن را در کلاس بخوانید.
- ۲- در مورد یکی از روزنامه‌های زمان ناصرالدین شاه، مطلبی تهیه کنید.

آغاز حرکت مردم علیه استبداد و پیروزی نهضت مشروطه

در این درس با سیر حوادث و روی دادهایی که به پیروزی نهضت مشروطه انجامید، آشنا می‌شوید و به ماهیت آن بیش‌تر پی می‌برید.

مظفرالدین‌شاه

در اواخر دوره‌ی سلطنت ناصرالدین شاه، مردم، رفته رفته اعتراض خود نسبت به حکومت قاجار را آشکار کردند. ترور ناصرالدین شاه، آخرین نمونه‌ی این نارضایتی عمومی بود. او پادشاهی خودکامه بود که در طی حکمرانی پنجاه ساله‌اش، با شیوه‌های استبدادی، از ابراز علنی انتقادهای مردم جلوگیری می‌کرد. جانشین او، مظفرالدین شاه، فردی سست‌عنصر، بی‌اراده و بیمار بود و توانایی سروسامان دادن به امور کشور را نداشت. اما در عین حال، رئوف و مهربان بود. مظفرالدین شاه، عین‌الدوله را که فردی مستبد بود، به عنوان صدراعظم انتخاب کرد و اداره‌ی مملکت را به او سپرد.^۱

مظفرالدین شاه نیز مانند پدرش، سه بار به اروپا سفر کرد. پیامد این سفرها، هزینه‌هایی سنگین بود که دولت با گرفتن وام از بیگانگان، آن را تأمین می‌کرد.^۲

هم‌زمان، در روزنامه‌ها ماجراهایی از این سفرها درج می‌شد و خشم عمومی را برمی‌انگیخت.^۳ خشونت‌های عین‌الدوله و حاکمان ایل‌ها، همراه با فقر عمومی و رکود شدید اقتصادی نیز، بر این نارضایتی‌ها می‌افزود و کشور را در آستانه‌ی یک شورش سراسری قرار می‌داد.

۱- تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس، ص ۱۷۴-۱۸۷؛ یادداشت‌های ملک‌المورخین، ص ۵۱-۵۶.

۲- ن.ک: سفرنامه فرنگستان (سفر اول مظفر الدین شاه)، ص ۸۹ و ۲۱۷-۲۲۹؛ خاطرات احتشام السلطنه، ص ۴۷۸-۴۲۹؛ ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۱، ص ۱۲۸ به بعد؛ خاطرات سیاسی میرزا علی‌خان امین‌الدوله، ص ۲۶۳؛ تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس، ص ۱۶۰-۱۷۵؛ نهضت مشروطه ایران بر پایه اسناد وزارت امور خارجه، ص ۵۶.

۳- ن.ک اعتمادالسلطنه، «یادداشت‌های روزانه‌ی»، ص ۱۰۳؛ خانی، زمینه‌های خیزش مشروطه، ص ۲۸؛ «مقدمات مشروطیت»،

محرم سال ۱۳۲۳ ق/ فروردین ۱۲۸۴ ش. مناسب‌ترین فرصت را برای اعتراض‌های مردمی فراهم کرد. روحانیون با استفاده از حضور مردم در مراسم عزاداری حضرت اب‌عبدالله‌الحسین علیه‌السلام، ضمن تکیه بر جنبه‌ی ستم‌ستیزی قیام آن حضرت، پیام عدالت‌خواهی را بین مردم تبلیغ می‌کردند. از این تاریخ تا ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ ق/ ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ ش. سلسله حوادثی رخ داد که سرانجام به پیروزی نهضت مشروطه انجامید.^۱ در ادامه با مهم‌ترین حوادثی که منجر به پیروزی این نهضت شد، آشنا می‌شوید.

۱- ماجرای نوز بلژیکی

یکی از حوادث شتاب‌دهنده‌ی جنبش مشروطیت ماجرای نوز بلژیکی بود. این واقعه واکنشی در برابر توهین به مقدسات مردم مسلمان ایران به‌شمار می‌رود، که آغازگر یک جنبش عمومی شد. اروپاییانی که در تهران بودند، در مراسم سال نو محفلی می‌آراستند و در آن، با پوشیدن لباس‌های مختلف و زدن صورتک (ماسک) بر چهره، جشن بال‌ماسکه برپا می‌کردند. در مراسم سال ۱۲۸۳ ش. موسیو نوز بلژیکی، که طبق قرارداد گمرکی ایران و روسیه (۱۲۸۰ ش.) کارگزار روس‌ها در امور گمرک ایران بود، با لباس روحانیان و در حالی که قلیان به‌دست داشت، عکس گرفت. این عکس در محرم ۱۳۲۳ ق/ ۱۲۸۳ ش. در میان مردم عزادار پخش و موجب اعتراض مردم شد؛ زیرا بلژیکی‌ها که از سال ۱۳۱۵ ق/ ۱۲۷۶ ش. اداره‌ی گمرک‌های ایران را به‌دست گرفته بودند، با بدرفتاری افکار عمومی را بر ضد خود تحریک کرده بودند.

رهبری این حرکت را آیت‌الله سیدعبدالله بهبهانی به‌عهده داشت. در واقع این اولین جرقه‌ی نهضت مشروطه بود. پس از آن، طرفداران نهضت تلاش کردند حرکتی را که سیدعبدالله بهبهانی آغاز کرده بود، بدون نتیجه رها نشود. به اعتقاد آنان، این گام اگر با موفقیت به پیش می‌رفت، قدم‌های مهم‌تر پشت سر آن برداشته می‌شد.^۲ بنابراین، آیت‌الله سیدعبدالله بهبهانی با آیت‌الله سید محمد طباطبایی متحد شد. این اتحاد، تا پایان حرکت مذکور، ادامه یافت.^۳

همکاری این دو سید روحانی، مردم ستم‌دیده و آزادی‌خواهی را که از مدت‌ها قبل در «انجمن‌های مخفی» تشکل‌های کوچکی فراهم آورده بودند، امیدوار ساخت، تا از گوشه و کنار سر برآورند و آماده‌ی

۱- ناظم الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۱، ص ۲۱۷-۲۲۷.

۲- ن. ک: اعظام قدسی، خاطرات من، ج ۱، ص ۱۲۷-۱۲۸؛ صفایی، رهبران مشروطه، ج ۱، ص ۱۷۸؛ مدنی، تاریخ تحولات

سیاسی و روابط خارجی ایران، ص ۹۷.

۳- رضوانی، انقلاب مشروطیت، ص ۷۶-۷۷.



آیت الله بهبهانی



آیت الله طباطبایی

قیام شومند. در ادامه‌ی این جریان و همزمان با سفر سوم مظفرالدین‌شاه به اروپا، عده‌ای از بازرگانان در حرم حضرت عبدالعظیم (ع) تحصن کردند.^۱

۲- نارضایتی مردم ایالت‌ها

در ایالت‌ها نیز حادثه‌هایی رخ داد که نشان‌گر فراگیر بودن نارضایتی مردم بود. معروف‌ترین این حوادث ماجرای شلاق خوردن سه تن از علمای کرمان بود که برای مقابله با فرقه‌ی «شیخیه» در این شهر قیام کرده بودند. این سه، پس از آن‌که به فلک بسته شدند، از شهر اخراج گردیدند.

در ماه رمضان سال ۱۳۲۳ ق، به‌ویژه ایام عزاداری امیرالمؤمنین (ع)، محور اصلی سخنرانی واعظان تهران، موضوع توهین به این عالمان بود که برای حفظ تشیع در برابر فرقه‌های ساختگی به‌پا خاسته بودند.^۲

۱- آبراهامیان نوشته است: نخستین اعتراض به‌صورت یک راهبیمایی آرام در جریان مراسم عزاداری ماه محرم بود. حدود دو‌ست تن از مغازه‌داران و وام‌دهندگان، خواستار عزل موسیو نوز بلژیکی و بازپرداخت وام‌هایی که دولت از آن‌ها گرفته بود، شدند. (ایران بین دو انقلاب، ص ۱۰۴.)

۲- ن.ک: ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۱، ص ۳۰۹-۳۲۴؛ ملک‌زاده، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران،

ص ۸۰-۸۶.

در دیگر ایالت‌ها و شهرها نیز شرایط نامساعد بود؛ شعاع السلطنه، حاکم فارس، با ستمگری‌های خود، موجب نارضایتی مردم شده بود. مردم خراسان از ستمگری‌های آصف‌الدوله به جان آمده بودند. در قم، فردی که امتیاز جابه‌جایی مسافران تهران - قم را به‌دست آورده بود، آشکارا به خودسری می‌پرداخت. او که به «عسکر گاریچی» شهرت داشت، با بی‌احترامی به یک زن پاکدامن، عالمان قم را به واکنش واداشت، اما دولت به‌سادگی از کنار این حوادث گذشت. در نتیجه، دامنه‌ی اعتراض‌ها بیش‌تر گسترش یافت.^۱

۳- ماجرای بانک استقراضی روس

با وجود مخالفت عمومی، روس‌ها در محل یک قبرستان متروک، ساختمان بانک استقراضی روس را بنا نهادند. آیت‌الله سیدمحمد طباطبایی به شدت با این کار مخالفت کرد. مردم نیز از این اقدام روس‌ها، ناخشنود بودند. بنابراین، یک اعتراض عمومی شکل گرفت، اما روس‌ها، با بی‌اعتنایی، به کار خود ادامه دادند. تا این‌که موضوع به اطلاع مراجع تقلید نجف رسید. آیت‌الله سیدمحمد طباطبایی و سیدعبدالله بهبهانی و روحانی دیگری به‌نام میرزا مصطفی آشتیانی^۲، به همراه مردم تهران در یک شورش عمومی، ساختمان مذکور را با خاک یکسان کردند.^۳

۴- فلک شدن بازرگانان

در دوران قاجاریه برخی از کالاهای مورد نیاز مردم مانند نفت، کبریت و قند از روسیه وارد می‌شد. در اثر جنگ روس و ژاپن نرخ قند افزایش یافت.^۴ در اواخر ماه رمضان ۱۳۲۳ق/ ۱۲۸۴ ش. گران شدن قند، شعله‌های اعتراض را برافروخت. عین‌الدوله این موضوع را بهانه کرد تا از مردم، زهر چشم بگیرد. به اشاره‌ی او، علاءالدوله، حاکم تهران، بازرگانانی را که در ماجرای نوز بلژیکی به حرم حضرت عبدالعظیم پناهنده شده بودند، احضار کرد و برخی از آنان، از جمله حاج سیدهاشم، تاجر خوش‌نام قند، را به فلک بست. به همین سبب، شهر به هم ریخت؛ بازارها بسته شد و مردم در «مسجد شاه» گرد آمدند. در پی این تجمع، مردم نیرو گرفتند و

۱- اعظام قدسی، خاطرات من، ج ۱، ص ۱۲۸-۱۳۲.

۲- او پسر کوچک میرزا حسن آشتیانی معروف بود که در نهضت تنباکو نقشی فعال داشت.

۳- جهت اطلاع بیش‌تر ن. ک: ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۱، ص ۳۲۵-۳۲۸؛ اعظام قدسی، خاطرات من،

ج ۱، ص ۱۲۴-۱۳۰.

۴- ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۱، ص ۳۳۳؛ نهضت مشروطه بر پایه‌ی اسناد وزارت امور خارجه، ص ۱۲۹.



عبدالمجید میرزای عین الدوله

کشمکش بین طرفداران استبداد و عدالت خواهان، شدت گرفت. دولت به وحشت افتاد و با پا در میانی حاج میرزا ابوالقاسم امام جمعه، به طور موقت، قضیه فیصله یافت. حاج میرزا ابوالقاسم، داماد ناصرالدین شاه بود. او از جانب شاه به امامت جمعه‌ی تهران منصوب شده بود و از وی و دربار، پشتیبانی می‌کرد.

فردای آن روز، در مسجد شاه، مجلسی بزرگ برپا شد. این تجمع، با توطئه‌ی امام جمعه درباری و عوامل او که پشتیبان نظام استبدادی بودند، به تشنج کشیده شد و مأموران، با چوب و چماق به جان مردم افتادند. در پی این حادثه، اجتماع‌های بزرگی در منزل‌های علما برپا شد. به پیشنهاد آیت‌الله سید محمد طباطبایی، روحانیون و

مردم، با حالت اعتراض تهران را ترک و در حرم حضرت عبدالعظیم تحصن کردند.^۱

۵- مهاجرت صغری

مهاجرت روحانیون و مردم به شهر ری و تحصن در صحن حضرت عبدالعظیم به مهاجرت صغری مشهور است.

این مهاجرت، اولین مرحله‌ی اتحاد نیروهای ضد استبداد بود. هر روز بر عده‌ی این مهاجران افزوده می‌شد. عین‌الدوله برای بازگرداندن علما و مهاجران، به هر شیوه که متوسل شد، نتیجه نگرفت.^۲ از آنجا که درباریان فاسد، مانع از رسیدن خبرهای صحیح به مظفرالدین شاه بودند، مهاجران مجبور شدند سفیر عثمانی را واسطه قرار دهند و توسط او، خواسته‌های خود را به گوش شاه برسانند.

۱- اعظام قدسی، خاطرات من، ج ۱، ص ۱۳۴؛ ناظم الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان ج ۱، ص ۳۳۱؛ محیط مافی، مقدمات مشروطیت. ص ۸۶.

۲- کسروی، تاریخ مشروطه‌ی ایران، ص ۶۶.

مهم‌ترین آن خواسته‌ها به شرح ذیل بود :

– ایجاد عدالت‌خانه در همه‌ی شهرها، برای رسیدگی به شکایت‌های مردم و برقراری عدالت در جامعه.

– عمل به قانون اسلامی، به‌طور دقیق و به دور از ملاحظه‌های شخصی.^۱

مظفرالدین شاه و عین‌الدوله اعلام کردند که با خواسته‌های مهاجران موافق هستند. بنابراین، این مهاجرت، پس از یک ماه، خاتمه یافت.

۶- مهاجرت کبری

هنوز مدت زیادی از بازگشت مهاجران نگذشته بود که معلوم شد عین‌الدوله به آنان وعده‌ی دروغین داده و در پی آن است که با ایجاد اختلاف در میان آنان و دستگیری، تبعید و زندانی کردن رهبران قیام، جلوی حرکت‌های انقلابی دیگر را بگیرد. آیت‌الله طباطبایی چند بار به مظفرالدین شاه نامه نوشت و خواسته‌های مردم و بی‌اعتنایی عین‌الدوله را به او یادآور شد. اما این نامه‌ها یا به‌دست شاه نرسید و یا به آن‌ها توجه نکرد. وقتی عین‌الدوله دستور دستگیری و تبعید شیخ محمد واعظ را داد، بین مردم و سربازان درگیری پیش آمد و در نتیجه، چند نفر مجروح شدند و طلبه‌ای به نام سید عبدالحمید، به شهادت رسید. این حادثه، خشم مردم را برانگیخت و آنان جنازه‌ی سید را به مسجدی در مرکز شهر رساندند.

عین‌الدوله به سخت‌گیری بیش‌تر پرداخت و تهران حالت حکومت نظامی به خود گرفت.^۲ عین‌الدوله از علما خواست که به خانه‌هایشان بروند تا خواسته‌های آنان عملی شود. اما رهبران مردم، پس از بحث و تبادل نظر، تصمیم گرفتند این بار در اعتراض به اقدام‌های دولت، به شهر مقدس قم مهاجرت کنند. این مهاجرت که گسترده‌تر از مهاجرت قبل بود، به «مهاجرت کبری» معروف شد.

تحصن در سفارت انگلیس

به موازات مهاجرت عدالت‌خواهان به قم، عده‌ای در باغ سفارت انگلیس گرد آمدند و به بست نشستند. سنت «بست‌نشینی» و تحصن که از دیرگاه در ایران معمول بود، بیش‌تر در مساجد و

۱- برای دریافت اطلاعات بیش‌تر ن. ک: کسروی، تاریخ مشروطه‌ی ایران، ص ۷۱؛ ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۱،

ص ۲۹۶.

۲- حاکم نظامی، محمد ولی تنکابنی بود: ن. ک: ملک‌زاده، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ص ۲۵۷.



دیگ‌های غذا در سفارت انگلیس برای مشروطه خواهان

زیارتگاه‌ها و اماکنی صورت می‌گرفت که مورد احترام مردم قرار داشت و با باورهای دینی آن‌ها سازگار بود. مشروطه‌خواهان، بدون پناهندگی به سفارت انگلستان، می‌توانستند به خواسته‌های خود دست یابند. دولت انگلستان بر خلاف دولت روسیه که از دربار حمایت می‌کرد، به ظاهر

پشتیبان نهضت مشروطه بود. انگلستان، برای نیل به مقاصد و منافع استعماری‌اش این سیاست را در پیش گرفته بود. اما کسانی که از سیاست پیچیده‌ی استعمار انگلستان درک روشنی نداشتند و نسبت به غرض‌های بیگانگان غافل بودند، از تجربه‌ی جنبش تنباکو، درس و عبرت لازم را نگرفتند. از این رو، سفارت انگلستان در تهران که آرزویی جز اخراج طرفداران روسیه را از دربار نداشت، عده‌ای از عامل‌های شناخته شده‌ی خود را در بین آزادی‌خواهان وارد و مردم را به تحصن در سفارت‌خانه تشویق کرد.^۱

پیروزی نهضت و تشکیل مجلس شورای ملی

همراه با مهاجرت علمای تهران به قم، عالمان سایر شهرستان‌ها و مراکز ایالت‌ها نیز وارد میدان شدند و نهضت مردمی به اوج خود رسید. به‌خصوص، حضور شیخ فضل‌الله نوری، روحانی طراز اول تهران، در کنار آیت‌الله بهبهانی و آیت‌الله طباطبایی، بر استحکام قیام افزود. با اوج‌گیری نهضت، حکومت برای شنیدن خواسته‌های معترضان اعلام آمادگی کرد.

مهم‌ترین این خواسته‌ها عبارت بودند از:

- ۱- برکناری عین‌الدوله از صدارت
- ۲- فراهم کردن زمینه برای بازگشت مهاجران به تهران

۱- رابین، انجمن‌های سرّی در انقلاب مشروطیت، ص ۸۹. هم‌چنین ن. ک: نامور، برخی ملاحظات پیرامون تاریخ انقلاب مشروطیت،

۳- ایجاد عدالت‌خانه

۴- تشکیل دارالشورا (مجلس نمایندگان)

مظفرالدین شاه تسلیم خواسته‌های مردم شد. او عین‌الدوله را عزل کرد و فرمان تشکیل مجلس شورای ملی را در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ صادر کرد. هفت روز بعد، علما، با استقبال پرشکوه مردم، از قم بازگشتند. شهر چراغانی و جشن شادی به پا شد و در ۲۸ مرداد، اولین دوره‌ی مجلس شورای ملی با حضور نمایندگان تهران تشکیل گردید. عده‌ای از سیاستمداران مشروطه‌خواه، به تدوین قانون اساسی پرداختند.^۱ آنان با عجله آن را نوشتند و به امضای مظفرالدین شاه رساندند. شاه، ده روز پس از امضای قانون اساسی، درگذشت. به این ترتیب، کشور استبداد زده‌ی ما، با بهره‌گیری از اندیشه‌های سیاسی عالمان بزرگ دینی، کوشش فرهیختگان جامعه و مجاهدت مردم، به حکومتی دست یافت که می‌بایست براساس قانون اداره می‌شد.



بازگشت علما از مهاجرت کبری

۱- مخیرالسلطنه هدایت نوشته است: «صنیع‌الدوله، محتشم‌السلطنه، مشیرالملک، مؤتمن‌الملک و نگارنده، معین شدیم نظام‌نامه‌ی

انتخابات را بنویسیم.» («خاطرات و خطرات»، ص ۱۸۹).

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما چرا نمایندگان مجلس شورای ملی در نوشتن قانون اساسی مشروطه شتاب داشتند؟

پرسش‌های نمونه

- ۱- پیش از جریان مهاجرت صغری چه حوادثی موجب خشم و اعتراض مردم شد؟
- ۲- علل جنبش عمومی مردم تهران علیه نوز بلژیکی را توضیح دهید.
- ۳- مهاجران در مهاجرت صغری چه خواسته‌هایی داشتند؟
- ۴- منظور از سنت بست نشینی چیست و سفارت انگلستان در نهضت مشروطه چگونه از این سنت به سود منافع آن کشور استفاده کرد؟
- ۵- در هنگام مهاجرت کبری، چه خواسته‌هایی مطرح شد؟
- ۶- مظفرالدین شاه در راستای خواسته‌های مشروطه‌خواهان چه اقداماتی انجام داد؟

اندیشه و جست و جو

- ۱- در مورد مهاجرت مشروطه‌خواهان به قم، مطلبی تهیه کنید.
- ۲- با راهنمایی معلم خود یکی از کتاب‌هایی را که در زمان مشروطه نوشته شده و جریان مشروطه‌خواهی در آن وجود دارد، تهیه کنید و بخش‌هایی از آن را در کلاس بخوانید.

مشروطه در دوره‌ی محمدعلی شاه

در این درس با مشکل‌های موجود بر سر راه اولین دوره‌ی مجلس شورای ملی، و کارشکنی‌های محمدعلی شاه در این مورد و همچنین، جریان‌های سیاسی - فکری حاکم بر مجلس و دولت آشنا می‌شوید.

محمدعلی شاه



محمد علی شاه قاجار

بعد از مظفردالدین شاه، ولیعهد او، محمدعلی میرزا، با عنوان محمدعلی شاه، یکی از شاهان خودکامه‌ی دوره‌ی قاجار بود که نمی‌خواست در برابر قانون اساسی و مجلس شورای ملی تمکین کند. او در ۲۸ دی ماه ۱۲۸۵ جشن تاج‌گذاری بر پا کرد و از اشراف و نمایندگان دولت‌های خارجی برای شرکت در این مراسم دعوت به عمل آورد، اما نمایندگان مجلس شورای ملی را دعوت نکرد. این، اولین بی‌اعتنایی محمدعلی شاه به مجلس بود. او ملت را بنده و برده‌ی خود می‌پنداشت و نمایندگان مجلس را برای دخالت در امور کشور و مشورت در سیاست، لایق نمی‌دانست.^۱

پس از این ماجرا، کشمکش محمدعلی شاه با مجلس آغاز شد که سرانجام وی مجلس را به توپ بست. اما این، تنها مشکل نظام تازه تولد یافته‌ی مشروطه نبود. بلکه این نظام، دشواری‌هایی اساسی‌تر پیش‌رو داشت، که به شرح آن‌ها می‌پردازیم:

۱- ملک‌زاده، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ج ۲، ص ۲۲۰.

تدوین متمم قانون اساسی، و شدت گرفتن اختلافها

قانونی که در زمان مظفرالدین شاه به نام «قانون اساسی» تنظیم شد، دارای ضعف‌های زیادی بود. این قانون در پنجاه و یک اصل تنظیم شده بود و در حقیقت نظام‌نامه‌ای بود که اداره‌ی امور مجلس و حدود آن را روشن می‌ساخت. در این قانون، از حقوق و تکالیف دولت نسبت به ملت و بالعکس سخن به میان نیامده بود. بنابراین، لازم بود متممی بر آن نوشته و تکمیل می‌شد. به همین سبب، کمیسیونی متشکل از شش تن از نمایندگان، برای تدوین «متمم قانون اساسی» تشکیل شد.^۱

برگی از تاریخ



علامه نائینی (۱۳۱۵-۱۲۳۹ ش)

میرزا محمد حسین نائینی در یک خانواده‌ی مشهور و محترم در شهر نائین چشم به جهان گشود و پس از طی تحصیلات مقدماتی، در پانزده سالگی عازم اصفهان شد. پس از ده سال تحصیل در حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان، عازم عتبات عالیات شد و در سامرا از محضر میرزا محمدحسن شیرازی بزرگ کسب فیض کرد. دو سال پس از درگذشت میرزای شیرازی به کربلا رفت و بعد از دو سال اقامت در آن شهر، عازم نجف اشرف شد و در آن شهر مشغول تحقیق و تدریس گردید. او یکی از بزرگ‌ترین و نامورترین مراجع عصر خویش و یکی از محققان بزرگ در اصول فقه بود. به حدی که او را «احیاگر علم اصول» و نوآور در آن نامیده‌اند.

از وی آثاری متعدد بر جای مانده است که یکی از معروف‌ترین آن‌ها کتاب مشهور «تنبیه‌الأمه و تنزیه‌المله» است. این کتاب برای آگاهی مردم از انواع استبداد و خودکامگی پادشاهان به رشته‌ی تحریر درآمده و نظام مشروطه را از نظر مذهب شیعه بررسی کرده است. بنابراین، او یکی از رهبران فکری نهضت مشروطه، و به تعبیری، نظریه‌پرداز آن به شمار می‌رود.

با تلاش‌های پیگیر و مجاهدت‌های فراوان آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری اصل دوم متمم قانون اساسی تصویب شد که مورد تأیید علمای ایران و مراجع بزرگ نجف قرار گرفت. بنابراین اصل، در هر

۱- اعضای کمیسیون عبارت بودند از: سعدالدوله، نماینده‌ی اعیان تهران؛ حاج امین‌الضرب، نماینده‌ی تجار؛ حاج سیدنصرالله سادات

اخوی، نماینده‌ی علما؛ سیدحسن تقی‌زاده، نماینده‌ی تبریز؛ مشارالملك و مستشارالدوله (ن. ک: تاریخ مشروطه، ص ۲۲۴).

دوره از مجلس، هیئتی پنج نفره از مجتهدان و فقیهان اسلام که با اقتضاهای زمان آشنا بودند، به عنوان عضو، در مجلس شورای ملی شرکت می‌کردند، تا بر قانون‌هایی که تدوین و تصویب می‌شد، نظارت کنند که خلاف قواعد اسلامی و دستوره‌های شرع نباشد.^۱ در هیچ یک از دوره‌های مجلس شورای ملی به این اصل عمل نشد.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما چرا شیخ فضل‌الله نوری به اجرای این اصل اصرار داشت؟

در فاصله‌ای که متمم قانون اساسی تدوین می‌شد، اختلاف درونی مشروطه‌خواهان از یک سو و مخالفت محمدعلی شاه با نظام مشروطه از سوی دیگر، اوضاع را آشفته و پریشان ساخته بود. تا آن‌که سرانجام شیخ فضل‌الله نوری به دلیل اعمال نفوذ غرب‌گرایان در نهضت مشروطه و انحراف آن از مسیر اسلامی و ملی اولیه از صف طرفداران مشروطه جدا شد. او معتقد بود که باید «مشروطه‌ی مشروعه» ایجاد شود.

خودداری محمدعلی شاه از امضای متمم قانون اساسی

بی‌اعتنایی بعدی محمدعلی شاه نسبت به نظام مشروطه در هنگام امضای متمم قانون اساسی مشروطه، رخ داد. هنگامی که متمم قانون اساسی تقدیم او شد، از امضای آن خودداری کرد. این برخورد، مردم را به هیجان آورد؛ بازارها بسته شد، و چندین هزار نفر به سوی مجلس هجوم آوردند. مردم شهرهای دیگر همچون تبریز، اصفهان، شیراز، رشت و کرمان نیز با مردم تهران هم‌صدا شدند. مراجع تقلید، از نجف اشرف، طی تلگراف‌هایی، به نصیحت شاه پرداختند. در چنین شرایطی، شاه، در شهریور سال ۱۲۸۶، به ناچار، متمم قانون اساسی را امضا کرد.

اهداف انگلستان و روسیه برای مداخله در نهضت مردم

روس و انگلیس در مواجهه با نهضت مشروطه، با توجه به منافع استعماری خود، با همدیگر تضاد

۱- ن. ک: مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۲۵۰-۲۵۱؛ ترکمان، مجموعه رسائل و اعلامیه‌ها و مکتوبات شیخ فضل‌الله نوری،

ج ۱، ص ۱۳؛ روزنامه‌ی صبح صادق، شماره‌ی ۴۸، سال اول، ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ ه. ق.

داشتند. روسیه به چند دلیل با نهضت مشروطه‌ی ایران مخالفت می‌کرد:

- ۱- جلوگیری از نفوذ انگلیس که در لباس مشروطه‌خواهی، از مشروطه‌طلبان حمایت می‌کرد.
- ۲- کمک به محمدعلی شاه که طرفدار روس بود.
- ۳- پیش‌گیری از قیام ملت‌های منطقه‌ی قفقاز برای گرفتن آزادی، تحت تأثیر پیروزی مشروطه‌خواهان در ایران

انگلیس هم برای حمایت از مشروطه، دلایلی داشت:

- ۱- افزایش اعتبار خود در ایران، برای دستیابی به موقعیتی بهتر یا برابر با روسیه
 - ۲- به قدرت رساندن مهره‌های انگلیسی در دستگاه حاکم و مجلس؛
- کمک‌های بی‌دریغ انگلیس به بست‌نشینان در سفارت این کشور در تهران، و تحت حمایت قرار دادن نزدیک به چهارده هزار نفر در سفارت، به همین دلیل صورت گرفت.^۱
- ۳- محافظت از مرزهای هندوستان و سایر مستعمرات انگلستان در منطقه.^۲

قرارداد ۱۹۰۷ روس و انگلیس

با وجود رقابت‌های شدیدی که میان روس و انگلیس در ایران وجود داشت، موضوع جدیدی آن‌ها را وادار به رفع اختلاف‌ها و توافق در مورد ایران کرد. این موضوع جدید حضور آلمان به عنوان یک قدرت جدید در صحنه سیاست جهان بود. با در خطر قرار گرفتن مستعمره‌های روس و انگلیس در جاهای دیگر دنیا، توسط استعمارگر جدید یعنی آلمان، آن‌ها اختلاف‌ها را کنار گذاشتند و به‌موجب قرارداد ۱۹۰۷، ایران را بین خود تقسیم کردند.^۲ بر اساس این قرارداد روس و انگلیس، با پادرمیانی فرانسه که از قدرت روزافزون آلمان بیمناک بود، ایران را به سه منطقه تقسیم کردند: منطقه‌ی شمال، از خط فرضی بین قصر شیرین، اصفهان، یزد، خواف و مرز افغانستان، حوزه‌ی نفوذ روسیه شناخته شد. منطقه‌ی جنوب، از خط فرضی بین بندرعباس، کرمان، بیرجند، زابل و سرحدات افغانستان که

۱- ن. ک: معاصر، تاریخ استقرار مشروطیت در ایران، ص ۸۷ و ۱۰۸؛ شریف کاشانی، واقعات اتفاقیه در روزگار، ص ۸۲؛ رابین،

انجمن‌های سری در انقلاب مشروطیت، ص ۸۷؛ ملک‌زاده، انقلاب مشروطیت ایران؛ ص ۶۰.

۲- رنیوف، انقلاب مشروطیت ایران، ص ۵۸؛ هم‌چنین ن. ک: کرمانی، تاریخ انحلال مجلس، ص ۲۵.

۳- قبل از آن، فرانسه و انگلستان برای جلوگیری از نفوذ آلمان، در آفریقا به تفاهم رسیده و اختلاف‌های خود را در شمال این قاره حل کرده بودند. بنابراین در آسیا هم با پادرمیانی فرانسه، دولت‌های انگلیس و روس، این قرارداد را امضا کردند که شامل سه توافق‌نامه بود: در توافق‌نامه‌ی اول، افغانستان در منطقه‌ی نفوذ انگلستان قرار گرفت. طبق قرارداد دوم، تبت جزء منطقه‌ی نفوذ روسیه شناخته شد. براساس قرارداد سوم، ایران تقسیم شد (برای کسب اطلاع بیش‌تر ن. ک. به: کاظم‌زاده، روس و انگلیس در ایران، فصل هفتم.)



نقشه‌ی تقسیم ایران براساس قرارداد ۱۹۰۷

دارای ارزش حیاتی برای دفاع از هند بود، قلمرو نفوذ انگلستان مقرر گردید. قسمت سوم که شامل کویرها و بیابان‌های بی‌آب و علف بود، منطقه‌ی بی‌طرف و متعلق به ایران شناخته شد. منظور از این کار هم آن بود که دو دولت تا حدودی از یکدیگر فاصله بگیرند و از برخوردهای احتمالی بین آن‌ها، جلوگیری شود.

اقدام انقلابی مردم و مجلس

پس از این‌که قرارداد ۱۹۰۷ امضا شد، سفیران روس و انگلیس، رسماً دولت ایران را از آن قرار داد با خبر کردند. به محض اطلاع مردم، هیجان عمومی علیه این دولت‌ها شکل گرفت و نمایندگان مجلس، به اتفاق آراء، قرارداد را رد کردند. مجلس، قبل از آن نیز دریافت وام از دولت‌های خارجی را

رد و برای حل این مشکل، به تأسیس «بانک ملی» اقدام کرده بود. به علاوه، نوز بلژیکی را که پست مهم مالی ایران در دست او بود، اخراج کرده بود. این اقدام‌های انقلابی، برای دولت‌های استعمارگر، زنگ خطر بود؛ زیرا در جهت خلاف هدف‌های استعماری آنان جریان داشت. به همین دلیل، برای سرکوب مجلس، به توافق رسیدند و هنگامی که محمدعلی شاه ساختمان مجلس را به توپ بست، روسیه از آن حمایت کرد و انگلیس نیز با سکوت خود، به آن رضایت داد.

به توپ بستن مجلس و استبداد صغیر

کشمکش بین محمدعلی شاه و مجلس، پس از امضای متمم قانون اساسی همچنان ادامه یافت. محمدعلی شاه برای مبارزه با مشروطه خواهان، میرزا علی اصغرخان امین‌السلطان را که از مخالفان جدی مشروطه بود و در اروپا به سر می‌برد، به کشور دعوت کرد، تارباست دولت را به او بسپارد و به کمک وی، دوباره نظام استبدادی را حاکم سازد. امین‌السلطان، با تدبیرهای امنیتی و حمایت روس‌ها، وارد ایران و به عنوان نخست وزیر منصوب شد.^۱

او که در دوره‌ی نخست وزیری خود، سیاستی دوگانه در پیش گرفته بود، سرانجام توسط یکی از طرفداران مشروطه ترور شد. چندی بعد محمد علی شاه در یکی از خیابان‌های تهران مورد سوء قصد قرار گرفت، ولی آسیبی ندید^۲ شاه، این اقدام را به مشروطه‌خواهان نسبت داد و به همین بهانه، تصمیم گرفت مجلس را برای همیشه تعطیل کند. بنابراین، در تیر ماه ۱۲۸۷، یعنی دو سال پس از استقرار مشروطه، محمد علی شاه با تشویق سفارت روسیه دستور حمله به مجلس شورای ملی را صادر کرد. لیاخوف روسی فرماندهی نیروهای قزاق به فرمان محمد علی شاه با نیروهای خود به مجلس حمله کرد و بخشی از ساختمان مجلس را با گلوله‌های توپ تخریب کرد.^۳ به دنبال آن، تمام خانه‌های مشروطه‌خواهان غارت شد و مأموران به دستگیری آنان پرداختند. آیت‌الله سیدمحمد

۱- تاریخ روابط خارجی ایران، ص ۳۲۲.

۲- ن. ک: روزنامه حبل‌المتین، مورخ ۲۷ محرم ۱۳۲۶، شماره ۲۴۰، ص ۳، اعظام قدسی، خاطرات من، ج ۱، ص ۲۳۳؛ ملک‌زاده، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ج ۳، ص ۲۰۵-۱۶۳؛ کسروی، تاریخ مشروطه، ج ۱، ص ۵۴۲-۵۴۳؛ رضا زاده ملک، حیدرخان عمو اوغلی، ص ۱۲۰-۱۲۲.

۳- راجع به همکاری روسیه با محمدعلی شاه، ن. ک: معاصر، تاریخ استقرار مشروطیت در ایران، ص ۱۰۸؛ بمباران مجلس شورای ملی، حکومت تزار و محمد علی شاه خاطرات ن. پ، مامونتف: ص ۱۵۱-۱۵۴؛ ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری، ج ۴، ص ۱۳۷-۱۳۸ و ۱۵۶-۱۵۷؛ اعظام قدسی، خاطرات من، ج ۱، ص ۲۴۰-۲۴۳؛ ملک‌زاده، همان، ج ۴، ص ۸۲۷؛ کاظم‌زاده، روس و انگلیس در ایران، ص ۶۳.



ساختمان مجلس شورای ملی پس از به توپ بستن توسط
لیاخوف در ایام مشروطیت

طباطبایی و سیدعبدالله بهبهانی، توسط قزاق‌ها دستگیر، شکنجه و تبعید شدند. به دستور شاه، میرزا جهانگیر خان صوراسرافیل، ملک‌المتکلمین و سید جمال‌الدین واعظ اعدام شدند. بعضی از نمایندگان نیز که مورد تعقیب قرار گرفته بودند (از جمله تقی‌زاده)، به سفارت انگلیس پناه بردند.^۱ بدین گونه، دوباره، برای مدتی، استبداد حاکم شد. این دوره که یک سال به طول انجامید بار دیگر استبداد به جای مشروطیت حاکم شد. از این رو آن را دوره‌ی استبداد صغیر نامیده‌اند.

مقاومت مردم

پس از به توپ بستن مجلس، جمعی از غرب‌گرایان که داعیه‌ی مشروطه‌خواهی و وطن‌دوستی داشتند، از هر طریق ممکن، خود را به اروپا رساندند و در شهرهای پاریس، لندن، استانبول و کشور سوئیس، محفل‌هایی سیاسی به راه انداختند، اما مردم و علما، در داخل کشور به مقاومت پرداختند. مقاومت اصلی از تبریز آغاز شد و دو تن از مجاهدان نام‌آور آن خطه به نام‌های ستارخان و باقرخان، بیش از نُه ماه در برابر دشمنان مشروطه مقاومت کردند. آنچه آنان را در هدف‌هایشان پابرجا نگاه می‌داشت، حمایت مراجع تقلید مقیم نجف از مشروطه بود. آیت‌الله محمدکاظم خراسانی، آیت‌الله سیدعبدالله مازندرانی و آیت‌الله حاج میرزا حسین فرزند میرزاخلیل تهرانی، از مشروطه‌خواهان در برابر حکومت استبدادی محمدعلی شاه حمایت می‌کردند.^۲

با مقاومت مردم تبریز و ایستادگی رهبران دینی و ملی، مردم فارس، اصفهان، قزوین، کرمانشاه، گیلان، همدان و برخی دیگر از شهرها، وارد صحنه‌ی مبارزه شدند و حکومت استبدادی را سخت

۱- ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۴، ص ۲۸۷-۲۹۱؛ حائری، تشیع و مشروطیت، ص ۱۰۹؛ مدنی، تاریخ سیاسی

معاصر ایران، ج ۱، ص ۲۵۷.

۲- ناظم‌الاسلام کرمانی، همان، ج ۴، ص ۱۵۷-۱۶۰؛ ملک‌زاده، همان، ج ۴، ص ۷۷۲-۷۷۷ و ۸۲۹.

در تنگنا گذاشتند. محمدعلی شاه که در برابر مقاومت مردم تبریز در مانده بود، با فراگیر شدن خیزش، ناتوان تر شد. سرانجام نیروهای مردمی هوادار مشروطه از اصفهان و بختیاری و گیلان، راهی تهران شدند. سیاست روس و انگلیس در این زمان، مبتنی بر حفظ محمدعلی شاه بود.^۱ سرانجام در تیرماه سال ۱۲۸۸ هواداران مشروطه به تهران رسیدند و با پناهنده شدن محمدعلی شاه به سفارت روسیه، حکومت استبدادی او به پایان رسید.^۲

بیش تر بدانید

نقش زنان در انقلاب مشروطیت

زنان ایرانی در بسیاری از نهضت‌های تاریخ معاصر ایران در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نقش ارزنده‌ای ایفا نمودند. علاوه بر نقش تاریخی زنان در نهضت تحریم تنباکو در نهضت مشروطه نیز، زنان به کارهای خردمندانه‌ای دست زدند. اکثر فعالیت‌های آنان برگرفته از هویت ایرانی اسلامی بوده است. به عنوان نمونه در جریان مهاجرت صغری، زنان با شرکت در تظاهرات خیابانی خواهان بازگشت علما شدند. پس از صدور فرمان مشروطه زنان به مجلس رفتند و خواستار تکمیل قانون اساسی توسط نمایندگان شدند. زنان به هنگام تأسیس بانک ملی با اهدای طلا و زیورآلات شخصی خود بخشی از سرمایه‌ی بانک ملی را تهیه کردند و پس اندازهای خود را در اختیار دولت گذاشتند تا این امر ملی به دور از دست خارجی‌ان و استقراض از آن‌ها انجام شود.

زمانی که مشروطه خواهان تصمیم گرفتند با تحریم کالاهای وارداتی و استفاده از کالاهای داخلی مشکلات اقتصادی جامعه را حل کنند، زنان ایرانی برای تقویت اقتصاد و حمایت از صنایع داخلی، و کالاهای بومی و عدم خرید کالاهای وارداتی، نقش داشتند. در هنگام به توپ بستن مجلس، زنان جرأت یافتند که جسد مجاهدین و مبارزان را از زمین بردارند. در هنگام محاصره‌ی تبریز توسط نیروهای دولتی، زنان در پشت جبهه خدمات متعددی از جمله تهیه‌ی غذا و لباس برای مجاهدان، پرکردن پوکه‌های خالی فشنگ و پرستاری از مجروحان را به عهده داشتند. آنان همچنان با فروش زیورآلات قیمتی و دارایی‌های شخصی خود، بخشی از هزینه‌های مبارزاتی و تبلیغاتی را تأمین می‌کردند.^۳

۱- ناظم الاسلام کرمانی، همان، ج ۵، ص ۳۷۲-۳۷۳. و ۴۰۰؛ ملک زاده، همان، ج ۶، ص ۱۱۹۹-۱۲۰۰ و ۱۲۱۲-۱۲۱۴.

۲- ناظم الاسلام کرمانی، همان، ج ۵، ص ۴۹۴؛ اعظام قدسی، همان، ج ۱، ص ۲۴۰-۲۴۳؛ ملک زاده، همان، ج ۶، ص ۱۲۳۳؛

مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۱۹۵-۱۹۸.

۳- جهت اطلاع بیشتر ن. ک: ناظم الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، بخش دوم، ص ۲۲۲-۳؛ دولت آبادی، حیات یحیی،

ج ۲، ص ۳۷۵؛ جبل المتین، سال ۱۶ ش ۳۳. صفر ۱۳۲۷، ص ۱۸؛ کسروی، تاریخ مشروطه، ص ۳۱۵؛ شوستر، اختناق ایران، ص ۲۳۸؛

محیط طباطبایی، تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، ص ۱۷۲؛ فوران، مقاومت شکننده، ص ۲۰۵-۲۰۶.

پرسش‌های نمونه

- ۱- دو مورد از بی‌اعتنایی‌های محمد علی شاه نسبت به نظام مشروطه و نمایندگان مجلس شورای ملی را ذکر کنید.
- ۲- اصل دوم متمم قانون اساسی درباره‌ی چه موضوعی بود؟
- ۳- دولت روسیه به چه دلایلی با انقلاب مشروطه ایران مخالفت می‌کرد؟
- ۴- روسیه و انگلستان براساس قرارداد ۱۹۰۷ چرا و چگونه ایران را میان خود تقسیم کردند؟
- ۵- نمایندگان اولین دوره‌ی مجلس شورای ملی در قبال سیاست‌های استعماری روس و انگلیس چه تصمیماتی گرفتند؟

اندیشه و جست و جو

- ۱- درباره‌ی زندگی و مبارزات مشروطه‌خواهی ستارخان و یا باقرخان مطلبی تهیه کنید.
- ۲- درباره‌ی جریان فتح تهران توسط مجاهدان هوادار مشروطه، گزارشی تهیه کنید.

دوره‌ی دوم مشروطه (۱۲۹۳-۱۲۸۸ ش)

در این درس با اوضاع کشور پس از سقوط و فرار محمدعلی‌شاه و تسخیر تهران و به شهادت رسیدن آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری و نیز ادامه‌ی مداخله‌های روسیه و انگلیس برای تداوم سلطه بر ایران آشنا خواهید شد.

دوره‌ی دوم مشروطه یکی از برهه‌های مهم تاریخ معاصر ایران است. این دوره با فتح تهران به دست مشروطه‌خواهان آغاز شد و دارای دو ویژگی بارز بود:

- ۱- اختلاف‌های شدید بین طرفداران مشروطه
- ۲- مداخله‌های آشکار و سلطه‌گرانه‌ی روس و انگلیس در سرنوشت ایران



قدرت گرفتن جریان جدید در انقلاب مشروطه و اختلاف‌های داخلی

پس از فتح تهران مجلسی فوق‌العاده، مرکب از سران و رؤسای مجاهدان، شاهزادگان، اعیان و وکلای سابق مجلس شورای ملی، تشکیل شد و به اتفاق آرا، محمدعلی‌شاه از سلطنت خلع و پسر دوازده ساله‌ی او، احمد میرزای ولیعهد، به مقام سلطنت برگزیده شد. چون احمدشاه به سن قانونی سلطنت نرسیده بود، شاهزاده عضدالملک، بزرگ خاندان قاجار، به عنوان «نایب السلطنه» انتخاب شد.^۱

احمد شاه

۱- ناظم الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۵، ص ۴۹۴-۴۹۷.

بیش تر بدانید

ملک‌زاده - یکی از تاریخ نویسان آن عصر (فرزند ملک‌المکلمین) - نوشته است: «هرگاه فرصت اجازه می‌داد که اسامی پانصد نفر اعضای مجلس عالی را از نظر خوانندگان بگذرانم، مشاهده می‌شد که عده‌ی زیادی از کرسی‌نشینان باغشاه و مشاورین و همدستان محمدعلی‌شاه که دستشان آغشته به خون آزادی خواهان بود، لباس مشروطه‌خواهی دربرکرده و در صدر مجلس عالی جای گرفته بودند و سهیم و شریک در زمامداری حکومت ملی بودند و هنوز بیست و چهار ساعت از فتح تهران نگذشته بود که کسانی که باید به دار آویخته می‌شدند، دوش به دوش نایب‌السلطنه و سرداران ملی، به رتق و فتق امور پرداختند»^۱.

پس از آن که دولت جدید تشکیل شد و جمعی از مستبدان و مرتجعان به وزارت و حکمرانی و سایر مقام‌های دولتی رسیدند، آتش خشم مشروطه‌خواهان تبریز شعله‌ور و ناخرسندی آنان علنی شد. افرادی نظیر ستارخان و باقرخان و جمعی دیگر از طرفداران مشروطه که برای نهضت فداکاری و مجاهدت کرده بودند، چون ملاحظه کردند که مستبدان دوره‌ی استبداد و دشمنان دیروز مشروطه، دوباره زمامدار مملکت شدند، بسیار ناخشنود و معترض بودند.

آنان هم چنین خواستار اخراج افراد تندرو و افراطی نظیر تقی‌زاده از مجلس بودند.^۲

شهادت شیخ فضل الله نوری

با پیروزی مشروطه‌خواهان، انتظار می‌رفت دشمنان واقعی نهضت، مجازات شوند و کیفر ببینند اما آنان که دستشان به خون آزادی خواهان آغشته بود، رها شدند و محمدعلی‌شاه نیز، با حمایت روس و انگلیس، بدون محاکمه و حتی با پرداخت حقوق سالیانه راهی بندر اُدسا در روسیه شد. آنگاه، - همان‌گونه که اشاره شد - دشمنان نهضت، در صف اول آن قرار گرفتند و در زمامداری و حکومت، شریک شدند. تنها کسی که به پای میز محاکمه رفت و اعدام شد، شیخ فضل الله نوری، مجتهد طراز اول تهران بود که به دفاع از «مشروطه‌ی مشروعه» و قانون اساسی بر پایه‌ی ارزش‌های اسلامی، با مشروطه‌ی اقتباسی شده از غرب، مخالفت کرده بود.

در این هنگام، سفارت روسیه از ایشان خواست که به آن‌جا پناهنده شود، یا چند نفر سرباز روسی به منزلش بروند و او را در پناه خود بگیرند. شیخ فضل الله نوری هیچ‌یک از این‌ها را نپذیرفت

۱- ن. ک: «تاریخ مشروطیت ایران»، ص ۱۳۲۴ - ۱۳۲۵.

۲- کسروی، دنباله تاریخ مشروطه، ص ۱۳۱-۱۳۲.

و گفت: «در مقابل مشیت و اراده‌ی الهی، تسلیم صرف است»^۱.

هم‌چنین، در پاسخ برخی از کسانی که به او پیشنهاد می‌کردند که به بیگانه پناهنده شود، اظهار داشت: «من راضی هستم که صد مرتبه زنده شوم و کشته شوم اما پناهنده به اجنبی نشوم و برخلاف امر شارع مقدس اسلام رفتاری نکرده باشم»^۲.

پیرم‌خان ارمنی که پس از پیروزی مشروطه خواهان، با فرصت‌طلبی مدارج ترقی را به سرعت طی کرده بود، مأمور دستگیری شیخ فضل‌الله نوری شد. این عالم روحانی پس از یک محاکمه‌ی فرمایشی، به شهادت رسید.

به نظر بسیاری از مورخان شهادت شیخ فضل‌الله نوری، یکی از فجیع‌ترین اعمال مشروطه‌خواهان بود. عده‌ای اعدام او را انتقام استعمار از روحانیت ایران برای جبران شکست در نهضت تحریم تنباکو و پیشگیری از تکرار مقاومت‌های مشابه آن می‌دانند.^۳

برگی از تاریخ

شهید شیخ فضل‌الله نوری (۱۲۲۲-۱۲۸۸ ش)



حاج شیخ فضل‌الله کجوری، معروف به نوری، فرزند ملاعباس، در سال ۱۲۲۲ ش. متولد شد. او پس از تحصیلات مقدماتی، برای تکمیل آن به عراق رفت و در زمره‌ی شاگردان برجسته‌ی میرزا محمدحسن شیرازی قرار گرفت. وقتی به تهران برگشت، مقام علمی و فقهی او در مقایسه با علمای هم‌عصر خود در ایران، بالاترین بود. او با جدایی دین از سیاست که در آن ایام تحت تأثیر افکار غربی و توسط عوامل استعمار در ایران تبلیغ می‌شد، شدیداً مخالف و ورزید. در جریان نهضت تنباکو به عنوان

- ۱- تندرکیا، مجله شاهین، ص ۲۲۹؛ بامداد، رجال ایران، ج ۱، ص ۵۵-۵۷؛ ادب هروی خراسانی، تاریخ بیدایش مشروطیت ایران، ص ۱۴۲؛ بهمنی، فاجعه قرن، ص ۱۶۳؛ دانشور علوی، تاریخ انقلاب مشروطه و جنبش وطن‌پرستان بختیاری، ص ۱۶۲.
- ۲- ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۱، ص ۲۹۸-۳۰۳؛ «شیخ فضل‌الله نوری و مشروطیت»، ص ۱۵۸.
- ۳- ملک‌زاده، تاریخ انقلاب مشروطیت، ج ۵، ص ۱۰۹؛ حائری، تشیع و مشروطیت، ص ۱۵۸؛ طبری، «جامعه ایران در دوران رضاشاه»، ص ۱۰۶؛ صفایی، «رهبان مشروطه»، ص ۲۲۷؛ اعظم قدسی، خاطرات من، ج ۱، ص ۲۲۳؛ بامداد، رجال ایران، ج ۳، ص ۱۰۵.

نماینده‌ی میرزای شیرازی عمل می‌کرد و به حمایت جدی از این نهضت پرداخت. وی در اوایل مشروطه، از پیشگامان این نهضت بود ولی پس از چندی بی‌برد که دست‌هایی پلید، در حال باعمال کردن خون‌های ریخته شده در راه این نهضت و قطع پیوندهای مشروطه با اسلام هستند. بنابراین مخالفت خویش را با مشروطه‌ی غیرمشروطه اعلام و بر مشروطه‌ی مشروطه پا فشاری کرد و عاقبت جان بر سر آن گذاشت. جلال‌آل احمد درباره‌ی او گفته است: «من نعش آن بزرگوار را بر سردار، همچون پرچمی می‌دانم که به علامت استیلا‌ی غرب‌زدگی، پس از دویست سال کشمکش، بر بام سرآی این ملت افراشته شد»^۱.

تشدید اختلاف و درگیری میان مشروطه‌خواهان

به دنبال اعدام شیخ فضل‌الله نوری و تشکیل دومین دوره‌ی مجلس شورای ملی، اختلاف و درگیری میان مشروطه‌خواهان شدت گرفت. دو حزب «اعتدالیون» و «دمکرات» که اکثریت نمایندگان مجلس را تشکیل می‌دادند، شدیداً با یکدیگر رقابت فکری و سیاسی داشتند. اعتدالیون مذهب را سدی محکم در برابر ظلم و بی‌عدالتی می‌دانستند و اجرای شریعت را در دستور کار خود قرار داده بودند. سید محمد طباطبایی و سید عبدالله بهبهانی از اعضای سرشناس این حزب بودند.

دمکرات‌ها به رهبری سید حسن تقی‌زاده بر جدایی دین از سیاست تأکید می‌ورزیدند تا مشروطه را از جنبه‌های دینی تهی کنند و نهضت را از آرمان‌های اصیل آن دور سازند. با شدت گرفتن درگیری‌های سیاسی، به تدریج، جوّ وحشت و ترور بر جامعه حاکم گردید. نخست سید عبدالله بهبهانی که نقشی مهم در رهبری نهضت مشروطه داشت، توسط دمکرات‌ها ترور شد. تقی‌زاده که متهم به دست داشتن در این ترور بود^۲، از کشور گریخت و به اروپا رفت.^۳ به فاصله‌ای کوتاه، چند تن از دمکرات‌ها ترور شدند.^۴

۱- آل احمد، «غریزدگی»، ص ۷۸.

۲- سید عبدالله بهبهانی توسط چهار نفر که به اشاره‌ی حیدر عمو اوغلی و سران دموکرات و کمیته‌ی دهشت و تقی‌زاده فرستاده شده بودند، به قتل رسید. (احتشام السلطنه، خاطرات، ص ۶۵؛ صفایی، رهبران مشروطه، ص ۲۸) هر چند تقی‌زاده این اتهام را رد کرده است. (تقی‌زاده، خاطرات، ص ۱۴۴) اما به گفته‌ی کسروی: اگرچه کشندگان به نام شناخته نشدند، ولی بی‌گمان از گروه حیدر عمو اوغلی بودند و این کار را به دستور تقی‌زاده انجام دادند. (کسروی، تاریخ هجده ساله‌ی آذربایجان، ص ۱۳۰). دولت‌آبادی یکی از علت‌های قتل بهبهانی را دستکاری وی در صدور حکم تکفیر تقی‌زاده توسط علمای نجف خوانده است. (دولت‌آبادی، حیات یحیی، ج ۳، ص ۱۳۶).

۳- شریف کاشانی، واقعات اتفاقیه، در روزگار، ج ۲، ص ۵۳۵؛ ملک‌زاده، «تاریخ انقلاب مشروطیت»، ص ۱۳۳۳-۱۳۳۷؛ افشار، اوراق تازه‌یاب مشروطه، ص ۲۰۸.

۴- برای دریافت اطلاع بیشتر، ن. ک: بهار، «تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران»، ج ۲، ص ۱۰-۱۲.

ستارخان سردار ملی

ستارخان از اهالی ارسباران و ساکن تبریز بود. او به همراه باقرخان، سالار ملی، مدافعان مشهور تبریز در مقابل قشون عظیم محمدعلی شاه در دوره‌ی استبداد صغیر بودند. ستارخان اول کسی بود که مردم را به مقاومت دعوت کرد و چندین ماه با قوای دولتی درگیر شد و نگذاشت تبریز به دست مستبدان بیفتد. او در اصل از پایین‌ترین طبقات اجتماعی و دارای خوی عیّاری و جوانمردی بود.

ستارخان و باقرخان به دعوت تلگرافی آخوند ملامحمد کاظم خراسانی، مرجع تقلید بزرگ شیعیان جهان، در روز هشتم ربیع‌الاول ۱۲۸۸ ق به تهران آمدند و مردم پایتخت استقبال گرمی از آنها به عمل آوردند اما درگیر و دار اختلاف‌های حزبی و جناحی در واقعه‌ی خلع سلاح گروه‌ها در ۳۰ رجب سال ۱۲۸۸ ق ستارخان که به اتفاق تفنگچی‌های همراهش، در پارک اتابک، توسط نیروهای بیرم‌خان ارمنی، محاصره شده بودند، پایش تیر خورد و سرانجام در ۲۸ ذی‌الحجه‌ی سال ۱۲۹۲ ق در اوایل جنگ جهانی اول، دارفانی را وداع گفت.

معروف است که وقتی در جریان مبارزه‌های تبریز عرصه بر او تنگ شد، کنسول روس پیام داد که پرچم روس را بالای خانه‌اش نصب کند. او پاسخ داد: «ژنرال کنسول؛ من می‌خواهم که هفت دولت به زیر بیرق دولت ایران بیایند. من زیر بیرق بیگانه نمی‌روم.» و این مشابه پاسخی بود که مرحوم شیخ فضل‌الله به پیام سفارت روس داد.



مجلس نوپای مشروطه و مداخله‌ی بیگانگان

طبق تصمیم مجلس شورای ملی، عده‌ای کارشناس از آمریکا برای اصلاح اداره‌ی دارایی و

خزانه‌داری کل، یک فرانسوی برای دادگستری، و چند سوئدی برای ژاندارمری، استخدام شدند^۱. مورگان شوستر آمریکایی، معروفترین چهره در بین آنان بود که با اختیارهای وسیعی که مجلس به او داد، شروع به انجام اصلاح‌هایی دامنه‌دار در امور مالی و گمرک‌ها کرد. این اقدام او که سبب منظم‌شدن دستگاه اقتصادی کشور می‌شد، روس و انگلیس را سخت عصبانی کرد. بنابراین، در سال ۱۲۹۰ ش. روسیه، طی خطاری به دولت ایران، تهدید کرد که اگر ظرف چهل و هشت ساعت به خواسته‌هایش عمل نشود، به اشغال ایران خواهد پرداخت. درخواست‌های روسیه به این شرح بود:

- ۱- اقدام‌های مورگان شوستر متوقف و او از ایران اخراج شود.
 - ۲- بدون موافقت روس و انگلیس، از استخدام اتباع خارجی در ایران، خودداری شود.
 - ۳- هزینه‌ی لشکرکشی قوای روسیه به ایران را، دولت ایران پرداخت کند.
- با به پایان رسیدن مهلت چهل و هشت ساعته، روسیه، بلافاصله، نیروهای خود را به داخل خاک ایران اعزام کرد.^۲ اخطار روسیه، بحرانی بزرگ در کشور ایجاد کرد. بین مجلس و دولت، بر سر پذیرفتن یا رد کردن آن، اختلاف افتاد. هیجان عمومی و احساسات مردمی، اوج گرفت.
- مجلس اخطار روسیه را رد کرد ولی صمصام‌السلطنه، نخست وزیر، از ترس اشغال پایتخت، تسلیم شد و مجلس شورای ملی را منحل کرد. بدین ترتیب سلطه‌جویی دولت‌های روس و انگلستان و دخالت‌های آن‌ها در اداره‌ی کشور مانع از آن شد تا مجلس نوپای مشروطه بتواند برای سروسامان دادن به اوضاع اداری، مالی و نظامی کشور اقدام مؤثری انجام دهد. به دنبال این اقدام، انبوه تظاهرکنندگان مردمی، به خصوص زنان، با شعار «یا مرگ یا استقلال» به مجلس حمله کردند. علمای مذهبی در ایران و عتبات عالیات، طی تلگراف‌هایی، مردم را به مقاومت دعوت کردند.^۳ آیت الله آخوند خراسانی، مرجع بزرگ شیعه‌ی مقیم عراق، تصمیم گرفت به سوی ایران حرکت کند، تا مردم را برای مقاومت در برابر زورگویی بیگانه، بسیج کند. او همراه جمع انبوهی از عشیره‌های شیعه‌ی عراق، آماده‌ی عزیمت به ایران شد اما در همان شب قبل از حرکت، به طرزی مشکوک، از دنیا رفت.^۴

۱- در آن زمان آمریکا هنوز خوی سلطه‌جویانه‌ی آشکاری را که پس از جنگ دوم جهانی در پیش گرفته نشان نداده بود و دولت‌مردان ایرانی که به دنبال قدرت سومی بودند تا به اتکای آن در برابر سلطه‌گری روس و انگلیس بایستند، لذا متخصصان این کشورها را ترجیح می‌دادند.

۲- «تاریخ روابط خارجی ایران»، ص ۳۳۹-۳۴۱.

۳- «جهادیه»، ص ۲۲ و ۴۱-۵۲؛ شوستر، اختناق ایران، ص ۲۳۸.

۴- نجفی قوچانی، «سیاحت شرق»، ص ۲۸۳-۲۸۵.



آخوند ملا محمد کاظم خراسانی
(۱۲۹۰-۱۲۱۸ ش)

در سال ۱۲۱۸ ش. در مشهد متولد شد و در بیست و دو سالگی به تهران مهاجرت کرد. پس از مدتی تحصیل فلسفه، به نجف مشرف شد و دو سال محضر درس شیخ مرتضی انصاری را درک کرد. آخوند خراسانی پیش‌تر تحصیلاتش نزد میرزای شیرازی بود، اما خود نیز مستقلاً در نجف حوزه‌ی درس تشکیل می‌داد، و گفته می‌شود ۱۲۰۰ شاگرد از محضرش استفاده می‌کردند.

شهرت اصلی او در علم اصول است. کتاب «کفایة الاصول» که مرجع درسی مهم حوزه‌های علمی به‌شمار می‌رود، توسط وی نگاشته شده است. در اثنای نهضت مشروطه، آخوند خراسانی به حمایت معنوی از آن پرداخت و با صدور فتوا در ضرورت مشروطیت، باعث استحکام آن شد. او که در آن زمان مرجع تقلید عام شیعیان جهان بود، زمانی که در سال ۱۲۸۹ ش. روسیه، شمال ایران را اشغال کرد، با یاران خود و عشایر شیعی‌ی عراق، برای جهاد علیه اشغالگران روسی، آماده‌ی عزیمت به ایران شد، اما در شب قبل از عزیمت به ایران، به طرزی مشکوک، جان به جان آفرین تسلیم کرد.

روس‌ها با استفاده از فرصت به دست آمده، کانون‌های مقاومت تبریز و مشهد را به سختی سرکوب کردند؛ مرقد مطهر امام هشتم (ع) را به توپ بستند؛ از آذربایجان تا خراسان، نیروهای خود را مستقر ساختند و منطقه‌ی زیر نفوذشان را طبق قرارداد ۱۹۰۷ اشغال کردند.^۱

در این زمان، انگلیس نیز برای اشغال منطقه‌ی زیر نفوذ خود، قوایی از هندوستان وارد جنوب ایران کرد.^۲ سرانجام نیز، در سال ۱۲۹۱ ش/ ۱۹۱۲ م. این دو کشور سلطه‌گر، دولت ایران را مجبور کردند تا سیاست خود را با اصول قرارداد ۱۹۰۷ تطبیق دهد.^۳

۱- ن. ک: مدنی، «تاریخ سیاسی معاصر ایران»؛ ج ۱، ص ۳۲۱-۳۲۳.

۲- سفیری، «پلیس جنوب ایران»، ص ۳۵.

۳- اتحادیه، «احزاب سیاسی در مجلس سوم»، ص ۳۶-۴۳.

تاج‌گذاری احمدشاه

اندکی بعد از آغاز جنگ جهانی اول، احمدشاه در مرداد ۱۲۹۳ تاج‌گذاری و مجلس سوم شورای ملی نیز آغاز به کار کرد، اما شاه جوان و مجلس جدید نتوانستند ایران را از هجوم بیگانگان در امان نگاه دارند.

جنگ جهانی اول و اعلان بی‌طرفی

در سال ۱۹۱۴ م / ۱۲۹۳ ش. جنگ جهانی اول میان دولت‌های فرانسه، انگلستان و روسیه در مقابل آلمان و امپراتوری اتریش – مجارستان آغاز شد. ایران از نظر سیاسی و اقتصادی کشوری بحران‌زده و در اشغال نیروهای بیگانه بود و توان بهره‌برداری از شرایط جنگ را نداشت. رئیس‌الوزرای ایران یعنی مستوفی‌الممالک اعلان سیاست بی‌طرفی کرد ولی در این کار موفقیتی به‌دست نیاورد؛ زیرا موقعیت حساس ایران برای نیروهای درگیر جنگ مهم بود.^۱

فکر کنید و پاسخ دهید:

به‌نظر شما چرا دولت‌های روسیه و انگلیس به بی‌طرفی ایران در جنگ جهانی اول توجه نکردند؟

از اواسط سال ۱۲۹۴ ش. روس و انگلیس (متفقین) بر آلمان و عثمانی (متحذین) در این منطقه چیره شدند و انگلیس با جلب موافقت روسیه، عبدالحسین میرزا فرمانفرما را که به طرفداری انگلیس شهرت داشت، به عنوان رئیس‌الوزرای ایران بر سر کار آورد و از این پس دولت ایران در برابر خواسته‌های ننگین و سلطه‌گرانه‌ی روس و انگلیس تسلیم شد. چون دولت عثمانی همسایه‌ی غربی ایران به متحذین پیوست، اهمیت کشور ما برای متفقین دو چندان شد. به همین دلیل انگلستان و روسیه قرارداد س‌ری ۱۹۱۵ م را با هم امضا کردند. طبق این قرارداد دو منطقه‌ی نفوذ در عهدنامه‌ی ۱۹۰۷، به منطقه‌ی اشغالی تبدیل شدند. روسیه منطقه‌ی تحت نفوذ خود را اشغال کرد و در مقابل، دولت انگلستان نیز در سال ۱۹۱۶ م. به تأسیس پلیس جنوب دست زد. فرماندهی پلیس جنوب به عهده‌ی سرپرسی سایکس^۲ بود. او با استفاده از این قوای نظامی توانست، مقاومت

۱- فن میکوش، واسموس لورنس آلمانی، ص ۱۶۳.

۲ - Sir Percy sykes

بیش‌تر بدانید

امام و اشعار بهار

دفترچه‌ی شعری که از دوران نوجوانی امام خمینی برجای مانده است، نمایانگر آشنایی وی با مسائل سیاسی و اجتماعی جامعه‌ی خود می‌باشد. اشعار این دفترچه حاوی سروده‌های شعرای مشهور آن زمان است. در بخشی از این دفترچه‌ی شعر که به خط امام در سنین ۹-۱۰ سالگی نوشته شده است، سروده‌ای از محمدتقی بهار، ملک‌الشعرا، به چشم می‌خورد که به حادثه‌ی اشغال قسمت‌هایی از مناطق شمالی و جنوبی ایران به‌وسیله‌ی انگلیس و روسیه و تشویق ایرانیان به قیام علیه بیگانه و دفع تجاوز پرداخته است. بخشی از این سروده چنین است:

های ای ایرانیان، ایران اندر بلاست
ملک داریوش، دستخوش نیکلاست
مرکز ملک کیان در دهن اژدهاست
غیرت اسلام کو، جنبش ملی کجاست
برادران رشید، برادریتان چه شد؟
به عرصه‌ی رزمگاه دلاوریتان چه شد؟
خصم به ما خیره گشت، خیره‌سیریتان چه شد؟
به دشمن کینه‌جوی، کینه‌گریتان چه شد؟^۲

در این دوران، دولت را به ظاهر شاه و مجلس تعیین می‌کردند، ولی در نهان توافق سفارت‌های روس و انگلیس شرط اصلی انتخاب نخست‌وزیر بود. در اکتبر ۱۹۱۷ م/ ۱۲۹۶ ش. حکومت تزاری روسیه در مقابل انقلاب بلشویکی شکست خورد و روس‌ها خروج سربازان خود از ایران را آغاز کردند؛ بنابراین انگلیس یکه‌تاز میدان سیاست ایران شد.

بدون تردید نهضت عدالت‌خواهی و مشروطه‌طلبی از نقاط عطف تاریخ اجتماعی - سیاسی ایران است که آثار ماندگاری از خود برجای گذاشت. این نهضت نتیجه‌ی تجربیات طولانی مردم ایران در حفظ استقلال و سربلندی این کشور کهن بود. البته به دلیل مداخله‌های بیگانگان و عوامل وابسته به آن‌ها انحرافات در این نهضت به‌وجود آمد. نتیجه‌ی این انحرافات ظهور دیکتاتوری رضاخان و

۱- ن. ک: رکن‌زاده، آدمیت، فارس و جنگ بین‌الملل، ص ۵۲ و ۸۲-۹۰؛ سپهر، ایران در جنگ بزرگ، ص ۱۳۱؛ مدنی، تاریخ

سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۲۸۵-۲۸۶ و ۲۰۳؛ راضی، پلیس جنوب ایران، ص ۲۳ و ۳۶.

۲- ن. ک: ملک‌الشعرا، بهار، دیوان شعر، ج ۱، ص ۲۵۷.

سلسله‌ی وابسته‌ی پهلوی در ایران بود. در درس‌های بعد با دخالت‌های انگلستان در ایران و قدرت یافتن رضاخان آشنا خواهید شد.^۱

برگی از تاریخ



رئیس علی دلواری (۱۲۶۱ - ۱۲۹۴ ش)

رئیس علی، فرزند زایر محمد، در سال ۱۲۶۱ ش. دیده به جهان گشود. در تیراندازی و سوارکاری که لازمه‌ی زندگی دشوار آن روزگار بود، از خود استعدادی شگرف نشان داد. او به مراسم و واجب‌های دینی مقید بود و هیچ‌گاه در گرفتن روزه و به پا داشتن نماز، غفلت نمی‌کرد. رئیس علی این روحیه را با عشق به مردم درهم آمیخت و از همان نوجوانی و جوانی، به مسائل کشور، توجهی خاص نشان می‌داد.

فعالیت‌های سیاسی را از دوره‌ی مشروطه آغاز کرد. او با پیروی از آیت‌الله سیدمرتضی علم‌الهدی اهرمی، در دوره‌ی استبداد صغیر، قیام کرد و با همراهی دیگر مبارزان، بوشهر را به تصرف درآورد. با آغاز جنگ جهانی اول و حضور نیروهای انگلیسی در بوشهر مردانه قد برافراشت تا آن که به یک قیام عمومی دست یافت. حمله‌ی او در مرداد ۱۲۹۳ در بوشهر و غلبه بر دشمنان، ابهت انگلیس در ایران را درهم شکست و نام رئیس علی در هر کوی و برزن بر سر زبان‌ها افتاد، اما در یکی از حمله‌های بی‌امان خود به دشمن، توسط عوامل داخلی بیگانگان مورد حمله قرار گرفت و به شهادت رسید. جنازه‌ی رئیس علی توسط مادرش به نجف اشرف منتقل و در منطقه‌ی وادی‌السلام به خاک سپرده شد.

شعر زیر که بر سر در خانه‌ی او حک شده است، نشانگر عشق او به امام علی (ع) است:
ز تیغ شیر خدا چون رواج شرع نبی شد از این سبب به همه مسلمین، رئیس علی شد

۱- به دلیل عمق ریشه‌ی نهضت دینی - ملی مشروطیت در بین ملت، بلافاصله پس از سقوط رضاشاه، شاهد رویش مجدد حکومت‌های نسبتاً مستقل‌تر و نزدیک‌تر به روح مشروطه در تاریخ دوازده ساله‌ی ۱۳۳۲-۱۳۲۰ ش. و ملی شدن صنعت نفت و تشکیل حکومت ملی در کشور بودیم. بدون تردید جمهوری اسلامی ایران نیز شکل تکامل یافته‌ی حکومتی است که از ابتدا مورد نظر پیش‌کسوتان و بزرگان نهضت مشروطیت نظیر آخوند ملاکاظم خراسانی، محمدحسین نائینی، شیخ‌فضل‌الله نوری، سیدمحمد طباطبایی و سیدعبدالله بهبهانی و سید حسن مدرس بوده است.

پرسش‌های نمونه

- ۱- احمد شاه چگونه به سلطنت رسید؟
- ۲- سه نمونه از دخالت‌های روس و انگلیس در امور داخلی ایران را در دوره‌ی دوم مشروطه بنویسید.
- ۳- دولت روسیه در اختطاری که در سال ۱۲۹۰ ش. به ایران داد، چه درخواست‌هایی مطرح کرد؟
- ۴- چرا نیروهای بیگانه در جنگ جهانی اول علیرغم اعلام سیاست بی‌طرف ایران، کشور ما را اشغال کردند؟
- ۵- پیامد قرارداد ۱۹۱۵ م. چه بود؟

اندیشه و جست و جو

- ۱- در زمینه‌ی مقاومت‌های مردمی در جنوب ایران در مقابل نیروهای انگلیسی در جنگ جهانی اول گزارشی تهیه کنید.
- ۲- در مورد دولت موقت ملی (دولت مهاجرین) که در زمان جنگ جهانی اول در کرمانشاه تشکیل شد، مطلبی تهیه کنید.

کودتای ۱۲۹۹

در این درس با زمینه‌های کودتای ۱۲۹۹ ش. آشنا می‌شوید. اهداف و سیاست‌های دولت انگلستان پس از شکست قرارداد ۱۹۱۹ م و چگونگی انجام کودتا، از دیگر مباحث این درس است.

اهمیت ایران برای انگلستان

با وقوع انقلاب سوسیالیستی روسیه در اکتبر ۱۹۱۷ م/ ۱۲۹۶ ش. که به حکومت تزارها در روسیه پایان داد، روس‌ها به سبب سرگرم شدن به مشکلات داخلی خود، نیروهای خود را از شمال ایران بیرون بردند.

در نتیجه، زمینه برای سلطه‌ی انحصاری دولت انگلستان در ایران فراهم شد. انگلیسی‌ها که در صحنه‌ی سیاسی ایران بی‌رقیب مانده بودند، سیاست خارجی خود را، با توجه به تحولات سیاسی جهان پس از جنگ جهانی اول، تغییر دادند. تسلط بر منطقه‌ی حساس خاورمیانه و منابع نفت آن که اهمیت آن در جنگ جهانی اول مشخص شده بود و ایجاد کمر بند آهنین در برابر نفوذ شوروی، از جمله سیاست‌های جدید دولت انگلستان در خاورمیانه بود.

تا پیش از خارج شدن نیروهای روسی از ایران، سیاست دولت انگلستان، بر پایه‌ی جلوگیری از ایجاد حکومت مرکزی قدرتمند در ایران بود. اما پس از وقوع این تحولات سیاست انگلستان، به سوی ایجاد حکومت مرکزی مقتدر در ایران متمایل شد؛ زیرا دولت انگلستان برای تثبیت منافع دائمی خود در ایران، کنترل منطقه‌ی حساس خاورمیانه و سرکوب نهضت‌های ضد استعماری در کشور، نیازمند به یک دولت مرکزی قدرتمند بود.

پس از جنگ جهانی اول در واکنش به نفوذ بیگانه و فساد حاکم بر کشور جنبش ضد استعماری «جنگل» به رهبری میرزا کوچک‌خان، روحانی مبارز، شکل گرفت. هم‌زمان با آن، شیخ محمد خیابانی



محمد تقی خان پسیان

در تبریز، کلنل محمد تقی خان پسیان در خراسان و تنگستانی‌ها در جنوب، با حمایت علمای فارس، قیام‌های پی در پی را علیه نفوذ انگلستان سازمان دادند. این مسائل، به اضافه‌ی مخارج سنگین پلیس جنوب که از سوی انگلیسی‌ها اداره می‌شد و اهمیت روزافزون نفت، ضرورت وجود یک حکومت مرکزی مقتدر و ابسته را، برای انگلستان، دوچندان می‌کرد.^۱

برگی از تاریخ

میرزا کوچک خان (۱۲۶۰ - ۱۳۰۰ ش)

یونس، معروف به «کوچک خان»، فرزند میرزا بزرگ، در سال ۱۲۶۰ ش. در خانواده‌ای مذهبی چشم به جهان گشود. در سال‌های اولیه عمر به مدرسه‌ی «حاجی حسن» در صالح آباد رشت رفت و به تحصیلات دینی مشغول شد اما حوادث ناگوار کشور و نفوذ بیگانگان، امر جهاد را ضروری‌تر از هر کار دیگر می‌نمود. بنابراین، در اواخر سال ۱۲۹۵ ش. در حوالی تالش کمیته‌ای به نام «اتحاد اسلام» تشکیل داد، و قیامی مسلحانه را علیه بیگانگان آغاز کرد. او اصول نهضت را بر پایه‌ی اسلام و تبعیت از تعالیم آن بنا کرد. این نهضت، بعد از مشروطه، یکی از بزرگ‌ترین قیام‌هایی بود که علیه نابه سامانی موجود و نجات کشور از نفوذ بیگانگان شکل گرفته بود. نهضت مذکور و رهبر آن، یکی از مانع‌های اصلی نفوذ انگلیس در ایران، و به ویژه، اجرای قرارداد ۱۹۱۹م و وثوق الدوله با آن دولت بود. میرزا کوچک خان تا آخرین نفس در راه وطن جنگید و سرانجام در ۱۱ آذر ۱۳۰۰ به شهادت رسید.

بیش‌تر اعضای نهضت جنگل، دارای باورها و روحیه‌ی مذهبی بودند. آنان برخی از باورهای خود را در روزنامه‌ی جنگل چنین اعلام کردند: «ما به نام اتحاد اسلام قیام کردیم. نباید مسلمانان برادرکشی کنند و به نام شیعه و سنی و سایر عناوین مذهبی، به جان هم افتاده و مجال استفاده به دشمن عمومی بدهند. و به حکم این که ما ایرانی و مسئول و وظیفه‌دار حفظ این آب و خاک هستیم، ایران و وطن مقدس ایرانیان، در نظر ما بر تمام بلاد و ممالک اسلامی مقدم است و بعد از موفقیت به انجام وظایف ایرانیّت، البته برادران اسلامی مادامی که به وظایف اخوت خود عمل کنند بر دیگران مقدم خواهند بود...»^۲

۱- مخارج سالبانه‌ی پلیس جنوب، طبق برآورد هشت ماهه، بالغ بر پانصد و سی میلیون قران بود. پس از امضای قرارداد ۱۹۱۹م مقرر شد سایر قوای نظامی ایران، به همراه پلیس جنوب، یک قشون متحدالشکل تشکیل دهند. (ن. ک: کحال زاده، «دیده‌ها و شنیده‌ها»، ص ۴۱۷). جهت اطلاع بیشتر ن. ک: شیخ‌الاسلامی، اسناد محرمانه‌ی وزارت خارجه‌ی بریتانیا، ج ۱، ص ۵۳-۵۲ و ۵۸-۶؛ سفیری، پلیس جنوب، ص ۲۵۵؛ بیات، جنگ جهانی اول در جنوب ایران، ص ۱۴۲.

۲- رواسانی، نهضت جنگل، ص ۳۶-۳۸؛ عظیمی، نهضت جنگل به روایت اسناد وزارت امور خارجه، ص ۱۵-۱۸؛ فخرایی، سردار جنگل، ص ۵۰-۵۹.

تسلط انگلستان بر نیروهای نظامی ایران

انگلستان پس از انقلاب سوسیالیستی روسیه در صدد برآمد که نیروی قزاق و قوای نظامی ایران را به اختیار و اداره‌ی خود درآورد. هم‌چنین، به بهانه‌های مختلف از جمله «خطر کمونیسم»، حاضر به بیرون بردن قوای نظامی خود از ایران نبود. نیروهای روسیه، پس از این‌که ناحیه‌های جنوبی کشور خود را از عنصرهای مخالف پاک‌سازی کردند، در تعقیب گروه‌هایی از آنان، وارد شهرهای شمالی ایران شدند. نیروهای انگلیسی در مقابله با نیروهای دولت انقلابی شوروی شکست خوردند و عقب‌نشینی کردند. در چنین شرایطی بود که دولت انگلستان، (ژنرال آیرون ساید) را به فرماندهی نیروهای خود در ایران برگزید.

قرارداد ۱۹۱۹

هنگامی که وثوق‌الدوله در سال ۱۲۹۸ ش. به نخست‌وزیری رسید، درپچه‌ای تازه برای اجرای سیاست‌های استعماری انگلستان، در ایران گشوده شد. با انجام مذاکرات محرمانه میان وثوق‌الدوله و سرپرستی کاکس، قرارداد ۱۹۱۹ م. / ۱۲۹۸ ش موسوم به قرارداد «وثوق‌الدوله - کاکس» منعقد گردید.

محتوای این قرارداد که در ابتدا کاملاً محرمانه نگه داشته شد، موجب شکل‌گیری سیستم «تحت‌الحماگی» ایران از سوی دولت انگلیس می‌شد، زیرا به موجب آن، نظارت بر تشکیلات نظامی، مالی و سیاسی ایران، منحصراً در اختیار مستشاران انگلیسی قرار می‌گرفت.^۱ انتشار خبر این قرارداد، موجب مخالفت آزادی‌خواهان و شخصیت‌های سیاسی - مذهبی ایران شد.

۱- برای کسب اطلاع بیش‌تر از مفاد قرارداد ۱۹۱۹، ن. ک: مکی، «تاریخ بیست ساله‌ی ایران»، ج ۱، ص ۳۹؛ نیز: هوشنگ مهدوی، «تاریخ روابط خارجی ایرانی»؛ ص ۳۹۵؛ لسانی، «طلای سیاه یا بلای ایران»، ص ۲؛ دیگار، ژان پیر و دیگران، «ایران قرن بیستم»، ص ۷۱؛ رایت، دنیس؛ «انگلیسی‌ها در میان ایرانیان»، ص ۷۰-۲؛ ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، ص ۱۶۱-۱۶۲؛ اعظام قدسی، «خاطرات من با صد سال تاریخ ایران»، ج ۲، ص ۶۶؛ ولایتی، «تاریخ روابط خارجی ایران» دوره‌ی اول مشروطه، ص ۵۹.

شیخ محمد خیابانی



خیابانی اصلاح‌گری ژرف‌نگر، روحانی‌ای آگاه، آزادی‌خواهی روشنگر و مجاهدی مؤمن از شاگردان آیت‌الله میرزا ابوالحسن انگجی بود. از علم منطقی، حکمت، کلام، تاریخ، طبیعیات، نحو و هیئت بهره داشت و به اخلاق نیک و زهد و تقوا معروف بود. مدتی در مسجد کریم‌خان تبریز، محله‌ی خیابان، امامت جماعت بود و جمعیتی بسیار به او اقتدا می‌کردند. پس از بسته شدن قرارداد ننگین و ثوق‌الدوله که ایران را تحت الحمایه‌ی انگلیس می‌کرد، تبریز را علیه آن شوراند و شهر را تصرف کرد. وی در صدد تشکیل حکومتی بر مبنای اسلام بود.

سرانجام این سرباز رشید اسلام و آزادی، به وسیله‌ی حاکم وقت ایالت آذربایجان، مخبرالسلطنه هدایت، به شهادت رسید. ملک‌الشعرای بهار در وصف او مرثیه‌ی بلندی سرود که بیتی از آن چنین بود:

سرتاسر ایران، کفن سرخ ببوشد

گر خون خیابانی مظلوم بجوشد

سرانجام، با اوج‌گیری مخالفت‌های مردم و تلاش‌های آیت‌الله مدرس و دیگر شخصیت‌های سیاسی، اجرای قرارداد و ثوق‌الدوله متوقف ماند.

کودتای ۱۲۹۹

شکست انگلستان در اجرای قرارداد ۱۹۱۹م، آغازی برای طرح کودتای ۱۲۹۹ ش. به شمار می‌رود. سیاستمداران انگلستان با تجربه‌ی لغو قرارداد و ثوق‌الدوله، در سیاست خارجی خود تجدیدنظر کردند و به جای «مداخله‌ی مستقیم» در امور داخلی ایران روش «مداخله‌ی غیرمستقیم» را در پیش گرفتند.

عامل دیگری که آن دولت را به سمت سیاست مداخله‌ی غیرمستقیم سوق داد، نفرت تاریخی مردم مسلمان ایران از نظام استعماری انگلستان بود. یکی از شاخصه‌های سیاست مداخله‌ی غیرمستقیم، تحت عنوان «راهبرد نفوذنامرئی»^۲ بود.

۱- جهت اطلاع بیشتر ن. ک: لوسوتر، «زمینه‌چینی‌های انگلیس برای کودتای ۱۲۹۹»، ص ۷۱.

۲- استراتژی نفوذنامرئی: مبنی بر دخالت غیرمستقیم در ارکان حاکمیت ایران بود.

عاملان کودتا

دولت انگلیس برای اجرای هدف‌ها و برنامه‌های استعماری خود در ایران، نیازمند افرادی بود که قادر به اجرای سیاست‌های مورد نظرش باشند. برای این منظور، یک فرد سیاسی و یک فرد نظامی را انتخاب کرد. این دو نفر، سید ضیاء‌الدین طباطبایی (مدافع قرارداد ۱۹۱۹) و رضاخان میرینج (فرماندهی نیروی قزاق) بودند.

بیش‌تر بدانید

حسن اعظام قدسی در کتاب خاطرات خود، علت‌های کودتای انگلیسی ۱۲۹۹ را چنین بیان کرده است: «روزی برحسب خواسته‌ای با قنصل انگلیس در مشهد ملاقات دوستانه‌ای انجام شد. قنصل انگلیس گفت: بعد از مایوس شدن از قراردادی که با وثوق‌الدوله منعقد گردید [قرارداد ۱۹۱۹]، لطمه‌ی بزرگی به سیاست انگلستان وارد شد که شاید کم‌تر سابقه داشت. این بود که زمامداران انگلستان در مقام عمل تصمیم گرفتند که طرح و نقشه‌ی خود را به صورت دیگری به اجرا درآورند: اول این که در ایران قوای نظامی و سیاسی در یک جا متمرکز شود. دوم، استقلال پول ایران از راه نشر اسکناس [رواج یابد]. سوم، تجدید قرارداد نفت [امکان‌پذیر گردد]. چهارم، از میان بردن عشایر، خاصه در نقاط مرزی ایران. پنجم، از بین بردن روحانیون و ضعیف کردن آن‌ها که عامل شکست‌های انگلستان بودند. ششم، برهم‌زدن بساط عزاداری امام حسین (ع) که خود بزرگ‌ترین وسیله برای خنثی کردن سیاست دولت انگلستان بود. هفتم، گرفتن کارهای بزرگ از مردان دوراندیش و دادن آن‌ها به دست اشخاص فرومایه و بی‌ایمان...»^۱

نقشه‌ی انگلستان این بود که توسط مهره‌های داخلی و بدون سلطه‌ی مستقیم نظامی، مقاصد خود را در ایران تأمین کند.^۲

چگونگی اجرای کودتا

در بهمن ماه ۱۲۹۹ با حضور آبرون‌ساید، میان دو عامل کودتا، ملاقاتی در قزوین صورت گرفت. در این دیدار، رضاخان پذیرفت که پس از فتح تهران توسط نیروهای قزاق، مقام نخست‌وزیری به سیدضیاء‌الدین طباطبایی سپرده شود.

با توجه به این که فرماندهی نیروهای ژاندارم و دیگر محافظان پایتخت قبلاً از سوی انگلیسی‌ها

۱- اعظام قدسی، خاطرات من یا تاریخ صدساله‌ی ایران، ج ۲، ص ۶۵.

۲- ن. ک: رایت، «انگلیسی‌ها در میان ایرانیان»، ص ۲۰۸-۲۱۴.

تطمیع شده بودند، نیروهای کودتاجی بدون هیچ‌گونه مقاومت جدی، در سوّم اسفندماه، شبانه وارد تهران شدند و تمام مناطق حساس پایتخت را به اشغال خود در آوردند.^۱

بیش‌تر بدانید

ژنرال آیرون سایید در یادداشت‌های خود در ۱۴ ژانویه‌ی ۱۹۲۱/۲۴ دی‌ماه ۱۲۹۹ نوشته است: «شخصاً عقیده دارم که پیش از آن‌که از این‌جا بروم بتوانم قوای قزاق را به حال خود رها کنم. در واقع یک دیکتاتوری نظامی می‌تواند گرفتاری‌های ما را برطرف کند و ما را قادر خواهد ساخت که بی‌هیچ دردسری، این کشور را ترک کنیم».

وی پس از ملاقات با رضاخان در ۱۲ فوریه‌ی ۱۹۲۱/۲۳ بهمن‌ماه ۱۲۹۹ اعلام کرد: «من با رضاخان مصاحبه کردم، و سرکردگی [قوای] قزاق ایرانی را به طور قطع به او سپردم».^۲

با تصرف تهران حکومت کودتا مستقر شد و بلافاصله به دستور سید ضیاء‌الدین طباطبایی، بسیاری از شخصیت‌های سیاسی، از جمله آیت‌الله مدرس، که از مخالفان سیاست‌های انگلستان در ایران بود، دستگیر و روانه‌ی زندان شد. سیدضیاء چند روز پس از کودتا به حضور احمدشاه رفت و رسماً کابینه‌ی خود را تشکیل داد.

فکر کنید و پاسخ دهید:

آیا می‌دانید تفاوت استعمار نو و استعمار کهنه چیست؟

۱- برای مطالعه‌ی بیش‌تر درباره‌ی کودتای ۱۲۹۹ ن. ک: ملک‌الشعراى بهار، «احزاب سیاسى ایران»، ج ۲، ص ۵۵-۶۵ و ۷۴-۸۶؛ مکی، «تاریخ بیست ساله»، ج ۵، ص ۲۴۳-۲۴۶؛ کرونین، «ارتش و حکومت پهلوی»، ص ۱۳۱-۱۵۹، مدنی، «تاریخ سیاسى معاصر ایران»، ج ۱، ص ۹۷-۹۹؛ «خاطرات سرى آیرون سایید»، ص ۳۶۶-۳۶۸؛ رایت، «انگلیسى‌ها در میان ایرانیان»، ص ۲۱۵-۲۰۰.

۲- «خاطرات سرى آیرون سایید»، ص ۲۱۸-۲۲۵.

نیکی کدی در این باره چنین نوشته است: «اکنون این مطلب روشن شده که فرمانده نیروهای انگلیسی ایران، ژنرال آیرون سایید، ابتدا به رضاخان کمک کرد که قدرت را در تیپ قزاق به دست آورد، سپس او را به انجام کودتا تشویق نمود. (کدی، «ریشه‌های انقلاب»، ص ۱۳۷).

درباره‌ی نقش آیرون سایید در کودتای ۱۲۹۹، هم‌چنین ن. ک: شیخ‌الاسلامی، «قتل اتابک»، ص ۲۸۶؛ رایت، «انگلیسى‌ها در میان ایرانیان»، ص ۲۰۸-۲۱۱؛ «خاطرات و سفرنامه ژنرال آیرون سایید»، ص ۴۷ به بعد؛ «خاطرات سرى آیرون سایید»، ص ۸-۳۶۶.

سید ضیاء که مورد حمایت کامل سفارت انگلیس بود، به قصد منحرف ساختن افکار عمومی، با تبلیغات فراوان، قرارداد ۱۹۱۹ را که به همت افرادی چون آیت‌الله مدرس عملاً متروک مانده بود، لغو کرد، تا برای سرپوش نهادن بر نقش انگلستان در کودتا، دولت خود را کابینه‌ای ملی و ضدانگلیسی نشان دهد.



رضا خان

ظاهرسازی‌های سیدضیاء و تندروی‌های او، موجی از مخالفت را علیه وی برانگیخت. از سوی دیگر، خودسری‌های رضاخان سردار سپه در اختصاص درآمد شهرداری و اداره‌های مالیه به نفع قزاق‌های زیر فرمانش، بر مشکلات دولت می‌افزود. بروز اختلاف و جنگ قدرت میان سیدضیاء و رضاخان، سیدضیاء را وادار کرد که وزارت جنگ را به او واگذار کند. به این ترتیب، رضاخان، دومین گام را در راه رسیدن به حکومت برداشت.

دولت انگلستان که از اختلاف میان سیدضیاء و رضاخان آگاه بود، تصمیم گرفت که از رضاخان حمایت کند.

به گفته‌ی مورخان، رضاخان از استعدادی

خارق‌العاده و برتر از دیگران برخوردار نبود، اما به‌خاطر روحیه‌ی استبدادی و نظامی‌گری‌اش، در مقایسه با رجال هم‌عصر خود برجستگی‌هایی داشت که او را در رسیدن به اهدافش یاری می‌کرد. وی در راه رسیدن به موقعیت مورد نظرش، نیت و قصد خود را تا آخرین لحظه مکتوم می‌داشت. به‌علاوه، چنان که خود او گفته است، از زیر هیچ کاری شانه خالی نمی‌کرد. بنابراین به‌آسانی می‌توانست برای مردان سست‌اراده و ناکارآمد خاندان قاجار، جای‌گزین مناسبی باشد.

۱- ارفع، در خدمت پنج سلطان، ص ۱۹۵؛ هم‌چنین ن. ک: بهار، تاریخ احزاب سیاسی تا انقراض قاجاریه، ج ۱، ص ۶۱-۷۰؛

فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، ص ۱۴۵-۱۴۸؛ بهبودی، خاطرات سلیمان بهبودی، شمس پهلوی و علی‌یزدی، ص ۲۰-۲۵؛

مکی، تاریخ بیست‌ساله ایران، ج ۱، ص ۴۷۷.

بیش تر بدانید

ژنرال آبرون ساید که یکی از عامل‌های خارجی کودتا بود، در «خاطرات سری» خود نوشته است: «من اطلاع پیدا کردم که رضاخان نقشه‌ی کودتا را با موفقیت در تهران اجرا کرده است. تصور می‌کنم همه‌ی مردم ایران بر این عقیده باشند که نقشه‌ی کودتا را من کشیده و اجرای آن را از پشت پرده نظارت کرده باشم. اگر راست مطلب را بخواهم بنویسم، حقیقت هم همین است.»^۱

البته آنچه که آبرون ساید بیان کرده است. همه‌ی واقعیت نیست، زیرا او تنها یکی از عاملان اجرایی کودتا بود. طراحان و عامل‌های اصلی، دست‌های آشکار و پنهانی بودند که در حاکمیت دولت انگلستان قرار داشتند. آنان با توسل به چند واسطه، گرداننده‌ی اصلی این غائله بودند و بی‌آن‌که ردپایی آشکار از خود باقی بگذارند، کودتا و چگونگی صعود رضاخان به سلطنت را مدیریت می‌کردند.

یکی از این عامل‌ها سر وینستون چرچیل وزیر مستعمرات وقت انگلیس بود که در آن زمان، نقشی مؤثر در تعیین سیاست خارجی انگلستان داشت. او بر این باور بود که دولت انگلستان نباید در امور ایران دخالت مستقیم و آشکار داشته باشد؛ بلکه باید با استفاده از سیاست دخالت غیرمستقیم و ایجاد یک حکومت مقتدر و در عین حال وابسته، مقاصد و مطامع دولت انگلستان را در ایران عملی سازد. این سیاست با هدف کاهش نفوذ شوروی در منطقه حساس خاورمیانه توسط سه کشور ایران، ترکیه و افغانستان بود. روی کار آمدن سه عامل وابسته به سیاست انگلستان، یعنی رضاخان در ایران، آتاتورک در ترکیه و امان‌الله‌خان در افغانستان، نتیجه‌ی این سیاست به شمار می‌رود.

علاوه بر نقش تعیین‌کننده‌ی وینستون چرچیل در روی کار آمدن حکومت‌های وابسته، باید از نقش دستگاه جاسوسی و اطلاعاتی انگلستان، و اردشیرجی (ریپورتر)^۲، در ظهور سلسله‌ی پهلوی و کودتای ننگین سوم اسفند ۱۲۹۹ یاد کرد.

۱- «خاطرات سری آبرون ساید»، ص ۳۳۷.

۲- برای دریافت اطلاع بیشتر، ن. ک: «ظهور و سقوط سلطنت پهلوی»، ج ۱، ص ۸۴ و ج ۲، ص ۹۸، ۱۱۵، ۱۲۴، ۱۳۸ و ۱۴۲؛ دکتر محمد مصدق با بیان خاطره‌ای به نقل از سردار سپه (رضا شاه) گواهی می‌دهد که انگلیسی‌ها او را روی کار آوردند. (کی استون، سیاست موازنه منفی، ص ۳۴؛ ن. ک: دولت‌آبادی، حیات یحیی، ج ۴، ص ۳۴۳).

ژنرال آبرون ساید در خاطرات خود اعتراف می‌کند، از طریق اردشیرجی با رضاخان آشنا شده است. سردنیس رایت نیز در کتاب خود می‌نویسد، اردشیرجی برای نخستین بار در ۱۹۱۷ م با رضاخان آشنا شد و او را در جریان مأموریت آبرون ساید قرار داد. اردشیرجی، شاه را به آبرون ساید معرفی کرد. (آبرون ساید، خاطرات سری آبرون ساید، ص ۳۳۸؛ رایت، انگلیسی‌ها در میان ایرانیان، ص ۲۰۹؛ وصیت‌نامه‌ی اردشیر ریپورتر، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، ص ۱۵۲).

پرسش‌های نمونه

- ۱- دولت انگلستان پس از جنگ جهانی اول چه سیاست‌هایی در منطقه‌ی خاورمیانه دنبال می‌کرد؟
- ۲- پس از پایان جنگ جهانی اول در ترکیب نیروهای نظامی انگلیس و روس در ایران چه تغییراتی ایجاد شد؟
- ۳- ماهیت قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس چه بود؟
- ۴- چه عواملی انگلستان را در دوران بعد از جنگ جهانی اول به سوی مداخله‌ی غیرمستقیم در ایران سوق داد؟
- ۵- سیدضیاءالدین طباطبایی پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ به چه اقداماتی دست زد؟
- ۶- دولت سیدضیاءالدین طباطبایی با چه مشکلاتی مواجه بود؟

اندیشه و جست و جو

با راهنمایی دبیر محترم، متن قرارداد ۱۹۱۹ را از یکی از منابع پیدا کنید و چند بند از آن را در کلاس بررسی کنید.

رضاخان؛ تثبیت قدرت

در این درس به رویدادهای پس از سقوط کابینه‌ی سیاه، دوران تثبیت قدرت رضاخان تا نخست‌وزیری و جمهوری خواهی او می‌پردازیم.

سقوط کابینه‌ی سیاه^۱

عمر دولت سیدضیاءالدین طباطبایی کوتاه بود. او پس از گذشت سه ماه، از مسند قدرت کنار گذاشته و با حمایت انگلستان از کشور خارج شد و به فلسطین که در آن زمان تحت قیمومت انگلیس بود، رفت. پس از سیدضیاء، قوام السلطنه^۲ مأمور تشکیل کابینه شد. سفارت انگلستان پیشنهاد کرد تا بعد از سیدضیاء، رضاخان، عامل دیگر کودتا، به نخست‌وزیری منصوب شود اما این پیشنهاد با مخالفت احمدشاه روبه‌رو شد و قوام به نخست‌وزیری رسید.^۳

دولت‌های ناپایدار

بعد از کودتای ۱۲۹۹ ش. جاه‌طلبی‌های رضاخان، آبروی از خودکامگی و استبداد در آسمان ایران ایجاد کرد. در این زمان دولت‌های ناپایدار یکی پس از دیگری تشکیل شد اما رضاخان، با وجود تعویض کابینه‌های سیدضیاء^۴، قوام السلطنه^۵، مشیرالدوله^۶ و مستوفی‌الممالک^۷، هم‌چنان بر مصدر قدرت و وزارت

۱- کابینه‌ی سیدضیاءالدین طباطبایی به‌دلیل اعمال خشونت و تندروی به کابینه‌ی سیاه معروف شد.

۲- احمدقوام (قوام السلطنه) از وابستگان معروف انگلستان و برادر و نوق‌الدوله، عاقد قرارداد ننگین ۱۹۱۹م بود.

۳- مکی، «تاریخ بیست ساله ایران»، ج ۱، ص ۳۶۴.

۴- نخست‌وزیری سیدضیاءالدین طباطبایی از اسفند ۱۲۹۹ تا خرداد سال ۱۳۰۰ به طول انجامید. او پس از خارج شدن از ایران به سرزمین‌های اشغالی فلسطین رفت و اقدام به خرید زمین‌های مسلمانان و فروش آن‌ها به صهیونیست‌های اشغال‌گر کرد.

۵- قوام السلطنه بعد از کودتا تا نخست‌وزیری رضاخان، دوبار منصب نخست‌وزیری را به عهده گرفت. بار اول از خرداد تا بهمن ماه ۱۳۰۰ و نوبت دوم از خرداد تا بهمن ماه سال ۱۳۰۱ ادامه یافت.

۶- نخست‌وزیری مشیرالدوله بار اول از بهمن ۱۳۰۰ تا خرداد ماه ۱۳۰۱ و نوبت دوم از خرداد تا آبان‌ماه ۱۳۰۲ ادامه یافت.

۷- نخست‌وزیری مستوفی‌الممالک از بهمن ماه ۱۳۰۱ تا خرداد ماه سال ۱۳۰۲ ادامه یافت.

جنگ باقی‌ماند. او در طول این مدت، تسلطش را بر ارتش تثبیت کرد، ژاندارمری را از «وزارت داخله» (وزارت کشور) به «وزارت جنگ» انتقال داد و بر نفوذ خود افزود.^۱

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما چرا رضاخان و انگلیسی‌ها بیش‌تر به نیروهای نظامی و انتظامی متکی بودند؟

اقدام‌های خودسرانه و خشونت‌آمیز رضاخان در دوران تصدی وزارت جنگ، منجر به طرح استیضاح او در مجلس، به رهبری آیت‌الله سید حسن مدرس شد اما رضاخان، با طرح شایعه‌ی استعفای خود و صحنه‌سازی، طرفدارانش را علیه مجلس تحریک کرد و مخالفان را مورد ضرب و شتم و ارباب، قرارداد.

بیش‌تر بدانید



سید حسن مدرس نماینده ادوار مختلف مجلس شورای ملی

آیت‌الله مدرس در جلسه‌ی سیزدهم مجلس چهارم (مهر ماه ۱۳۰۱) خطاب به نمایندگان مردم اعلام کرد: «شماها مگر ضعف نفس دارید که این حرف‌ها را می‌زنید و در پرده سخن می‌گویید؟! ما [نمایندگان مجلس] بر هر کس قدرت داریم. از رضاخان [سردار سپه] هیچ ترس و واهمه‌ای نداریم. ما قدرت داریم پادشاه را عزل کنیم. رئیس‌الوزراء را بیاوریم، سؤال کنیم، استیضاح کنیم، عزلش کنیم. و همچنین، رضاخان را استیضاح کنیم؛ عزل کنیم، برود در خانه‌اش بنشیند... قدرتی که مجلس دارد، هیچ چیز نمی‌تواند مقابلش بایستد. مجلس بر هر چیزی قدرت دارد.»^۲

طرفداران و حامیان رضاخان، به شکلی سازمان‌یافته، راه او را در دست‌یابی به مقاصد شومی که در سر داشت، هموار می‌کردند. تیمورتاش، داور، تقی‌زاده و تدین، از نمایندگان تجدّدطلب مجلس و سلیمان میرزا که از اولین پایه‌گذاران «جریان کمونیستی» ایران به حساب می‌آمد، به همراه بعضی از

۱- ن. ک: آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ص ۱۰۷ و ۱۰۸.

۲- ن. ک: مکی، «تاریخ بیست‌ساله»، ج ۲، ص ۱۷۰.

فراماسونری‌های^۱ شناخته شده، نظیر محمد علی فروغی، به دفاع از رضاخان پرداختند. در چنین شرایطی، آیت‌الله مدرس، سرسختانه در میدان مبارزه با خودکامگی رضاخان ایستادگی می‌کرد. او کوشید با همراهی عده‌ای از نمایندگان مجلس، دولت و دربار را از سلطه‌ی استعمار انگلیس و رضاخان نجات دهد و تا پای جان، در این راه پایداری کرد.

نخست وزیری رضاخان

رضاخان با تبلیغ‌های گسترده، دسیسه‌چینی و دستاویز قراردادن ناامنی در کشور، خواهان قدرت و اختیارات بیش‌تری شد. سرانجام نیز، با وجود مخالفت‌ها، نه تنها موفق به تثبیت موقعیتش شد، بلکه احمدشاه و مجلس را ناچار به انتخاب خود به نخست‌وزیری کرد اما این، هدف نهایی او نبود. احمدشاه در سوم آبان ماه ۱۳۰۲ فرمان نخست‌وزیری او را صادر کرد و بلافاصله به اروپا رفت. شاه با این اقدام، عملاً کشور را به دست رضاخان سپرد. انگلیسی‌ها و عوامل وابسته‌ی آن‌ها، از یک سو چنین تبلیغ می‌کردند که وضع کشور بحرانی و آشفته است و به شاه توصیه کردند که برای مدتی کشور را ترک کند و از دیگر سو، خروج احمدشاه را از کشور، نشانه‌ی بی‌کفایتی و بی‌علاقگی‌اش به ایران اعلام کردند!

قدرت طلبی به اسم جمهوری خواهی

اگر چه از ابتدای کودتای ۱۲۹۹، انگلستان نظام حکومتی معینی را برای ایران پیشنهاد نکرده بود اما با انتخاب رضاخان و حمایت از او، آشکار بود که هدف‌های مورد نظرش در ایران، تنها از طریق استقرار یک حکومت مستبد امکان‌پذیر است. لازمه‌ی این کار، تغییر نظام حکومتی در ایران بود.

همزمان با نخست‌وزیری رضاخان در ایران، مصطفی کمال پاشا (آتاتورک) با حمایت دولت انگلستان، در کشور عثمانی (ترکیه) به قدرت رسید. او نظام امپراتوری عثمانی را لغو و نظام «جمهوری» را تأسیس کرد. این واقعه، بهانه‌ی مناسبی برای جایگزینی حکومت رضاخان به جای سلطنت قاجار بود.

۱- سابقه‌ی پیدایش فراماسونری به چند قرن پیش بازمی‌گردد. گروه‌های فراماسونری در کشورهای اروپایی در واقع انجمن‌هایی بودند که توسط سیاستمداران و تحصیل کردگان تشکیل می‌شد. آنان ابتدا مدعی تلاش برای همه انسان‌ها بودند اما به تدریج شبکه‌های قدرتمندی شدند که برای به دست گرفتن قدرت تلاش می‌کردند. دین‌زدایی یکی از اهداف فراماسون‌ها بود. فراماسون‌ها در کشورهای آسیا و آفریقا به عنوان عوامل استعمار و در جهت پیشبرد منافع دولت‌های استعماری‌ای چون انگلستان عمل می‌کردند. فراماسون‌ها در ایران از مروّجان غرب‌زدگی و مدافعان منافع دولت‌های استعماری به شمار می‌روند.

رضاخان به سرعت و با اعمال نفوذ و تقلب، انتخابات دوره پنجم مجلس شورای ملی را برگزار کرد و در پناه حمایت حزب‌ها و جریان‌های سیاسی طرفدار خود توانست اکثریتی از نمایندگان موافق و طرفدار خود را روانه‌ی مجلس کند. با وجود این، نمایندگان چون آیت‌الله مدرس، مستوفی الممالک، دکتر مصدق، مشیرالدوله و مؤتمن‌الملک نیز که مورد توجه مردم بودند، به مجلس راه یافتند.

پس از تشکیل دوره پنجم مجلس در بهمن‌ماه ۱۳۰۲ کوشش برای برقراری نظام جمهوری در ایران، با اتحاد حزب «تجدد» به رهبری داور، تیمورتاش و تدین و حزب «سوسیالیست»، به رهبری سلیمان میرزا اسکندری آغاز شد. آیت‌الله مدرس که از ماهیت جمهوری رضاخانی به خوبی آگاه بود، رهبری مخالفان را در دست گرفت. او به همراه عده‌ای دیگر از نمایندگان اقلیت مجلس، مخالفت خود را با طرح جمهوری خواهی که یک نامزد (رضاخان) نیز بیش‌تر نداشت، ابراز کرد.

آیت‌الله مدرس، طی نطقی اعلام کرد: «مبنای این جمهوری، بنا بر اراده‌ی ملت نیست. بلکه انگلستان می‌خواهد آن را به ملت ایران تحمیل نماید، تا حکومتی را که صددرصد دست‌نشانده و تحت اراده‌ی خود باشد در ایران برقرار سازد... اگر واقعاً نامزد و کاندیدای جمهوری فردی آزادی‌خواه و وطن‌دوست بود، حتماً با او موافقت می‌کردم و از هیچ کمک و مساعدتی دریغ نمی‌ورزیدم»^۱.

سرانجام، مخالفت نمایندگان اقلیت مجلس، علما و مردم با طرح جمهوری رضاخانی، مقاصد او را با شکست روبه‌رو کرد.

برکناری سلسله‌ی قاجار و تغییر سلطنت

رضاخان و هوادارانش پس از شکست طرح جمهوری خواهی، درصدد برآمدند از طریق دیگر سلطنت را از دست خاندان قاجار درآورند. سرانجام پس از زمینه‌چینی و تبلیغات گسترده، مجلس شورای ملی در روز نهم آبان‌ماه ۱۳۰۴ ماده واحده‌ای^۲ مبنی بر خلع سلسله‌ی قاجار و واگذاری نیابت موقت سلطنت به رضاخان را تصویب کرد.

کوشش شخصیت‌هایی چون آیت‌الله مدرس برای جلوگیری از تغییر سلطنت مؤثر واقع نشد و

۱- مکی، «تاریخ بیست ساله»؛ ج ۲، ص ۴۵۹؛ مکی، «مدرس، قهرمان آزادی»، ص ۲۸۶.

۲- ماده واحده این بود: «مجلس شورای ملی، به نام سعادت ملت، انقراض سلطنت قاجار به اعلام نموده، و حکومت موقتی را در

حدود قانون اساسی و قوانین موضوعه مملکتی به شخص آقای رضاخان پهلوی واگذار می‌نماید.»

اکثریت نمایندگان مجلس، به این ماده واحده، رأی مثبت دادند. آیت الله مدرس در حالی که می‌گفت: «اگر هزار بار رأی بدهید، [این کار] خلاف قانون اساسی است»، مجلس را ترک کرد. این در حالی بود که بسیاری از یاران قبلی او، توسط رضاخان، تطمیع، یا ترسانده شده بودند.^۱ در آذر همان سال مجلس مؤسسان که تمام اعضای آن از طرفداران رضاخان بودند، تشکیل شد و با تغییر چهار اصل از اصول متمم قانون اساسی، سلطنت دائمی ایران را به رضاخان و «آعقاب ذکور» او واگذار کرد، و در چهارم اردیبهشت ماه ۱۳۰۵، رضاخان، به عنوان پادشاه ایران، رسماً تاج‌گذاری کرد.

بیش‌تر بدانید

ملک الشعراى بهار



بهار از جمله شخصیت‌های سیاسی و ادبی اواخر دوره‌ی قاجار و نیمه‌ی اول سلطنت پهلوی است. وی فرزند میرزا محمد کاظم صبوری ملک الشعرا بود و پس از مرگ پدرش ملک الشعراى آستان قدس رضوی شد. او هم‌چنین در مشهد و تهران مدیر روزنامه‌ی نوبهار بود. بهار در دوره‌های سوم، چهارم، ششم، دهم و یازدهم نماینده‌ی مجلس شورای ملی بود. در دوران رضاشاه روزنامه‌ی او تعطیل و چندین بار زندانی و تبعید شد. وی شاعری آزادی‌خواه بود و علاوه بر دیوان شعر، دارای تألیفاتى است که از جمله‌ی آنها می‌توان «تاریخ احزاب سیاسى ایران» را نام برد.

۱- برای کسب اطلاع بیش‌تر ن. ک: مکی، «تاریخ بیست ساله»، ج ۳، ص ۵۰۷؛ هدایت، «خاطرات و خطرات»، ص ۳۶۹؛ مرکز

بررسی اسناد تاریخی، مدرس زنده تاریخ، ص ۱۷.



محمد علی فروغی

با انتقال سلطنت به سلسله‌ی پهلوی، محمدعلی فروغی (ذکاءالملک^۱) به عنوان اولین نخست‌وزیر دوران سلطنت رضاشاه منصوب شد. نخستین اقدام او، برپایی آیین تاج‌گذاری و نشستن رضاشاه بر تخت قدرت بود.

شرایط داخلی ایران: چنان‌که در درس‌های گذشته با اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران در دوره‌ی قاجار آشنا شدید، حوادث تلخ دوران مشروطه، و انحراف آن نهضت از مسیر و اهداف اولیه، باعث سرخوردگی مردم و بسیاری از رهبران سیاسی و مذهبی ایران شده بود. بروز جنگ جهانی اول و مداخله‌های گسترده‌ی بیگانگان در سرنوشت مردم ایران

که با غارت منابع ملی، فقر اقتصادی، قحطی، گرسنگی و ناامنی‌های اجتماعی همراه بود، بردامنه‌ی این مصیبت‌ها افزود و استقلال ایران، با حضور قدرت‌های بیگانه در شمال و جنوب کشور، به شکلی فزاینده خدشه‌دار شده بود.

از سوی دیگری کفایتی احمدشاه و دولتمردان و سرپیچی حاکمان محلی از فرمان حکومت مرکزی، موجب شیوع آشوب و از میان رفتن امنیت در جامعه گردیده بود. از این رو، در میان خواسته‌های مردم، «نیاز به امنیت» یکی از موارد اساسی و کاملاً محسوس به شمار می‌رفت.

شرایط اجتماعی، اقتصادی و روانی جامعه در آن سال‌ها به گونه‌ای بود که به تدریج زمینه را برای حاکمیت مطلق رضاخان مساعد می‌کرد. رضاخان که موفق به سرکوب چند شورش داخلی شده بود،^۲ رفته‌رفته به عنوان عامل برقرارکننده‌ی امنیت در کشور شناخته شد. افزایش حمایت انگلستان و جانبداری جریان‌ها و حزب‌های سیاسی از او نیز این باور را در میان مردم به وجود آورد که جز رضاخان، هیچ‌کس قادر به برقراری امنیت و آرامش در ایران نیست.

از جمله اقداماتی که نفوذ رضاخان را در میان مردم افزایش داد، سرکوب شورش «شیخ خزعل»

۱- برای کسب اطلاع و مطالعه‌ی بیشتر ن. ک: مُرسلوند، «زندگی نامه رجال و مشاهیر ایران»، ج ۵، ص ۹۷-۱۰۸؛ فردوست، «ظهور و سقوط سلطنت پهلوی»، ج ۱، ص ۹۵ به بعد و ج ۲، ص ۳۵؛ کتیرایی، «فراماسونری در ایران»، ص ۱۲۵؛ «تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد»، ص ۹؛ مکی، «تاریخ بیست ساله»، ج ۴، ص ۷-۲۳؛ رابین، «فراموش‌خانه و فراماسونری»، ص ۱۲۹.

۲- سرکوب ابوالقاسم لاهوتی در کرمانشاه در سال ۱۳۰۰ و شورش اسماعیل سیمتقو در سال ۱۳۰۱ ه.ش. ن. ک: امیر احمدی، خاطرات اولین سپهبد ایران، ص ۱۳۰-۱۳۶. یکی دیگر از عواملی که در رسیدن رضاخان به قدرت مؤثر بود، سوءاستفاده از احساسات مذهبی مردم و تظاهر به دینداری بود. به گونه‌ای که حتی برخی علما نیز در ابتدا به او حُسن ظن پیدا کردند.

بود. شیخ خزعل که وابستگی‌اش به انگلستان بر کسی پوشیده نبود، منطقه‌ی خوزستان را زیر سیطره‌ی خود در آورده بود. دولت انگلستان که در معاهده‌های سیاسی جدید خود، خواهان افزایش قدرت رضاخان بود، به منظور جانبداری از او، دست از حمایت شیخ خزعل برداشت. در نتیجه، شیخ خزعل، تسلیم رضاخان شد. این واقعه که به قربانی شدن شیخ خزعل انجامید، در افکار عمومی، تصویری قهرمانانه و حتی ضد انگلیسی، از رضاخان ایجاد کرد.^۱

حزب‌ها و جریان‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی: جریان دیگری که به همین میزان در دست‌یابی رضاخان به قدرت سهم داشت، گروهی از رهبران و حزب‌های سیاسی غرب‌گرا بودند که با شعار «تجدد» و «ترقی» خواهی، به تدریج در مجلس چهارم و پنجم، قدرت را در دست گرفته بودند. گروهی از نمایندگان توسل به اجبار و زور را برای ایجاد تحول‌های اجتماعی در ایران لازم می‌دانستند و در نشریه‌های وابسته به خود، به نظریه پردازی درباره‌ی لزوم استقرار نظام استبدادی در ایران پرداختند و آشکارا ندای «دیکتاتوری مُصلِح» را سردادند.^۲

۱- ن. ک: شیخ‌الاسلامی، «افزایش نفوذ روس و انگلیس در ایران عصر قاجار»، ص ۳۴-۳۸؛ کدی، «ایران در دوران قاجار و برآمدن رضاخان»، ص ۱۴۹.

۲- مضمون‌های اصلی و همیشگی این نشریه‌ها، سخنان مارکس درباره‌ی مذهب به عنوان «افیون توده‌ها»، مطالب ضد دین، تحقیر احکام اسلام و ستایش افراطی دوران باستان (پیش از اسلام) بود. برای نمونه، نخستین سرمقاله‌ی نشریه‌ی «فرنگستان»، چاپ آلمان، با این عبارت آغاز شده بود: «ایران خود را از استبداد سلطنتی رهانید اما اکنون به دیکتاتوری انقلابی نیاز دارد... تنها امید ما به فردی چون موسولینی است...» (فرنگستان، ش ۱، فروردین ۱۳۰۳، ص ۴۲).

پرسش‌های نمونه

- ۱- رضاخان در مدتی که وزیر جنگ بود، چه اقداماتی انجام داد؟
- ۲- همزمان با دوره‌ی نخست‌وزیری رضاخان، چه تحولاتی در ترکیه به وقوع پیوست؟ این واقعه چه تأثیری در ایران داشت؟
- ۳- انتخابات دوره‌ی پنجم مجلس شورای ملی چگونه برگزار شد و چه نتیجه‌ای داشت؟
- ۴- شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مملکت، چه نقشی در فراهم کردن زمینه برای به قدرت رسیدن رضاخان داشت؟

اندیشه و جست و جو

- ۱- با مراجعه به کتاب «اسرار سقوط احمدشاه»، نقش انگلستان را در برکناری احمدشاه در کلاس بررسی کنید.
- ۲- سخنرانی یکی از نمایندگان مجلس شورای ملی را که به انتقال حکومت به رضاخان رأی مثبت نداد، در کلاس بخوانید.
- ۳- چرا مجلس مؤسسان بندهایی از قانون اساسی مشروطه را تغییر داد؟ در این مورد تحقیق کنید.

ویژگی‌های حکومت رضاشاه

در این درس به‌طور فشرده با شاخصه‌های حکومت و سیاست‌های فرهنگی و مذهبی دوره‌ی پهلوی اول آشنا می‌شوید. هدف از طرح این مباحث، آشنایی بیش‌تر شما با ابعاد فرهنگی و اجتماعی دوران حکومت رضاشاه است.

الف - وابستگی: آغاز حکومت پهلوی نقطه‌ی عطفی در تاریخ فرایند وابستگی ایران محسوب می‌شود؛ زیرا تا پیش از روی کار آمدن رضاشاه، پیدایش سلسله‌های پادشاهی و حاکمان ایرانی عموماً در چارچوب روابط قومی و یا اشرافیت داخلی شکل می‌گرفت. اگرچه برخی از پادشاهان ایرانی مورد حمایت قدرت‌های عصر خود بودند ولی خاستگاه و منشأ روی کار آمدن آن‌ها، بیگانگان نبودند. ظهور سلسله‌ی پهلوی و روی کار آمدن رضاشاه از همان ابتدا در امتداد استقرار نظام سلطه‌ی جهانی و استعمار انگلستان شکل گرفت.

ب - خودکامگی و حکومت فردی: حکومت رضاشاه، حکومتی فردی و استبدادی بود. با وجود اصل تفکیک قوا در قانون اساسی، رضاشاه در همه‌ی کارها و ارکان مملکت دخالت می‌کرد. نمایندگان مجلس شورای ملی براساس فهرستی که توسط فرماندار، فرمانده لشکر و رئیس شهربانی حوزه‌ی انتخابیه تهیه و شخص رضاشاه آن را تأیید و به وزارت کشور ابلاغ می‌کرد، انتخاب می‌شدند.^۱

بنابراین هرچند که رضاشاه حکومت پارلمانی و نهاد مشروطه را از میان نبرد، اما روش حکومت او با حکومت پادشاهان مستبد قبل از مشروطه تفاوتی نداشت.^۲

علاوه بر مجلس، قوای قضائیه (عدلیه) و مجریه نیز فاقد استقلال بودند. دستگاه‌های دولتی و

۱- قاضی، علل سقوط رضاشاه، ص ۱۵۳؛ فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، ص ۷۶-۷۷؛ خاطرات سردار اسعد

بخنیری، ص ۲۲۳.

۲- کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران، ص ۱۶۹.



رضا شاه

وزارت‌خانه‌ها، قدرت هیچ‌گونه تصمیم‌گیری نداشتند و برخی به سبب شناختی که از روحیه‌ی نظامی و استبداد رأی رضا شاه داشتند، حتی قادر به اظهار نظر نبودند.^۱

ج - ترویج ملی‌گرایی افراطی : در دوران حکومت رضاشاه ملی‌گرایی افراطی با هدف به حاشیه راندن اسلام شدت گرفت.

کارگزاران فرهنگی حکومت رضاشاه، به تقلید از غرب «جدایی دین از سیاست»^۲ را از لوازم ملیت‌گرایی قلمداد می‌کردند. آن‌ها بدون داشتن درک صحیح از شرایط تاریخی ایران، هم‌بستگی میان علایق ملی و دینی را که در ایجاد وحدت و اقتدار کشور و هویت ملی جامعه ایرانی نقش مؤثری داشت، نادیده گرفتند.

بیش‌تر بدانید

مریت هاکس نوشته است: روحیه‌ی جدید ملی‌گرایی در عصر رضاشاه ردپایی از فاشیسم^۳ به همراه داشت، زیرا بدون توجه به روابط و ارزش‌های تاریخی، تنها به گذشته [دور] می‌نگرد.^۴

یکی دیگر از شاخصه‌های ملیت‌گرایی افراطی دوران رضاشاه، قومیت‌ستیزی و نادیده گرفتن هویت اقوام ایرانی مانند: ترک، کرد، عرب، بلوچ، ترکمن و مانند آن بود. اعمال تبعیض قومی و توسل به خشونت و نظامی‌گری برای از بین بردن گویش‌ها و لهجه‌های محلی، آداب و رسوم و لباس‌های زیبای محلی که تقویت‌کننده هویت ملی ایرانیان است با ادعاهای رضا شاه و کارگزاران حکومتی او ناسازگار بود^۵ که آثار

۱- هدایت، خاطرات و خطرات، ص ۴۰۲.

۲- سکولاریسم

۳- فاشیسم: نام جنبشی که در ۱۹۱۹م. به رهبری موسولینی در ایتالیا به راه افتاد. فاشیسم بر دیکتاتوری و زور تأکید بسیار دارد. موسولینی بر احیای قدرت امپراتوری روم باستان در ایتالیا تکیه می‌کرد.

۴- هاکس، ایران، افسانه و واقعیت، ص ۱۹۴.

۵- کاتم، ناسیونالیسم در ایران، ص ۱۱ و ۱۲؛ استارک، سفرنامه الموت، ص ۱۶؛ فیوضات، دولت در عصر پهلوی، ص ۵۵-۵۸.

زیان‌باری برجای گذاشت. علاوه بر این، برای تغییر الفبای فارسی به لاتین تلاش‌هایی صورت گرفت. تقی‌زاده که بر این کار اصرار می‌کرد، تغییر خط فارسی را تنها با حمایت و به کارگیری زور به دست رضاشاه ممکن می‌دانست.^۱

در پایان حکومت رضاشاه، ملیت‌گرایی با جنبش نژادپرستانه‌ی نازی‌های آلمان به رهبری آدولف هیتلر نزدیکی و همبستگی پیدا کرد. رضاشاه به نشریه‌ها دستور داد تا به مقایسه‌ی شخصیت او با هیتلر بپردازند و از وی تجلیل کنند.^۲

د - نظامی‌گری: رضاشاه به سبب خصلت‌های فردی و روحیه‌ی نظامی‌اش، ارتش را رکن و اساس حکومت خود قرار داد. او فرماندهان ارتش را نسبت به سایر مقام‌های دولتی برتر به شمار می‌آورد؛ و برای ایجاد ارتشی نوین، کوشش‌های زیادی انجام داد. اما ارتشی که او بنیان نهاد تنها برای ترساندن و سرکوب مخالفان داخلی، چپاول و غارت ایلات و عشایر و استحکام پایه‌های حکومت خود شکل گرفته بود و به هیچ وجه ارتشی ملی و مقتدر نبود تا در برابر نیروهای بیگانه کارایی داشته باشد.

رفتار رضاشاه با عشایر ایرانی همانند برخوردی بود که بیگانگان در زمان اشغال کشورمان با مردم این سرزمین می‌کردند. او در قیام مسجد گوهرشاد زنان و مردان بیگانه را به خاک و خون کشید.^۳

ه - تضعیف و تخریب ارزش‌های دینی: رضاشاه پیش از رسیدن به سلطنت، برای جلب اعتماد مردم و نزدیکی به علما، با ظاهرسازی می‌کوشید در مراسم عزاداری و مذهبی شرکت کند تا احساسات عمومی را به نفع خود و نقشه‌هایی که در سر می‌پروراند، جلب کند. یکی از مورخان، در این باره نوشته است: «در نخستین سال پیروزی کودتا، در مراسم محرم و عزاداری امام حسین (ع)، رضاشاه در حالی که گِل بر پیشانی خود می‌مالید و گاه بر سر می‌ریخت، به شعایر مذهبی تظاهر می‌کرد».^۴

علاوه بر این، رضاشاه در خردادماه ۱۳۰۳ به وزارت معارف دستور داد که بر مطالب مذهبی و شرعی چاپ شده در مطبوعات نظارت و از درج مطالب خلاف شرع، جلوگیری به عمل آید؛ و نیز

۱- افشار، سواد و بیاض، ج ۲، ص ۵۹۳؛ مجله‌ی یادگار، سال چهارم، ش ۶، ص ۴۱؛ تقی‌زاده بعداً از این اقدام اظهار پشیمانی

کرد.

۲- هدایت، خاطرات و خطرات، ص ۵۲۴؛ آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ص ۱۳۱.

۳- در این باره. ن. ک: عاقلی، ارتش متحدالشکل، ص ۶۶۴؛ کرونین، ارتش نوین رضاشاه، ص ۲۱۲؛ مکی، تاریخ بیست ساله، ج ۷، ص ۴۰۱؛ آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ص ۱۵۲؛ فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، ص ۷۸؛ امیراحمدی، خاطرات اولین سپهبد ایران، ص ۱۳۰ به بعد.

۴- مستوفی، «شرح زندگانی من»، ج ۳، ص ۲۶۱.

دستور تعطیلی مشروب فروشی‌ها و قمارخانه‌ها را صادر کرد.^۱ او در همان سال عازم عراق شد و ضمن ملاقات با عده‌ای از علما و مراجع نجف، خود را حامی اسلام معرفی کرد و قول داد که دومین اصل متمم قانون اساسی مبنی بر نظارت علما بر مصوبه‌های مجلس را، به اجرا در آورد.^۲ با این همه، تظاهر به دینداری او، مدت زیادی دوام نیاورد. او، بعد از دستیابی به قدرت مطلقه، به تدریج ماهیت ریاکارانه‌ی خود را آشکار کرد و هنگامی که به سلطنت رسید، دیگر ضرورتی برای عوام‌فریبی و تظاهر به دینداری، احساس نکرد.

اولین نشانه‌ی حمله‌ی علنی و آشکار رضاشاه به شعائر و ارزش‌های مذهبی، در نوروز سال ۱۳۰۶ در واقعه‌ی اعتراض آیت الله بافقی به زنان عضو خانواده‌ی سلطنتی که بدون رعایت موازین شرعی وارد حرم مطهر حضرت معصومه (س) شدند، آشکار شد. به دنبال این اعتراض، رضاشاه به قم رفت و با گستاخی تمام، با چکمه وارد حرم شد و آیت الله بافقی را زیر لگد انداخت. پس از آن نیز، دستور تبعید او را صادر کرد.

رضاشاه با سیاست حذف دین از اجتماع، سعی در محدود کردن روحانیون و کنترل حوزه‌های علوم دینی کرد. او با شعار «اصلاح دین»، کوشید تاریشه‌ی اسلام را برکند. جای‌گزین ساختن قانون‌های غربی به جای قوانین مذهبی، محدود کردن روحانیان و مراسم مذهبی، ممنوع کردن برگزاری مراسم سوگواری حضرت امام حسین (ع)، برپایی «کارناوال»^۳های شادی و رژه‌ی دسته‌های موزیک نظامیان در روز عاشورا، تخریب مدارس و حوزه‌های علمیه، تغییر کلاه و لباس، برداشتن حجاب و رواج منکرات و کارهای خلاف شرع، از دیگر برنامه‌های دین ستیزانه‌ی رضاشاه بود.

بیش‌تر بدانید

خانم هاکس سیاح اروپایی که در آن زمان از ایران دیدن می‌کرد، در کتاب خود می‌نویسد: «در ایران پدیده‌ی عجیب اسلام دولتی دیده می‌شود. به‌طوری که دولت در ظاهر در فکر تعدیل و شاید اصلاح دین و در واقع در فکر تباہ ساختن دین از درون است».^۴

۱- مکی، «تاریخ بیست ساله»، ج ۳، ص ۳۱؛ اعظام قدسی، «خاطرات من...»، ج ۲، ص ۴۴.

۲- برای کسب اطلاع بیش‌تر از سیاست مذهبی رضاشاه ن. ک. به: بهار، «تاریخ مختصر احزاب سیاسی»، ج ۲، ص ۹۳ و ج ۳، ص ۵۱؛ اعظام قدسی، «خاطرات من...»، ج ۲، ص ۹۲؛ مکی، «تاریخ بیست ساله»، ج ۴، ص ۱۰۷، ۱۳۶ و ۱۳۷ و ج ۶، ص ۲۲۸؛ هدایت، «خاطرات و خطرات»، ص ۳۸۲ به بعد؛ مستوفی، «شرح زندگانی من»، ج ۲، ص ۲۶۱.

۳- کارناوال: گروهی که با رقص و آواز در روزهای به خصوصی از سال (جشن‌ها) در خیابان‌ها به راه می‌افتند.

۴- هاکس، «ایران افسانه و واقعیت»، ص ۷۱.

اقدامات ضد دینی رضاشاه، محصول اندیشه‌ی خود او نبود. جریان هدایت‌گری که این برنامه‌ها را به وی القای کرد، متشکل از کسانی بود که در روی کار آوردن و دست‌یابی او به قدرت، نقش داشتند.^۱ این اقدام‌ها، به ظاهر تحت عنوان **تجددخواهی** یا **اصلاح مذهبی** صورت می‌گرفت اما اسناد تاریخی آشکار می‌کنند که استعمار نوین، برای از میان برداشتن مظاهر دین و روحانیت که مانع سلطه‌ی آن‌ها در ایران بود، به این روش‌ها متوسل می‌شد.^۲

بیش‌تر بدانید



آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی

یکی از اقدام‌های هوشمندانه‌ی مرجعیت شیعه در ایران، تأسیس حوزه‌ی علمیه‌ی قم در سال ۱۳۰۱ ش. پس از شکست عثمانی در جنگ اول و اشغال عراق توسط انگلیس بود، که توسط آیت‌الله «حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی» انجام گرفت. تا قبل از تأسیس حوزه‌ی علمیه‌ی قم، پایگاه علمی مرجعیت شیعه، عمدتاً در نجف اشرف و دیگر شهرهای مذهبی عراق متمرکز بود. این اقدام ارزشمند و خردمندانه، در عصری که استعمار در صدد اجرای نقشه‌های ضد دینی خود در منطقه بود، پس از عصر صفویان، موجب تقویت ایران به عنوان پایگاه فقه و معارف شیعه شد. علاوه بر آن، زمینه را برای مهاجرت علما و مراجعی که علیه سیاست‌های استعماری انگلستان مبارزه می‌کردند، فراهم آورد.

ادامه یافتن این نهضت فرهنگی در سالیان دشوار بعد، حوزه‌ی علمیه‌ی قم را مبدل به یکی از بزرگ‌ترین پایگاه‌های مبارزه با استعمار خارجی و استبداد داخلی کرد. تربیت عالمان و روحانیانی چون حضرت امام خمینی، یکی از ثمره‌های این اقدام بود.^۳

۱- برای کسب اطلاع بیشتر ن. ک. : فردوست، «ظهور و سقوط پهلوی»، ج ۲، ص ۱۵۲؛ اعظام قدسی، «خاطرات من»، ج ۲، ص ۶۵۷-۶۵۹.

۲- ستیزه جویی استعمار با دین، در آن مقطع زمانی، محدود به ایران نبود. انگلستان با هدف زدودن هویت اسلامی در هندوستان، ترکیه، عراق، عربستان، مصر و سایر کشورهای اسلامی، به تخریب و یا تحقیر مبانی اسلام پرداخته بود. احسان طبری که خود از نظریه پردازان حزب توده بود، ضمن ارائه‌ی تحلیلی درباره‌ی سیاست مذهبی جاری در این دوران، اعتراف کرده است که رضاشاه پس از سلطنت، به تدریج روش خود را دگرگون ساخت و سیاست از میان بردن نفوذ روحانیان و بسیاری از آداب مذهبی و حرکت به سوی تجدّد و اروپایی‌گری را دنبال کرد. تمایل رضاشاه به تضعیف روحانیت شیعه، تنها از تمایل خود او برای از میان برداشتن رقیب نشأت نمی‌گرفت؛ بلکه ناشی از اراده‌ی استعمار طلبانه‌ی انگلستان بود که از دوران حوادث تنباکو و فتوای میرزا حسن شیرازی این نیرو را شناخته بود و قصد از میان بردنش را داشت. ن. ک. : طبری، «ایران در دو سده‌ی واپسین»، ص ۲۴۵ و ۲۴۶.

۳- ن. ک. : شریف رازی، «گنجینه دانشمندان»، ج ۱، ص ۱۸۷؛ فصلنامه یاد، ش ۵، ص ۲۶.

رفتار خشونت‌آمیز رضاشاه با طلبه‌های علوم دینی و یورش به حوزه‌های علمیه، چهره‌ی واقعی و ماهیت او را آشکار ساخت، و دیری نپایید که با به شهادت رساندن علمای آگاه و مبارزی چون آیت‌الله مدرس و دستگیری و تبعید عالمان بزرگ، پرده از سیاست ضددینی خود برداشت.

آیت‌الله حاج آقا نورالله اصفهانی در اصفهان، آیت‌الله حاج حسین طباطبایی قمی در مشهد، آیت‌الله سیدابوالحسن انگجی و آقامیرزا صادق در تبریز و با حرکت‌های ضد مذهبی رضاشاه که تخریب هویت ملی و افزایش نفوذ استعمار را در پی داشت، به مخالفت پرداختند.

تغییر کلاه و لباس



رضا شاه هنگام ملاقات با آتاتورک در ترکیه

تغییر کلاه و لباس، بخشی از برنامه‌ی شبیه‌سازی جامعه‌ی ایران و هم‌رنگ شدن مردم آن با اروپایی‌ها بود.^۱ لباس و پوشاک هر جامعه، به تناسب اعتقادات دینی، فرهنگ، آداب و رسوم ملی و شرایط اجتماعی و اقلیمی با دیگر جوامع، متفاوت است. اقوام ایرانی، از دیرباز، دارای لباس و پوشش مخصوص به خود بوده‌اند. نوع لباس و پوشش هر ملت نمایشگر هویت آن مردم است که

در کشوری مثل ایران پس از گذر قرن‌ها و هزاره‌ها به تدریج شکل گرفته است. بنابراین محروم کردن اجباری مردم از لباس محلی و یا پوشش ملی ضربه زدن به هویت آن‌هاست.^۲

۱- صدرالاشراف در خاطرات خود نوشته است که این طرح، توسط تجددخواهانی چون تیمورتاش، داور و نصرت‌الدوله فیروز، به رضاشاه توصیه شد. (ن. ک. : صدر، «خاطرات صدرالاشراف»؛ ص ۲۹۱.)

طرح تغییر کلاه و لباس، با شعارهای باستان‌گرایی و ملیت‌گرایی رضاشاه در تضاد بود و مردم را به اجبار، از لباس سنتی خود باز می‌داشت. «پیتراوری» ضمن بررسی این موضوع نوشته است: «پوشیدن لباس به شیوه‌ی اروپایی که با مقررات اجباری، به شدت اجرا می‌شد، باعث از میان رفتن سلیقه‌ی خوب ایرانیان در پوشیدن لباس شد» («تاریخ معاصر ایران»، ج ۲، ص ۷۱).

۲- برای اطلاع بیشتر ن. ک. : مطهری، «نظام حقوق زن در اسلام»، ص ۲-۳؛ حداد عادل، «فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی»،

رضاشاه ابتدا با به کارگیری زور، کلاه لبه‌دار موسوم به «کلاه پهلوی» را در میان مردم متداول کرد اما پس از بازگشت از سفر ترکیه، به تقلید از «آتاتورک» دستور داد که کلاه پهلوی نیز ممنوع و منسوخ شود و اعلام کرد: «از این پس مردان باید «کلاه شاپو» بر سر بگذارند».^۱

در دی‌ماه سال ۱۳۰۷، قانون اجباری متحد الشکل کردن لباس در ایران، با قید دو فوریت، به تصویب مجلس هفتم رسید. براساس این قانون، همه‌ی مردم ایران، اعم از شهری و روستایی و عشایر چادرنشین موظف به رعایت آن بودند. مجازات متخلفان، جزای نقدی یا زندان بود.^۲

کشف حجاب

تغییر لباس، مقدمه‌ای برای کاهش مقاومت و حساسیت جامعه نسبت به حجاب و در نهایت، برداشتن آن بود. ایرانیان از دیرباز مردمی نجیب و موقر بودند. فرهنگ و تمدن مردم ایران باستان در مقایسه با سایر تمدن‌های هم عصر خود، از اصالت، عقلانیت، اخلاق و معنویت متعالی‌تری برخوردار بود. با نگاهی به حجاری‌ها و نقش‌های برجسته‌ی تخت جمشید، بیستون و دیگر آثار بر جامانده از ایران باستان، این حقیقت به روشنی آشکار می‌شود که بر خلاف فرهنگ برهنگی رایج در تمدن یونان و روم باستان، زنان ایرانی، در روزگاران قدیم نیز دارای حجاب و عفاف بوده‌اند.^۳

علی‌الخصوص که پس از پذیرش اسلام این سنت تقویت شد. پوشیدگی لباس زنان ایرانی جزو فرهنگ ملی و دینی آنان بوده، لذا مبارزه با آن امری عقلانی نیست؛ به‌ویژه وقتی که با زور و تحقیر همراه باشد.

۱- کلاه شاپو که به «کلاه لگنی» مشهور شد، اطراف آن تمام لبه‌دار بود.

۲- ن. ک: «تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد»، ص ۱۹۰-۲۲۴؛ صدر، «خطرات»، ص ۳۰۲؛ استارک، «سفرنامه الموت»، ص ۱۶.

۳- در گزارش‌های مورخان یونانی و متون کهن پارسی آمده است که زنان پارسی دارای پوشش کامل (شبهه به چادر) امروزی بودند؛ از آراستن خود برای دیگران اجتناب می‌کردند. مردان پارسی نیز باز گذاشتن هریک از قسمت‌های بدن (مانند آستین دست) را خلاف ادب می‌شمردند. (ن. ک: هرودت، تاریخ هرودت، ص ۶۵، ۱۰۸، ۱۹۵ و ۱۹۶؛ ویل دورانت، تاریخ تمدن، ص ۴۱۳؛ هرتسلفد، تاریخ باستانی ایران، ص ۱۴۱؛ تالبوت رایس، هنرهای باستانی آسیای مرکزی تا دوره‌ی اسلامی، ص ۴۵؛ شهشهانی، تاریخ پوشش مردم در ایران، ص ۴۰).

بیش‌تر بدانید



مخبر السلطنه (مهدی قلی هدایت) به هنگام والیگری
آذربایجان (بار دوم)

مخبر السلطنه درباره‌ی
حجاب نوشته است: «... چادر
رسم ایرانیان بود و ریشه در فرهنگ
گذشته‌ی ایران داشت... در شاهنامه
در سه جا ذکر «چادر» شده است و در
گذشته، چادر حفاظ و فخر نجبا بود
و ما که مدعی تجدید دوره‌ی پهلوانی
و باستانی هستیم، در تخت جمشید
و یا نقش‌های بیستون، صورت زن،
نیست.»^۱

مبارزه با حجاب که به کشف حجاب معروف شد، رسماً از روز ۱۷ دی ماه ۱۳۱۴ آغاز و با
به‌کارگیری زور و خشونت، دنبال شد.

فرمان اجباری کشف حجاب، با مقاومت‌های مردم و عالمان دینی شهرهای مختلف ایران روبه‌رو
شد. در شهر مقدس مشهد، مردم به نشانه‌ی اعتراض، در مسجد گوهرشاد اجتماع کردند. به دستور
مستقیم رضاشاه، مأموران مسجد را به محاصره درآوردند و با پتک در مسجد را شکستند و وارد صحن
شدند و با مسلسل‌های سنگین، از اطراف و بام‌های حرم مشرف به صحن مسجد گوهرشاد، آن‌ها را به
گلوله بستند.^۲

۱- هدایت، خاطرات و خطرات، ص ۴۰۵.

۲- ن. ک. : هروی، «حدیقه الرویه»، ص ۲۲۸، ۲۶۱، ۲۶۳، ۲۶۴، و ۲۶۷؛ دوانی، «نهضت روحانیون ایران»، ج ۲، ص ۱۶۱؛
«خاطرات سیاسی پهلول»، ص ۶۶ تا ۸۳؛ واحد، «قیام گوهرشاد»، ص ۹۹، ۱۳۳ و ۱۴۲؛ فردوست، «ظهور و سقوط سلسله پهلوی»، ج ۲،
ص ۶۹ و ۷۰؛ «تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد»، ص ۲۲۴؛ کوهستانی‌نژاد، «واقعه خراسان»، ص ۵۶، ۸۱، ۸۹ و ۱۰۲.

پرسش‌های نمونه

- ۱- رضاشاه پیش از رسیدن به سلطنت برای تظاهر به دینداری چه اعمالی انجام داد؟
- ۲- رضاشاه در دوران سلطنت خود برای محدود کردن دین و شخصیت‌های دینی چه اقداماتی انجام داد؟
- ۳- اقدام‌های ضد دینی رضاشاه ریشه در چه جریان فکری و فرهنگی داشت؟
- ۴- در دوره‌ی سلطنت رضاشاه چه تغییراتی در لباس و کلاه مردم ایجاد شد؟

اندیشه و جست و جو

- ۱- در مورد شیوه‌ی برخورد مأموران حکومتی با زنان با حجاب در دوره‌ی رضاشاه، مطلبی تهیه کنید.
- ۲- با استفاده از کتاب «مسئله‌ی حجاب» استاد مطهری و «تاریخ تمدن» ویل دورانت، درباره‌ی ریشه‌های تاریخی اعتقاد مردم ایران به حجاب و حتی وجود پوشش چادر و حجاب برای خانم‌ها در ایران باستان تحقیق کنید و مقاله‌ای بنویسید.

سقوط رضا شاه

در این درس با موضوع‌های جنگ جهانی دوم، اشغال ایران، سقوط رضاشاه، و هم‌چنین، کارنامه‌ی مختصری از دوران حکومت رضاشاه آشنا می‌شوید. انتظار می‌رود پس از مطالعه‌ی این درس، با راهنمایی دبیر محترم درس تاریخ، ضمن تحلیل علت‌های سقوط رضاشاه، به نتایج حاکمیت استبدادی رضاشاه، تأثیرهای آن بر تاریخ معاصر کشورمان و عبرت‌هایی که می‌توان از این دوران گرفت، بپردازید.

گرایش رضا شاه به آلمان

در سال‌های بعد از جنگ جهانی اول سیاست انگلستان نسبت به آلمان تغییر کرد؛ زیرا انگلستان و فرانسه از جانب حکومت کمونیستی شوروی بیش‌تر احساس خطر می‌کردند. بنابراین انگلیسی‌ها توسعه و تقویت آلمان نازی تحت رهبری هیتلر را برای مقابله با شوروی مناسب می‌دانستند. در چنین شرایطی بود که دولت انگلیس به حکومت رضاشاه اجازه داد تا مناسبات سیاسی و اقتصادی خود را با آلمان توسعه دهد. سطح روابط تجاری و صنعتی دو کشور به سرعت گسترش یافت و صدها کارشناس و تبعه‌ی آلمانی در ایران مشغول کار شدند.^۱

جنگ جهانی دوم

جنگ جهانی دوم^۲ با حمله‌ی برق‌آسای هیتلر به لهستان در شهریور ۱۳۱۸/ سپتامبر ۱۹۳۹ آغاز شد. انگلستان و فرانسه و بعداً آمریکا نیز به آلمان اعلان جنگ دادند. شوروی به دلیل امضای مخفیانه

۱- جهت اطلاع بیش‌تر ن. ک: الهی، اهمیت استراتژیکی ایران در جنگ جهانی دوم، ص ۸۴-۸۰؛ ذوقی، ایران و قدرت‌های بزرگ در جنگ جهانی دوم، ص ۲۶-۲۰؛ اسکرین، جنگ جهانی در ایران، ص ۲۳۲-۲۰۹؛ زرگر، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در دوره‌ی رضاشاه، ص ۴۰۰ و ۴۳۴-۴۳۱؛ بولارد، شترها باید بروند، ص ۴۴۲؛ متین‌دفتری، خاطرات یک نخست‌وزیر، ص ۲۰۳-۲۰۸.

۲- این جنگ بین کشورهای محور متشکل از آلمان، ایتالیا و ژاپن و کشورهای متفقین متشکل از انگلستان، فرانسه، شوروی و آمریکا در گرفت و سرانجام در ۱۳۲۴/م ۱۹۴۵ ش. با شکست کشورهای محور پایان یافت.

پیمان عدم تجاوز مشترک با آلمان، تقریباً دو سال اول جنگ از صحنه‌ی درگیری برکنار ماند. دولت ایران با اعلام بی‌طرفی در آن جنگ، تأکید کرد به هیچ یک از طرف‌های جنگ اجازه نخواهد داد از خاک ایران عبور کنند.

در سال ۱۳۲۰ ش/۱۹۴۱ م ارتش هیتلر ناگهان روانه‌ی مرزهای شوروی شد و به سرعت در خاک آن کشور پیشروی کرد. پس از آن ایران به سبب موقعیت حساس خود مورد توجه متفقین قرار گرفت، زیرا مناسب‌ترین راه برای انتقال کمک‌های اقتصادی و نظامی انگلستان و آمریکا به شوروی بود تا ماشین جنگی هیتلر را متوقف سازد. از سوی دیگر احتمال تسلط آلمان‌ها بر چاه‌های نفت ایران و خاورمیانه، انگلستان را به وحشت انداخته بود.

در تیر ۱۳۲۰، انگلستان و شوروی حضور اتباع آلمانی در ایران را بهانه کرده، خواستار اخراج آنان از ایران شدند و بعداً خواسته‌های دیگری را مطرح کردند. حکومت رضاشاه در شرایط سختی قرار گرفت. از یک سو شاهد پیروزی‌های مکرر آلمان در جنگ بود و هیتلر به رضاشاه قول داده بود در بهار ۱۳۲۱ سربازان او به ایران خواهند رسید و از سوی دیگر در معرض هجوم نیروهای متفقین قرار داشت.^۱

اشغال ایران

سرانجام در سوم شهریور ماه ۱۳۲۰/۲۵ اوت ۱۹۴۱ سفیران انگلیس و شوروی، طی



اشغالگران از راه آهن ایران برای مقاصد نظامی خود استفاده می‌کردند.

یادداشت‌هایی که به طور جداگانه تسلیم دولت ایران کردند، اعلام داشتند: «چون دولت ایران در مقابل درخواست‌های آنان، سیاست مبهمی در پیش گرفته و در اخراج آلمانی‌ها اقدامی نکرده است، ارتش‌های شوروی و انگلستان وارد خاک ایران شده‌اند و مشغول پیشروی هستند». استناد به حضور اتباع آلمانی برای اشغال ایران بهانه‌ای بیش نبود؛ زیرا آلمان تعداد محدودی مستشار نظامی و صنعتی در ایران داشت. در واقع اشغال

۱- بولارد، شترها باید بروند، ص ۴۶؛ ذوقی، ایران و قدرت‌های بزرگ در جنگ جهانی دوم، ص ۱۴-۱۸.

ایران با هدف بی‌خطر ساختن خط تدارکاتی متفقین، از نظر آن‌ها، ضروری بود. زیرا آن‌ها می‌توانستند تدارکات جنگی خود را از طریق راه‌آهن ایران به شوروی برسانند. با ورود نیروهای بیگانه از شمال و جنوب ایران توسط نیروهای متفقین اشغال شد.^۱

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما چرا انگلیسی‌ها رضاشاه را وادار به استعفا کردند؟

برکناری و تبعید رضاشاه

ارتش نوین رضاشاه با استعداد یک صد و بیست هزار نفر و تجهیزات جنگی، در برابر هجوم نیروهای متفقین به ایران مقاومت زیادی نکرد، زیرا آحاد ارتش همانند سایر مردم ایران اعتقادی به حکومت دیکتاتوری وابسته به بیگانه نداشت و ظرف مدت شش روز، به کلی از هم پاشید. رضاشاه نیز توسط انگلیسی‌ها که روزی او را بر مسند قدرت نشاندہ بودند، از سلطنت برکنار و به جزیره‌ی «موریس» در اقیانوس هند، تبعید شد.^۲ اگرچه اشغال ایران توسط بیگانگان غرور ملی مردم میهن‌دوست ایران را جریحه‌دار کرد اما سقوط دیکتاتور وابسته به بیگانه آنان را خرسند نمود.

بیش‌تر بدانید

«سرریدر بولارد»، وزیر مختار وقت انگلستان، درباره‌ی علت برکناری رضاشاه نوشته است:
«شاه تقریباً مورد نفرت همگان و از جمله ما که حامیان او به شمار می‌رفتیم، بود. اقدام برای تغییر شاه و حتی سلسله‌ی او، مردم‌پسند بود».^۳
چرچیل، نخست‌وزیر انگلستان در کنفرانس تهران، درباره‌ی رضاشاه اعلام کرد که: «ما خود او را آوردیم؛ خودمان هم او را بردیم».^۴

۱- برای اطلاع بیشتر: ک. : مدنی، «تاریخ سیاسی معاصر ایران»، ج ۱، ص ۱۳۵-۱۳۷؛ هوشنگ مهدوی، «سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی»، ص ۴۸-۷۴؛ استوارت، در آخرین روزهای رضاشاه، ص ۱۰۶؛ اسکرین، جنگ جهانی در ایران، ص ۲۳۵-۲۴۶.
۲- ن. ک. : مکی، «تاریخ بیست‌ساله»، ج ۷، ص ۱۱۸-۱۲۴؛ فردوست، «ظهور و سقوط سلطنت پهلوی»، ج ۱، ص ۹۳-۹۴؛ «خاطرات نصرالله انتظام»، ص ۱۷-۶.

۳- «نامه‌های خصوصی و گزارش‌های محرمانه سرریدر بولارد»، ص ۱۳۳؛ استوارت، «آخرین روزهای رضاشاه»، ص ۲۲۱.

۴- اصل عبارت چنین است: We brought him. We took him.

کارنامه‌ی حکومت رضاشاه

۱- صنعت، کشاورزی و دامداری: در دوران حکومت رضاشاه، برای ایجاد تحول در بخش کشاورزی، اقدام‌هایی نظیر تأسیس دانشکده‌ی کشاورزی در کرج و واردکردن ماشین‌آلات کشاورزی، صورت گرفت. با این همه، توجه به نظامی‌گری و ایجاد ارتش متحدالشکل که از اولویت‌های حکومت رضاشاه و علاقه‌ی فردی او محسوب می‌شد، باعث شد که بخش‌های دیگر، از جمله کشاورزی و صنعت، از تحرک و رونق طبیعی بازماند. رشد غول‌آسای حجمی ارتش و نقش تعیین‌کننده‌ی نظامیان در صحنه‌های مختلف، از جمله در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی، و اختصاص چهل درصد از کل بودجه‌ی کشور به توسعه‌ی نظامی^۱، مانع از توجه لازم به عمران و توسعه‌ی اقتصادی کشور شد.

علاوه بر این، تصرف صدها هزار هکتار از زمین‌های مرغوب (اکثراً در خطه‌ی شمال) توسط شخص رضاشاه و رعایت نکردن حقوق دهقانان و کشاورزان، از انگیزه‌ی آنان برای تولید بیش‌تر کاست. روی هم رفته، کشاورزی که از پایه‌های استقلال و خودکفایی یک کشور به شمار می‌رود، در این دوران نه تنها در اولویت قرار نداشت، بلکه از رشد طبیعی خود نیز، بازماند.

با سیاست اسکان اجباری ایل‌ها و عشایر (تخته‌قاو) توسط رضاشاه که با هدف مهار قدرت سیاسی و نظامی آنان صورت گرفت، دامداری سنتی، به سرعت تخریب شد؛ بدون آن که دامداری صنعتی جای‌گزین آن شود.

در زمینه‌ی فعالیت‌های صنعتی، به ویژه با توسعه‌ی روابط ایران و آلمان، تعدادی کارخانه در کشور تأسیس شد. اما مشکل اساسی صنایع در آن زمان، وابستگی شدید به فناوری و نیروی انسانی ماهر خارجی بود. ماشین‌آلات صنعتی به مملکت وارد می‌شد، اما فکر ابداع و ساخت ماشین‌آلات توسط نیروی با استعداد ایرانی رواج نیافت. در نتیجه ایران به واردکننده و مصرف‌کننده‌ی محصولات آلمان تبدیل شد.

۲- شبکه‌ی راه‌ها و راه‌آهن: در ابتدای حکومت رضاشاه، راه‌های زمینی کشور بازسازی و یا تکمیل شد. اگر چه هدف اصلی از این اقدام، ایجاد زمینه‌ی مناسب برای حرکت نیروهای نظامی به قصد سرکوب شورش‌ها و مخالفت‌های احتمالی بود، ولی موجب شد که حمل و نقل کالاها، در جاده‌ها، سریع‌تر انجام شود. اقدام دیگری که در همان زمان (سال ۱۳۰۶) آغاز شد، احداث راه‌آهن بود. بسیاری از مورخان بر این عقیده‌اند که رضاشاه، راه‌آهن سراسری ایران را برای جلب رضایت

۱- ریشارد، بنیان‌گذاری ارتش ملی در ایران، ص ۶۹-۷۳؛ آبراهامیان، ایران میان دو انقلاب، ص ۱۵۲؛ کرونین، ارتش و حکومت

پهلوی، ص ۴۱۳.

انگلیسی‌ها، و تأمین مقاصد نظامی آنان احداث کرد، زیرا برای مثال، ایجاد راه‌آهنی که بندر ترکمن را به بندر امام خمینی (کنونی) متصل می‌کرد، در واقع هدفی جز ایجاد راهی سهل و آسان برای انتقال نیروهای انگلیسی از جنوب به شمال کشور نداشت. هدف‌های نظامی انگلستان ایجاب می‌کرد که در صورت پیشروی شوروی‌ها، بتواند به سرعت، نیروهای خود را به شمال کشور منتقل کند. در حالی که منافع اقتصادی ایران، مستلزم عبور راه‌آهن از بندرهای مهم، و پیوند شهرهای بزرگ به یکدیگر بود.^۱

بیش‌تر بدانید

دکتر محمد مصدق هنگام تصویب لایحه‌ی احداث راه‌آهن، با استناد به نظر کارشناسی مهندس «کاساکوسکی» که در استخدام وزارت فواید عامه دولت ایران بود، مخالفت خود را با این لایحه، چنین بیان کرد: «هرکس به این لایحه رأی بدهد، خیانت به وطن خود نموده».^۲ وی بعدها با تأکید بر مخالفت خود گفت: «علت بدبختی ما در جنگ جهانی دوم همین راه‌ها بود که رضاشاه ساخته بود ساختن راه‌آهن در این مسیر هیچ دلیل نداشت جز آن‌که می‌خواستند از آن استفاده‌ی نظامی کنند. دولت انگلیس هم هر سال مقداری زیاد آهن به ایران فروخت و از این راه پولی [را] که دولت از معادن نفت می‌برد، وارد انگلیس کرد».^۳

۳- قرارداد نفت ۱۹۳۳م. ایران و انگلستان: یکی از قراردادهایی که در دوران رضاشاه منعقد شد، قرارداد نفت ۱۳۱۲ ش. / ۱۹۳۳م. بود که توسط تقی‌زاده امضا شد. این پیمان، بعد از لغو قرارداد «دارسی» بسته شد. انگلستان در سال ۱۹۳۳م، به این سبب که مدت قرارداد داری در حال پایان یافتن بود، تقاضای تجدید آن را کرد. رضاشاه، با ظاهری وطن‌پرستانه و در واکنشی تند، قرارداد را پاره کرد و اسناد آن را در آتش بخاری سوزاند. او با این ظاهرسازی عوام‌فریبانه، زمینه را برای قرارداد جدید که به مراتب ننگین‌تر از قرارداد سابق بود، فراهم کرد و پس از بستن قرارداد ۱۹۳۳م، دستور داد که هیچ‌کس و هیچ روزنامه‌ای، درباره‌ی آن سخن نگوید و مطلبی منتشر نکند. به این ترتیب، پرونده‌ی آن، تا بعد از شهریور ۱۳۲۰، مسکوت ماند.^۴

۱- ن. ک. : مکی، «تاریخ بیست ساله»، ج ۷، ص ۱۵۵-۷؛ نجاتی می‌نویسد: دیکتاتوری با پول ما و به ضرر ما راه‌آهن کشید و بیست سال برای متفقین تدارک مهمات دید. (نجاتی، جنبش ملی شدن صنعت نفت، ص ۱۵۳)

۲- مکی، «تاریخ بیست ساله ایران»، ج ۴، ص ۲۴۹.

۳- مصدق، خاطرات و تألمات، ص ۳۴۸-۳۵۱.

۴- بعدها تقی‌زاده اقرار کرد که در هنگام امضای نفت، آلت دست دولت انگلستان بوده است. ن. ک. : دولت‌آبادی، حیات یحیی، ص ۲۲۵؛ مکی، تاریخ بیست ساله، ج ۵، ص ۳۲۵ و ۳۲۷؛ هدایت، خاطرات و خطرات، ص ۳۵۹؛ سیاست خارجی دوران پهلوی، ص ۳۴؛ شوادرن، خاورمیانه، نفت و قدرت‌های بزرگ، ص ۳۸-۵۰.

۴- پیمان سعدآباد : در سال ۱۳۱۶ ش. پیمان چهارگانه‌ای تحت عنوان پیمان سعدآباد، در تهران بسته شد. یکی از پیامدهای این پیمان، بخشیدن ارتفاعات کوه «آارات» به ترکیه، بخش‌هایی از شرق ایران به افغانستان و چشم‌پوشی دولت ایران از حق حاکمیت خود بر «اروند رود» بود. علاوه بر این، رضاشاه در سال ۱۳۰۶ ش. در پی اعلام استقلال بحرین، با بستن عهدنامه‌ی ۲۰ مه ۱۹۲۷، حاکمیت ایران را نسبت به «مجمع الجزایر بحرین» که از نظر قدمت تاریخی، در زمان‌های مختلف جزء سرزمین ایران بود، نقض کرد. به همین سبب، برخی از مورخان معتقدند که رضاشاه به دلیل تعهدهایی که شخصاً به دولت انگلستان داشت، موضوع حق مالکیت بر بحرین را نادیده گرفت.^۱

۵- سلب آزادی، خشونت و بی‌رحمی : در دوران حکومت رضاشاه، فعالیت‌های سیاسی به کلی ممنوع بود. هر کسی که سخنی برخلاف نظر او بیان می‌کرد، سرکوب می‌شد. رضاشاه علاوه بر تبعید، زندانی کردن و کشتن مخالفانش^۲، نسبت به دوستان و حامیان خود نیز، با شقاوت و بی‌رحمی رفتار می‌کرد. او فیروز فرمانفرما را که از حامیان او در دست‌یابی به قدرت و سلطنت بود، در سال ۱۳۰۹ ش. در خانه‌اش بازداشت کرد و در همان جا کشت. تیمورتاش را که وزیر دربار و گرداننده‌ی اصلی چرخ حکومتش به حساب می‌آمد در سال ۱۳۱۲ ش. به زندان انداخت و در آن‌جا وی را کشت. سردار اسعد بختیاری نیز که از سال ۱۳۰۲ تا ۱۳۰۷ ش. بیش‌ترین تلاش را برای استحکام حکومت استبدادی او به کار برده بود، سرنوشتی مشابه داشت. رضاشاه او را از وزارت جنگ خلع کرد، و بدون محاکمه، در زندان، کشت. علاوه بر این‌ها، رضاشاه به مجرد پیدا کردن کوچک‌ترین سوءظن، بسیاری از کسانی را که در دست‌یابی به قدرت به او یاری داده بودند، روانه‌ی زندان می‌کرد، یا دستور قتل آنان را می‌داد. او در طول دوران حکومتش کوشید تا از شکل‌گیری هر نوع مخالفت و یا تشکل‌های سیاسی جلوگیری کند. رضاشاه اصولاً اعتقادی به احزاب سیاسی نداشت. به همین دلیل همه‌ی احزاب را منحل کرد. او در هیأت دولت اظهار کرد : «هر مملکتی رژیم دارد و رژیم ما یک نفره است.»^۳

۶- جاه‌طلبی و ثروت‌اندوزی : حاصل جاه‌طلبی‌ها و مال‌اندوزی‌های رضاشاه که با ترساندن و تهدید و زور همراه بود، ثروتی افسانه‌ای بود که او را تبدیل به یکی از ثروتمندترین مردان آن عصر کرد. املاکی بالغ بر سه میلیون هکتار وسعت^۴، ده‌ها کاخ و ساختمان، هتل، شرکت، چندین کارخانه و

۱- ن. ک. : مکی، تاریخ بیست ساله، ج ۶، ص ۱۷۶؛ سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی؛ ص ۳۷.

۲- رضاشاه تنها در یک مورد، در توطئه‌ای از پیش طراحی شده، هشت تن از سران عشایر و ایل‌ها را اعدام، و بازده نفر از آنان را به زندان‌های طولانی مدت محکوم کرد.

۳- ن. ک. : راهبرد، «فصل‌نامه‌ی مرکز تحقیقات استراتژیک»، سال ۱۳۷۵، ص ۳۰.

۴- آبراهامیان، «ایران میان دو انقلاب»، ص ۱۲۵.

مبلغ‌های بسیار هنگفتی پول در بانک‌های انگلستان و ایران، بخشی از ثروت او بود، که پس از شهریور ۱۳۲۰، آن‌ها را به فرزندش منتقل کرد.^۱

جنون جمع‌آوری ثروت و مال‌اندوزی، تنها به غصب زمین‌های مردم و برقراری انحصارهای فروش برنج، پنبه و گندم ختم نمی‌شد؛ بلکه اعتبارها و بودجه‌ی مملکتی و خصوصاً درآمدهای نفت را، بدون هیچ حساب و کتاب، در اختیار خود درآورده بود و به میل و اراده‌ی شخصی، از آن‌ها استفاده می‌کرد.

بیش‌تر بدانید

یکی از نمایندگان مجلس انگلستان که بعد از خروج رضاشاه از کشور در شهریور ۱۳۲۰ به ایران آمد، پس از بازگشت، نتیجه‌ی مشاهده‌های خود را چنین بیان کرد: «رضاشاه دزدان و راهزنان را از سر راه‌های ایران برداشت و به افراد ملت خود فهماند که از این پس در سراسر ایران فقط یک راهزن بزرگ باید وجود داشته باشد. او بی‌رحم، ستمگر، خیال‌پرور، حریص، طماع و در عین حال با انرژی بود. کسی او را دوست نداشت اما کسی هم نمی‌توانست در مقابلش عرض اندام کند. او، حریفان و مخاطبان خود را بدون ذره‌ای رحم و شفقت به زندان می‌انداخت و یا می‌کشت. رضاشاه کاری برای ملت خود انجام نداد و خیلی کم به ملت خود خدمت کرد؛ و یا اگر حقیقت را بخواهم بگویم، هیچ‌کاری به نفع توده‌ی مردم ایران انجام نداد. پادشاه مقتدر ایران، در پشت سرش کشوری باقی گذاشت و رفت که دارای سرمایه‌های دست نخورده و مسکن ملت فقیری بود».^۲

۱- ن. ک. : «تغییر لباس و کشف حجاب»، ص ۶۱-۶۰؛ مکی، «تاریخ بیست ساله»، ج ۶، ص ۱ و ۲؛ «گذشته، چراغ راه آینده

است»، ص ۸۸-۸۰.

۲- ن. ک. : مدنی، «تاریخ سیاسی معاصر ایران»، ج ۱، ص ۱۸؛ «تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد»، ص ۶۳.

پرسش‌های نمونه

- ۱- چرا خاک ایران مورد توجه کشورهای درگیر در جنگ جهانی دوم واقع شد؟
- ۲- در دوره‌ی سلطنت رضاشاه در زمینه‌ی شبکه راه‌ها و راه‌آهن چه اقداماتی شد؟ مورخان هدف از این اقدامات را چه می‌دانند؟
- ۳- ایران براساس پیمان سعدآباد چه مناطقی را از دست داد؟

اندیشه و جست و جو

- ۱- در زمینه‌ی نقش نظامیان در زمان سلطنت رضاشاه مطلبی تهیه کنید.
- ۲- در مورد برخورد حکومت رضاشاه با احزاب سیاسی، گزارش مختصری تهیه کنید.

اشغال ایران توسط متفقین و آثار آن

در این درس به موضوع جانشینی محمدرضا پهلوی، آثار حضور متفقین در ایران، تشکیل حزب‌های سیاسی، و تصاحب امکانات و منابع ایران به‌وسیله‌ی اشغالگران در جنگ جهانی دوم، پرداخته می‌شود. مذاکره‌های نفت و تلاش برای تجزیه‌ی ایران، به رسمیت شناختن رژیم اشغالگر فلسطین از دیگر مباحث این درس است.

نخستین سال‌های حکومت محمدرضا پهلوی

پس از عزل رضاشاه توسط انگلیسی‌ها، محمدرضا شاه با حمایت انگلستان به سلطنت رسید (۲۶ شهریور ۱۳۲۰).

رضاشاه قبل از خروج از ایران توانست وکالت انتقال اموال فراوان و املاک زیادی را که در طول سلطنت خود از مردم غصب کرده بود، به پسرش، واگذار کند. و خود همراه با جواهرات سلطنتی که در حقیقت ثروت ملی بود، به جزیره‌ی «موریس»، تبعید شد و در پی آن، کشور میدان جوش و خروش و بحث‌های سیاسی شد؛ و در فرصت و آزادی به وجود آمده، همگان، به بحث درباره‌ی حوادث بیست سال گذشته پرداختند. مردم و مطبوعات، در مورد هزاران قتل، شکنجه، زندان و تبعید آزادی‌خواهان، و غصب اموال و تجاوز به حقوق عمومی، سؤال‌های بسیاری داشتند. یکی از مسائل جدی این دوران، محاکمه‌های جنجالی عوامل جنایت‌های دوران استبداد رضاشاه بود. خشم عمومی، سبب شد که معدودی از آن افراد، نظیر سرپاس رکن‌الدین مختاری، رئیس شهربانی تهران، مصطفی راسخ، رئیس زندان قصر و پزشک احمدی، پزشک زندان قصر که در جنایت‌های رضاشاه مشارکت داشتند، بازداشت و محاکمه شوند.

تصاحب امکانات و منابع ایران توسط متفقین

متفقین با تصاحب کلیه وسایل حمل و نقل خصوصی و دولتی، بخش قابل توجهی از امکانات کشور را در اختیار گرفتند.

در حالی که مردم ایران دچار قحطی شده بودند، مایحتاج عمومی از جمله گندم و برنج تولیدی داخلی به شوروی ارسال و یا توسط نیروهای اشغال‌گر مصرف می‌شد و کارخانه‌ها در اختیار متفقین قرار گرفت.^۱

از طرف دیگر، مجلس سیزدهم، در آبان ۱۳۲۱ اختیار تنظیم امور مالی و اقتصادی کشور را به «آرتور میلیسپو»، مستشار آمریکایی، سپرد. میلیسپو علاوه بر امور مالی، قدرت وضع مقررات و قوانین و تغییر قیمت ارز (در جهت منافع متفقین) را نیز یافته بود و بر امور مالی ارتش و شهربانی هم نظارت می‌کرد.

تشکیل حزب‌های سیاسی و دخالت بیگانگان

انگلستان، سیدضیاءالدین طباطبایی، عامل سیاسی کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ را، که در فلسطین به کار واسطگی خرید زمین از مسلمانان برای یهودی‌ها و کمک به اشغال آن اشتغال داشت^۲، به ایران بازگرداند و او، حزب «اراده‌ی ملی» را تشکیل داد. شوروی نیز به کمک جمعی از کمونیست‌های سابق، حزب «توده» را تشکیل داد. سپس، با نفوذ در ارتش، «سازمان نظامی» آن حزب را تأسیس کرد. هم‌چنین، در آذربایجان و کردستان، فرقه‌ی «دمکرات» را سازمان داد. از طرف دیگر، قوام‌السلطنه، حزب «دمکرات» را ایجاد کرد، که گاهی متمایل به امریکا و زمانی متمایل به شوروی بود.

برخی از احزاب و دسته‌جات سیاسی نیز برای پیشبرد اهداف و مقاصد شاه و دربار تأسیس شدند^۳. جریان‌های مذهبی نیز چندین تشکل سیاسی و فرهنگی به وجود آوردند، جمعیت فدائیان اسلام به رهبری شهید نواب صفوی از آن جمله است.

۱- پهلوی، محمدرضا، «پاسخ به تاریخ»، ترجمه حسین ابوترابیان، ص ۱۰۰.

۲- ن. ک: طبرانی، اسناد احزاب سیاسی ایران (۱۳۲۰-۱۳۳۰)، ج ۲، ص ۳۰ به بعد؛ فوران، مقاومت شکننده، ص ۴۰۱؛ فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، ص ۱۴۰-۱۴۲؛ گذشته چراغ راه آینده است، ج ۲، ص ۱۵۱؛ عظیمی، بحران دموکراسی در ایران، ج ۲، ص ۳۱-۳۶.

۳- در این باره می‌توان از حزب «آریا» و «حزب سوسیالیسم ملی کارگران» که به اختصار «سومکا» نامیده می‌شد، نام برد.

فکر کنید و پاسخ دهید:

علت افزایش فعالیت احزاب سیاسی در سال‌های اولیه‌ی سلطنت محمدرضا شاه

چه بود؟

مذاکره‌های نفت و سیاست موازنه‌ی منفی

در سال ۱۳۲۳ ش. چندین شرکت نفتی انگلیس و آمریکا خواستار امتیاز نفت مناطق جنوب شرقی ایران (بلوچستان) شدند. اعضای حزب توده در مجلس با اعطای امتیاز نفت به‌طور جدی مخالفت کردند. هم‌زمان دولت شوروی نیز درخواست امتیاز نفت شمال ایران را کرد، اما این بار حزب توده از اعطای امتیاز نفت شمال به شوروی حمایت کرد.^۱ دولت شوروی برای تحمیل امتیاز نفت شمال با استفاده از اهرم‌هایی چون حزب توده و عوامل داخلی‌اش و همچنین قوای مسلح شوروی که به رغم پایان یافتن جنگ هم‌چنان در خاک ایران حضور داشتند، دولت و مجلس را تحت فشار گذاشت.^۲ سرانجام با تصویب طرحی در مجلس مبنی بر ممنوعیت دولت در مذاکره با نمایندگان رسمی و غیررسمی دولت‌های خارجی برای امتیاز نفت بدون تصمیم و تأیید مجلس^۳، این بحران فروکش کرد. این طرح به همت دکتر مصدق به مجلس ارایه شد و با اکثریت آرا به تصویب رسید.^۴ این اقدام به منزله‌ی اتخاذ سیاست موازنه‌ی منفی بود، یعنی ممنوعیت واگذاری امتیاز نفت به قدرت‌های شرق و غرب که در برابر سیاست موازنه‌ی مثبت که اعطای امتیاز نفت به دو قدرت شرق و غرب بود، اتخاذ گردید.

شکست تجزیه‌طلبان و تخلیه‌ی ایران از نیروهای شوروی

با وجود تعهدات دول متفق در طول جنگ مبنی بر احترام به حق حاکمیت ایران و تخلیه‌ی سریع کشور پس از خاتمه‌ی جنگ (حداکثر ظرف شش ماه)، دولت‌های آمریکا و انگلستان اقدام به خروج نیروهای نظامی خود از ایران کردند، اما هنوز نشانه‌ای از تخلیه‌ی ایران از سوی قوای شوروی مشاهده نمی‌شد. این دولت اهداف جاه‌طلبانه‌ای را دنبال می‌کرد، از جمله ایجاد حاشیه‌ی امنیتی و منطقه‌ی حائل

۱- ن. ک. بهروز، شورشیان آرمانخواه، ناکامی چپ در ایران، ص ۳۸-۳۹.

۲- هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران، ج ۱، ص ۴۲۹-۴۳۸.

۳- کی‌استون، سیاست موازنه‌ی منفی در مجلس چهاردهم، ص ۱۹۳.

۴- لسانی، طلای سیاه یا بلای ایران، ص ۴۳۶؛ مذاکرات مجلس شورای ملی، جلسه، ۷۹، مورخ ۷ آذرماه ۱۳۲۳، روزنامه‌ی رسمی

از طریق تجزیه‌ی برخی از مناطق ایران (آذربایجان ایران و الحاق آن به آذربایجان شوروی) و دست‌یابی به امتیاز نفت شمال و ...، زیرا از اوایل قرن بیستم امتیاز نفت جنوب در دست انگلیسی‌ها بود.^۱ بنابراین در آذربایجان که تحت اشغال شوروی‌ها بود، فرقه‌ی دمکرات، مقدمات جداسازی آن را از ایران فراهم کرد. این گروه از شوروی تجهیزات جنگی دریافت می‌کرد و با پشتیبانی نیروهای نظامی شوروی اقدام به تضعیف حاکمیت دولت مرکزی ایران و اشغال بخش‌هایی از آذربایجان کرد.

به مدت کوتاهی پس از بحران آذربایجان، حزب دمکرات کردستان نیز در بهمن ماه ۱۳۲۴ رسماً در مهاباد جمهوری خودمختار کردستان را اعلام کرد. فرقه‌ی دمکرات به دلیل وابستگی‌اش به شوروی و تفکرات مارکسیستی فاقد پشتوانه‌ی مردمی بود.

سرانجام غائله‌ی آذربایجان و کردستان که به بحران بزرگی تبدیل شد و ممکن بود باعث تجزیه‌ی این دو بخش از خاک ایران شود، با رشادت و مقاومت مردم وطن‌خواه و مسلمان آذربایجان و کردستان و با همان سرعتی که آغاز شده بود، به پایان رسید. البته فشارهای بین‌المللی^۲ و تلاش‌های قوام السلطنه که وعده‌ی امتیاز نفت شمال را به شوروی داده بود در این ماجرا تأثیر داشت.^۳

دولت‌های بی‌ثبات

پس از خروج متفقین از ایران، دولت‌های بی‌ثباتی یکی پس از دیگری روی کار آمدند. با سقوط دولت قوام السلطنه، در طول سه سال - از آذرماه ۱۳۲۶ تا اردیبهشت ۱۳۳۰ - شش دولت بر سر کار آمد.^۴ دخالت‌های آشکار و پنهان بیگانگان و عوامل آن‌ها در امور داخلی ایران، ناهماهنگی میان مجلس و دولت و بحران‌های سیاسی و اقتصادی ناشی از آن نقش اساسی در تزلزل کابینه‌ها در آن دوره داشت.

۱- ن. ک: هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران، ج ۱، ص ۴۲۸.

۲- سیاست انگلستان و آمریکا برای جلوگیری از گسترش نفوذ روس‌ها در منطقه‌ی حساس خلیج فارس و ایران که منجر به اعمال فشار از طریق سازمان ملل گردید و همچنین توافق کنفرانس تهران (۱۳۲۲) از جمله عوامل بین‌المللی بود که در پایان دادن به غائله‌ی آذربایجان و شوروی مؤثر بود.

۳- روبین، جنگ قدرت‌ها در ایران، ص ۴۵؛ فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، ص ۱۵۴ - ۱۵۸؛ ازغندی، روابط خارجی ایران (دولت دست‌نشانده)، ص ۱۴۳؛ بیانی، غائله‌ی آذربایجان، ص ۱۷۴-۱۷۵؛ گذشته چراغ راه آینده است، ص ۳۳-۲۷۱؛ اسکندری، خاطرات سیاسی، ج ۳، ص ۶۸؛ کشاورز، من متهم می‌کنم، ص ۷۰؛ طبری، کزراهه، خاطراتی از حزب توده، ص ۱۹۲-۱۹۷؛ بهروز، شورشیان آرمانخواه، ص ۴۵-۴۰.

۴- این کابینه‌ها عبارت بود از ۱- ابراهیم حکیمی ۲- عبدالحسین هژیر ۳- محمد ساعد مراغه‌ای ۴- علی منصور

به رسمیت شناختن رژیم اشغالگر قدس

روی کار آمدن مجدد محمدساعده مراغه‌ای (در مهرماه ۱۳۲۷)، همزمان با اعلام موجودیت دولت صهیونیستی در سرزمین غصب شده‌ی فلسطین بود. در این ارتباط، به دعوت آیت‌الله کاشانی و سیدمجتبی نواب صفوی، رهبر «فداییان اسلام»، اجتماع‌هایی گسترده در حمایت از مردم فلسطین برپا شد و بیش از پنج هزار نفر فدایی، برای اعزام به آن سرزمین، ثبت نام کردند.^۱ ولی در اوج کشمکش‌های منطقه‌ای و التهاب‌های داخلی ناشی از اشغال فلسطین، محمد ساعده مراغه‌ای، پس از دریافت چهارصد هزار دلار رشوه از اسرائیل، ضمن تعویض وزیر خارجه، با موافقت شاه، در دی‌ماه ۱۳۲۸، دولت اسرائیل را به رسمیت شناخت.^۲

بیش‌تر بدانید

پیدایش دولتی بر پایه‌ی صهیونیسم

فکر ایجاد یک کشور یهودی در فلسطین برای اولین بار توسط هررتل^۳ با انتشار کتاب دولت یهود در سال ۱۸۹۶م. به وجود آمد. تا قبل از جنگ جهانی اول فلسطین جزو قلمرو حکومت عثمانی بود. در جریان جنگ جهانی اول که این دولت به شدت ضعیف شده بود، انگلستان، فلسطین را به تصرف خود درآورد. در سال ۱۹۱۷م./۱۳۳۶ق. آرتور جیمز بالفور^۴ وزیر خارجه‌ی وقت انگلستان طی اعلامیه‌ای پشتیبانی انگلستان را از تأسیس کانون ملی یهودیان اعلام کرد. این بیانیه به منزله‌ی سنگ بنای رژیم اشغالگر فلسطین بود. صدور اعلامیه‌ی بالفور در فلسطین با مخالفت عمومی مواجه شد اما چون در آن زمان فلسطین زیر سلطه‌ی نیروهای انگلستان بود، مردم فلسطین نمی‌توانستند دست به اقدامی عملی بزنند.

در سال ۱۹۲۰م. جامعه‌ی ملل، قیمومیت فلسطین را به انگلستان سپرد. بدین ترتیب راه برای مهاجرت گسترده‌ی یهودیان هموار شد که موجب نگرانی مسلمانان و ساکنان این سرزمین شد. به‌ویژه آن‌که برخی از گروه‌های شبه نظامی یهودی، اقدام به آزار و اذیت و ترور مسلمانان به منظور بیرون راندن آن‌ها از خانه و کاشانه‌شان می‌کردند.

در طول جنگ جهانی دوم، صهیونیست‌ها با تبلیغات گسترده اقدام به مهاجرت و کوچ دادن یهودیان به سرزمین فلسطین کردند و پس از جنگ در سال ۱۹۴۸م. سازمان ملل متحد با اعمال نفوذ و حمایت قدرت‌های بزرگ غربی و روسیه رأی به تقسیم سرزمین فلسطین و تشکیل دولت صهیونیستی اسرائیل داد.

۱- مدنی، ایران اسلامی در برابر صهیونیسم، ص ۲۴.

۲- ولایتی، ایران و مسئله‌ی فلسطین بر اساس اسناد وزارت امور خارجه، ص ۱۲۷-۱۲۹.

۳- Herzel

۴- Arthur. James Balfour

تغییر قانون اساسی برای افزایش اختیارات شاه

طرح الغای قرارداد نفت جنوب در مجلس، منافع دولت انگلستان را یکباره برهم زد. سوء قصد به شاه در حادثه‌ی ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ با همه‌ی پنهان‌کاری‌هایی که در پشت پرده انجام شد، برای این هدف طراحی شده بود که مبارزه‌ی ضد استعماری ملت ایران متوقف گردد. پس از این واقعه، حزب توده، به عنوان عامل نفوذ سیاست خارجی شوروی منحل و آیت‌الله کاشانی ابتدا به زندان فلک‌الافلاک خرم‌آباد و سپس به لبنان تبعید شد. آیت‌الله کاشانی طی اعلامیه‌ی شدیداللحنی درخواست لغو امتیاز نفت داده شده به انگلیس در زمان رضاشاه را مطرح کرده بود. محمدرضا شاه توانست در پنجم اسفند ۱۳۲۷ و در شرایط روانی به وجود آمده ناشی از ترورش - از جمله، برقراری «حکومت نظامی» - کار تغییر قانون اساسی را به انجام رساند. شاه که در قانون اساسی مشروطه غیرمستول و فاقد اختیارات بود، در قانون اساسی جدید قدرت انحلال دو مجلس، فرماندهی کل قوا، اعلان جنگ و صلح و نصب وزراء را به دست آورد.^۱

پرسش‌های نمونه

- ۱- در اوایل سلطنت محمدرضا شاه چه احزابی در ایران تشکیل شد؟
- ۲- دولت شوروی برای به دست آوردن امتیاز نفت، از چه راه‌هایی ایران را تحت فشار گذاشت؟
- ۳- چرا دولت شوروی از تخلیه‌ی خاک ایران از نیروهای خود، خودداری می‌کرد؟
- ۴- محمدرضا شاه با تغییر قانون اساسی در پنجم اسفند ۱۳۲۷، چه اختیاراتی به دست آورد؟

اندیشه و جست و جو

- ۱- در زمینه‌ی حمایت دولت شوروی از فرقه‌های تجزیه طلب دموکرات در کردستان و آذربایجان مطلبی تهیه کنید.
- ۲- در مورد اولین مقاومت‌های مجلس شورای ملی در مقابل واگذاری امتیازات نفتی به کشورهای خارجی مطلبی تهیه کنید.

۱- مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۱۷۸.

نهضت ملی شدن صنعت نفت

در درس گذشته با مذاکرات نفت شمال و فرجام آن آشنا شدید. در این درس با چگونگی وحدت میان آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق و تلاش‌های مردم ایران برای ملی شدن صنعت نفت و پیامدهای آن آشنا می‌شوید.

زمینه‌های شکل‌گیری نهضت ملی شدن نفت ایران

دولت انگلستان که از محصول نفت ایران و سایر کشورهای خاورمیانه درآمد به سزایی کسب می‌کرد،^۱ نماینده‌ی خود «نویل گس» را در چند مرحله برای انجام مذاکرات نفت به ایران فرستاد. او سرانجام در سال ۱۳۲۸ پس از مذاکرات مفصل با گلشائیان وزیر دارایی، قرارداد الحاقی به قرارداد ۱۹۳۳ ایران و انگلستان را که به قرارداد «گس - گلشائیان» معروف شد^۲، امضا کرد. محمدساعده^۳ که قول داده بود قرارداد الحاقی را به تصویب برساند، در پایان دوره‌ی پانزدهم مجلس شورای ملی آن را به مجلس برد ولی بر خلاف تصور او، نمایندگان مجلس به لایحه‌ی مذکور رأی ندادند. این موضوع و هم‌چنین آگاهی مردم از ماهیت استعماری قراردادهای قبلی زمینه را برای مخالفت‌های بعدی و تلاش برای ملی کردن صنعت نفت ایران فراهم کرد. دولت ساعد به دلیل عدم تصویب قرارداد الحاقی استعفا کرد. دو ماه بعد از تشکیل دوره‌ی شانزدهم مجلس، علی منصور^۴ به نخست‌وزیری منصوب شد. او مجدداً لایحه‌ی قرارداد الحاقی را به مجلس ارائه کرد.

۱- تاتزر، بحران انرژی، ص ۵۴.

۲- این قرارداد استعماری در سال ۱۳۱۲ ش./۱۹۳۳ م. بعد از لغو قرارداد «داری» در زمان رضاشاه منعقد شد.

۳- گلشائیان، گذشته‌ها و اندیشه‌های زندگی یا خاطرات من، ج ۲، ص ۸۲۲.

۴- نخست‌وزیری محمد ساعد مراغه‌ای (دوره‌ی دوم) از مهرماه ۱۳۲۷ آغاز و در فروردین ماه ۱۳۲۹ پایان یافت.

۵- نخست‌وزیری علی منصور از فروردین ۱۳۲۹ آغاز و در تیرماه همان سال به پایان رسید.

جبهه‌ی ملی به رهبری دکتر محمد مصدق که در سال ۱۳۲۸ ش. تأسیس شد، در مجلس در اقلیت قرار داشت اما از محبوبیت برخوردار بود. این جبهه یک فراکسیون هشت نفره تشکیل داده بود که هدف آن مخالفت با قرارداد الحاقی «گس - گلشائیان» بود.^۱

در همین زمان آیت‌الله کاشانی بعد از حدود یک سال تبعید در میان استقبال با شکوه مردم به ایران بازگشت و روح تازه‌ای به مبارزات ضداستعماری دمید.^۲ آیت‌الله کاشانی که از نفوذ و محبوبیت زیادی در میان مردم برخوردار بود، به حمایت از دکتر مصدق پرداخت. در نتیجه موجب پیوستن مردم و نیروهای مذهبی به مبارزات ضد استعماری شد.

برگی از تاریخ

آیت‌الله کاشانی (۱۲۶۱-۱۳۴۰ ش)

آیت‌الله کاشانی در ۱۲۶۱ ش. در تهران به دنیا آمد. در شانزده سالگی راهی نجف شد. در



آن جا به تحصیل علوم دینی پرداخت. پس از جنگ جهانی اول و اشغال عراق توسط انگلیس همگام با علمای مبارز به جهاد با انگلیس پرداخت. انگلیسی‌ها او را دستگیر و به ایران تبعید کردند. در زمان حضور او در ایران، نهضت ملی شدن نفت شروع شد. او با رهبری نیروهای مذهبی به حمایت از نهضت ملی و دکتر مصدق پرداخت و نقش بسیار مؤثری در پیشرفت این نهضت داشت.

سرانجام بار دیگر مجلس با پشتیبانی مردم از تصویب لایحه‌ی قرارداد الحاقی خودداری کرد. در نتیجه دولت منصور به طور غیر منتظره‌ای استعفا کرد و رزم‌آرا رئیس ستاد ارتش با تشکیل کابینه‌ای جدید به نخست‌وزیری رسید.^۳

۱- ن. ک: نجانی، جنبش ملی شدن نفت، ص ۸۴-۸۶؛ روزنامه‌های شاهد و ستاره ۱۳۲۸/۷/۲۱ و ۱۳۲۸/۷/۲۳. سنجایی،

خاطرات سیاسی، ص ۷-۱۰۷-۱۰۸؛ عراقی. ناگفته‌ها، ص ۴۰ و ۴۱؛ یرواند، ایران بین دو انقلاب، ص ۳۰.

۲- سمیعی، سی و هفت سال، ص ۱۶.

۳- نخست‌وزیری حاج علی رزم‌آرا از تیرماه ۱۳۲۹ آغاز و در اسفندماه همان سال با قتل وی به پایان رسید.

دولت رزم‌آرا مانعی بر سر راه ملی شدن نفت ایران

با روی کار آمدن دولت رزم‌آرا که مورد حمایت انگلستان و آمریکا بود، اتحاد نیروهای مذهبی و ملی افزایش یافت.^۱ آیت‌الله کاشانی و جبهه‌ی ملی اعلامیه‌ای علیه نخست‌وزیری رزم‌آرا صادر کردند و تشکیل دولت او را شبه کودتا نامیدند.^۲ رزم‌آرا می‌دانست که اگر لایحه‌ی الحاقی در دستور کار مجلس قرار بگیرد و بار دیگر رد شود، این موضوع باعث حساسیت افکار عمومی و آگاهی فزاینده‌ی مردم نسبت به سیاست‌های استعماری دولت انگلستان در قبال مسائل نفتی ایران می‌شود.^۳

نمایندگان اقلیت مجلس طرح «ملی شدن صنعت نفت» را به مجلس ارائه کردند اما به دلیل کمبود امضا، این طرح در مجلس طرح نشد.^۴ رزم‌آرا برای جلوگیری از ملی شدن صنعت نفت ایران به‌طور محرمانه وارد مذاکره با انگلستان شد و پیشنهاد جدیدی به جای قرارداد الحاقی که متضمن منافع انگلستان بود،^۵ ارائه کرد. علاوه بر این او با تحقیر روحیه‌ی ملی اعلام کرد که ایرانیان حتی قادر به اداره‌ی یک کارخانه‌ی سیمان نیستند و ملی کردن صنعت نفت ایران را بزرگ‌ترین خیانت برشمرد.^۶ در پی گسترش اعتراض‌های مردمی علیه رزم‌آرا در تهران گردهمایی‌های متعددی برگزار شد. مردم در این تظاهرات خواستار ملی شدن صنعت نفت بودند اما قدرت سیاسی و نظامی رزم‌آرا و تعداد کم نمایندگان مدافع نهضت ملی شدن نفت در مجلس، سبب بی‌نتیجه ماندن این فعالیت‌ها شد.^۷ سرانجام خلیل طهماسبی از اعضای برجسته‌ی فداییان اسلام رزم‌آرا را به قتل رساند.^۸ انگلستان که مهره‌ی قدرتمندی را در ایران از دست داده بود، کشته شدن رزم‌آرا را یک فاجعه توصیف کرد. بهای سهام

۱- عمید زنجانی، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، ص ۴۲۰.

۲- عاقلی، روز شمار تاریخ ایران، ج ۱، ص ۴۳۵.

۳- ن. ک: اقبال، نقش انگلیس در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ص ۴۸.

۴- تعداد ۱۱ نفر از نمایندگان این طرح را امضا کردند در حالی که حد نصاب برای ارایه‌ی یک طرح به مجلس ۱۵ نفر بود.

۵- مشابه موافقتنامه‌ی شرکت نفت آمریکایی آرامکو با عربستان سعودی. ن. ک: گذشته چراغ راه آینده، ص ۵۵۶.

۶- همان، ص ۴۶۱.

۷- لسانی، طلای سیاه یا بلای ایران، ج ۲، ص ۲۲۸.

۸- در ملاقات میان اعضای فداییان اسلام، آیت‌الله کاشانی و رهبران جبهه ملی، همگی به توافق رسیده بودند که با از میان برداشتن رزم‌آرا صنعت نفت ملی خواهد شد. در این باره ن. ک: حسنین هیکل، ایران کوه آتشفشان، ص ۱۸۴؛ خوش‌نیت، سید مجتبی نواب صفوی اندیشه‌ها، مبارزات و شهادت او، ص ۵۱؛ عراقی، ناگفته‌ها، ص ۴۵. خسروشاهی، فداییان اسلام تاریخ، عملکرد، اندیشه، ص ۱۱۳-۱۱۷؛ خاطرات واحدی، مجله خواندنی‌ها، ش ۱۱، سال ۱۶، مورخ ۱۳۳۴/۸/۱۹؛ مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۱۸۵.

شرکت نفت انگلستان به سرعت تنزل کرد. فردای آن روز یعنی در ۱۷ اسفندماه ۱۳۲۹ کمیسیون نفت مجلس پیشنهاد ملی کردن نفت را تصویب کرد.^۱

تصویب ملی شدن صنعت نفت

طرح ملی شدن صنعت نفت ایران در ۲۴ اسفند ماه ۱۳۲۹ در مجلس به تصویب رسید و شادی و جشن سراسر کشور را فرا گرفت و ۵ روز بعد در ۲۹ اسفند ماه مجلس سنا همان مصوبه را تأیید و شاه نیز آن را امضا کرد.^۲ دولت انگلستان برای جلوگیری از به خطر افتادن منافعش در ایران شاه را تحت فشار قرار داد. آن دولت قصد داشت با انتصاب حسین علاء به نخست‌وزیری مانع از اجرای قانون ملی شدن نفت گردد.^۳

حسین علاء فردی بود که در ماجرای قرارداد ۱۹۳۳ م. / ۱۳۱۲ ش. در زمان رضاشاه شرکت داشت و در کنار تقی‌زاده از عاقدین آن قرارداد ننگین بود. علاء^۴ برای آرام کردن بحران و مناقشات نفتی در خوزستان و متعاقباً در سایر مناطق نفت‌خیز جنوب حکومت نظامی برقرار کرد. حسین علاء برای الغای قانون ملی شدن نفت تلاش زیادی کرد اما در برابر اراده‌ی مردم ناکام ماند و سرانجام به علت ناتوانی در حل بحران نفت استعفا داد.

دکتر محمد مصدق بر سریر قدرت

دکتر محمد مصدق، در اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ مأمور تشکیل کابینه شد و مجلس‌های شورای ملی و سنا، طرح اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت را به تصویب رساندند. مصدق با شرط تصویب این طرح، نخست‌وزیری را پذیرفت. طبق این طرح، دولت می‌بایست به خلعید شرکت نفت ایران و انگلیس از نفت کشور می‌پرداخت؛ اساسنامه‌ی شرکت ملی نفت را تنظیم می‌کرد و نفت ایران را به مشتریان به نرخ عادلانه به فروش می‌رساند.

۱- نجاتی، جنبش ملی شدن صنعت نفت، ص ۱۱۲ و ۱۱۳.

۲- گذشته چراغ راه آینده است، ص ۵۳۲.

۳- سفیر انگلستان در تهران در اولین واکنش به تصویب ملی شدن صنعت نفت اعلام کرد: «ایران نمی‌تواند این ظلم را در حق ما مرتکب شود». ن. ک: ماسلی، نفت. سیاست و کودتا در خاورمیانه از امتیاز داری تا کودتای ۲۸ مرداد، ج ۱، ص ۳۱۳.

۴- نخست‌وزیری حسین علاء از اسفندماه ۱۳۲۹ آغاز و در اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ به مدت ۲ ماه ادامه یافت.

دکتر مصدق (۱۲۶۱-۱۳۴۵ ش)



دکتر محمد مصدق در ۱۲۶۱ در تهران به دنیا آمد. وی در مدرسه‌ی علوم سیاسی به تحصیل پرداخت و بعدها برای تکمیل تحصیلات خود راهی سوئیس شد.

بعد از بازگشت به ایران عهده دار مناصب مهمی نظیر وزارت دادگستری و استانداری فارس شد. در دوره‌ی پنجم و چهاردهم از طرف مردم تهران به نمایندگی مجلس انتخاب گردید. وی از سال ۱۳۲۹ ش. رهبری نهضت مردمی برای ملی

کردن نفت را به عهده گرفت. دکتر مصدق در جریان این نهضت به نخست وزیری انتخاب شد اما در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در اثر کودتایی که از سوی آمریکا و انگلیس و طرفداران شاه برپا شد، از نخست وزیری عزل و در احمدآباد تحت نظر قرار گرفت تا این که در سال ۱۳۴۵ درگذشت. وی یکی از پیشگامان نهضت ضد استعماری عصر ما بود که نه تنها در ایران بلکه در بین کشورهای جهان سوم هم از او به عنوان کسی که شجاعانه و با سرسختی تحسین برانگیزی مقابل استعمار انگلیس ایستاد، نام می برند.

در این دوره دولت با تقویت وحدت ملی، تلاش برای ملی شدن صنعت نفت را پی گرفت و هیئت خلعید از شرکت نفت، اقدام‌های خود در مورد انتقال شرکت را آغاز کرد.

دولت انگلستان ضمن شکایت به دیوان دادگستری بین‌المللی لاهه، تهدید کرد که «چهار هزار چترباز و رزمناوهای خود را به مرز آبی ایران خواهد فرستاد». اما در نقطه‌ی مقابل، آیت‌الله کاشانی اظهار داشت که «اعلام جهاد خواهد نمود».

با اقدام‌های دولت ایران در خلعید از شرکت نفت ایران و انگلیس، کارشناسان خارجی شرکت به‌طور دسته‌جمعی استعفا کردند و تلاش دکتر مصدق برای راضی کردن آنان به ادامه‌ی کار، به‌جایی نرسید. به دنبال آن، دولت کوشید از کشورهای دیگر نظیر آمریکا و هلند کارشناس استخدام کند اما به‌دلیل اعمال نفوذ انگلیس، موفق به این کار نشد. به همین سبب، تولید نفت، تا حد رفع نیاز داخلی، کاهش یافت. جز این، کشتی‌های نفتکش نیز، از بارگیری نفت ایران خودداری کردند. به این ترتیب در مرداد ۱۳۳۰، آخرین واحد پالایشگاه آبادان تعطیل شد.

۱- «تاریخ ملی شدن صنعت نفت»، ص ۱۳۳.

با شکایت دولت انگلستان از ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد، دکتر مصدق، برای پاسخ‌گویی در مورد ملی کردن صنعت نفت و اخراج انگلیسی‌ها به نیویورک رفت. او اسنادی از دخالت دولت انگلستان در امور داخلی ایران را به سازمان ملل متحد عرضه کرد.^۱ در همین زمان دولت آمریکا طرح جدیدی درباره‌ی کشمکش ایران و انگلیس ارائه داد. شورای امنیت نیز، به مسکوت ماندن شکایت انگلیس رأی داد. در نتیجه رأی شورا به نفع ایران تمام شد.^۲

به علت قطع صادرات نفت و تحریم‌های اقتصادی و فشارهای دولت انگلستان، درآمد دولت به سرعت کاهش یافت و کشور دچار مشکلات شدید اقتصادی شد. در نتیجه دولت ناچار به فروش اوراق قرضه شد.^۳

پرسش‌های نمونه

- ۱- رزم‌آرا در مقابل ملی شدن صنعت نفت چه رفتاری در پیش گرفت؟
- ۲- مصدق در دوره‌ی اول نخست‌وزیری خود چه اقداماتی انجام داد و عکس‌العمل دولت انگلستان در مقابل اقدامات او چه بود؟
- ۳- انگلستان از نخست‌وزیر شدن حسین علاء چه هدفی دنبال می‌کرد و او در این راستا چه کارهایی کرد؟

اندیشه و جست‌وجو

- ۱- گزارشی از مذاکرات نمایندگان مخالف و موافق ملی شدن صنعت نفت در مجلس شورای ملی تهیه کنید.
- ۲- در مورد زندگی و اقدامات شهید نواب صفوی مطلبی تهیه کنید.

۱- مصدق، اسناد نفت، نطق‌ها و نامه‌های تاریخی، ص ۱۶۷.

۲- ن. ک: گازیوروسکی، سیاست خارجی آمریکا و شاه، ص ۱۶۸؛ فاتح، پنجاه سال نفت ایران، ص ۵۶۸؛ روحانی، تاریخ ملی شدن صنعت نفت در ایران، ص ۲۲۲-۲۲۴.

۳- مکی، وقایع سی تیر ۱۳۳۱، ص ۳۲-۳۷؛ آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ص ۳۲.

زمینه‌های کودتای ۲۸ مرداد

در این درس، با علت‌های استعفای دکتر مصدق، قیام سی تیر و پیامدهای آن، نقش آیت‌الله کاشانی در سقوط دولت قوام‌السلطنه و روی کار آمدن مجدد دولت مصدق، زمینه‌های کودتا علیه دولت مصدق آشنا می‌شوید.

قیام ۳۰ تیر

در تیرماه ۱۳۳۱ دکتر مصدق برای مواجهه با مخالفان داخلی که در رأس آن دربار قرار داشت، از شاه خواست تا پست وزارت جنگ را در اختیار وی قرار دهد و چون شاه نپذیرفت، مصدق استعفا کرد.^۱

بلافاصله پس از استعفای دکتر مصدق، شاه، قوام‌السلطنه را مأمور تشکیل کابینه کرد. قوام‌السلطنه، طی اعلامیه‌ی شدیدالحنی به طرفداران نهضت ملی شدن نفت حمله کرد و تهدید به اجرای «اعدام‌های دسته‌جمعی» کرد. در پی آن آیت‌الله کاشانی از مردم خواست تا برای مقابله با قوام به میدان بیایند و اعلام کرد: «به خدای لایزال، اگر قوام نرود، اعلام جهاد می‌کنم و خودم کفن پوشیده، با ملت، در پیکار شرکت می‌کنم.» تلاش‌های دربار و نمایندگان قوام‌السلطنه در متقاعد کردن آیت‌الله کاشانی به نتیجه نرسید. آیت‌الله کاشانی اعلام کرد: «اگر در بازگشت دولت دکتر مصدق اقدام نشود آتش انقلاب را متوجه دربار خواهیم کرد».^۲ در اولین ساعات روز ۳۰ تیرماه ۱۳۳۱ مردم تهران درحالی که در محاصره‌ی نیروهای نظامی و انتظامی و تانک‌ها و زره‌پوش‌ها قرار داشتند بی‌محابا به حرکت درآمدند و حماسه‌ای ملی و غرورآفرین خلق کردند. رشادت مردم تهران و سایر شهرهای کشور

۱- کاتوزیان، مصدق و نبرد قدرت، ص ۲۲۲؛ مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۲۲۷؛ نجاتی، جنبش ملی شدن صنعت

نفت، ص ۲۲۲ - ۲۲۷. بعدها دکتر مصدق گفت: «اکنون اعتراف می‌کنم که راجع به استعفا خطای بزرگی مرتکب شدم». ن.ک: مصدق، خاطرات و تألمات، ص ۲۵۹.

۲- کاتوزیان، مصدق و نبرد قدرت، ص ۲۳۴.

که منجر به شهادت تعدادی از آنها شد، موجب گردید تا شاه با برکناری قوام بار دیگر دکتر مصدق را به نخست‌وزیری منصوب کند.^۱

دور دوم نخست‌وزیری دکتر مصدق

با روی کار آمدن مجدد دکتر مصدق، آیت‌الله کاشانی به ریاست مجلس انتخاب شد و دکتر مصدق علاوه بر ریاست دولت، وزارت جنگ را نیز شخصاً بر عهده گرفت و از موقعیت مستحکمی برخوردار شد.^۲

با وجود این در آن دوران حوادث عبرت‌انگیزی روی داد که زمینه‌های بروز اختلاف میان آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق را فراهم کرد.^۳ این اختلافات با دسیسه‌چینی کانون‌های توطئه‌ی خارجی و عوامل داخلی‌اش تشدید شد. انگلستان که از ملی‌شدن نفت ایران ضربه خورده بود، به توطئه‌هایی علیه دولت مصدق دست زد. تا زمانی که اتحاد و همبستگی در میان رهبران نهضت وجود داشت، نهضت از حمایت گسترده و پشتیبانی مردم و افکار عمومی برخوردار بود، توطئه‌های سهمگین خارجی و دسیسه‌های شاه و دربار که در رأس آن مخالفان داخلی قرار داشتند، مؤثر واقع نشد. با بروز اختلاف و شکاف در میان رهبران نهضت، کوچک‌ترین توطئه مبدل به ضربه‌ی سهمگین بر بیکر ملی‌شدن صنعت نفت می‌شد و پایه‌های حمایت و پشتیبانی مردم که عامل مهمی در رویارویی با استعمار خارجی به شمار می‌رفت، سست می‌کرد.

در چنین شرایطی رهبران نهضت که برای قطع دست استعمار از منافع ملی ایران تلاش می‌کردند و

۱- در این باره ن. ک: ترکمان، قیام سی‌ام تیرماه به روایت اسناد، ص ۳۵-۳۸؛ مکی، وقایع ۳۰ تیر، ص ۱۷، ۹۳ و ۱۲-۱۳؛ نجاتی، جنبش ملی‌شدن صنعت نفت، ص ۲۲۷؛ آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ص ۳۳۴ و ۳۳۵؛ اقبال، نقش انگلستان در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ص ۹۵-۹۷، ص ۱۰۲.

۲- به گفته‌ی فردوست: شاه در این زمان بدون اجازه‌ی مصدق دست به اقدامی نمی‌زد: ن. ک: فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، ص ۱۶۹.

۳- از جمله اختلافات؛ موضوع سیاست ممانعات، مسامحه و عدم تعقیب و مجازات مسببان کشتار مردم در سی‌ام تیرماه از سوی دولت و روی کار آمدن برخی از افراد که از حسن سابقه برخوردار نبودند و بعدها مسئله‌ی تمدید اختیارات به‌ویژه درخواست اختیارات فوق‌العاده از سوی دکتر مصدق و اقدام وی مبنی بر انحلال مجلس هفدهم از طریق رفتارندوم و مراجعه‌ی مستقیم به آرای عمومی بود. در این باره ن. ک: بیل، مصدق، نفت و ناسیونالیسم ایرانی، ص ۱۵۶؛ مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۴۶۹-۴۷۰؛ گذشته چراغ راه آینده است، ج ۲، ص ۵۶۲-۵۶۷؛ اخوی، نقش روحانیت در صحنه‌ی سیاسی ایران ص ۱۶۲ و ۱۶۳ و ۱۸۲-۱۸۱؛ کاتم، ناسیونالیسم در ایران، ص ۱۸۶ و ۱۸۷.

می‌خواستند که ایرانی خانه‌ی خویش را خود بسازد^۱، در رویارویی با توطئه‌های خارجی و دسیسه‌چینی مخالفان داخلی توانستند اهداف نهضت را به ثمر برسانند.

ضعف ساختاری و بی‌کفایتی برخی از اعضای کابینه‌ی دولت، رقابت‌ها و قدرت‌طلبی‌ها، روند جدایی و بروز شکاف و تشتت سیاسی مانع از آن شد که بار دیگر مردم هم‌چون واقعه‌ی ۳۰ تیر در صحنه‌ی مبارزه حاضر شوند.

عوامل زمینه‌ساز کودتای ۲۸ مرداد

الف - عوامل خارجی:

۱- آمریکا: مواضع دولت آمریکا در قبال نهضت ملی شدن نفت از سیاست حمایت و میانجی‌گری به تدریج به بهانه‌ی مقابله با نفوذ کمونیست‌ها در ایران، تبدیل به مداخله‌گری و توسل به عملیات براندازی و کودتا شد. دولت آمریکا^۲ در چارچوب رقابت‌های نفتی با انگلستان در خاورمیانه و سهم‌خواهی‌اش از نفت ایران، از قانون ملی شدن نفت پشتیبانی کرد؛^۳ زیرا این اقدام به انحصار شرکت نفت ایران و انگلیس پایان می‌داد. شرط حمایت آمریکا از ایران در این دوران که در جنگ سرد^۴ با شوروی به سر می‌برد، این بود که ایران به هر قیمتی متحد غرب باقی بماند.^۵ علاوه بر این، آمریکا خواهان حفظ ثبات بازار نفت در جهان برای جلوگیری از بحران اقتصادی در کشورش بود.^۶ این اهداف متضمن تضعیف دولت مصدق و براندازی او نبود.^۷ با این حال مقامات رسمی ایالات متحده‌ی آمریکا از اقدامات محرمانه‌ی انگلستان

۱- از نطق دکتر مصدق هنگام معرفی کابینه‌اش در سال ۱۳۳۰. ن. ک. گذشته چراغ راه آینده است، ص ۱۷۷.

۲- در آن زمان ترومن، رئیس‌جمهور دمکرات آمریکا بود.

۳- آمریکا در ابتدای روی کار آمدن دولت ملی مصدق آن را سدی در برابر سقوط ایران در دامن کمونیسم می‌دانست. ن. ک: بیل،

مصدق، نفت و ناسیونالیسم ایرانی، ص ۳۹.

۴- جنگ سرد: پس از پایان جنگ جهانی دوم دو بلوک شرق (کمونیسم) و غرب (سرمایه‌داری) در یک دسته‌بندی جدید به رقابت‌های نظامی و سیاسی با یکدیگر پرداختند. ایجاد جنگ‌های منطقه‌ای، رقابت‌های تسلیحاتی، تبلیغات رادیویی و سعی در ایجاد وحشت در طرف مقابل، از ویژگی‌های این دوره است. سال ۱۹۸۹ م. یعنی سال انهدام دیوار برلین را پایان عصر جنگ سرد می‌دانند.

۵- گازیو روسکی، کودتای ۲۹ مرداد، ص ۳۸؛ حضور چهره‌های طرفدار آمریکا در کابینه‌ی اول مصدق هم‌چون سرلشکر زاهدی، وزیر کشور و رهبر آینده‌ی کودتا، علی‌امینی و مظفر بقایی نشان می‌دهد که آن‌ها تا زمانی از مصدق حمایت می‌کردند که او با آمریکایی‌ها روابط خوبی داشت و با تغییر سیاست آمریکا آن‌ها به عنوان مخالف در برابر دکتر مصدق قرار گرفتند (ن. ک: بهروز، شورشیان آرمانخواه، ص ۴۴)

۶- گازیو روسکی، سیاست خارجی آمریکا و شاه، ص ۱۶۵.

۷- در این سیاست که توسط آچسون (Dean Acheson) وزیر وقت امور خارجه‌ی آمریکا طراحی شده بود، آمریکا تلاش می‌کرد

انگلیسی‌ها را آرام و در عین حال مصدق را به مصالحه با انگلستان متقاعد سازد.

علیه دولت مصدق اطلاع داشتند. آن‌ها در این باره با همتای انگلیسی خود بحث و تبادل نظر می‌کردند.^۱ انگلیسی‌ها به شرکت‌های نفتی آمریکایی اجازه‌ی ورود به امور نفتی ایران را دادند؛ زیرا آن‌ها نیاز شدید به همکاری آمریکا در اجرای طرح کودتا داشتند. انگلستان برای این کار توانست خطر حزب توده را بهانه کرده و از آن به عنوان وسیله‌ای برای جلب توجه افکار عمومی آمریکا سود ببرد.^۲

واقعیت این بود که هم انگلستان و هم دکتر مصدق برای پیشبرد اهداف و مقاصد سیاسی‌شان از حزب توده استفاده‌ی ایزاری داشتند؛ بنابراین مطرح کردن حزب توده از سوی دکتر مصدق برای جلب حمایت آمریکایی‌ها یک خنجر دو سوویه بود؛ زیرا همین موضوع باعث شد تا انگلیسی‌ها برای جلب کمک دولت آمریکا برای ساقط کردن دولت دکتر مصدق به‌طور کاذب خطر حزب توده را بزرگ جلوه دهند.^۳

سرانجام آمریکا تصمیم گرفت برای سرنگونی دولت دکتر مصدق با انگلستان متحد شود. پس از آن سازمان سیا مأموریت یافت نقشه‌ی کودتا را طراحی کند و ژنرال آمریکایی ژرمن شوارتسکف^۴ جهت تشویق شاه برای مشارکت فعال کودتا به ایران آمد.^۵ او از شاه خواست تا حمایت‌های خود را از زاهدی به مرحله‌ی اجرا درآورد^۶ اما شاه هم‌چنان دچار تردید و سردرگمی بود، زیرا از عواقب سوء شکست کودتا وحشت داشت.^۷

هندرسون سفیر آمریکا در تهران و کریمت روزولت^۸، مدیر کودتا، فشار بر شاه را بیش‌تر کردند. هندرسون به شاه هشدار می‌داد که اگر مصدق در سمت خود باقی بماند و سیاست‌های نفتی خود را ادامه دهد، ایران هم‌چنان رو به ویرانی می‌رود.^۹ او تأکید می‌کرد که در صورت عدم همکاری شاه با

۱- گازیوروسکی، کودتای ۲۸ مرداد، ص ۲۵.

۲- همان، ص ۲۶.

۳- وود هاوس، عملیات چکمه، ص ۲۷؛ روزولت، کودتا در کودتا، ص ۶۰؛ لپینگ، سقوط امپراتوری انگلستان و دولت مصدق، ص ۵۶؛ گازیوروسکی، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ص ۳۸ به بعد.

۴- H-Norman Schwazkoph وی که قبلاً ریاست هیئت مستشاری نظامی آمریکا در ایران را بر عهده داشت، رابطه‌ی دوستانه‌ای با شاه داشت.

۵- بیل، شیر و عقاب، ص ۱۰۵؛ اسناد سازمان سیا، ص ۱۷ و ۱۸؛ پیش از این اسدالله رشیدیان، جاسوس ارشد سرویس اطلاعاتی انگلستان، به عنوان سخنگوی رسمی دولت انگلستان با شاه ملاقات کرد و درباره‌ی همکاری‌های آمریکا و انگلستان در عملیات سرنگون‌سازی دولت مصدق به شاه اطمینان خاطر داد.

۶- عملیات آزاکس، ص ۶۳ و ۶۴.

۷- موحد، خواب آشفته‌ی نفت، ج ۲، ص ۷۹۵.

۸- Kermit Roosevelt نوه‌ی تئودور روزولت رئیس‌جمهور آمریکا.

۹- مصدق و کودتا، ص ۵۹.

انجام کودتا، خاندان سلطنتی سقوط خواهد کرد.^۱

۲- انگلستان: حل بحران نفت از طریق اعمال قدرت نظامی و توسل به کودتا برای نخستین بار از سوی دولت انگلستان طراحی شد. این طرح تحت عنوان «عملیات چکمه»^۲ طراحی شد. دولت انگلستان با استفاده از شبکه‌ی جاسوسی خود که از دیرباز در ایران فعالیت داشت^۳، به شکل‌های گوناگون اقدام به تضعیف حکومت دکتر مصدق کرد.^۴ از جمله‌ی این اقدامات تحریم نفت ایران و تهدید کشورهای خریدار نفت ایران به تعقیب قضایی و مجازات بود.^۵

وقتی آمریکا با انگلستان در براندازی دولت مصدق همراه شد طرح «عملیات چکمه»ی انگلستان به طرح «عملیات آژاکس»^۶ مبدل شد و رهبری آن به دست کریمت روزولت آمریکایی سپرده شد.

پیش‌تر بدانید

قطع روابط سیاسی ایران و انگلستان و تعطیلی سفارت انگلستان در تهران ضرورت همکاری آمریکا را در براندازی دولت مصدق دو چندان می‌کرد.^۷ با وجود این با روی کار آمدن دولت آیزنهاور در ژانویه ۱۹۵۳ دی ماه ۱۳۳۱، سیاست خارجی آمریکا نسبت به ایران با دولت انگلستان همسوتر و شدیدتر شد. علاوه بر این، آن‌ها نمی‌توانستند، جنبش‌های ملی درخاورمیانه را که دارای جنبه‌های ضداستعماری بود، نادیده بگیرند. با این همه عامل عمده‌ای که باعث شد آمریکا رهبری کودتا را بر عهده گیرد، سهم شدن این کشور در منافع نفتی ایران بود. هدفی که آمریکا پس از کودتا با انعقاد قرارداد کنسرسیوم به آن دست یافت.^۸

۱- عملیات آژاکس، ص ۱۲ و ۵۸-۶۰.

۲- Boot Operation

۳- ن.ک: علم، نفت، قدرت و اصول ملی شدن نفت در ایران و پیامدهای آن، ص ۱۵۲ به بعد. گازیوروسکی و برن، مصدق و کودتا، ص ۱۵۶-۱۵۹.

۴- ن.ک: وودهاس، شرح عملیات چکمه، اسرار کودتای ۲۸ مرداد، ص ۳۸ و ۳۹؛ علم، نفت، قدرت و اصول ملی شدن نفت ایران و پیامدهای آن، ص ۳۴۵-۳۵۱؛ عملیات آژاکس، بررسی اسناد CIA درباره‌ی کودتای ۲۸ مرداد، ص ۱۹۸.

۵- ن.ک: فاتح، پنجاه سال نفت ایران، ص ۵۶۸؛ نجاتی، جنبش ملی شدن نفت ایران، ص ۲۱۲. اقبال، نقش انگلیس در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ص ۸۷؛ مصدق، اسناد نفت و نطق‌ها و نامه‌های تاریخی، ص ۱۶۷-۲۱۳.

۶- Ajax Operation

۷- وودهاس، عملیات چکمه، ص ۳۱۸.

۸- ن.ک: بیل، عقاب و شیر، ج ۲، ص ۱۷۸-۱۸۳؛ مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۳۱۱ و ۳۱۲؛ عملیات آژاکس. بررسی اسناد CIA درباره‌ی کودتای ۲۸ مرداد. ص ۱۵۳.

بنابراین آمریکا و انگلیس با هدف تصاحب منابع عظیم نفتی ایران سیاست‌هایی همگام علیه نهضت ملی در پیش گرفتند.

شوروی نیز با وجود شدت یافتن جنگ سرد با آمریکا در این دوران، برای کمک به ایران کاری انجام نداد و در شرایط سخت بحران اقتصادی ناشی از تحریم نفت ایران حتی از پرداخت بدهی‌های خود به ایران سرباز زد.^۱

ب – عوامل داخلی:

۱- حزب توده: این حزب از آغاز نهضت ملی شدن نفت، جنبش را به عنوان یک حرکت وابسته به سرمایه‌داری غرب متهم می‌کرد و تنها خواستار ملی شدن نفت جنوب بود^۲ زیرا نفت شمال را حق شوروی می‌دانست.

حزب توده به دلیل وابستگی به شوروی، از منافع روس‌ها حمایت می‌کرد و رفتار خصمانه‌ی خود را با دکتر مصدق هیچ‌گاه تغییر نداد، اما پس از واقعه‌ی ۳۰ تیر ۱۳۳۱ برخی از رهبران حزب تصمیم به حمایت از دکتر مصدق گرفتند^۳ و در مواردی چون خروج شاه از کشور (توطئه‌ی ۹ اسفند ماه ۱۳۳۱) و فرارندوم دکتر مصدق برای انحلال مجلس دوره‌ی هفدهم این حمایت ادامه یافت.

در فاصله‌ی کودتای نافرجام ۲۵ مرداد تا کودتای ۲۸ مرداد حزب توده با وجود داشتن تشکیلات وسیع و سازمان نظامی^۴، نیروهایش را از خیابان‌ها فراخواند و در برابر کودتا هیچ واکنشی به جز پایین کشیدن مجسمه‌های شاه و شعار الغای سلطنت و استقرار جمهوری دموکراتیک که به بهره‌برداری کودتاچیان در جنگ روانی منجر شد، انجام نداد.^۵

سازمان نظامی حزب توده از طریق شبکه‌ی اطلاعاتی خود در ارتش از توطئه‌ی کودتا آگاه بود. آن‌ها به دلیل این‌که پست‌های نظامی مهمی را در اختیار داشتند، می‌توانستند به شکست کودتا کمک کنند.^۶

۱- دولت شوروی به خاطر خرید گندم از ایران در زمان جنگ جهانی دوم یازده تن طلا به ایران بدهکار بود.

۲- بهروز، شورشیان آرمان‌خواه یا ناکامی چپ در ایران، ص ۴۴؛ منتصری، در آن سوی فراموشی، ص ۵؛ کشاورز، من متهم می‌کنم، ص ۷۷.

۳- امیر خسروی، نظر از درون به نقش حزب توده‌ی ایران، ص ۳۳۹؛ گذشته چراغ راه آینده است، ص ۵۷۴.

۴- سازمان نظامی یا سازمان افسران حزب توده‌ی ایران.

۵- ذبیح، تاریخ جنبش کمونیستی در ایران، ص ۳۱۴-۳۱۶؛ امیر خسروی، نظر از درون به نقش حزب توده‌ی ایران، ص ۶۱۵.

۶- ن. ک: خسرو پناه، سازمان افسران حزب توده‌ی ایران، ص ۱۵۹-۱۷۲؛ اسکندری، خاطرات سیاسی، ج ۳، ص ۴؛ کشاورز، من متهم می‌کنم، ص ۱۳؛ بهروز، شورشیان آرمانخواه، ص ۵۷-۵۹.

پس از پیروزی کودتا، حزب توده هم چون کوه یخ آب شد و رهبران آن از کشور گریختند و یا برای نجات جان خود با سران کودتا همکاری کردند. برخی از اعضای حزب توده نیز بعدها به خدمت ساواک درآمدند.^۱

بیش‌تر بدانید

شبکه‌ی «بدامن»^۲ پس از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۸ م با هدف مقابله با توسعه‌ی روزافزون نفوذ شوروی و حزب توده در ایران توسط انگلیسی‌ها شکل گرفت. این شبکه اقدام به یک سلسله عملیات با رمز «بدامن» کرد. این عملیات‌های سیاسی و تبلیغاتی به سرپرستی دو تن ایرانی با نام رمز «زن» و «سیلی» اداره می‌شد که متشکل از ۱۳۰ عامل بودند و بودجه‌ی آنان یک میلیون دلار بود.^۳

۲- شبکه‌ی بدامن: این شبکه موفق شد با نفوذ در برخی از جریان‌های سیاسی و احزاب^۴ به ایجاد تشکلت سیاسی، بدبینی نسبت به رهبران نهضت و اختلاف افکنی دامن زند. پیچیدگی فعالیت‌های این شبکه در این بود که هم از حوزه‌ی نظارت حزب توده و هم دولت خارج بود. در ابتدای امر هر دو تصور می‌کردند که این فعالیت‌ها به نفع سیاست‌های آن‌ها صورت می‌گیرد.^۵

یکی از اقدامات شبکه‌ی بدامن آشوب خیابانی ۲۳ تیرماه ۱۳۳۰ همزمان با ورود «اورل هرین»^۶ نماینده‌ی مخصوص ترومن (رئیس جمهور آمریکا) بود که نیروهای بانفوذ این شبکه در حزب توده دست به کارهایی زدند تا نگرانی از حزب توده بیش‌تر شود. در این واقعه حدود ۲۰ نفر کشته و ۲۰۰ نفر زخمی شدند.^۷ از جمله اقدامات دیگری که این شبکه در آستانه‌ی کودتای ۲۸ مرداد انجام داد، حمله به خانه‌ی آیت‌الله کاشانی و پرتاب نارنجک در مراسم عزاداری به نام طرفداران دکتر مصدق بود.

۱- مقاومت در برابر کودتاچیان تنها در اعضای رده پایین حزب توده صورت گرفت. از میان کادر رهبری افرادی چون بهرامی، یزدی، شرمینی و قریشی با رژیم همکاری داشتند و برخی تا آن‌جا پیش رفتند که اسرار تشکیلاتی و شبکه‌ی حزبی را در اختیار حکومت کودتا گذاشتند. ن. ک: بهروز، شورشیان آرمانخواه، ص ۴۷.

۲ - Bedamen

۳- گازیوروسکی، سیاست خارجی آمریکا، ص ۲۷. همچنین گازیوروسکی و برن، مصدق و کودتا، ص ۳۴۴.

۴- از جمله حزب توده، جبهه ملی، حزب زحمتکشان، نیروی سوم و حزب ایران...

۵- فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، ص ۱۷۹-۱۸۱؛ امیرخسروی، نظر از درون به نقش حزب توده ایران،

ص ۵۹۹-۶۰۹؛ اسناد سازمان سیا، سایت اینترنت مجله نیویورک تایمز، ص ۸۰.

۶- Averell Herriman

۷- ن. ک: گازیوروسکی و برن، مصدق و کودتا، ص ۵۵-۳۲۱.

آن‌ها هم‌چنین دست کم شش روزنامه‌ی ضد دولتی در تهران منتشر کردند که در عملیات جنگ روانی کودتا مؤثر بود.^۱

۳- شاه و دربار: شاه از پیامدهای نهضت ملی شدن نفت بیمناک بود. تجربه‌ی اخراج پدرش توسط انگلیسی‌ها در شهریورماه ۱۳۲۰ سوءظن مزمنی را نسبت به انگلیسی‌ها در او ایجاد کرده بود.^۲ او در ابتدا نه جرئت همراهی با نهضت ملی شدن نفت را داشت و نه شجاعت مخالفت با آن را؛ زیرا از پیامدهای آن هراس داشت. او نگران بود قدرت خود را از دست بدهد.^۳ با وجود این نیروهایی که در اطراف شاه و در دربار جمع شده بودند، پیوسته درصدد بودند تا مانع به قدرت رسیدن دکتر مصدق شوند.^۴

پس از به قدرت رسیدن دکتر مصدق برای شاه مسلم شد که ادامه‌ی حکومت دکتر مصدق آثار ویرانگری برای سلطنت وی به همراه خواهد داشت. اما شاه قدرت مقابله با نهضت ملی شدن نفت و حکومت دکتر مصدق را نداشت و به روش‌های مختلف در سایه‌ی حامیان خارجی (دولت انگلستان) و عوامل آن‌ها که در دربار نفوذ دیرینه‌ای داشتند، تلاش می‌کرد در مقابل نهضت ایستادگی کند.^۵ اشرف پهلوی خواهر شاه^۶، مادرشاه، اسدالله علم و شاپور ریورتر از عناصر فعال دربار به‌شمار می‌رفتند. آن‌ها به همراه سفارت انگلستان به دسیسه‌چینی و توطئه برای تضعیف دولت مصدق پرداختند.^۷ درباریان برای حفظ منافع و سلطه‌ی آن دولت حاضر به هرگونه همکاری با انگلیسی‌ها بودند.^۸ دکتر مصدق که از دسیسه‌چینی‌های دربار مطلع بود، تلاش کرد تا قدرت دربار را محدود کند و پس از قیام مردم در سی‌ام تیرماه ۱۳۳۱، اشرف پهلوی و مادرش را به خارج از کشور تبعید کرد.^۹

۱- ن.ک: گازیوروسکی، کودتای ۲۸ مرداد، ص ۵۸؛ عملیات آزاکس، بررسی اسناد CIA درباره‌ی کودتای ۲۸ مرداد ص ۱۴۷-۱۴۵؛ سایت اینترنتی مجله نیویورک تایمز، اسناد سازمان سیا، ص ۲۵.

۲- مجله تاریخ معاصر ایران، ش ۴، سال ۱۳۷۱.

۳- ن.ک: وودهاوس، عملیات چکمه، اسرار کودتای ۲۸ مرداد، ص ۲۷.

۴- پیل، شیر و عقاب، ص ۶۸.

۵- گازیوروسکی و برن، مصدق و کودتا، ص ۵۵.

۶- اشرف خواهر دو قلو‌ی شاه، دکتر مصدق را عوام‌فریب و متعصب می‌خواند. اشرف همچنین اعتراف کرده است که او و مصدق نسبت به یکدیگر کینه‌ی شخصی شدیدی دارند.

۷- گازیوروسکی و برن، مصدق و کودتا، ص ۵۶.

۸- علم، ملی شدن نفت ایران و پیامدهای آن، ص ۳۶۵.

۹- گازیوروسکی و برن، مصدق و کودتا، ص ۵۵.

بیش‌تر بدانید

تا زمانی که اتحاد و همبستگی میان رهبران نهضت وجود داشت شاه جرأت رویارویی با دولت دکتر مصدق را نداشت.^۱ اما زمانی که کانون‌های توطئه‌گر خارجی و عوامل داخلی آن‌ها با استفاده از اختلافات موجود میان رهبران نهضت اقدام به تضعیف نهضت ملی کردند نقش شاه و دربار در تقابل با حکومت دکتر مصدق پررنگ‌تر شد.

از نظر کودتاجیان برخورداری از حمایت شاه برای موفقیت طرح براندازی و کودتا علیه دکتر مصدق بسیار مؤثر بود. اشرف در این ماجرا به عنوان بخشی از عملیات مشترک سیا و سرویس مخفی انگلستان (ام.آی.سیکس^۲) نقش خود را ایفا کرد. او که در خارج از کشور در تبعید به سر می‌برد،^۳ پس از ملاقات‌های محرمانه با مأموران جاسوسی آمریکا و انگلستان با نام مستعار در سوم مرداد ۱۳۳۲ وارد تهران شد تا پیام‌ها و نقشه‌های کودتا را به اطلاع شاه برساند.^۴

۴- **مطبوعات:** کودتاجیان با استفاده از مطبوعات به سازماندهی افکار عمومی پرداختند. آن‌ها از این طریق توانستند با ایجاد شایعات و تبلیغات ویرانگر به تخریب شخصیت دکتر مصدق و ایجاد نارضایتی عمومی از دولت او و تشدید اختلاف‌ها دامن بزنند.^۵

در چنین شرایطی دکتر مصدق به بهانه‌ی نفوذ و تحریکات بیگانگان در مجلس،^۶ تصمیم گرفت مجلس دوره‌ی هفدهم را منحل کند.^۷ تلاش آیت‌الله کاشانی برای جلوگیری از انحلال مجلس به جایی

۱- ن. ک: مقصودی، تحولات سیاسی اجتماعی ایران، فصل پنجم، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و علل وقوع آن، نوشته‌ی علی اصغر زرگر، ص ۱۳۸.

۲- M.I.6: سازمان اطلاعات انگلستان (اینتلجنس سرویس) می‌باشد. (نظیر سازمان سیا در آمریکا) ایجاد شبکه‌های مأمور در کشورهای مورد نظر، کسب هرگونه اطلاعات اقتصادی، سیاسی و نظامی، تلاش برای تغییر دولت‌ها از جمله وظایف این سازمان است.

۳- اشرف در این زمان در یک کازینو (قمارخانه) در «دوریل فرانسه» مشغول قمار بود. طبق اسناد منتشر شده‌ی سازمان سیا درباره‌ی کودتای ۲۸ مرداد، سرهنگ استیفن جانسون مید (Colonel Stephen Johnson Mead) به نمایندگی از سوی سازمان سیا با اشرف در پاریس گفتگو کرد و او را برای بازگشت به ایران و ملاقات با شاه ترغیب کرد. ن. ک: اسناد سازمان سیا، ص ۱۵؛ گازیو روسکی؛ روابط خارجی شاه و آمریکا، ص ۱۳۸.

۴- بیل، شیر و عقاب، ص ۱۵۰.

۵- عملیات آژاکس، ص ۲۶، ۲۷ و ۳۱. تندروی احزاب سیاسی موافق و مخالف دولت دکتر مصدق و ادبیات گزنده و مخرب روزنامه‌های وابسته و غیروابسته افراطی به آن‌ها، آثار سویی در افکار عمومی مردم داشت و موجب خیال‌آفرینی و تشتت سیاسی در روزهای حساس قبل از کودتا بود.

۶- در حالی که مستمسک اعمال نفوذ بیگانه نباید دلیل انحلال مجلس می‌شد. خصوصاً این‌که مجلس هفدهم به دلیل مشروعیت از مهم‌ترین مجالس پس از شهریور ۱۳۲۰ بود.

۷- عظیمی، بحران دمکراسی در ایران، ص ۴۲۶.

نرسید.^۱ انحلال مجلس فرصت مناسبی برای کودتاجیان فراهم کرد؛ زیرا مشروعیت رئیس دولت را به‌طور آشکاری مخدوش کرد. همین عامل باعث هموار شدن عملیات کودتا شد.^۲ کودتاجیان با استناد به انحلال مجلس که با رأی اعتماد خود به دولت دکتر مصدق به دولت او مشروعیت داده بود، اظهار می‌کردند که دولت دکتر مصدق غیرقانونی است.^۳

بیش‌تر بدانید

کرمیت روزولت ضمن برشمردن مزایای حمایت شاه از کودتا می‌گوید، آخرین تضمین برای رفع شبهه و تردید شاه در براندازی مصدق و حمایت از کودتا این بود که آیزنهاور (رئیس‌جمهور آمریکا) این مطلب را با بیان جمله‌ای خاص و رمزی در یک سخنرانی اعلام و چرجیل (نخست‌وزیر انگلیس) نیز تریبی بدهد تا در ساعت اعلام برنامه‌ی رادیو. بی.بی.سی. در شب بعد، به جای گفتن اکنون نیمه‌شب است، بگوید: «اکنون درست نیمه شب است»^۴. شاه در اوایل مرداد این رمزها را از رادیو دریافت کرد.^۵

۱- اخوی، نقش روحانیت در صحنه سیاسی ایران، ص ۱۸۲.

۲- اسناد سازمان سیا، ص ۲۰ و ۲۱.

۳- ن.ک. گازیوروسکی و برن، مصدق و کودتا، ص ۱۱۷.

۴- روزولت، کرمیت، کودتا در کودتا، ص ۱۶۸-۱۶۹.

۵- وودهاوس، عملیات چکمه، ص ۱۷؛ هم‌چنین ن.ک. : عملیات آژاکس، بررسی اسناد کودتا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ص ۱۵۹-۱۶۰؛

گازیوروسکی و برن، مصدق و کودتا، ص ۳۴۵.

پرسش‌های نمونه

- ۱- چه عواملی موجب شد که مصدق در دور دوم نخست‌وزیری از حمایت مردم محروم بماند؟
- ۲- انگلستان از چه راه‌هایی همکاری آمریکا برای انجام کودتا در ایران را جلب کرد؟
- ۳- انگلستان از چه راه‌هایی به تضعیف دولت مصدق پرداخت؟
- ۴- موضع حزب توده نسبت به دولت مصدق چه بود و عملکرد آن حزب در کودتای ۲۸ مرداد چگونه بود؟
- ۵- در دوره‌ی نخست‌وزیری مصدق، عناصر فعالِ دربار چه کسانی بودند و چگونه به تضعیف دولت مصدق پرداختند؟

اندیشه و جست و جو

- ۱- از کتاب‌های خاطرات که در سال‌های اخیر منتشر شده، مطلبی در مورد قیام ۳۰ تیر تهیه کنید و در کلاس بخوانید.
- ۲- در مورد یکی از گروه‌های وابسته به بیگانه که در زمینه‌سازی کودتای ۲۸ مرداد نقش داشتند، مطلبی تهیه کنید.

کودتای بیست و هشتم مرداد

در این درس با چگونگی وقوع کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ آشنا می‌شوید.

اجرای کودتا

بر اساس اسناد محرمانه‌ی کودتا روشن است که دولت ایالات متحده آمریکا نقش مهم و مؤثری در سازماندهی و هدایت نیروهای مخالف برای سرنگونی دولت مصدق ایفا کرده و هدایت و رهبری کودتا را برعهده داشته است.^۱

مقامات آمریکا در مشاوره با همتایان انگلیسی خود، فضل‌الله زاهدی را به‌عنوان فرماندهی نظامی کودتا انتخاب کردند و شاه را متقاعد نمودند که زاهدی را بپذیرد و از کودتا حمایت کند.^۲

کریمت روزولت گرداننده‌ی کودتا در بیست و هشتم تیرماه ۱۳۳۲ وارد ایران شد و در مخفی‌گاه زاهدی با او دیدار کرد.^۳ او توانست با همکاری زاهدی شمار زیادی از نظامیان پادگان‌های تهران را به سرپیچی از دستورات دولت وادار کند.^۴ هم‌چنین شعبه‌ی امنیتی سازمان سیا تصمیم گرفت به سرعت،

۱- اولین نشانه توطئه‌ی مشترک آمریکا و انگلستان و ابادی داخلی‌شان، در براندازی دولت دکتر مصدق اجرای یک سلسله عملیات شبه کودتا مانند واقعه نهم اسفندماه ۱۳۳۱، ربودن سرتیپ محمود افشار طوس رئیس شهربانی کل کشور و قتل او در اردیبهشت ماه ۱۳۳۲ و بروز حوادثی که تنش‌های سیاسی را در کشور تشدید می‌کرد، بود. (در این باره ن. ک: آبادیان، زندگینامه سیاسی دکتر مظفر بقایی، ص ۲۴-۹۶، ۱۶۵-۱۷۰؛ شمس قنات‌آبادی، خاطرات شمس قنات‌آبادی، ص ۴۲ و ۴۳؛ کاتوزیان، مصدق و نبرد قدرت. ص ۳۲۵)

۲- ن. ک: عملیات آژاکس، بررسی اسناد کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ص ۱۷-۳۲ و ۳۵-۴۶؛ هم‌چنین گازیوروسکی و برن، مصدق و کودتا، ص ۲۸۵.

۳- اسناد سازمان سیا، ص ۵-۳.

۴- پس از تسویه ارتش توسط دکتر مصدق و پیوستن افسران ناراضی به جمع کانون «افسران بازنشسته» که رهبری آن‌ها را سرلشکر فضل‌الله زاهدی برعهده داشت، این کانون مبدل به مرکز مهمی برای توطئه علیه دولت مصدق شد. ضعف دولت دکتر مصدق در توسعه‌ی تسلط دولت بر نظامیان موقعیت مناسبی برای آمادگی ارتش در انجام کودتا فراهم آورد. ن. ک: علم، نفت، قدرت و اصول ملی شدن نفت ایران و پیامدهای آن. ص ۳۸۶. عظیمی، بحران دموکراسی در ایران، ص ۴۱۴-۴۳. درباره نقش نظامیان در کودتا ن. ک: آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ص ۲۵۱؛ عملیات آژاکس، بررسی اسناد سیا درباره کودتای ۲۸ مرداد، ص ۱۹۷-۲۱۲؛ اسناد سازمان سیا درباره کودتا، ص ۲۰ و ۱۰۵ و ۱۱۹؛ نجاتی، مصدق، سال‌های مبارزه و مقاومت، ج ۲، ص ۴۳؛ موحد، خواب آشفته‌ی نفت، ج ۲، ص ۷۳۷.

سیاست حمله به دولت دکتر مصدق را از طریق جنگ روانی موسوم به «تبلیغات خاکستری» به مرحله‌ی اجرا درآورد.^۱

در ۲۴ مرداد ماه شاه به تردیدهای خود پایان داد و سرانجام فرمان عزل نخست‌وزیری دکتر مصدق و انتصاب فضل‌الله زاهدی را امضا کرد. در ساعت یک بامداد روز ۲۵ مرداد، نصیری که حامل نامه‌ی عزل دکتر مصدق بود به خانه وی رفت ولی بلافاصله به دستور دکتر مصدق بازداشت شد^۲ و شاه از ایران فرار کرد.

با فرار شاه به بغداد و سپس رُم، در سراسر کشور تظاهرات عمومی برپا گردید. مجسمه‌های شاه و پدرش به پایین کشیده شد و عکس‌های او از اداره‌ها جمع‌آوری شد.^۳ در تجمع بزرگی که در میدان بهارستان برپا شد، دکتر حسین فاطمی وزیر خارجه اعلام کرد: «نظام سلطنتی باید برچیده و حکومت جمهوری برپا شود، شاه ایران روی ملک فاروق مصر را سفید کرده است».^۴ البته این موضع شخصی فاطمی بود و دولت دکتر مصدق نسبت به فرار شاه از کشور، موضع خاصی را نشان نداد.

بنا بر گزارش مندرج در اسناد سازمان سیا درباره‌ی کودتا روزولت برای این که کودتا را از شکست کامل نجات دهد، به محل اختفای زاهدی رفت.^۵ آن‌ها بی‌درنگ تصمیم گرفتند افکار عمومی را متقاعد سازند که رئیس دولت قانونی زاهدی است و مصدق آن مقام را غصب کرده و در صدد انجام کودتا علیه شاه است.^۶

با تلاش کودتاچیان به زودی اوضاع دگرگون شد. بی‌توجهی دولت به کودتای مقدماتی و عدم پیش‌بینی کودتای بعدی موجب شد کودتاچیان بدون برخورد با مانع جدی و به سهولت غیر قابل انتظاری حکومت ملی را ساقط و رژیم آمریکایی را مستقر کنند؛ زیرا پس از وقوع کودتای

۱- وودهاوس، عملیات چکمه، ص ۴۴ و ۴۵؛ عملیات آژاکس، ص ۵۸.

۲- ن. ک: مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۵۰۶؛ گذشته چراغ راه آینده است، ص ۶۴۹، ۶۵۶ و ۶۵۷.

۳- ن. ک: نجانی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله‌ی ایران، ج ۲، ص ۷۲، ۷۴.

۴- خاطرات و مبارزات دکتر حسین فاطمی، ص ۲۷۸-۲۹۱. در سال ۱۳۳۱ ژنرال نجیب به همراه سرهنگ جمال عبدالناصر و عده‌ای از افسران مصری، علیه ملک فاروق پادشاه مصر کودتا کردند و او را سرنگون کردند و از آن پس حکومت مصر تبدیل به نظام جمهوری شد.

۵- محل ستاد مخفی، در باغ مصطفی مقدم در محله‌ی اختیاره‌ی تهران بود. عملیات آژاکس، ص ۲۰۱.

۶- اسناد سازمان سیا، ص ۳۲ و ۳۳.

نافرجام ۲۵ مرداد دیگر دلیلی برای خوش‌بینی وجود نداشت.^۱ عده‌ای وقوع کودتا را پیش‌بینی کرده بودند.^۲

کودتاجیان با هدایت سازمان سیا توانستند بدون کمک نیروهای نظامی اصفهان، کرمانشاه و همدان که با برنامه‌ریزی قبلی برای حرکت به سوی تهران آماده بودند، با بسیج دستجاتی از اراذل و اوباش که با پول‌های مراکز اطلاعاتی انگلستان و آمریکا سازماندهی شده بودند، نقشه‌های خود را عملی کنند. بخش عمده‌ای از آشوب‌های خیابانی در روز کودتا را شعبان‌جعفری^۳ معروف به شعبان بی‌مخ با عده‌ای از چماقداران خود و همراهی گروه‌های دیگر اوباش و ولگردها انجام دادند و خیابان‌های تهران را یکی پس از دیگری تصرف کردند.^۴ همزمان با این اقدامات عوامل نظامی کودتا مناطق حساس از جمله ستاد ارتش، ایستگاه رادیو، مراکز پلیس و ژاندارمری، مرکز تلفن و تلگراف و خانه‌ی دکتر مصدق و یارانش را تصرف کردند.^۵

زاهدی سوار بر تانک به نخست‌وزیری رفت و واحدهای انتظامی و نظامی طرفدار دکتر مصدق اقدام مؤثری علیه کودتا نکردند.^۶

۱- در این باره ن. ک: گازیوروسکی و برن، مصدق و کودتا. ص ۲۸۱.

۲- الف) آیت‌الله کاشانی طی نامه‌ای به دکتر مصدق وی را از وقوع یک کودتای حتمی توسط زاهدی آگاه کرد. (ن. ک: مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۲۷۹-۲۸۰).

ب) در روز ۲۵ مرداد یکی از صاحب‌منصبان بازنشسته‌ی وزارت دارایی (محمدحسین آشتیانی - عظام‌الدوله) برحسب تصادف از طریق بستگان خود که با دربار در ارتباط بود از جریان کودتا مطلع شد و موضوع را تلفنی به اطلاع دکتر مصدق رساند. (ن. ک: کاتوزیان، مصدق و نبرد قدرت، ص ۲۰۴).

ج) طبق گزارش مندرج در اسناد منتشر شده سازمان سیا، روزنامه شجاعت جایگزین روزنامه به سوی آینده ارگان حزب توده در ۲۲ مرداد وقوع کودتا را پیش‌بینی کرده بود. این روزنامه نوشته بود که نقشه کودتا پس از دیدار ژنرال شوارتسکف در روز ۹ اوت/ ۱۸ مرداد طرح‌ریزی شده بود. نکته‌ی قابل ذکر این است که ظاهراً حزب توده دست کم به اندازه دولت از ماجرای کودتا خیر داشته است. (ن. ک: اسناد سازمان سیا، ص ۳۲).

د) کیانوری ادعا می‌کند که از طریق ارتباط همسرش (مریم فیروز) که از خویشاوندان دکتر مصدق بود، او را در جریان کودتا قرار داده است. (ن. ک: کیانوری، خاطرات، ص ۲۶۵ و ۲۶۶؛ برهان، کارنامه حزب توده و راز سقوط مصدق، ج ۲، ص ۱۲۰-۱۲۹؛ امیر خسروی، نگاهی از درون به نقش حزب توده ایران، ص ۵۸۲).

۳- شعبان‌جعفری معروف به شعبان بی‌مخ که به جرم شرکت در غائله‌ی نهم اسفند ۱۳۳۱ در زندان بود، در روز کودتا با همکاری مأموران شهربانی آزاد شد.

۴- ن. ک: عملیات آژاکس، ص ۱۹۱-۱۹۶.

۵- اسناد سازمان سیا، ص ۴۹-۵۱؛ فردوست، ظهور و سقوط، ج ۲، ص ۱۸۲ و ۱۸۳.

۶- کویتینی، جانانان، دشمنان بی‌شمار، ص ۲۲۳.



فصل‌الله زاهدی

لویی هندرسن سفیر آمریکا که نقش مهمی در روزهای حساس کودتا برعهده داشت، به دکتر مصدق تکلیف کرد که از پست خود کناره‌گیری کند ولی دکتر مصدق با عتاب او را از خانه‌اش بیرون کرد.^۱

علاوه بر این دکتر مصدق با ممنوع کردن تظاهرات،^۲ عملاً «خیابان‌ها را از هواداران خود خالی کرد».^۳

اگر چه شرایط و اوضاع سیاسی در ۲۸ مرداد بسیار متفاوت با سی‌ام تیر ماه ۱۳۳۱ بود اما دولت مصدق نتوانست از آنچه که در اختیار داشت، برای مقابله با کودتا استفاده کند.^۴

طرح براندازی حکومت دکتر مصدق پیچیده بود اما به سهولت و با کم‌ترین هزینه برای کودتاچیان و پیامدهای سهمگین و ناگوار برای ملت ایران که منجر به سلطه‌ی همه‌جانبه‌ی آمریکا در ایران گردید، همراه بود.

بیش‌تر بدانید

به گفته‌ی نجاتی در کتاب جنبش ملی شدن صنعت نفت در آن سه روز سرنوشت‌ساز که آینده‌ی سیاسی ایران تعیین می‌شد، مسئولان مملکت و رهبران احزاب سیاسی در انجام وظایف خطیری که به عهده داشتند، غفلت کردند و فرصت‌های گران‌بها از دست رفت.^۵ مردم شهر تهران که چند بار توطئه‌هایی علیه نهضت ملی را با قیام خود و پشتیبانی از دولت مصدق خنثی کرده بودند، صبح روز ۲۸ مرداد، بدون رهبر و فرمانده شاهد تردید و تزلزل رهبران نهضت ملی و خیانت و سهل‌انگاری چند تن از فرماندهان نظامی و رؤسای سازمان‌های انتظامی بودند. پیروزی سریع کودتاچیان در روز ۲۸ مرداد نه تنها برای ملت ایران بلکه برای کریمت روزولت و سردمداران کودتا باورکردنی نبود.^۶

۱- گازیوروسکی و برن، مصدق و کودتا، ص ۲۸۰.

۲- حزب توده نیز نیروهای خود را از خیابان‌ها فراخواند و مانع دخالت آن‌ها شد.

۳- ن. ک: عملیات آزاکس، ص ۲۲۴-۲۲۶.

۴- برخی از جمله غلامحسین صدیقی وزیر کشور دولت مصدق معتقدند که دکتر مصدق می‌توانست با فراخوان همگانی مردم را از طریق رادیو به خیابان‌ها بکشانند. ن. ک: صدیقی، چرا و چگونه نهضت ملی ایران ناکام گشت و از پای درآمد، ص ۱۴۴-۱۴۷؛ موحد، خواب آشفته‌ی نفت، ج ۲، ص ۸۳۸؛ نجاتی، جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران، ص ۴۳۵-۴۳۹.

۵- نجاتی، جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران، ص ۴۱۵.

۶- همان، ص ۴۳۹.

بازگشت محمدرضا پهلوی

به دنبال کودتا سرلشکر زاهدی نخست‌وزیر شد و محمدرضا پهلوی، به کشور بازگشت. به تعبیر امام خمینی: «محمدرضا رفت و «رضا شاه» برگشت»؛ در حالی که اکنون سلطنت خود را وامدار آمریکا و انگلیس می‌دانست.

شاه در ملاقات با کریمت روزولت ضمن تشکر از او گفت: «من تاج و تختم را از برکت خداوند، ملت و ارتشم و شما (کریمت روزولت) دارم».^۱

به این ترتیب عصری جدید در سرنوشت ملت ایران رقم خورد که هزینه‌ی آن، بیست و پنج سال سلطه‌ی مستقیم آمریکا، همراه با ده‌ها هزار کشته، زخمی، زندانی و تاراج میلیاردها بشکه‌ی نفت کشور بود.

نتیجه‌گیری

بدون تردید، بعد از تبعید رضاشاه، ملت ایران فرصت جدیدی پیدا کرد تا در جهت احیای نظام مشروطه گام‌های مؤثری بردارد. این حرکت که مدت دوازده سال از شهریور ۱۳۲۰ تا مرداد ۱۳۳۲ به درازا کشیده بود، بر دو پایه‌ی عمده استوار بود: جلوگیری از بازگشت دیکتاتوری پهلوی و کوتاه کردن دست استعمار. در این راه رهبران مذهبی و ملی دست به دست هم دادند و گام‌های مؤثری برداشتند که در نهایت منجر به محدود کردن قدرت دربار و ملی شدن صنعت نفت شد. لیکن همانند دوره‌ی مشروطه به دلیل دسیسه‌ی بیگانگان، اختلافات داخلی و فقدان رهبری مقتدر، بصیر و جامع، این نهضت دینی و ملی نیز به نتیجه‌ی نهایی نرسید. پس از کودتای ۲۸ مرداد دیکتاتوری و سلطه‌ی بیگانه بار دیگر به کشور بازگشت و مدت ربع قرن بر مقدرات ملت ایران حاکم شد.

البته این سخن به معنای نفی تلاش مخلصانه و دلسوزانه‌ی رهبران راستین نهضت نظیر دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی و مردم متدین و فداکار نیست.

۱- روزولت، «کودتا در کودتا»، ص ۲۱۴.

پرسش‌های نمونه

- ۱- سازمان سیا چه نقشی در انجام کودتای ۲۸ مرداد داشت؟
- ۲- پیامدهای کودتای ۲۸ مرداد برای ملت ایران چه بود؟
- ۳- حرکت مردم ایران پس از شهریور ۱۳۲۰ بر چه پایه‌هایی استوار بود و چرا این حرکت به نتیجه‌ی نهایی نرسید؟

اندیشه و جست و جو

- ۱- در مورد یکی از شخصیت‌های داخلی که در کودتای ۲۸ مرداد، نقش داشته، مطلبی تهیه کنید.
- ۲- از کتاب‌های خاطرات که در سال‌های اخیر منتشر شده، مطلبی در مورد کودتای ۲۸ مرداد تهیه کنید و در کلاس بخوانید.

ربع قرن سیطره‌ی آمریکا بر ایران

در این درس با پیامدهای کودتای بیست و هشت مرداد ۱۳۳۲ و سیطره‌ی آمریکا بر سرنوشت سیاسی و اقتصادی ایران و تثبیت پایه‌های دیکتاتوری شاه و سرکوب مخالفان و تأسیس ساواک آشنا می‌شویم.

اوضاع سیاسی ایران پس از کودتا



شاه در ملاقات با آیزنهاور رئیس‌جمهور آمریکا

آمریکا که از کمک به دولت دکتر مصدق اجتناب می‌کرد، پس از پیروزی کودتاچیان کمک‌های زیادی در زمینه‌های نظامی و اقتصادی به دولت کودتا کرد.^۱ با روی کار آمدن دولت نظامی زاهدی^۲، فضای تیره‌ای در جامعه ایران حکم فرما شد، فرمانداری نظامی تهران به سرتیپ تیمور بختیار سپرده شد. بختیار که افسری بی‌رحم و خونریز بود، برای استقرار و تثبیت حکومت کودتا، سرکوب نیروهای ضدکودتا

و میهن دوست را آغاز کرد. عده‌ی بسیاری از مخالفان را دستگیر و زندانی کرد و عده‌ای از آن‌ها تبعید و تیرباران شدند.^۳ تظاهرات شهرستان‌ها و تهران با سرکوب شدید مواجه شد؛ فرمانداری نظامی، همچنین

۱- نجاتی، جنبش ملی شدن صنعت نفت، ص ۲۷۸ و ۲۷۹.

۲- نخست‌وزیری فضل‌الله زاهدی از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا ۱۶ فروردین ۱۳۳۴.

۳- کریم پورشیرازی مدیر روزنامه‌ی شورش که در دوره‌ی حکومت ملی، در روزنامه‌ی خود، انتقادات شدیدالحنی از خاندان سلطنتی کرده بود، زندانی و بدون محاکمه به دستور شاهپور و اشرف پهلوی در شب چهارشنبه سوری ۱۳۳۲ پس از شکنجه زنده زنده در آتش سوزانده شد. ن. ک: آل ابراهیم، شورش، زندگی و مبارزات کریم پورشیرازی، ص ۶۷-۷۱. دکتر سیدحسین فاطمی، وزیر امور خارجه‌ی دکتر مصدق و مدیر روزنامه‌ی باختر امروز دستگیر و پس از محاکمه در دادگاه نظامی در حالی که مجروح و بیمار بود، تیرباران شد. ن. ک: خاطرات و مبارزات دکتر سیدحسین فاطمی، ص ۲۹۴-۳۰۰ و ۳۵۴.

سقف بازار تهران را تخریب و جمعی از بازاریان را به جزیره‌ی خارک تبعید کرد.^۱ دکتر مصدق نیز پس از دستگیری، در دادگاه نظامی محاکمه و به سه سال زندان محکوم شد و عملاً تا آخر عمر، در احمدآباد، روستایی در اطراف تهران، تحت نظر بود.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما هدف از تشکیل فرمانداری نظامی در تهران پس از کودتای ۲۸ مرداد

چه بود؟

انتخابات دوره‌ی هجدهم مجلس شورای ملی

در آستانه‌ی برپایی انتخابات دوره‌ی هجدهم در محیط وحشت و خفقان، آیت‌الله کاشانی و نهضت مقاومت ملی^۲ با مجلس فرمایشی که دست‌ساخته و مطیع حکومت کودتا بود، به مخالفت پرداختند.^۳ با برقراری مجدد ارتباط میان دولت کودتا و انگلیس، «سردنيس رایت» کاردار^۴ انگلیس وارد تهران شد و دو دولت ایران و انگلیس طی اعلامیه‌ای برقراری روابط سیاسی را اعلام کردند.^۵ در پی آن آیت‌الله کاشانی با این اقدام دولت زاهدی مخالفت کرد.

بیش‌تر بدانید

در شانزدهم آذر ۱۳۳۲، دانشجویان دانشگاه تهران، با اطلاع از ورود نیکسون^۶ معاون رئیس‌جمهور آمریکا و هم‌چنین در اعتراض به تجدید روابط ایران و انگلیس به تعطیل کردن کلاس‌های درس و جمع شدن در دانشکده‌ی فنی پرداختند. با محاصره‌ی دانشگاه توسط مأموران فرمانداری نظامی و تیراندازی به طرف دانشجویان در محل دانشکده‌ی فنی، سه نفر از دانشجویان به قتل رسیدند.^۷

۱- ن. ک: نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله‌ی ایران، ج ۱، ص ۷۴ و ۷۵؛ آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ص ۳۴۵.

۲- عده‌ای از شخصیت‌های ملی، استادان دانشگاه و برخی از روحانیون برای خاموش نشدن شعله‌های مقاومت تشکلی به نام نهضت مقاومت ملی به‌وجود آوردند.

۳- مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۵۳۶؛ نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله‌ی ایران، ج ۱، ص ۱۱۵ و ۱۱۶؛ بازرگان، یادداشت‌های روزانه، ص ۳۹.

۴- در روابط خارجی، کاردار در مرتبه‌ی پایین‌تر از سفیر قرار دارد.

۵- نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله‌ی ایران، ج ۱، ص ۷۶.

۶- Nicson

۷- شریعت رضوی، بزرگ‌تیرا و قندچی. ن. ک: نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله‌ی ایران، ج ۱، ص ۱۱۲.

انعقاد قرارداد کنسرسیوم^۱ نفت

قرارداد کنسرسیوم نفت یک قرارداد استعماری بود که بین ایران و چند شرکت نفتی آمریکایی، انگلیسی، فرانسوی و هلندی بسته شد. این قرارداد با هدف بهره‌برداری از مخازن نفت ایران توسط حکومت دست‌نشانده‌ی شاه به ایران تحمیل شد. این قرارداد که مغایر با قانون ملی شدن صنعت نفت بود، مجدداً نفت ایران را زیر سیطره‌ی بیگانگان درآورد.^۲ کنسرسیوم اختلافات میان آمریکا و انگلستان را بر سر مسئله‌ی نفت ایران حل کرد و همه‌ی ثمرات مبارزه‌ی ملت ایران در جریان نهضت ملی شدن نفت را بر باد داد.^۳ یکی از بندهای قرارداد کنسرسیوم، پرداخت غرامت از سوی ایران به شرکت سابق نفت انگلیس و ایران بود. اما این پایان تاوان سنگین ملت ایران برای ملی کردن نفت نبود؛ بلکه تأسف بارتر از آن، حضور فزاینده‌ی مستشاران آمریکایی بود که به تدریج مقدرات سیاسی، اقتصادی و نظامی ایران را زیر سلطه‌ی نوین آمریکا برد.

دولت حسین علاء

سپهبد زاهدی، عامل اجرای کودتای ۲۸ مرداد که خود را «تاج‌بخش» شاه می‌دانست^۴، به علت اشتها به حیف و میل کمک‌های آمریکایی‌ها و بی‌اعتنایی به شاه، با کمک انگلیسی‌ها، کنار گذاشته شد^۵ و حسین علاء به نخست‌وزیری رسید.

با روی کار آمدن حسین علاء، وزیر سابق دربار که در برابر شاه و نزدیکان او اراده و اختیاری نداشت، شاه گام مهمی در تحکیم قدرت استبدادی‌اش برداشت و معیار قدرت دولت، شخص او شد.

۱- کنسرسیوم به مجموعه‌ای از چند شرکت چند ملیتی گفته می‌شود.

۲- گذشته چراغ راه آینده است، ص ۷۲۲-۷۲۰؛ بیل، شیر و عقاب، ج ۲، ص ۱۷۸-۱۸۲؛ نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله‌ی ایران، ج ۱، ص ۸۳-۹۳.

۳- براساس این قرارداد نفت ایران به نسبت‌های زیر، میان اعضای کنسرسیوم تقسیم شد. شرکت نفت ایران و انگلستان ۴۰ درصد، شرکت‌های آمریکایی ۴۰ درصد و شرکت هلندی-انگلیسی رویال داچ شل ۱۴ درصد و شرکت نفت دولتی فرانسه ۶ درصد. این قرارداد توسط علی‌امینی وزیر دارایی دولت کودتا و هواردیچ رئیس هیئت مدیره‌ی شرکت آمریکایی استاندارد اوایل نیوجرسی منعقد و به قرارداد «امینی-پیچ» مشهور شد. هواردیچ پس از انعقاد قرارداد اعلام کرد، همه‌ی آنچه را که در جریان نهضت ملی شدن صنعت نفت از دست دادیم، یک‌جا به دست آوردیم. ن. ک: ذوقی، مسایل سیاسی، اقتصادی نفت ایران، ص ۲۵-۲۵۳؛ روحانی، تاریخ ملی شدن صنعت نفت، ص ۴۲۵؛ نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله‌ی ایران، ج ۱، ص ۸۹-۹۱؛ گذشته چراغ راه آینده است. ص ۷۲۱-۷۲۴؛ مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۳۰۵؛ گازیو روسکی، روابط خارجی شاه و آمریکا، ص ۲۳-۲۳۲.

۴- ن. ک: مجله‌ی خواندنی‌ها، ش ۷۹، تیرماه ۱۳۴۳

۵- فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، ص ۱۸۳.

در واقع همان گونه که یکی از نمایندگان مجلس آن زمان گفته بود: «هرچه اعلی حضرت بیسندند، همان قانون اساسی است». قبل از این نمایندگان مجلس شورای ملی با اراده‌ی شاه و دربار به مجلس راه می‌یافتند و انتخابات محصول گزینش و اراده‌ی مردم نبود.^۱

پیمان بغداد

از حوادث مهم دوران نخست‌وزیری علاء، پیوستن ایران به پیمان امنیتی بغداد بود. پیمان بغداد به توصیه آمریکا ابتدا بین کشورهای ترکیه و عراق امضا شد و سپس پاکستان و ایران نیز به آن پیوستند.^۲ این پیمان با هدف کامل کردن حلقه‌ی محاصره‌ی شوروی، به بهانه‌ی خطر کمونیسم و بر مبنای نظریه‌ی «آیزنهاور» رئیس‌جمهور آمریکا، تشکیل شد. عضویت ایران در این پیمان، سیاست بی‌طرفی ایران را نقض می‌کرد.^۳ شهید نواب صفوی رهبر فداییان اسلام از مخالفان سرسخت این پیمان بود؛ زیرا معتقد بود که ورود ایران در پیمان بغداد زمینه‌ساز سلطه‌ی نظامی آمریکا بر ایران است.^۴

برگی از تاریخ

شهید نواب صفوی

سیدمجتبی میرلوحی معروف به نواب صفوی در خانواده‌ای روحانی در محله‌ی خانی آباد تهران متولد شد. وی پس از اتمام دوره‌ی متوسطه برای تحصیل علوم دینی به نجف رفت. او با تأسیس جمعیت فداییان اسلام موفق شد جوانان متدینی که عزم مبارزه با رژیم پهلوی را داشتند، گرد هم جمع کند. فعالیت فداییان اسلام در ابتدا یک حرکت فرهنگی بود و با ورود به عرصه‌ی سیاست تبدیل به یک کانون تأثیرگذار در صحنه‌ی سیاسی کشور شد.

۱- مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۳۲۲.

۲- با خروج عراق از پیمان بغداد در سال ۱۳۳۸، نام این پیمان به سنتو تغییر یافت و مرکز آن به آنکارا منتقل شد.

۳- الحسینی، مبانی تفکر رؤسای جمهور آمریکا، ص ۴۹-۵۵؛ بیل، شیر و عقاب، ج ۱، ص ۱۵۹، و ۱۶۱-۱۶۴؛ آشوری، دانشنامه سیاسی، ص ۲۰۲.

۴- هنگامی که حسین علاء برای شرکت در اجلاس نخست وزیران عضو پیمان بغداد عازم عراق بود، از سوی یکی از فداییان اسلام مورد حمله قرار گرفت که منجر به زخمی شدن او شد. متعاقب این اقدام فرمانداری نظامی فداییان اسلام را دستگیر کرد. خسروشاهی، فداییان اسلام، ص ۱۷۲؛ خوش نیت، سیدمجتبی نواب صفوی، ص ۱۵۴-۱۷۱؛ نواب صفوی، حکومت اسلامی، ص ۲۴ و ۲۵.



فداییان اسلام در نهضت ملی شدن نفت و روی کار آمدن دولت دکتر مصدق نقش مهمی ایفا کردند. شهید نواب صفوی طرح حکومت اسلامی و اجرای آن را در قالب کتاب راهنمای حقایق پیشنهاد کرده بود.

سرانجام نواب صفوی به همراه یارانش، خلیل طهماسبی، سید محمد واحدی و مظفر ذوالقدر در ۲۷ دی ماه ۱۳۳۴ تیرباران شدند و به شهادت رسیدند.^۱

شهید نواب صفوی

پس از عضویت ایران در پیمان بغداد و امضای قرارداد نظامی دوجانبه با آمریکا، حضور نظامیان و مستشاران آمریکایی در ایران گسترش یافت.

تأسیس ساواک

پس از کودتای ۲۸ مرداد، آمریکایی‌ها تصمیم گرفتند ایران را به پایگاه اصلی قدرت خود در منطقه تبدیل کنند؛ بنابراین، شاه که راه بقای خود را در تبعیت از آمریکا می‌دانست، به کمک مستشاران آن کشور به تشکیل سازمان مخوف ساواک (سازمان اطلاعات و امنیت کشور) اقدام کرد.

اهمیت تأسیس ساواک از دیدگاه آمریکا به دو جهت بود:

۱- همسایگی ایران با شوروی، به عنوان رقیب اصلی آمریکا

۲- حفظ و تثبیت نفوذ آمریکا در ایران

اولین رئیس ساواک، سپهبد تیمور بختیار، یکی از بی‌رحم‌ترین افسران ارتش و فرماندار نظامی تهران بود. این سازمان که گسترده‌ترین نهاد اطلاعاتی و امنیتی از سال ۱۳۳۶ تا ۱۳۵۷ در حکومت محمدرضا شاه بود، نقش مهمی در شناسایی و سرکوب گروه‌های مخالف داشت. ساواک

۱- دوانی، نهضت روحانیون ایران، ج ۲، ص ۴۴؛ ذبیح، ایران در دوران مصدق، ص ۵۴؛ عراقی، ناگفته‌ها، ص ۸۴.

علاوه بر شکنجه‌ی جسمی و روحی مخالفان رژیم و ایجاد جوّ اختناق، رعب و وحشت، دولت‌مردان و نمایندگان مجلسین را نیز کنترل می‌کرد.^۱

ساواک، با هدایت و حمایت سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا و انگلیس و سپس با کمک سازمان اطلاعاتی اسرائیل (موساد)، به صورت یک تشکیلات مخوف امنیتی و اطلاعاتی درآمد؛^۲ اما به جای آن که دست‌آوردهای اطلاعاتی خود را در جهت منافع کشور به کار گیرد، در خدمت تأمین منافع آمریکا و انگلیس و سپس اسرائیل و به عنوان مانعی در برابر توسعه‌ی شوروی و کمونیسم، قرار گرفت.^۳

دولت منوچهر اقبال

در فروردین ۱۳۳۶، حسین علاء از نخست‌وزیری استعفا کرد و دکتر منوچهر اقبال، وزیر دربار، به نخست‌وزیری رسید.

محمدرضا پهلوی که حکومتش با مشکل فقدان مشروعیت و نبود آزادی سیاسی روبه‌رو بود، برای جلب افکار عمومی، دست به تأسیس دو حزب «ملیون» (اکثریت) به رهبری نخست‌وزیر، دکتر اقبال، و «حزب مردم» (اقلیت) به رهبری اسدالله علم زد.

از آن به بعد، سال‌های طولانی، مطبوعات کشور صحنه‌ی جنجال‌های سطحی و ساختگی میان دو حزب دولتی بودند، تا توهم وجود دمکراسی‌های غربی در ایران را در ذهن‌ها ایجاد کنند.^۴

۱- نجاری راد، ساواک و نقش آن در تحولات داخلی رژیم شاه، ص ۶۵، ۴۳، ۳۲، ۱۵؛ فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، ص ۳۹۳؛ هالیدی، دیکتاتوری و توسعه‌ی سرمایه‌داری، ص ۸۵-۹۰؛ ساواک و روحانیت، ص ۹۴؛ نراقی، از کاخ شاه تا زندان اوین، ص ۲۴۹، ۳۹، ۳۱۶-۳۲۰؛ فرازهایی از تاریخ انقلاب به روایت اسناد ساواک و آمریکا، ص ۳۳، ۲۲۶ و ۲۲۷؛ فصلنامه تاریخی ۱۵ خرداد، ش ۲۲، سال پنجم، ص ۱۲۹-۱۳۲.

۲- دلانوا، ساواک، ص ۲۲۶، ۲۲۸-۲۲۸؛ گازیوروسکی، روابط خارجی آمریکا و شاه، ص ۲۵۷؛ فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ص ۳ و ۳۸۲؛ رجال عصر پهلوی، سپهبد تیمور بختیار به روایت اسناد، ج ۱، ص ۲۸-۳۲.

۳- نجاری راد، ساواک، ص ۳۹-۵۱؛ افراسیابی، ایران و تاریخ، ص ۵۲-۵۴.

۴- رجال عصر پهلوی، منوچهر اقبال به روایت ساواک، ص ۲۷؛ کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران، ص ۲۴۱؛ فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، ص ۳۲۹-۳۳۲؛ آوری، تاریخ معاصر ایران، ج ۳، ص ۱۴۱.

پرسش‌های نمونه

- ۱- پس از کودتای ۲۸ مرداد، چه وضعیتی بر مملکت حاکم شد؟
- ۲- علت مخالفت شهید نواب صفوی با پیمان بغداد چه بود؟
- ۳- تأسیس ساواک از چه جنبه‌هایی برای آمریکا اهمیت داشت؟
- ۴- بیگانگان چه نقشی در تأسیس و اداره کردن ساواک داشتند؟

اندیشه و جست و جو

- ۱- در مورد واقعه‌ی ۱۶ آذر ۱۳۳۲ و یا واقعه‌ی اول بهمن ۱۳۴۰ دانشگاه تهران مطلبی تهیه کنید.
- ۲- در زمینه‌ی دستگیری و محاکمه‌ی اعضای یکی از احزاب سیاسی در دوره‌ی حاکمیت فرمانداری نظامی تهران مطلبی تهیه کنید.

زمینه‌ها و هدف‌های اصلاحات آمریکایی در ایران

در این درس، با هدف‌های اصلاحات اجتماعی و اقتصادی موردنظر آمریکا در ایران و نیز اقداماتی که دولت‌های شریف امامی و امینی برای زمینه‌سازی و اجرای این سیاست انجام دادند آشنا می‌شوید.

تحول‌های بین‌المللی منطقه‌ای

سیاست خارجی آمریکا در دوره‌ی ریاست جمهوری جان. اف. کندی^۱ در برابر کشورهای توسعه‌نیافته‌ی جهان سوم و خاورمیانه، اجرای اصلاحات از بالا به پایین با هدف پیشگیری از انقلاب‌های قهرآمیز بود.^۲ این سیاست با عنوان «اتحاد برای پیشرفت»^۳ در کشورهایی که در معرض خطر کمونیسم بودند، اجرا می‌شد؛^۴ بی‌آن‌که نظام دیکتاتوری و استبدادی حاکم بر آن کشورها تغییر یابد و در صورت مقاومت مردم توسط به زور برای اجرای آن پیش‌بینی شده بود.^۵ اجرای این سیاست درباره‌ی ایران از اهمیت خاصی برخوردار بود؛ زیرا رژیم دست‌نشانده‌ی شاه وابسته و متحد آمریکا بود و به دلیل همسایگی با اتحاد جماهیر شوروی و موقعیت ممتاز جغرافیای سیاسی، در وضعیتی حساس و تعیین‌کننده قرار داشت.^۶

۱- جان. اف. کندی (John. F. Kenedy) در ۲۰ ژانویه ۱۹۶۱ م/ ۱۳۳۹ ش. به عنوان سی و پنجمین رئیس‌جمهور آمریکا در

کاخ سفید بر مسند قدرت نشست.

۲- نظیر انقلاب‌هایی که در آمریکای لاتین، کوبا و ویتنام روی داده بود.

۳- Alliance for Progress

۴- برای نخستین بار این سیاست در کشور ونزوئلا در دوران ریاست جمهوری «رومولا بتانکورت» آزمایش شد. چون اجرای آن

با مخالفت و نظاهرات گسترده مردم روبه‌رو شد، منجر به سرکوب و قتل جمع کثیری از مردم شهر کاراکاس شد. ن. ک: نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله‌ی ایران، بیل، شیر و عقاب.

۵- آلن‌نان، تاریخ مستند روابط دوجانبه ایران و ایالات متحده آمریکا، ص ۴۷۹؛ نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله‌ی ایران،

ج ۱، ص ۱۱۳.

۶- بیل، شیر و عقاب، ج ۱، ص ۱۸۴.

کارشناسان مسائل ایران در وزارت امور خارجه‌ی آمریکا، گزارش‌هایی^۱ از وضعیت فساد حکومت شاه و سرکوب مخالفان سیاسی رژیم پهلوی تهیه کردند که نشان می‌داد وجود یک سلسله اصلاحات اقتصادی - اجتماعی در ایران ضروری است.^۲

علاوه بر این، صنایع و اقتصاد آمریکا و کشورهای غربی نیازمند بازارهای مصرف جدیدی بود و کشورهای خاورمیانه به علت ساختار اقتصادی مبتنی بر رژیم ارباب و رعیتی، امکان مصرف تولیدات جدید را نداشتند.^۳

به باور زمامداران آمریکا، اصلاحات اقتصادی و اجتماعی می‌توانست ضمن جلوگیری از «انقلاب سرخ» و کاهش خطر کمونیسم، زمینه‌ی ایجاد «انقلاب سفید» را فراهم آورد و از گسترش فعالیت‌های مردمی علیه حکومت‌های دیکتاتور و دست‌نشانده‌ی آمریکا جلوگیری کند.^۴

فکر کنید و پاسخ دهید:

منظور از انقلاب سفید، ماهیت و اهداف آن چیست؟



شریف امامی

نخست‌وزیری شریف‌امامی

در شهریور ۱۳۳۹، شاه با منصوب کردن شریف‌امامی به نخست‌وزیری و طرح شعارهایی مانند آزادی احزاب و فضای باز سیاسی و اصلاحات اقتصادی به استقبال از سیاست‌های جدید دولت آمریکا رفت. انتخاب شریف‌امامی در واقع حاصل توافق شاه و انگلستان با استفاده از فرصت انتخابات ریاست جمهوری آمریکا بود.^۵

با وجود این، کندی رئیس‌جمهوری آمریکا به شاه و

۱- این گزارش‌ها در اواخر سال ۱۳۳۹ توسط جان. دبلیو بولینگ John. W. Bouling و اوایل سال ۱۳۴۰ توسط کوتیلریانک تهیه شد.

۲- نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله‌ی ایران، ج ۱، ص ۱۳۶-۱۳۸.

۳- با گذشت سالیانی که از جنگ جهانی دوم سپری شده بود؛ صنایع و اقتصاد اروپا دوباره فعال گردیده و نیاز به بازارهای مصرف احساس می‌شد. ن. ک: الهی، دیکتاتوری کارتل‌ها، ص ۵.

۴- گازیوروسکی، سیاست خارجی آمریکا و شاه، ص ۱۷۲؛ نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله‌ی ایران، ج ۱، ص ۱۳۳.

۵- فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، ص ۳۰۰ و ۳۰۱.

شریف امامی اعتماد نداشت و آن‌ها را برای اجرای برنامه‌هایش در ایران مناسب ندید. آمریکا، در این زمان، برای هموار کردن سیاست‌های خود در ایران، با برخی از رجال ایران ارتباط برقرار کرد و خواستار برکناری شریف امامی و روی کار آمدن علی امینی شد.^۱ علی امینی در دوران تصدی سفارت ایران در آمریکا بیش از پیش به مقامات آمریکایی نزدیک شده بود و با کندی ارتباط صمیمانه‌ای داشت.^۲

اصلاحات دوره‌ی نخست‌وزیری علی امینی

با روی کار آمدن علی امینی، سیاست‌های پیش‌بینی شده‌ی آمریکا، در ایران به اجرا گذاشته شد. قدم اول این سیاست مبارزه با فساد اداری بود که برای جلوگیری از سقوط رژیم پهلوی و افتادن حکومت ایران به دست کمونیست‌ها، صورت می‌گرفت. اقدام دوم، «اصلاحات اقتصادی» بود که برای تغییر زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی کشور به اجرا درآمد.

علی امینی در اولین قدم، دست به اقدامی جنجالی زد. او از شاه درخواست انحلال مجلس‌های شورای ملی و سنارا کرد، تا موانع سر راه انجام نقشه‌های خود را از میان بردارد. به دنبال آن، جمعی زیاد از سران حکومت از نظامیان عالی رتبه گرفته تا مقام‌های اقتصادی را دستگیر کرد تا گناه مفاسد اقتصادی و سیاسی رژیم پهلوی را به گردن آنان بیندازد. علی امینی با این اقدام می‌خواست از تعمیق اعتراضات اجتماعی و مردمی علیه آمریکا جلوگیری کند.^۳ البته او به دنبال جاه‌طلبی‌های شخصی خود نیز بود و می‌خواست مستقل از شاه، با آمریکا ارتباط برقرار کند. شاه از این موضوع احساس نگرانی می‌کرد.^۴

اقدام دوم امینی، اجرای قانون اصلاحات ارضی بود. قانون «اصلاحات ارضی» که در بهمن ۱۳۴۰ در هیئت دولت به تصویب رسیده بود، از منطقه‌ی آذربایجان شروع شد. با سرعت گرفتن روند اصلاحات ارضی توسط علی امینی، شاه از ناحیه‌ی او احساس خطر کرد.

بیش‌تر بدانید

کندی، رئیس‌جمهور آمریکا، از مشاوران خود خواسته بود که برای دادن کمک به ایران شرایط خاصی تعیین کنند. آن هم در شرایطی که ایران به شدت به این وام نیاز داشت. شرط واگذاری وام

۱- منصوری، قیام ۱۵ خرداد، ص ۳۳؛ رجال عصر پهلوی، علی امینی به روایت اسناد ساواک، ص ۲۳.

۲- همان، ص ۷-۱۴ و ۲۰. هم چنین ن. ک: امینی، خاطرات، ص ۷۴؛ آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ص ۵۱۹.

۳- آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ص ۳۸۵ - ۳۸۶؛ رجال عصر پهلوی، علی امینی به روایت اسناد ساواک، ص ۲۴.

۴- هویدا، سقوط شاه، ص ۱۴۰.

۳۵ میلیون دلاری آمریکا پذیرش نخست‌وزیری علی‌امینی از سوی شاه بود.^۱ آمریکا در دوران چهارده‌ماهه‌ی حکومت امینی، کمک‌های مالی که بالغ بر ۶۷ میلیون دلار بود، به ایران پرداخت کرد و این حمایت‌ها را منوط به حسن اجرای اصلاحات مورد علاقه‌اش کرد. امینی به دلیل ارتباط نزدیک با مقامات آمریکایی همواره مورد حسادت شاه قرار داشت. شاه بعدها با اعتراف به این موضوع گفت: «بدتر از همه این که موقع دیدارم از آمریکا هرجا می‌رسیدم، اول از همه حال و احوال نخست‌وزیر را از من می‌پرسیدند و رفتارشان به‌صورتی بود که گویی اصلاً من را به حساب نمی‌آوردند^۲». با این همه وقتی که امینی درگیری‌اش بر سر لزوم کاهش بودجه‌ی نظامی آغاز شد، نتوانست حمایت آمریکا را جلب کند. این نخستین بار نبود که ایالت متحده‌ی آمریکا، در برابر نخست‌وزیر، جانب شاه را گرفته بود.^۳

محمدرضاشاه در فروردین ۱۳۴۱ به همراه اسدالله علم به آمریکا رفت و با کمک انگلستان توانست آمریکا را به برکناری امینی راضی کند و خود مجری اصلاحات مورد نظر آمریکا در ایران شود.^۴

پرسش‌های نمونه

- ۱- هدف آمریکا از انجام اصلاحات در کشورهای توسعه نیافته چه بود؟ این اصلاحات با چه عنوانی و در چه کشورهایی اجرا شد؟
- ۲- چرا دولت آمریکا انجام اصلاحات اقتصادی - اجتماعی در ایران را ضروری می‌دانست؟
- ۳- آمریکا چه نقشی در برکناری شریف امامی و انتصاب علی‌امینی به نخست‌وزیری داشت؟
- ۴- علی‌امینی در دوره‌ی نخست‌وزیری خود چه اقداماتی انجام داد؟

اندیشه و جست‌وجو

- درباره‌ی کمک‌های آمریکا به ایران در دوره‌ی نخست‌وزیری علی‌امینی گزارشی تهیه کنید.

- ۱- رجال عصر بهلوی، علی‌امینی به روایت اسناد ساواک، ص ۲۸ و ۲۹؛ فردوست، ظهور و سقوط سلطنت بهلوی، ج ۲، ص ۳۰۸.
- ۲- هویدا، سقوط شاه، ص ۱۴۰.
- ۳- آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ص ۳۸۶ و ۳۸۷.
- ۴- کاتم، ناسیونالیسم در ایران، ص ۴۳۲؛ امینی، خاطرات، ص ۲۰۵؛ بیل، شیر و عقاب، ج ۲، ص ۱۸۶ و ۱۹۶.

زمینه‌های پیدایش نهضت روحانیت

در این درس با چگونگی روی کار آمدن دولت اسدالله علم و اجرای اصلاحات مورد نظر آمریکا در ایران از قبیل تصویب نامه‌ی انجمن‌های ایالتی و ولایتی و انقلاب سفید آشنا می‌شوید و مخالفت و مقاومت روحانیت و مردم در برابر این اصلاحات را می‌خوانید.

دولت اسدالله علم

با رحلت آیت‌الله بروجردی مرجع بزرگ تقلید شیعیان جهان در فروردین ماه ۱۳۴۰، شاه تصور کرد که زمینه برای جانشینی مرجع یا مراجع تقلید به جای آیت‌الله بروجردی وجود ندارد. از این رو فرصت را برای اجرای اصلاحات مورد نظر آمریکا مناسب دید.^۱

بیش‌تر بدانید

برای تقویت مرجعیت و تمرکز آن، عده‌ای از مدرسان حوزه‌ی علمیه‌ی قم تصمیم به دعوت از آیت‌الله بروجردی برای مهاجرت به قم گرفتند. از میان این عده، سرشناس‌ترین آن‌ها آیت‌الله خمینی بود. به عقیده‌ی ایشان بازسازی حوزه‌ی علمیه‌ی قم تحت زعامت مرجعیت مقتدر تنها عامل نجات تشیع ایران بود. آیت‌الله بروجردی که از شاگردان مراجع بزرگی چون آخوند خراسانی، سید محمد کاظم یزدی و جهانگیرخان قشقایی بود، علاوه بر تحول در حوزه‌ی علمیه‌ی قم نقش بسیار مهمی در حفظ جامعه‌ی مسلمانان ایران از آفت‌ها و بحران‌های سیاسی و اجتماعی آن مقطع حساس ایفا کرد. بسیاری از افرادی که در شکل‌گیری انقلاب اسلامی نقش داشتند، از شاگردان ایشان بودند.^۲

۱- شاه تلاش کرد تا پایگاه مرجعیت از قم به نجف انتقال یابد. از این رو ضایعه‌ی درگذشت آیت‌الله بروجردی را به علمای نجف تسلیت گفت. ن. ک: منصور، تاریخ قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد، ج ۱، ص ۲۴۰؛ دوانی، نهضت روحانیون ایران، ج ۳، ص ۳۱.
۲- دوانی، مفاز اسلام، ج ۱۲، ص ۶۰۸؛ حقانی، تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی، تاریخ حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ص ۲۱۹؛ ریحان یزدی، آینه دانشوران، ص ۴۵۸.

در تیرماه ۱۳۴۱، شاه، علی امینی را به بهانه‌ی اختلاف بر سر بودجه‌ی نظامی^۱ بر کنار و اسدالله علم را که یکی از نزدیکان او بود، به نخست‌وزیری منصوب کرد.^۲ او هم چنین تصمیم گرفت که قانون انتخابات ایالتی و ولایتی را در غیاب مجلس شورای ملی تغییر دهد.^۳



تصویب‌نامه‌ی انجمن‌های ایالتی و ولایتی

قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی در اولین دوره‌ی مجلس شورای ملی به منظور تشکیل شوراهای استان و شهرستان به تصویب رسیده بود و تا زمان نخست‌وزیری اسدالله علم این قانون بدون تغییر مانده بود. قانون مذکور در مهر ۱۳۴۱ توسط هیئت دولت تغییر کرد که براساس آن، شرط مسلمان بودن و سوگند به قرآن مجید از شرایط انتخاب‌شوندگان حذف شد.^۴

بیش‌تر بدانید

شاه در پوشش تصویب این لوایح اهداف متفاوتی را دنبال می‌کرد. او می‌خواست علاوه بر سنجش میزان حساسیت علما و توان مذهبی مردم، روحانیت و جریان مذهبی را که همواره سدی در برابر نفوذ سلطه‌ی بیگانگان در ایران به شمار می‌آمدند، در یک زورآزمایی کنار بزند تا مجبور به محافظه‌کاری در برابر آن‌ها نباشد. به همین منظور مطبوعات رسمی کشور با تیترهای درشت به انعکاس تصویب این لوایح و اخبار مربوط به آن پرداختند.^۵

۱- عاقلی، نخست‌وزیران ایران، ص ۹۱۸ - ۹۲۰؛ رجال عصر پهلوی، علی امینی به روایت اسناد ساواک، ص ۴ و ۴۱.

۲- شاهدی، زندگانی سیاسی خاندان علم، ص ۱۴۹ و ۱۵۰؛ یادداشت‌های علم، ج ۱، ص ۳۴.

۳- نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله‌ی ایران، ج ۱، ص ۱۹۹؛ شاهدی، مردی برای تمام فصول، ص ۳۶۹ و ۳۷۰.

۴- روحانی، نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۱۴۹ - ۱۵۱؛ کوثر، ج ۱، ص ۶.

۵- منصور، سیرت‌کونی انقلاب اسلامی، ص ۱۴۹؛ مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۱۷۵؛ کدی، ریشه‌های انقلاب ایران،

این تصویب نامه اعتراض علما و مردم مسلمان ایران را برانگیخت. امام خمینی علمای طراز اول قم را به نشست‌ها و گفت‌وگوهای متعدد برای لغو این تصویب نامه فراخواند. وی با تشریح نقشه‌های استعمار و توطئه‌های آن‌ها مسئولیت علما را در قبال صیانت از اسلام و استقلال کشور یادآور شد و مقرر شد با ارسال تلگرام‌هایی به شاه، لغو فوری تصویب نامه‌ی مذکور درخواست شود.

مبارزه‌ی بی‌گیر امام خمینی، مراجع تقلید و دیگر علما سرانجام شاه و دولت را وادار به عقب‌نشینی و اعلام لغو تصویب نامه کرد. شاه در اجرای سیاست اسلام‌زدایی با شکست مواجه شد. این حرکت هماهنگ علما که به نهضت دو ماهه‌ی روحانیون شهرت یافت، اولین پیروزی سیاسی ملت ایران به رهبری امام خمینی بعد از کودتای ۲۸ مرداد بود.^۱

برخی از علمای قم این اقدام را کافی دانستند، اما امام خمینی با هوشیاری به تشریح اهداف پشت پرده‌ی رژیم پهلوی پرداخت و ماهیت دخالت آمریکا و صهیونیسم را در امور مملکت افشا کرد. ابعاد و عمق مبارزات امام خمینی فراتر از لغو تصویب نامه بود. ایشان در اعلامیه‌ها و سخنرانی بعدی خود اعلام خطر کرد که اسلام و استقلال مملکت و اقتصاد ایران در معرض توطئه‌ی صهیونیست‌هاست و تا رفع این خطرها نباید از پا نشست.^۲ امام خمینی با دوراندیشی قصد داشت با استفاده از فرصت به وجود آمده مبارزه‌ی دامنه‌داری را برای سرنگونی رژیم وابسته‌ی شاه و قطع سلطه‌ی آمریکا و اسرائیل و تشکیل حکومت مستقل و مردمی پایه‌ریزی کند.

انقلاب سفید

تصویب نامه‌ی انجمن‌های ایالتی و ولایتی مقدمه‌ی اجرای حرکتی در جهت خواست آمریکایی‌ها برای جلوگیری از نفوذ شوروی در ایران بود که بعدها از سوی شاه و دربار انقلاب سفید نام گرفت. بعد از لغو تصویب نامه‌ی انجمن‌های ایالتی و ولایتی، شاه در اثر فشار آمریکا، خود به میدان آمد و اعلام کرد قصد دارد اصول شش‌گانه‌ی به اصطلاح انقلاب سفید را به نظرخواهی بگذارد.

در این هنگام امام خمینی با آگاهی از اهداف شاه و نتایج زیان‌بار سیاست‌های مداخله‌جویانه‌ی آمریکا در ایران، مراجع و علمای قم را به شرکت در یک جلسه‌ی اضطراری فراخواند. در این نشست پس از تبادل نظر تصمیم گرفته شد، برای اطلاع بیش‌تر درباره‌ی همه‌پرسی و اهداف آن از شاه توضیح

۱- کوثر، ج ۱، ص ۶-۱۰؛ دوانی، نهضت روحانیون ایران، ج ۳، ص ۸۷/۱۲۳-۱۴۷، ۱۱۲-۱۱۵؛ روحانی، بررسی و تحلیلی

از نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۱۷۷-۱۹۱.

۲- روحانی، بررسی نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۲۰۵.

بخواهند. آیت‌الله روح‌الله کمالوند به نمایندگی از سوی مراجع و علما به دیدار شاه رفت.^۱ در این دیدار، شاه به جای پاسخ به سؤالات مراجع و علما، زبان به تهدید گشود.^۲

بیش‌تر بدانید

محمدرضا شاه در دیدار با آیت‌الله کمالوند اعلام کرد: «اگر آسمان به زمین بیاید و زمین به آسمان برود، من باید این برنامه را اجرا کنم، زیرا اگر نکنم، از بین می‌روم». او ضمن شکایت از علمای ایران خواست تا به جای مخالفت، مانند روحانیون دیگر کشورها دعاگوی شاه کشورشان باشند. آیت‌الله کمالوند در پاسخ گفت: «علمای شیعه، در تاریخ هزار ساله‌ی خود، هیچ‌گاه مأمور حکومت‌ها نبوده‌اند و نخواهند بود».^۳

به دنبال پاسخ شاه، امام خمینی و علما دریافتند که شاه با حمایت آمریکا، به هر نحو ممکن مصمم به پیشبرد و اجرای این برنامه است. امام خمینی طی سخنانی فرمودند: «اکنون طرف حساب علما شخص شاه است نه دولت؛ زیرا او در مرز مرگ و زندگی قرار گرفته و چنان‌که خود اظهار داشته عقب‌نشینی او به قیمت سقوط و نابودی‌اش تمام خواهد شد. باید توده‌ی ملت را از اهداف استعماری این لوایح آگاه کنیم».^۴

تحریم رفتارندوم و قیام مردم

با انتشار اعلامیه‌ی امام خمینی و اعلامیه‌های دیگر از سوی سایر علما و مراجع نظیر آیت‌الله گلپایگانی، آیت‌الله مرعشی نجفی و آیت‌الله خوانساری نسبت به غیرقانونی بودن رفتارندوم (همه‌پرسی)، مردم تهران و قم و دیگر شهرستان‌ها به خیابان‌ها ریختند. دانشجویان دانشگاه تهران نیز با صدور اعلامیه‌ای اقدامات ضداسلامی و غیرقانونی رژیم را محکوم کردند.^۵

بازار تهران تعطیل شد و مردم در قسمت‌های جنوبی شهر تظاهرات اعتراض‌آمیز به پا کردند. رژیم برای کنترل اوضاع، تهران را به اشغال نظامی درآورد و به سرکوب مردم و هجوم به دانشگاه تهران پرداخت و تعدادی از روحانیون را دستگیر و روانه‌ی زندان کرد.^۶

در کنار مخالفت علما و روحانیون، نهضت آزادی نیز با لایحه‌ی انجمن‌های ایالتی و ولایتی

۱- آیت‌الله روح‌الله کمالوند از مدرسان توانای فقه، اصول و فلسفه‌ی حوزه علمیه قم بود.

۲- دوانی، نهضت روحانیون ایران، ج ۳، ص ۲۰۱؛ روحانی، بررسی نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۲۲۳؛ کوثر، ج ۱، ص ۳۴.

۳- ن. ک: رجبی، زندگی‌نامه‌ی سیاسی امام خمینی، ص ۲۶۳.

۴- کوثر، ج ۱، ص ۳۷ و ۳۸.

۵- کریمیان، جنبش دانشجویی در ایران، ص ۱۷۲-۱۷۴؛ بیل، شیر و عقاب، ج ۱، ص ۲۳۲.

۶- روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۲۳۷؛ کوثر، ج ۱، ص ۳۵ و ۳۶.

و برگزاری رفراندوم مخالفت کرد. این تشکل سیاسی مذهبی پس از دیدار با مراجع قم و با صدور اعلامیه‌ای، به دفاع از نهضت روحانیت برخاست^۱ و مشی سیاسی خود را از جبهه‌ی ملی متمایز کرد و به افشای ماهیت اصلاحات شاه، کندی و انقلاب سفید پرداخت،^۲ اما به زودی رهبران آن از جمله مهندس بازرگان و آیت‌الله طالقانی دستگیر شدند. آن‌ها تا پس از قیام ۱۵ خرداد در زندان باقی ماندند اما جبهه‌ی ملی تنها به شعار «اصلاحات آری، دیکتاتوری نه» کفایت کرد.

در روز چهارم بهمن ماه ۱۳۴۱، شاه به قم رفت تا با سخنرانی در این شهر که کانون اصلی مخالفان بود، ثابت کند علما در مخالفت با اصول شش‌گانه یکپارچه نیستند. علمای قم به رهبری امام خمینی استقبال از شاه و حضور در مراسم را تحریم کردند.^۳ شهر قم یکپارچه تعطیل شد. شاه برخلاف انتظارش با مشاهده‌ی این حوادث طی نطقی که با عصبانیت تمام ایراد شد، به روحانیت و اسلام اهانت کرد.^۴

در چنین شرایطی که انتخابات تحریم شده بود، شاه با اعمال فشار و خشمونت، همه‌پرسی فرمایشی خود را در ۶ بهمن ۱۳۴۱ برپا کرد و در پی آن، رئیس‌جمهور آمریکا و ملکه‌ی انگلیس این رفراندوم را به شاه تبریک گفتند.^۵

چند روز بعد، دولت علم تصویب‌نامه‌ی لغو شده‌ی انجمن‌های ایالتی و ولایتی را به صورت ماده‌ی اصلاحی قانون انتخابات به مورد اجرا گذاشت و این کار مورد اعتراض امام خمینی واقع شد، و آن را از نظر قانون اساسی و شرعی بی‌اعتبار دانست.^۶

۱- روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام‌خمینی، ج ۱، ص ۱۸۴-۱۸۶ و ۲۰۵.

۲- فارسی، زوایای تاریک، ص ۷۶.

۳- حتی تولیت آستانه‌ی حضرت معصومه (ع) نیز از شرکت در این مراسم خودداری کرده بود.

۴- فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، ص ۳۲۳؛ مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۱۷.

۵- روزنامه اطلاعات (۱۳۴۱/۱۱/۱)، ن. ک: پیل، شیر و عقاب، ج ۱، ص ۲۳۲؛ نراقی، از کاخ شاه تا زندان اوین، ص ۲۰. رادیو مسکو و مجله هفتگی «نوویاگرینا» نیز به ستایش از اقدامات شاه پرداخت. جالب توجه این است که در جریان اصلاحات و انقلاب سفید دولت آمریکا و شوروی مواضع یکسانی در برابر نهضت مردم اتخاذ کردند. ن. ک: جواد منصوری، سیر تکوینی انقلاب اسلامی، ص ۱۸۱؛ عرفان‌منش، خاطرات ۱۵ خرداد، ج ۲، ص ۲.

۶- شاهی، مردی برای تمام فصول، ص ۳۲۲.

پرسش‌های نمونه

- ۱- در دوره‌ی نخست وزیری عَلم چه تغییری در شرایط انتخابات انجمن‌های ایالتی و ولایتی ایجاد شد؟
- ۲- علت و نتیجه‌ی مخالفت امام خمینی و علما با تصویب‌نامه‌ی انجمن‌های ایالتی و ولایتی را توضیح دهید.
- ۳- امام خمینی (ره) و دیگر علما در مقابل رفراندوم اصول شش‌گانه (انقلاب سفید)، چه موضعی اتخاذ کردند؟

اندیشه و جست‌وجو

- درباره‌ی برنامه‌های رژیم پهلوی برای اسلام‌زدایی و محدودکردن روحانیون، مطلبی تهیه کنید.

قیام ۱۵ خرداد

در این درس با چگونگی گسترش نهضت امام خمینی و قیام پانزده خرداد، تصویب لایحه‌ی کاپیتولاسیون و تبعید حضرت امام خمینی آشنا خواهید شد.

همان‌طور که در درس پیشین خواندید رژیم پهلوی، برای اجرای سیاست‌های آمریکا، دست به فراندوم انقلاب سفید زد که باعث اعتراض علما و مردم شد، زیرا اجرای سیاست‌های آمریکا، علاوه بر گسترش وابستگی کشور و نابودی بنیادهای اقتصادی، منجر به اسلام‌زدایی نیز می‌شد.

حمله به فیضیه

با نزدیک شدن نوروز ۱۳۴۲، امام خمینی، در اعتراض به سیاست‌های رژیم پهلوی، اعلام عزای عمومی کرد؛ دیگر مراجع و علما نیز، از او پیروی کردند. دوم فروردین ماه، در جریان برگزاری مراسم عزاداری شهادت حضرت امام صادق (ع)، نیروهای ساواک و کماندوهای «شاه»^۱، در لباس غیر نظامی به مدرسه‌ی فیضیه‌ی قم حمله کردند و عده‌ای از روحانیان را به شهادت رساندند و یا زخمی کردند.^۲ آنان درهای حجره‌ها را شکستند و قرآن‌ها و کتاب‌ها را پاره کردند و به بیرون ریختند. حتی به مجروحان بستری شده‌ی این ماجرا در بیمارستان قم نیز حمله بردند و آن‌ها را در بیمارستان، دستگیر کردند.^۳ همزمان با این فاجعه، به مدرسه‌ی طالبیه‌ی تبریز نیز حمله شد و چند تن در این حادثه مجروح و شهید شدند.^۴ هدف رژیم، از یورش به مدرسه‌ی فیضیه ایجاد ارباب و وحشت بود.

۱- لشگر ۱ گارد شاهنشاهی.

۲- روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۳۳۹-۳۴۸.

۳- کوثر، ج ۱، ص ۵۰-۵۲.

۴- کرباسچی، هفت‌هزار روز تاریخ، ج ۱، ص ۱۳۵.

امام خمینی، طی اعلامیه‌ای اظهار داشت: «ناراحت نشوید. مضطرب نگردید. ترس و هراس را از خود دور کنید. دستگاه حاکمه با ارتکاب این جنایت، خود را رسوا و مفتضح ساخت و ماهیت چنگیزی خود را به خوبی نشان داد... ما پیروز شدیم. ما از خدا خواستیم که این دستگاه ماهیت خود را بروز دهد و خود را رسوا کند»^۱.

حادثه‌ی خونین فیضیه پیامدهای مختلفی داشت و برخلاف انتظار رژیم مبارزه را جدی و آشکارتر کرد. روحانیون تهران، قم، مشهد، اصفهان، شیراز و برخی از دیگر شهرستان‌ها به منظور ابراز همدردی و پشتیبانی از حوزه‌ی علمیه قم به مدت یک هفته دست به اعتصاب زدند و از رفتن به مساجد و اقامه‌ی نماز جماعت خودداری کردند.^۲

امام خمینی در اعلامیه‌ی معروف خود، شاه دوستی را با غارت‌گری، جنایت و تجاوز به احکام اسلام مساوی دانست و به نام ملت، نخست‌وزیر را استیضاح کرد^۳ و فرمودند: «من اکنون قلب خود را برای سرنیزه‌های مأمورین شما حاضر کرده‌ام». رهبری نهضت هم‌چنین اظهار حقایق را به هر قیمتی واجب و تقیه را حرام کرد.^۴

قیام پانزده خرداد

در عصر عاشورای سال ۱۳۸۳ ق. مطابق با سیزدهم خرداد ۱۳۴۲، امام خمینی به مدرسه فیضیه قم رفت، تا درباره‌ی مسائل سیاسی روز، به ایراد سخن بپردازد. گزارش مأمور ویژه ساواک که در محل حضور داشته، در این باره، گستردگی اعتراض مردمی و حمایت از امام خمینی را به خوبی نشان می‌دهد وی می‌نویسد: «در تاریخ قم چنین جمعیتی دیده نشده است. خمینی را مثل امام وارد کردند و تمام جمعیت آن‌چنان صلوات فرستاد که تا دو کیلومتر صدای آن‌ها شنیده می‌شد».^۵

یک روز پس از این سخنرانی، در بامداد چهاردهم خرداد، امام خمینی در خانه‌ی خود دستگیر و به تهران منتقل شد. هم‌زمان، چند تن دیگر از علمای شهرستان‌ها نیز دستگیر و زندانی شدند.^۶ با انعکاس

۱- روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۲۵۸؛ کوثر، ج ۱، ص ۳۸.

۲- کوثر، ج ۱، ص ۶۳؛ روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۲۸۷.

۳- استیضاح یعنی توضیح خواستن از دولت یا وزیر در مورد یک واقعه.

۴- روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۳۷۰-۳۷۴؛ کوثر، ج ۱، ص ۶۳.

۵- حسینیان، سه سال ستیز مرجعیت شیعه در ایران، ص ۴۶۶.

۶- هم‌زمان با دستگیری امام خمینی، آیت‌الله قمی در مشهد و آیت‌الله محلاتی را در شیراز دستگیر کردند و در مدت کوتاهی ۵۳ نفر

از علمای تهران و شهرستان‌ها نیز دستگیر شدند. فراتی، تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی، ص ۱۳۱.



خبر دستگیری امام خمینی، در پانزدهم خرداد موجی عظیم از اعتراض مردمی در قم به پاخاست. به دنبال آن، در تهران و شهرستان‌های ورامین^۱، مشهد، قزوین، کاشان، شیراز^۲، تبریز^۳ و اصفهان^۴ و چند شهر دیگر نیز، تظاهرات اعتراض‌آمیز به راه افتاد.

اسدالله علم، نخست‌وزیر، به فرمان شاه، دستور کشتار بی‌رحمانه‌ی مردم را صادر کرد. در تهران و قم دامنه‌ی تظاهرات بسیار گسترده بود. به همین سبب با اعلام حکومت نظامی، تانک‌ها و مسلسل‌های سنگین به خیابان آمدند. در قم هواپیماهای نظامی بر فراز شهر به پرواز درآمدند.^۵ حضور زنان در تظاهرات اعتراض‌آمیز قم چشم‌گیر بود.^۶ مردم خواستار آزادی امام خمینی بودند. آیت‌الله مرعشی نجفی به میان تظاهرکنندگان رفت و اعلام کرد: «نخواهیم گذاشت آسیبی به خمینی عزیزمان برسد».^۷ با حرکت روحانیون به سمت حرم، درگیری و صدای رگبار مسلسل‌ها شدت یافت. مأموران با محاصره‌ی تظاهرکنندگان آن‌ها را مانند برگ پاییزی به زمین ریختند. تنها در یک کوچه تعداد ۳۲ نفر شهید و مجروح شدند.^۸ اجساد شهدا در کامیون‌های نظامی به مقصد نامعلومی حمل شد.^۹

۱- مردم پیشوای ورامین در حمایت از امام خمینی درحالی‌که کفن بر تن کرده بودند و با بای پیاده به سوی تهران در حرکت بودند، قبل از رسیدن به تهران، مورد هجوم نظامیان قرار گرفتند و دسته‌جمعی به خاک و خون کشیده شدند و عده‌ای از آن‌ها به شهادت رسیدند و یک بار دیگر حادثه‌ی ۳۰ تیر ۱۳۳۱ در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ در کشتارهای ورامین تکرار شد.

۲- در حوادث خونین ۱۶ خرداد در شیراز تعداد زیادی شهید و مجروح شدند که بیش‌ترین آن‌ها دانش‌آموزان و نوجوانان بودند.

ن. ک. عرفان‌منش، خاطرات ۱۵ خرداد در شیراز، ج ۲، ص ۲.

۳- ن. ک. : باقری، خاطرات ۱۵ خرداد تبریز، ج ۲، ص ۱۰۳.

۴- اسناد انقلاب اسلامی، ج ۳، ص ۸۴-۸۶.

۵- مدنی، تاریخ سیاسی معاصر، ج ۲، ص ۴۵ و ۴۶؛ طاهری خرم‌آبادی، خاطرات.

۶- روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۴۷۶.

۷- اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۱۱۹.

۸- کوچه نمازی. ن. ک. : مدنی، تاریخ سیاسی معاصر، ج ۱، ص ۴۶.

۹- روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۴۰۸.

در تهران، بازار تعطیل شد. مردم به سوی خیابان‌ها سرازیر شدند.^۱ دانشجویان دانشگاه تهران با شنیدن خبر دستگیری امام خمینی بلافاصله کلاس‌ها را تعطیل کردند و با شعار مرگ بر دیکتاتور، خواستار آزادی امام خمینی شدند که با نیروهای انتظامی مواجه شدند.^۲ در جنوب شهر تهران دسته‌ای از تظاهرکنندگان به سمت ایستگاه رادیو حرکت کردند. با ورود گارد شاهنشاهی، قتل‌عام صدها نفر از مردم آغاز شد.^۳ اسدالله علم، نخست‌وزیر، درباره‌ی کشتار مردم در ۱۵ خرداد اعتراف می‌کند که شاه نه تنها دستور تیراندازی داد؛ بلکه از قتل‌عام مردم پشتیبانی کرد.^۴ شاه بعدها اعلام کرد که از بابت دستور تیراندازی در واقعه‌ی ۱۵ خرداد ابداً متأسف نیست.^۵ نبود برنامه برای تظاهرات و خودجوش بودن حرکت اعتراض‌آمیز مردم (بدون سازماندهی) باعث شد که دولت امکان سرکوب تظاهرکنندگان را بیابد. به گفته‌ی ارتشبد فردوست، یکی از نزدیک‌ترین مشاوران امنیتی شاه، آن روز اگر تظاهرکنندگان، تظاهرات خود را ادامه می‌دادند، قطعاً شاه از کشور می‌گریخت.^۶

برگی از تاریخ

فرازهایی از زندگانی امام خمینی رحمه الله علیه

روح‌الله موسوی خمینی در بیستم جمادی‌الثانی ۱۳۲۰ ق. برابر با چهارشنبه اول مهر ۱۲۸۱ ش. همزمان با سالروز میلاد بانوی بزرگ اسلام حضرت فاطمه (س) در خانواده‌ای از اهل علم و مبارزه در شهر خمین دیده به جهان گشود. او وارث سجایای پدرانش که نسل اندر نسل در کنار هدایت مردم به کسب معارف الهی کوشیده‌اند، بود.

درحالی که کمتر از ۵ ماه از ولادت روح‌الله می‌گذشت، پدرش آیت‌الله سید مصطفی موسوی^۷ که در شهر خمین حامی مردم در برابر ظلم خوانین و حکام منطقه بود، در دفاع از مردم، مظلومانه به شهادت رسید.

۱- باقری، خاطرات ۱۵ خرداد، ج ۴، ص ۹۷، ۲۵ و ۱۲۰؛ عراقی، ناگفته‌ها، ص ۱۸۴.

۲- منصور، قیام ۱۵ خرداد، ص ۱۷۴.

۳- روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۴۸۵ و ۴۸۶؛ فردوست، ظهور و سقوط پهلوی، ج ۱، ص ۵۱-۵۱۳.

۴- لاینگ، مصاحبه با شاه، ص ۲۳۸.

۵- بلانشه، ایران، انقلاب به نام خدا، ص ۵۶؛ فالاحی، مصاحبه با شاه ایران، ص ۱۶.

۶- فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، ص ۵۱۴. متن کامل مذاکرات هیئت دولت طاغوت در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، اسناد فاش‌نشده‌ای از قیام ۱۵ خرداد، ص ۲۲-۳۱.

۷- آیت‌الله سید مصطفی موسوی از معاصران مرحوم آیت‌الله میرزای شیرازی بود. او پس از تحصیل در حوزه‌ی نجف و سامرا به درجه‌ی اجتهاد نایل آمد و به ایران بازگشت. او رهبری و اداره‌ی امور مردم خمین را برعهده گرفت.

به این ترتیب امام خمینی از او ان کودکی با رنج یتیمی آشنا و با مفهوم شهادت روبه‌رو شد. پس از شهادت پدرش دوران کودکی و نوجوانی را تحت سرپرستی مادر مؤمنه‌اش (بانو هاجر) که از خاندان علم و تقوا بود و هم‌چنین عمه‌ی مکرمه‌اش (صاحبه خانم) که بانویی شجاع و حق‌جو بود، گذراند. دوران کودکی و نوجوانی روح‌الله هم‌زمان با بحران‌های سیاسی و اجتماعی بود و از همان زمان او با مسائل سیاسی، دردها و رنج‌های مردم ایران آشنا شد. دیری نپایید که روح‌الله در سن ۱۵ سالگی از نعمت وجود آن دو عزیز نیز محروم گردید. وی در سال ۱۲۹۸ ش. پس از فراگرفتن علوم مقدماتی عازم حوزه‌ی علمیه اراک شد.

امام خمینی با بهره‌گیری از هوشی سرشار و استعدادی فوق‌العاده، رشته‌های مختلف علوم اسلامی را به سرعت طی کرد و علاوه بر فقه و اصول، فلسفه و عرفان را نیز در عالی‌ترین سطح نزد استادان برجسته‌ی آن زمان آموخت و در پی هجرت آیت‌الله‌العظمی شیخ عبدالکریم حایری یزدی در سال ۱۳۰۱ ش. به قم و تشکیل مرکزیت حوزه‌های علمیه، امام خمینی هم‌اندکی بعد مشتاقانه به قم مهاجرت کرد.

امام خمینی از سن ۲۷ سالگی به تألیف کتاب پرداخت. حاصل این تلاش، نگارش ده‌ها جلد کتاب در موضوعات مختلف فقه، اصول، تفسیر، عرفان، اخلاق، احکام و فلسفه است.

امام خمینی در کتاب کشف‌الاسرار که در سال ۱۳۲۲ ش. منتشر شد، به انتقاد از سیاست‌های استعماری و ضد اسلامی دوران ۲۰ ساله‌ی رضاشاه پرداخت و هم‌چنین برای اولین بار در این کتاب به طرح مسئله‌ی «ولایت فقیه» و تشکیل حکومت اسلامی تأکید کرد.

نخستین بیانیه‌ی سیاسی امام خمینی یک سال بعد (۱۳۲۳ ش) صادر شد. وی در این بیانیه به‌طور آشکاری علمای اسلام و جامعه‌ی مسلمان را به قیام عمومی فرا خواند و زنگ خطر و بیدارباش را در برابر سیاست‌های استعماری قدرت‌ها به صدا درآورد.

پس از ارتحال آیت‌الله‌العظمی بروجردی مرجعیت امام خمینی فراگیر شد و مورد استقبال مردم ایران قرار گرفت. بسیاری از علما ایشان را به‌عنوان مرجع اعلم معرفی کردند. این درحالی بود که وی به شدت از مطرح‌شدن خویش به‌عنوان مرجع تقلید پرهیز داشت. امام خمینی در طول حیات پربرکت خود شاگردان زیادی تربیت کرد که می‌توان به متفکرانی چون شهید استاد مطهری، شهید آیت‌الله بهشتی و آیت‌الله خامنه‌ای اشاره کرد.^۱

پس از سرکوب و کشتار مردم در قیام ۱۵ خرداد، موج دستگیری‌ها و تبعیدها در سراسر کشور آغاز شد و یاران امام خمینی یکی پس از دیگری روانه‌ی زندان و تبعیدگاه شدند و جوانمردانی چون طیب حاج‌رضایی و حاج‌اسماعیل رضایی که پیش‌تاز تظاهرات مردم جنوب تهران، در ۱۵ خرداد بودند، پس از دستگیری و شکنجه‌های شدید تیرباران شدند^۲. با خاموش کردن شعله‌های قیام ۱۵ خرداد و درهم‌شکستن قیام عشایر فارس و اعدام سران آن‌ها که به پشتیبانی از نهضت امام خمینی و روحانیت

۱- جهت اطلاع بیشتر، ن. ک: انصاری، حدیث بیداری، ص ۱۳-۲۵؛ روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۲۰-۲۷؛ رجبی، زندگی‌نامه‌ی سیاسی امام خمینی، ص ۱-۱۰.

۲- دوانی، نهضت روحانیون ایران، ج ۳، ص ۵۲۷؛ نجاتی، تاریخ سیاسی بیست‌وپنج‌ساله‌ی ایران، ج ۱، ص ۲۹۷؛ کوثر، ج ۱، ص ۹۷.

برخواستند،^۱ احساس موفقیت در انجام اصلاحات مورد نظر آمریکا در محمدرضاشاه آشکارتر شد.

بیش‌تر بدانید

مهاجرت علما به تهران و تلاش برای آزادی امام خمینی

پس از دستگیری امام خمینی و عده‌ای از علمای تهران و شهرستان‌ها، روحانیون شهرهای مختلف ایران و نجف، کربلا و کاظمین ضمن تعطیلی حوزه‌های علمیه، با صدور اعلامیه و تلگرام‌های متعدد ضمن محکوم کردن قتل‌عام و کشتار مردم عزادار و معترض در روزهای پانزدهم و شانزدهم خردادماه خواستار آزادی بی‌قید و شرط امام خمینی و سایر روحانیون شدند.^۲

این اقدام که به‌طور سریع و گسترده انجام شد، بی‌نتیجه ماند. تهدیدهای اسدالله علم نخست‌وزیر که اعلام کرده بود، روحانیون دستگیر شده از جمله امام خمینی را محاکمه‌ی صحرایی خواهد کرد،^۳ بر نگرانی آن‌ها افزود؛ چون براساس شواهد، احتمال می‌رفت که رژیم پهلوی اقدام به اعدام رهبر نهضت کند.^۴ از این‌رو در تاریخ ۱۷ خرداد ۱۳۴۲ گروه زیادی از علمای برجسته‌ی سراسر کشور در اقدامی هماهنگ – هم‌چون مهاجرت صغری و کبری در نهضت مشروطه – به سوی تهران مهاجرت کردند تا حمایت و وفاداری خود را نسبت به امام خمینی اعلام کنند. رژیم اقدام به ممانعت از مهاجرت علما کرد و حتی هوایم‌ای آیت‌الله میلانی را که از مشهد عازم تهران بود، در نیمه راه بازگرداند.^۵ سرانجام تحصن و اعتصاب ۱۴ روزه‌ی علما و تلاش آن‌ها موجب شد تا رژیم از محاکمه و تبعید امام خمینی عقب‌نشینی کند و پس از مدتی، امام را از زندان آزاد و به خانه‌ای در داودیه و سپس قیصریه‌ی شمیران منتقل کرده و تحت نظر مأموران امنیتی قرار داد. در طول مدت مهاجرت ۱۴ روزه علما، بازار تهران تعطیل بود.^۶

- ۱- عشایر میهن‌دوست و غیرتمند فارس در حوادث مهم تاریخ سیاسی معاصر ایران نقش مهمی در صیانت از استقلال کشور را بر عهده داشتند. در حوادث ۱۵ خرداد شیراز به حمایت از این نهضت پرداختند. رژیم پهلوی که از بی‌بستن عشایر احساس خطر کرد، برای کنترل و خلع سلاح آن‌ها، اقدام به سرکوب گسترده‌ی جنبش عشایر در منطقه‌ی جنوب کرد. حضور سرهنگ گراتیان یا تسویج کارشناس برجسته‌ی سازمان سیا در جنگ‌های روستایی حکایت از اهمیت عملیات جنوب دارد. به دستور شاه، سپهبد آریانا، با نهایت قساوت و بی‌رحمی به سرکوبی قیام عشایر پرداخت. او به بهانه‌ی انهدام مواضع عشایر که به کوه‌ها پناه برده بودند، با استفاده از هواپیماهای بمب‌افکن آمریکایی و آتش توپخانه، مناطق مسکونی عشایر و سیاه‌چادرها را به‌طور وحشیانه‌ی ویران ساخت. او وقتی که مقاومت عشایر را مشاهده کرد، در یک جنگ روانی آن‌ها را وادار به تسلیم کرد و سران وطن‌پرست و مسلمان آن‌ها از جمله حبیب‌الله شهبازی را به جوخه اعدام سپرد. (ن. ک. عرفان منش، خاطرات ۱۵ خرداد در شیراز، ج ۱، ص ۴۷، ۸۴، ۹۳ و ۹۴ و ج ۲، ص ۷۳، ۷۴، ۱۱۵ و ۱۶۷؛ فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، ص ۵۵-۵۱).
- ۲- دوانی، نهضت روحانیون ایران، ج ۳، ص ۴۰۵؛ اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۱۲۲-۱۳۵. و ج ۲، ص ۷۹-۸۱.
- ۳- محاکمه صحرایی یعنی محاکمه فرد بدون حق انتخاب وکیل. در این باره، ن. ک. کرباسچی، هفت‌هزار روز تاریخ ایران، ص ۱۵۱.
- ۴- روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۵۵۹.
- ۵- مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۴۶؛ روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ص ۵۵۸ و ۵۵۹.
- ۶- مدنی، همان، ج ۲، ص ۵۴؛ کوثر، ج ۱، ص ۲۹.

دست‌آوردهای قیام ۱۵ خرداد

قیام ۱۵ خرداد دارای ابعاد ضد استعماری و ضد استبدادی بود که توانست به‌طور فراگیری توده‌های مختلف مردم را در صحنه‌ی مبارزه علیه رژیم دست‌نشانده‌ی پهلوی بسیج کند و به دلیل اعتقاد راسخ امام خمینی به حمایت از اسلام راستین که از سیاست جدا نیست، بذریه فرهنگ مبارزه به‌عنوان یک تکلیف الهی در جامعه کاشته شد که ثمرات آن در پیروزی انقلاب اسلامی به بار نشست.

از دیگر پیامدهای قیام ۱۵ خرداد، افزایش رشد سیاسی در میان حوزه‌های علمیه و روحانیت و گرایش بیش‌تر روشنفکران و دانشگاهیان به ارزش‌های اسلامی به‌عنوان برافروزنده‌ی مشعل مبارزات سیاسی بود و در جهانی که لیبرالیسم غربی و مارکسیسم شرقی کارآیی خود را در رهایی کشورهای تحت ستم از سلطه‌ی استبداد و استعمار از دست داده بودند، پیوستگی دین و سیاست ظهور کرد.

قیام ۱۵ خرداد هم‌چنین به جریان‌های مبارز دینی و غیردینی نشان داد که رژیم شاه از طریق مسالمت‌آمیز و در چارچوب قانون اساسی اصلاح‌ناپذیر است و برای مبارزه با نظام استبدادی و وابسته راهی جز مبارزه‌ی مستمر وجود ندارد.

قیام ۱۵ خرداد نقطه‌ی عطف مهمی در جنبش‌های تاریخ معاصر ایران و جهان اسلام به‌شمار می‌رود که شکل جدیدی از مبارزه را عرضه و آزمایش کرد و تجربه‌ی گران‌قدری بود که توانست با رهبری امام خمینی مبارزه‌ی ملت ایران را تا دست‌یابی به پیروزی در ۲۲ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ تداوم و ثمر بخشد.^۱

دولت حسنعلی منصور

با برکناری اسدالله علم از نخست‌وزیری و روی کار آمدن حسنعلی منصور، نسل جدیدی از سیاستمداران، قدرت را به‌دست گرفتند. آن‌ها برخلاف پیشینیان خود، بیش از انگلستان، موافق و همسو با سیاست‌های آمریکا بودند. دخالت آمریکا در روی کار آوردن منصور موجب نگرانی دولت‌مردان حامی سیاست‌های انگلیس در ایران شد.^۲ منصور پس از دست‌یابی به قدرت، به تغییرهایی گسترده در عرصه‌ی مدیران کشور دست زد. دولت منصور برای انجام سیاست‌هایش نیاز به آرامش داشت. شاه با

۱- جهت اطلاع بیشتر: ن. ک: الگار، انقلاب اسلامی؛ بیل، شیر و عقاب، ج ۲، ص ۲۱۳؛ نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله‌ی

ایران، ج ۱، ص ۲۴۰؛ آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ص ۵۲۳ و ۵۲۴.

۲- حزب ایران نوین به روایت اسناد ساواک، ج ۱، ص ۳۲۰؛ فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، ص ۳۵۵-۳۶۱.

هدف جلب رضایت امام خمینی و ترس از رویارویی با قیامی دیگر، در هفدهم فروردین ۱۳۴۳، ایشان را آزاد کرد. اما امام خمینی هم‌چنان بر استمرار مبارزه پافشاری کرد.^۱

بازگشت کاپیتولاسیون

با افزایش حضور آمریکایی‌ها و مستشاران و نظامیان آن‌ها در ایران، دولت حسنعلی منصور، ضمن تقدیم لایحه‌ای به مجلس شورا که قبلاً در دولت علم تنظیم و تصویب شده بود، برای مستشاران و نظامیان آمریکایی و خدمتکاران آن‌ها، درخواست مصونیت قضایی کرد^۲ (نظیر حق استعماری که در معاهده‌ی ترکمانچای برای اولین بار برای روس‌ها قائل شده بودند و موجب تحقیر ایرانیان شده بود که بعد از انقلاب بلشویکی ملغی شد). در جلسه‌ی نیمه شب بیست و یکم مهر ۱۳۴۳، با تطمیع و تهدید نمایندگان، بی‌سروصدا، این لایحه تصویب شد.

فکر کنید و پاسخ دهید:

لایحه‌ی کاپیتولاسیون، آمریکایی‌های مقیم ایران را از چه امتیازاتی برخوردار می‌کرد؟

به دنبال تصویب این لایحه، آمریکایی‌ها اعطای وام دویست میلیون دلاری به ایران را برای خرید اسلحه به تصویب رساندند.

امام خمینی که از طریق یکی از کارمندان دبیرخانه‌ی مجلس در جریان تصویب لایحه‌ی کاپیتولاسیون قرار گرفته بود^۳، طی یک سخنرانی بسیار مهیج که به قول یکی از محققان آمریکایی «انقلابی‌ترین تقریر سیاسی یکصد سال اخیر ایران» بود، به شدت آمریکا و اسرائیل و شاه را مورد حمله قرار داد.^۴

۱- امام خمینی به محض آزادی از زندان به مناسبت صدور حکم محکومیت آیت‌الله طالقانی و مهندس بازرگان اطلاعیه‌ای صادر کرد که در آن علاوه بر درخواست آزادی آن دو، نسبت به اعمال خلاف شرع هیئت حاکمه و خطر شناسایی اسرائیل و سلطه‌ی این رژیم برشونات کشور هشدار داد و در سخنرانی بعدی، عزم خود را بر ادامه‌ی نهضت اعلام و فرمودند: «اگر خمینی را دار بزنند، تفاهم نخواهد کرد. ملت با شما سازش نمی‌کند. من با تمام زورگویی‌ها مخالفم». ن. ک: کوثر، ج ۱، ص ۹۷-۸۰؛ روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۵۷۲-۵۸۲.

۲- نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج‌ساله‌ی ایران، ج ۱، ص ۳۰۳؛ هوشنگ مهدوی، روابط خارجی، ج ۲، ص ۱۰۶.

۳- محلاتی، خاطرات، ص ۸۶؛ عراقی، ناگفته‌ها ص ۲۰۷.

۴- بیل، شیر و عقاب، ج ۲، ص ۱۹۶.

بیش‌تر بدانید

امام خمینی در مخالفت با تصویب لایحه‌ی کاپیتولاسیون اظهار داشت: «این چند روزی که مسائل اخیر ایران را شنیده‌ام، خوابم کم شده است. ناراحت هستم. قلبم در فشار است... عزت ما پایکوب شد، عظمت ایران از بین رفت. عظمت ارتش ایران را پایکوب کردند. قانونی در مجلس بردند... اگر یک خادم آمریکایی، اگر یک آشنیز آمریکایی مرجع تقلید شما را در وسط بازار ترور کند، زیر پا منکوب کند، پلیس ایران حق ندارد جلوی او را بگیرد! دادگاه‌های ایران حق ندارند محاکمه کنند، بازپرسی کنند، باید برود آمریکا! آن‌جا در آمریکا ارباب‌ها تکلیف را معین کنند...»^۱

دستگیری و تبعید امام خمینی



به دنبال اعتراض شدید و تند امام خمینی به تصویب لایحه‌ی کاپیتولاسیون، رژیم با برقراری حکومت نظامی در تهران و قم، در نیمه شب سیزدهم آبان ماه ۱۳۴۳، امام خمینی را در خانه‌ی مسکونی‌اش دستگیر و به فرودگاه مهرآباد تهران منتقل و به ترکیه تبعید کرد.^۲ تبعید امام خمینی علاوه بر واکنش مردم ایران که با تظاهرات و اعتصابات همراه بود، دارای بازتاب جهانی و واکنش شخصیت‌های علمی و سیاسی و دانشجویان ایرانی خارج از کشور بود.^۳ مدتی پس از تبعید امام خمینی و تحمیل فضای خفقان، یکی از اعضای هیئت‌های مؤتلفه‌ی اسلامی به نام محمد بخارایی، حسنعلی منصور را به جرم

امام خمینی (ره) در دوران تبعید در ترکیه. در این دوران حکومت ترکیه استفاده از لباس روحانیت را برای امام ممنوع کرده بود.

خیانت به کشور، در جلوی مجلس شورای ملی، ترور کرد که البته بعداً دستگیر شد و به همراه ۳ نفر

۱- کوثر، ج ۱، ص ۱۶۹-۱۷۸.

۲- روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی؛ ج ۱، ص ۷۴۰؛ فردوست می‌نویسد: «تبعید امام خمینی به دستور مستقیم آمریکا صورت گرفت». ن. ک. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، ص ۵۱۶.

۳- ن. ک. روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۲، ص ۱۷-۴۲ و ص ۶۱-۸۱.

دیگر از اعضای آن گروه تیرباران شدند و به شهادت رسیدند. پس از حسنعلی منصور، امیرعباس هویدا به نخست‌وزیری منصوب شد.

پرسش‌های نمونه

- ۱- حمله به مدرسه‌ی فیضیه قم و مدرسه‌ی طالبیه‌ی تبریز چه پیامدهایی به دنبال داشت؟
- ۲- دستگیری امام خمینی در خرداد ۱۳۴۲ چه واکنشی در جامعه ایجاد کرد؟
- ۳- قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ چه دستاوردهایی داشت؟
- ۴- لایحه‌ی کاپیتولاسیون چگونه به تصویب رسید و مفاد آن چه بود؟

اندیشه و جست‌وجو

- ۱- درباره‌ی کشتار مردم به‌وسیله‌ی مأموران حکومت پهلوی در پانزدهم خرداد ۴۲ مطلبی تهیه کنید.
- ۲- تبعید امام خمینی واکنش‌هایی در میان مردم و مجامع مذهبی به دنبال داشت. در مورد این واکنش‌ها مطلبی تهیه کنید.

تحولات ایران پس از تبعید امام خمینی

در این درس با تحولات سیاسی اجتماعی ایران پس از تبعید امام، از جمله سال‌های نخست‌وزیری هویدا، نفوذ بیش‌تر آمریکا در ایران و مبارزات ملت آشنا می‌شوید.

نخست‌وزیری هویدا

روی کار آمدن امیرعباس هویدا در بهمن‌ماه ۱۳۴۳ آغاز دوران تحکیم دیکتاتوری محمدرضاشاه بود. راز دوام نخست‌وزیری هویدا که به مدت سیزده سال طول کشید، این بود که وی مطیع محض اوامر شاه بود.

علاوه بر این، دوران رقابت‌های دیرینه و سنتی قدرت‌های بزرگ به‌ویژه انگلستان و آمریکا جای خود را به تعامل و همکاری برای تقسیم نفت، ذخایر و ثروت‌های ایران و منطقه‌ی خاورمیانه داده بود. با قدرت گرفتن جمهوری خواهان در آمریکا و روی کار آمدن ریچارد نیکسون، آمریکا نقش ژاندارمی خاورمیانه را به حکومت پهلوی واگذار کرد.

خریدهای تسلیحاتی سنگین رژیم پهلوی و پیامدهای آن

محمدرضاشاه که قدرت‌ش را بر پایه‌های دیوان سالاری دولتی، دربار و ارتش استوار ساخته بود،^۱ به پیروی از پدرش رضاشاه، به‌طور غیرمعتولی، به خرید تسلیحات نظامی روی آورد. به‌گونه‌ای که از سال ۱۹۷۴م/۱۳۵۳ش به بعد، شاه اولین مشتری سلاح‌های جنگی آمریکا در دنیا بود. سهم ایران در مخارج نظامی نسبت به تولید ناخالص ملی^۲ به‌طور متوسط سه برابر بیش‌تر از آمریکا و یا اتحاد جماهیر

۱- آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ص ۳۹۸ و ۳۹۹.

۲- تولید ناخالص ملی عبارت است از ارزش پول کلیه کالاها و خدمات نهایی که اعضای یک ملت در طول یک سال تولید

شوروی و شش برابر بیش تر از کشورهای فرانسه و انگلستان بود.^۱ شاه به طور متوسط، سالیانه بیش از ۳۰ درصد از بودجه‌ی دولت را صرف هزینه‌های نظامی می‌کرد. خرید سلاح‌های نظامی در چارچوب سیاست رقابت تسلیحاتی آمریکا و شوروی با فروش نفت تأمین می‌شد.

همزمان با افزایش خرید تسلیحات نظامی ایران از آمریکا و وابستگی فزاینده‌ی نظامی کشور، بر میزان حضور مستشاران آمریکایی نیز افزوده می‌شد؛ به گونه‌ای که بیش‌ترین تعداد مستشاران آمریکایی در یک کشور خارجی در ایران حضور داشتند و این تعداد بالغ بر ۹۰ هزار نفر تا اواخر حکومت شاه بود.

افزایش سرسام‌آور بودجه‌ی نظامی بر بخش‌های عمرانی و اقتصادی و کشاورزی تأثیر سوئی داشت، کشاورزی و اقتصاد ایران نیز به تدریج به سمت وابستگی پیش رفت. فرآیند این وابستگی به سود آمریکا بود؛ زیرا درآمد حاصل از نفت صرف واردات کالاهایی می‌شد که پیش از اصلاحات آمریکایی و انقلاب به اصطلاح سفید، کشاورزان و صنعت‌گران ایرانی قادر به تولید آن‌ها بودند؛ بنابراین دلارهای نفتی، بار دیگر به مبدأ اولیه‌ی خود یعنی کشورهای غربی به ویژه آمریکا باز می‌گشت.^۲

شاه بخشی قابل توجه از درآمدهای نفتی را به خرید سهام و سرمایه‌گذاری در شرکت‌های ورشکسته‌ی اروپایی^۳ و آمریکایی^۴ و دادن وام به کشورهای وابسته به بلوک غرب^۵، اختصاص داد.

گسترش فساد اقتصادی در ارکان حکومت پهلوی

فساد و دخالت‌های بی‌رویه‌ی خاندان سلطنت در اقتصاد، باعث نابه‌نجاری‌های مختلفی شد. اعضای خانواده‌ی پهلوی، از طریق درآمد حاصل از فروش زمین‌های تصرف شده در دوره‌ی رضاشاه و برداشتن مستقیم بالغ بر دو میلیارد دلار از درآمدهای نفتی، هم‌چنین درآمدهای ناشی از دایر کردن

۱- فاروقی، ایران بر ضد شاه، ص ۱۱۹. به گفته‌ی تئودور سورنسون (Theodor Sornson) یکی از مقامات آمریکا، شاه بر پشتیبانی آمریکا از ارتش گران قیمتی اصرار می‌ورزید که برای امنیت داخلی بسیار بزرگ و برای یک جنگ تمام عیار بی‌فایده بود. ارتش شاه شبیه مرد افسانه‌ای است که این قدر سنگین وزن است که هیچ کار سبکی را نمی‌تواند انجام دهد و این قدر سبک است که قادر به هیچ کار سنگینی نیست. لطیفیان، ارتش و انقلاب اسلامی، ص ۱۳۳.

۲- فاروقی، ایران بر ضد شاه، ص ۱۳۵؛ فوران، مقاومت شکننده، ص ۴۶۵.

۳- کروپ آلمان، اوریدیف و سوفیدیف فرانسه و هیلمن انگلستان.

۴- نظیر شرکت استودیویبیکر که اخیراً اتومبیل‌های رامبلر را تولید می‌کرد.

۵- نظیر کمک به رژیم محمد زیادبارة رئیس‌جمهور سومالی و اهدای چندین فروند هواپیمای هرکولس به رژیم هابله سلاسی پادشاه اتیوپی و کمک به کشورهای دیگری نظیر مصر. در یک مورد شاه، ۹۰ فروند هواپیمای که از آلمان خریداری شده بود، به همراه مقادیر زیادی کمک‌های بلاعوض از جمله یکصد میلیون دلار به کشور پاکستان (که از متحدین آمریکا بود) هدیه کرد. ن. ک: طوفانیان، خاطرات، ص ۵۱-۵۵.

قمارخانه و مکان‌های فساد، قاچاق مواد مخدر، دلالی معامله‌های خارجی و مشارکت نامشروع در سهام صدها شرکت خصوصی و دولتی، سود کلانی می‌بردند. در رأس آن‌ها، شخص محمدرضا شاه و برادران و خواهرانش قرار داشتند و همه‌ی ارکان حکومت، اعم از نیروهای امنیتی و نظامی و اداری، در خدمت افزایش این ثروت‌های بادآورده بودند. به طوری که ناظران غربی، سرمایه‌ی خارج شده از کشور توسط شخص محمدرضا شاه را، بالغ بر بیست میلیارد دلار تخمین زده‌اند. همین امر، سبب احساس جدایی شدیدی بین حکومت و مردم شده بود.^۱

استمرار مبارزه پس از تبعید امام خمینی

«من برای دفاع از وطن تبعید شدم». این اولین سخن امام خمینی هنگام تبعید به ترکیه با افسر مأمور در درون هواپیما بود.^۲

امام خمینی در تاریخ ۱۳ مهرماه ۱۳۴۴ از ترکیه به نجف اشرف تبعید شد.^۳ در نجف، استقبال کم‌نظیر و باشکوهی از امام خمینی به عمل آمد.^۴ شاه با تبعید امام خمینی می‌خواست رهبری نهضت را از ایران دور نگاه دارد تا شعله‌های بیداری را در ایران خاموش کند. به همین منظور ساواک تلاش‌های زیادی کرد تا ارتباط امام خمینی را با مردم و یاران او قطع کند. حتی از چاپ و توزیع رساله‌ی امام خمینی به شدت جلوگیری کرد و دارنده‌ی آن را شش ماه تا دو سال به زندان محکوم می‌کرد.^۵ کوشش رژیم شاه برای دور کردن امام خمینی از ایران و فراموش شدن نام و راه ایشان، نتایج معکوسی به دنبال داشت؛ روز به روز پیوند رهبری با مردم عمیق‌تر و بر عظمت و محبوبیت وی افزوده شد.

امام خمینی در دوران تبعید با مواضع شجاعانه، هوشمندانه و نیز ساده‌زیستی مثال زدنی‌اش^۶

۱- آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب؛ ص ۴۰۰.

۲- رجیبی، زندگی‌نامه‌ی سیاسی امام خمینی، ص ۲۷۶.

۳- امام خمینی در زمانی که در ترکیه اقامت داشتند، اقدام به نوشتن کتاب تحریرالوسیله کردند. وی در این کتاب با طرح مسائل سیاسی و اجتماعی اسلام در کنار مسائل عبادی، در جهت بی‌اثر ساختن اندیشه‌ی استعماری تفکیک دین از سیاست گام ارزنده‌ای برداشت. روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۳، ص ۱۲-۱۳.

۴- روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۲، ص ۱۱۷-۱۲۱.

۵- ن. ک. دوانی، نهضت روحانیون ایران، ج ۵، ص ۳۴؛ روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۲، ص ۱۸۴ و

۲۶۹.

۶- خبرنگار روزنامه لوموند محل سکونت امام خمینی را چنین توصیف می‌کند: «مسکن محقر آیت‌الله خمینی همانند مسکن فقیرترین

افراد نجف است». مجله نور علم، شماره ۳۱، ص ۱۱۲. درباره‌ی ساده‌زیستی امام خمینی ن. ک. پا به پای آفتاب، ج ۲، ص ۲۷۷، ج ۳، ص ۲۱۳، ج ۴، ص ۲۰۶.

همه‌ی محدودیت‌ها و تنگناها را تحمل کرد^۱ و هم‌چون ستاره‌ای در ظلمت شب درخشید. او در اعماق دل مردم ایران و مبارزان مسلمان در کشورهای اسلامی و آزادی‌خواهان جهان جای گرفت. صفات و ویژگی‌هایی که در امام یک‌جا جمع شده بود، از وی شخصیت بی‌بدیل و متمایزی ساخته بود.^۲

امام خمینی در دوران تبعید پیوسته مردم را به استقامت^۳ دعوت می‌کرد و به آنان امید می‌بخشید.^۴ ایشان با تحلیل‌های روشنگرانه درباره‌ی مسائل ایران و حوادث خاورمیانه به‌ویژه جنگ اعراب و اسرائیل^۵ و سلطه‌ی همه‌جانبه‌ی آمریکا در ایران و پیامدهای فرهنگی و سیاسی ناشی از آن (که عظمت و استقلال ایران را مخدوش می‌کرد)،^۶ به روشنگری می‌پرداخت.

امام خمینی نیز کوشید میان روحانیون و دانشگاهیان در مبارزه علیه شاه وحدت ایجاد کند. وی خطاب به روحانیون می‌فرمودند: «شما دانشگاهیان را از خودتان دور نکنید؛ زیرا مقدرات ایران فردا به‌دست آن‌ها است».^۷ امام خمینی برای حفظ پایه‌های دین و استقلال ایران پیوند و احترام متقابل میان طبقات روحانی و دانشگاهی را ضروری می‌دانستند^۸ و به جوانان روشن‌فکر دانشگاه‌ها تأکید می‌کردند که اختلاف‌افکنی میان دین و سیاست و روحانی و دانشجو از حربه‌های استعمار است تا آن‌ها را نسبت به هم بدبین کنند و در نتیجه، وحدت فکری و عملی میان این دو طبقه از میان برود و راه برای مقاصد شوم آن‌ها باز شود.^۹ امام خمینی، ضمن تبیین نظریه‌ی حکومت اسلامی که پیش از این در کتاب کشف‌الاسرار به طرح آن پرداخته بودند، به ضرورت تشکیل حکومت اسلامی بر پایه‌ی ماهیت سیاسی و اجتماعی دین مبین

۱- ن. ک. روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۲، ص ۴۰۵، ۴۱۰، ۴۲۰-۴۱۹؛ سرگذشت‌های ویژه از زندگانی امام خمینی، ج ۱، ص ۹۱-۹۸.

۲- آموزگار، فراز و فرود دودمان پهلوی، ص ۴۶۵. اولویو وارن، شیر و خورشید، ص ۷۰؛ فوران، مقاومت شکننده، ص ۵۴۶.

۳- امام خمینی درباره‌ی صبر و استقامت در مبارزه فرمود: «لازم است خود را مجهز کنید و برای اعتلای کلمه‌ی حق مهبای نامالیامات و سختی‌ها شوید تا موجب سرفرازی ملت مسلمان ایران فراهم شود». صحیفه‌ی نور، ج ۲، ص ۵۹.

۴- امام خمینی در سال ۱۳۴۶ فرمود: «من به شماها اطمینان پیروزی می‌دهم: اطمینان غلبه‌ی حق بر باطل». صحیفه‌ی نور، ج ۲، ص ۱۳۵.

۵- برای نمونه ن. ک. صحیفه‌ی نور، ج ۱، ص ۳۰۰ و ۳۸۴، ج ۲، ص ۴۳۸، ج ۳، ص ۳۴۵ به گفته‌ی یکی از محققان، مسئله‌ی اساسی برای امام خمینی دیکتاتوری شاه، سرسپردگی او به ایالات متحده و روابط حسنه‌اش با اسرائیل بود؛ کدی، ریشه‌های انقلاب اسلامی، ص ۲۷۲.

۶- ن. ک. صحیفه‌ی نور، ج ۱۱، ص ۷۲، ۱۱۱-۱۱۳، ج ۳، ص ۲۱۰ و ۲۶۷.

۷- صحیفه‌ی نور، ج ۳، ص ۲۴۹. هم‌چنین ج ۲، ص ۸۷.

۸- صحیفه‌ی نور، ج ۲، ص ۲۵۵ و ج ۳، ص ۳۲۶.

۹- همان، ج ۲، ص ۱۴۲.

اسلام اهتمام ورزیدند.^۱

رهبری سیاسی امام خمینی به عنوان مرجع تقلید، اندیشه‌ی جدایی دین از سیاست را که سالیان طولانی توسط رژیم پهلوی تبلیغ و ترویج می‌شد، کم‌رنگ کرد و فصل نوینی در اندیشه‌ی سیاسی و فکری جامعه ایران گشود.^۲

بیش‌تر بدانید

مبارزات روحانیت و نقش آن‌ها در بسیج توده‌های مردم مبارزهی مردم ایران در زمانی که رهبری نهضت در تبعید به سر می‌برد، با مجاهدت روحانیت ایران استمرار یافت و اندیشه‌ها، آرمان‌ها و مواضع سیاسی امام خمینی به مردم منتقل شد.^۳

در شهرهای مختلف ایران یک یا چند روحانی برجسته به‌عنوان نمایندگان امام خمینی حضور داشتند که علاوه بر انجام امور دینی و شرعی، رابطه‌ی میان مردم را با نهضت امام خمینی به‌طور مستمر زنده نگاه می‌داشتند. سازمان روحانیت شیعه با پیشینه‌ی تاریخی بیش از هزار سال به‌عنوان نهادی مستقل و مردمی در سراسر کشور و حتی در میان عشایر و روستاهای دورافتاده گسترده بود؛^۴ بنابراین اعلامیه‌ها، نوارها و پیام‌های امام خمینی با وجود فضای اختناق و کنترل‌های شدید نیروهای امنیتی و ساواک در سراسر کشور دست به دست منتقل می‌شد. این اقدام نقش مؤثری در بیداری و افزایش آگاهی سیاسی مردم ایران داشت.^۵

امام خمینی وظیفه‌ی اصلی روحانیت را بیدار ساختن توده‌های مردم اعلام کرد و بیداری ملت را مایه‌ی امید دانست.^۶

۱- ن. ک. امام خمینی، ولایت فقیه، ص ۷-۸ و ۴۸-۵۴.

۲- جهت اطلاع بیش‌تر ن. ک: کوثر، ج ۱، ص ۲۸۶؛ روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۲، ص ۴۹۴-۵۰۸؛ صحیفه نور، ج ۴، ص ۲۳؛ حسینیان، چهارده سال رقابت ایدئولوژیک شیعه در ایران، ص ۶۰۴-۶۳۱؛ دهشیری، درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی، ص ۵۱ به بعد.

۳- حسینیان، چهارده سال رقابت ایدئولوژیک شیعه در ایران، ص ۶۳۵.

۴- فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، ص ۵۶۷.

۵- به گفته‌ی آخرین سفیر آمریکا در ایران؛ نه‌تنها رژیم شاه، بلکه ناظران خارجی از نفوذ و قدرت گسترده‌ی روحانیت در میان طبقات مختلف مردم درک و ارزیابی درستی نداشتند. سولیوان، مأموریت در ایران، ص ۶۶ و ۱۱۸.

۶- صحیفه‌ی نور، ج ۳، ص ۱۰۱. به‌عنوان مثال در ماه رمضان ۱۳۴۳ عده‌ای از روحانیون تهران برای روشنگری مردم در اقدامی هماهنگ تصمیم گرفتند هر شب در مسجد جامع تهران علیه احیای کاپیتولاسیون، سلطه‌ی سیاسی و اقتصادی آمریکا، نفوذ اسرائیل در ایران و تبعید غیرقانونی امام خمینی سخنرانی کنند. آن‌ها قرار گذاشتند که به محض دستگیر شدن یک نفر، دیگری سخنرانی کند. مأموران ساواک اقدام به دستگیری سخنرانان کردند اما باز نفر بعدی بالای منبر می‌رفت این موضوع تا بیست شب ادامه یافت. سرانجام ساواک و قوای انتظامی به مسجد جامع یورش بردند و پس از ضرب و شتم مردم با بستن در مسجد، این برنامه را تعطیل کردند. تمامی روحانیون دستگیر شده، محکوم به زندان بین یک تا دو سال شدند. روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۷۹۲-۷۹۷.

بیش تر بدانید

استمرار مبارزه با تحمل سختی‌ها، شکنجه‌ها و زندان‌ها و تبعید و اعدام همراه بود. در این میان تعداد زیادی از روحانیون دستگیر، زندانی و تبعید شدند^۱ و عده‌ای نیز در هجوم مأموران سرکوبگر رژیم پهلوی و یا در زیر شکنجه‌های هولناک و قرون وسطایی ساواک به شهادت رسیدند که از میان آن‌ها می‌توان به آیت‌الله سیدمحمدرضا سعیدی، آیت‌الله حسین غفاری و سیدعلی اندرزگو اشاره کرد.^۲



سیدعلی اندرزگو



آیت‌الله غفاری



آیت‌الله سعیدی

نقش مراجع تقلید در مبارزات مردم مسلمان ایران تأثیرگذار و مهم بود. موضع‌گیری آن‌ها در قبال حوادث سیاسی بسیار تعیین کننده بود. در این باره می‌توان به مجاهدت‌های آیت‌الله گلپایگانی، آیت‌الله نجفی مرعشی در قم و آیت‌الله خوانساری در تهران، آیت‌الله میلانی، سیدعلی بهبهانی و محلاتی در مشهد، اهواز و شیراز اشاره کرد. علاوه بر آن تشکّل‌های روحانی مانند جامعه‌ی روحانیت مبارز تهران، جامعه‌ی مدرسین^۳ و مدارس حوزه‌های علمیه‌ی قم، مشهد، تبریز، اصفهان، شیراز، اهواز و ... نظیر مدرسه‌ی فیضیه نقش مهمی در گسترش اندیشه‌های انقلاب و تربیت طلاب جوان و بسیج توده‌های مردمی برعهده داشتند. مهم‌ترین مراکز و کانون‌های بیداری و مبارزاتی در دوران انقلاب، مساجد و حسینیه‌ها بودند؛ جایی که تجمع‌ها و حرکت‌های انقلابی و پرشور در آن شکل گرفت.

۱- از شمار دستگیر و تبعیدشدگان روحانی آمار دقیقی در دست نیست اما براساس گزارش بولتن‌های نوبه‌ای ساواک، از فعالیت‌های روحانیون در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۶، تعداد ۱۴۷۵ نفر از روحانیون دستگیر و تبعید شدند. حسینیان، چهارده سال رقابت ایدئولوژیک شیعه در ایران، ص ۳-۶۶۲.

۲- جهت اطلاع بیشتر: ن.ک: یاران امام به روایت اسناد ساواک، شهید آیت‌الله حاج شیخ حسین غفاری، ص ۱۱ و ۱۶؛ شهید آیت‌الله محمدرضا سعیدی، ص ۳-۹ شهید سیدعلی اندرزگو، ص ۱-۳.

۳- «جامعه‌ی روحانیت مبارز تهران» و جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه قم مهم‌ترین تشکّل‌های روحانیت و حوزه در طول تاریخ انقلاب اسلامی از زمان شکل‌گیری آن تاکنون بوده است.

جشن‌های دوهزار و پانصدساله‌ی شاهنشاهی

شاه با گسترش پیوندهای سیاسی و نظامی با آمریکا احساس امنیت و اقتدار بیش‌تری کرد. افزایش قدرت ساواک، ارتش و پلیس و سرکوب مخالفان، همراه با ایجاد اختناق شدید، این احساس اقتدار را با نوعی حس تفاخر همراه کرد. به همین سبب، شاه که هنوز چندسالی از برگزاری جشن تاج‌گذاری‌اش در سال ۱۳۴۶ نگذشته بود، به پیشنهاد اسرائیلی‌ها به فکر برگزاری جشن‌های دوهزار و پانصدساله‌ی شاهنشاهی افتاد.^۱ جشن‌های دوهزار و پانصدساله‌ی نمایی از رؤیاهای بلند پروازانه شاه بود.^۲ او در مقایسه با بسیاری از شخصیت‌های مطرح جهان از وجهی مردمی برخوردار نبود و برای کسب اعتبار کاذب امیدوار بود که با پیوند دادن حکومت خود به کورش، پادشاه بزرگ هخامنشی، بتواند مشروعیت و محبوبیتی برای خود کسب کند.^۳ علاوه بر این شاه تلاش می‌کرد تا بخشی‌هایی از تاریخ ایران را نادیده بگیرد.^۴ این بخش‌ها شامل چند هزار سال تمدن تاریخ ایران باستان قبل از هخامنشیان مانند تمدن ایلامی‌ها و مادها و هزار و چهارصد سال تمدن ایران اسلامی بود.

مبارزات دانشجویی

جنبش دانشجویی در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ خواهان آرمان‌هایی مانند عدالت اجتماعی، آزادی و استقلال و پیشرفت کشور بود. این جنبش پس از ۱۵ خرداد با روحانیت و دین پیوند استواری برقرار کرد.

انجمن‌های اسلامی دانشجویان که پیش از این در دانشگاه تهران شکل گرفته بود، در سایر دانشگاه‌های ایران توسعه یافت. این تشکل دانشجویی با هدف دفاع از اندیشه‌های مذهبی و هویت دینی و حفظ ارتباط با روحانیون محور فعالیت‌های خود را بر موضوعات فرهنگی و مقابله با افکار مارکسیستی و الحادی و مخالفت با ایده‌ی جدایی دین از سیاست متمرکز ساخت.^۵ گرایش محمدرضاشاه به فرهنگ غرب باعث تضعیف هویت ملی (ایرانی و اسلامی) و ایجاد پدیده‌ی از خودبیگانگی فرهنگی

۱- بزم اهریمن، جشن‌های دوهزار و پانصدساله‌ی شاهنشاهی، به روایت اسناد ساواک، ج ۱، ص ۷-۴۲ و ج ۲، ص ۸-۱۵؛ هلمز سینتیا، خاطرات همسر سفیر، ترجمه اسماعیل زند، ص ۷۹.

۲- زونیس، شکست شاهانه، ص ۹۹.

۳- هالیدی، دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در ایران، ص ۶۶ و ۶۷.

۴- شوکراس، آخرین سفر شاه، ص ۴۳ و ۴۴ و ۶۱-۶۴؛ بیل، شیر و عقاب، ج ۱، ص ۲۹۶ و ۲۹۷.

۵- جهت اطلاع بیش‌تر ن. ک: کریمیان، جنبش دانشجویی، ص ۱۷۷-۱۸۰ و ۲۱۶ و ۲۱۷.

در جامعه شد.^۱ در این زمان اندیشمندان و روشنفکران دانشگاهی و حوزوی، در برابر مسخ فرهنگ و ارزش‌های جامعه‌ی ایرانی برای احیای هویت دینی و بازگشت به خویشستن تلاش‌های فرهنگی گسترده‌ای کرده‌اند که در این باره می‌توان به نقش شخصیت‌هایی چون علامه طباطبایی، شهید مطهری، دکتر بهشتی، آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله طالقانی، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، آیت‌الله مکارم شیرازی، دکتر باهنر، مهندس بازرگان، جلال آل‌احمد، دکتر شریعتی، دکتر مفتاح، علامه جعفری و علامه امینی (صاحب‌الغدیر) اشاره کرد.

راهبردهای مبارزه با رژیم پهلوی

با افزایش اختناق، مبارزه‌ی سیاسی برای سقوط رژیم پهلوی، شدت یافت. همزمان با این امر، ساواک، شهربانی و ژاندارمری نیز، برای مقابله با این فعالیت‌ها بسیج شدند و زیر نظر و هدایت آمریکا و انگلیس و با همکاری اسرائیل، «کمیته‌ی مشترک ضدخراب‌کاری» به راه افتاد.^۲ مخالفان رژیم پهلوی، در این زمان، سه گروه بودند: گروه اول، مسلمانان انقلابی که با اعتقاد به رهبری امام خمینی مبارزه می‌کردند و به مبارزه، به عنوان یک وظیفه‌ی اسلامی و تکلیف شرعی می‌نگریستند. از دیدگاه امام خمینی، بهترین راه مبارزه با شاه، افزایش آگاهی عمومی و بسیج همگانی مردم برای مبارزه‌ای فراگیر بود.

گروه دوم، چپ‌گرایان بودند. این طیف، با تأثیر پذیرفتن از اندیشه‌های مارکسیستی، راه‌رهایی را، در پیروی از نظریه‌های مارکسیستی می‌دیدند. از دیدگاه اغلب اینان، «تنها راه‌رهایی، جنگ مسلحانه» بود. تعلیم و تربیت چریک و به راه انداختن جنگ چریکی علیه حکومت پهلوی، از جمله اصلی‌ترین روش‌های آنان برای مبارزه بود.

گروه سوم، ملی‌گرایان بودند. اغلب آن‌ها اعتقادی به تغییر رژیم سلطنتی پهلوی نداشتند و معتقد بودند باید اصل سلطنت را پذیرفت ولی در جهت کاهش خودکامگی شاه تلاش کرد.^۳

۱- ن. ک: کدی، ریشه‌های انقلاب اسلامی، ص ۳۰۴.

۲- سولیوان، «مأموریت در ایران»؛ ص ۸۰.

۳- سنجایی، مصاحبه با رادیو بی. بی. سی.، «انقلاب ایران به روایت بی. بی. سی.»، ص ۲۹۵.

در آستانه‌ی پیروزی انقلاب اسلامی جبهه‌ی ملی هم‌چنان امیدوار بود با سیاست گام‌به‌گام و انجام اصلاحاتی در محدوده‌ی قانون اساسی نظام سلطنتی مشروطه را حفظ کند، اما با تشدید مبارزات ضداستبدادی به رهبری امام خمینی که مبانی مشروعیت رژیم پهلوی و غیرقانونی بودن آن را نشانه گرفته بود، موضع جبهه‌ی ملی و سایر نیروهایی که خواستار قانون اساسی مشروطیت بودند، در برابر مواضع قاطعانه‌ی امام خمینی کاملاً تغییر کرد. ن. ک: نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله‌ی ایران، ج ۲، ص ۱۷۷.

در اواسط دهه‌ی ۱۳۵۰ ش، هر سه جریان به موازات یکدیگر فعالیت می‌کردند اما رشد و گسترش جریان اسلام انقلابی سریع‌تر و ریشه‌دارتر بود.

برگی از تاریخ

غلامرضا تختی (۱۳۰۹-۱۳۴۷ ش)



غلامرضا تختی در سال ۱۳۰۹ در محله‌ی «خانی‌آباد» تهران، در خانواده‌ای محروم به دنیا آمد. علاقه به ورزش، به‌ویژه رشته‌ی کشتی، از دوران کودکی در او وجود داشت. همین علاقه و استعداد زیاد باعث شد بسیار زود به قهرمانی کشور برسد.

غلامرضا تختی در طول مسابقه‌های ورزشی خود چهار مدال طلا و پنج مدال نقره گرفت. تختی با نزدیک شدن به آیت‌الله طالقانی مخالفت خود را با رژیم حاکم ایران نشان داد. محبوبیت فوق‌العاده‌ی او در جامعه و مخالفتش با نظام حاکم، رژیم پهلوی را نگران کرد. جسد او را در محل هتل آتلانتیک یافتند. دستگاه تبلیغاتی رژیم پهلوی اعلام کرد که او خودکشی کرد ولی باور عمومی این بود که او به دست عوامل ساواک کشته شده است.

شدیدترین برخوردها میان مبارزان و نیروهای امنیتی، از سال‌های ۱۳۵۰ به بعد صورت گرفت. ساواک دست به وحشیانه‌ترین شیوه‌های شکنجه و دستگیری مبارزان زد و اعدام مبارزان به صورت امری روزمره درآمد بود و بسیاری از انقلابیون زیر شکنجه‌های ساواک به شهادت رسیدند. زندانی و تبعید کردن روحانیان، دانشمندان، استادان دانشگاه، سخنوران و نویسندگان، اثر تبلیغی منفی شدیدی برای رژیم پهلوی داشت. در همین زمان «سازمان عفو بین‌المللی» اعلام کرد که ایران به لحاظ عده‌ی زندانیان سیاسی، در جهان مقام سوم را دارد.^۱

۱- کرباسچی، «هفت هزار روز»، ص ۷۴۵.

بیش‌تر بدانید

راهبرد امام خمینی و روحانیت در مبارزه برای ساقط کردن رژیم مستبد و وابسته‌ی پهلوی مبتنی بر مبارزه‌ی فرهنگی و بیدارگری بود.^۱ امام خمینی از مشی مبارزه‌ی مسلحانه حمایت نکرد اما در شرایط سخت مبارزاتی و تشدید سرکوب‌ها پس از ۱۵ خرداد و تبعید امام خمینی، برخی از گروه‌های مسلمان به مشی مبارزه‌ی مسلحانه روی آوردند.^۲ هرچند این گروه‌ها برخلاف گروه‌های مارکسیستی قاتل به اصالت مبارزه‌ی مسلحانه نبودند و به راهکارهای فرهنگی در کنار سایر زمینه‌ها توجه داشتند.^۳

در این زمینه می‌توان به جمعیت هیئت‌های مؤتلفه‌ی اسلامی و حزب ملل اسلامی اشاره کرد. علاوه بر آن‌ها گروه‌های کوچک دیگری مانند حزب‌الله، ابودر، الفجر، منصورون، مهدویون، موحدین، توحیدی صف، فلاح و سازمان توحیدی مجاهدین خلق که بیش‌تر در دهه‌ی پنجاه شکل گرفتند، اقدام به مبارزه مسلحانه کردند.^۴

۱- جهت اطلاع بیش‌تر ن. ک: هاشمی رفسنجانی، دوران مبارزه، ج ۱، ص ۲۴۵.

۲- آن‌ها بر این باور بودند که اگر در برابر خشونت رژیم با نرمش برخورد شود، رژیم گستاخ‌تر می‌شود. ن. ک: همان، ج ۱، ص ۲۴۱؛ مشی مسلحانه قبل از آن‌که انتخابی از سوی نیروهای مذهبی باشد، بر آن‌ها تحمیل شد. ن. ک: حسینیان، چهارده سال رقابت ایدئولوژیک شیعه در ایران، ص ۸۷۴.

۳- هاشمی رفسنجانی، دوران مبارزه، ج ۱، ص ۲۳۹.

۴- جهت اطلاع بیش‌تر ن. ک: جعفریان، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران، ص ۲۲۱ و ۵۱۷-۵۳۶؛ حسینیان، چهارده سال رقابت ایدئولوژیک شیعه در ایران، ص ۸۰۸-۸۷۰.

پرسش‌های نمونه

- ۱- خرید سلاح و تجهیزات نظامی از آمریکا چه تأثیری بر اقتصاد ایران داشت؟
- ۲- درآمدهای حاصل از فروش نفت در سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۶ در چه زمینه‌هایی هزینه می‌شد؟
- ۳- امام خمینی در دوران تبعید چه فعالیت‌هایی در پیش گرفت؟
- ۴- انگیزه‌ی شاه از برگزاری جشن‌های دوهزاروپانصد ساله‌ی شاهنشاهی چه بود؟
- ۵- انجمن‌های اسلامی دانشجویان با چه اهدافی تشکیل شد و محور فعالیت آن چه بود؟
- ۶- مخالفان حکومت پهلوی را چه گروه‌هایی تشکیل می‌دادند و شیوه‌ی مبارزه‌ی هر گروه چگونه بود؟

اندیشه و جست و جو

- درباره زندگی و شخصیت هویدا، مقاله‌ای تهیه کنید.

ایران در آستانه‌ی انقلاب اسلامی

در این درس با وضعیت کشور در آستانه‌ی انقلاب اسلامی آشنا می‌شوید. سوء استفاده‌ی آمریکایی‌ها از ایران تحت سلطه، روی کار آمدن جیمی کارتر، چگونگی برخورد با زندانیان سیاسی، سفر کارتر به ایران، رحلت آیت‌الله حاج آقا مصطفی خمینی انتشار مقاله‌ی اهانت‌آمیز نسبت به امام خمینی، قیام نوزدهم دی قم و کشتار هفده شهریور ۱۳۵۷ در تهران مهم‌ترین موضوع‌های مورد بررسی در این درس است.



کارتر و شاه

در جریان انتخابات آذرماه سال ۱۳۵۵ ش/۱۹۷۶م آمریکا، جیمی کارتر، رئیس‌جمهور شد. کارتر با شعار «حقوق بشر» و «فضای باز سیاسی» در کشورهای تحت سلطه‌ی آمریکا، وارد عرصه‌ی رقابت‌های انتخاباتی شد. پیروزی او، در ابتدا به منزله‌ی شکست شاه تلقی شد؛ زیرا کارتر نامزد دمکرات‌ها بود و شاه در مبارزه‌ی انتخاباتی، هزینه‌ی زیادی برای

پیروزی رقیب او از حزب جمهوری‌خواه کرده بود.^۱ براساس راهبرد جمهوری‌خواهان، شاه نیز نقش ژاندارمی منطقه را برای آمریکا ایفا می‌کرد و هزینه‌های تأمین امنیت کشورهای همجوار، برعهده‌ی ایران بود.

۱- کرباسچی، هفت هزار روز؛ ج ۲؛ ص ۵۹۶؛ نیز ن. ک: لدین، کارتر و سقوط شاه، ص ۳۶-۳۹ و ۶۵.

فکر کنید و پاسخ دهید:

چرا شاه در مبارزات انتخاباتی آمریکا، از نامزد حزب جمهوری خواه حمایت

می کرد؟

دولت دمکرات آمریکا در یک جنگ تبلیغاتی علیه دولت شوروی، خود را مدافع «حقوق بشر» نشان داد. از سوی دیگر برای پیشبرد این شیوه تبلیغاتی ناگزیر شد تا از دیکتاتورهای خشن تحت سلطه خود، نظیر رژیم شاه بخواهد که از خشونت و شکنجه کمتری استفاده کند. واقعیت این است که اصولاً طرح فضای باز سیاسی و حقوق بشر یک شعار تبلیغاتی بود. آمریکا حتی در اوج اعمال خشونت و کشتار بی رحمانه‌ی ۱۷ شهریور ۱۳۵۷، از شاه حمایت کرد.^۱ سولیوان، آخرین سفیر آمریکا در ایران نسبت به سیاست‌های دوگانه‌ی حقوق بشر و سیاست‌های سرکوب‌گرایانه‌ی آمریکا برای مهار انقلاب اسلامی، کارتر را متهم به نفاق می‌کند.^۲

برگی از تاریخ



دکتر علی شریعتی
(۱۳۱۲-۱۳۵۶ ش)

علی شریعتی در سال ۱۳۱۲ شمسی در روستای مزینان، از توابع سبزوار متولد شد. تحصیلات ابتدایی را نزد پدر خود محمدتقی شریعتی و دوره‌ی متوسطه را در دبیرستان‌های مشهد طی کرد و به دانشسرای تربیت معلم راه یافت. در سال ۱۳۳۲ در رشته‌ی ادبیات فارسی از دانشگاه مشهد فارغ‌التحصیل شد و در سال ۱۳۴۳ از دانشگاه سوربن فرانسه در رشته‌ی زبان‌شناسی تطبیقی دکترا گرفت و در همان سال به ایران بازگشت.

۱- «در شب ۹ سپتامبر ۱۹۷۸، یک روز پس از کشتار بی‌رحمانه‌ی ۱۷ شهریور ماه، کارتر از محل «کمپ دیوید» با شاه تماس تلفنی برقرار کرد و حمایت کامل خود را از او اعلام کرد. ن.ک: لدین و لوئیس، کارتر و سقوط شاه، ص ۳۹.

۲- ن.ک: جرعه‌ی جاری، ص ۱۵۶: به گفته‌ی یکی از محققان غربی حقوق بشر کارتر نه شکل‌دهنده‌ی «اسب تراوای» کارتر در دربار شاه بود و نه عامل اصلی در بروز انقلاب به حساب می‌آمد. انقلاب اسلامی ایران دیر یا زود با حقوق بشر و یا بدون آن صورت می‌گرفت. ن.ک: همان، ص ۱۵۷.

شریعتی که فعالیت‌های سیاسی خود را در سال‌های پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با عضویت در شاخه‌ای از «نهضت مقاومت ملی» آغاز کرده بود، پس از بازگشت به ایران به عنوان استاد جامعه‌شناسی، فلسفه و معارف اسلامی در دانشگاه مشهد به تدریس پرداخت اما پس از مدتی از تدریس در دانشگاه ممنوع شد. وی توسط استاد مطهری به تهران دعوت شد و در حسینیه ارشاد با ایراد سخنرانی‌های پرشور به فعالیت خود ادامه داد. سرانجام، ساواک، حسینیه ارشاد را تعطیل کرد و دکتر شریعتی را دستگیر و زندانی کرد. پس از آزادی از زندان و تعطیلی حسینیه ارشاد به خارج از کشور عزیمت کرد و سرانجام در ۲۹ خرداد ۱۳۵۶ به طرز مشکوکی در لندن از دنیا رفت. سخنرانی‌ها و نوشته‌های او درباره‌ی اسلام و تشیع مورد استقبال قشر تحصیل‌کرده‌ی کشور قرار گرفت و نقش مهمی در رویکرد جوانان به تفکر اسلامی داشت. البته برخی از دیدگاه‌های او مورد انتقاد اصولی بعضی از متفکران و صاحب‌نظران قرار گرفت.

دولت آموزگار

شاه، برای نشان دادن هماهنگی خود با سیاست «حقوق بشر» مورد نظر کارتر، اعلام کرد که در کشور، فضای باز سیاسی ایجاد خواهد کرد؛ لذا در مرداد ۱۳۵۶، امیرعباس هویدا را برکنار و جمشید آموزگار را به نخست‌وزیری منصوب کرد.

به دنبال آن، اعلام شد که قانون محاکمه‌ی سریع مخالفان در دادگاه‌های سری نظامی لغو شده است و محاکمه‌هایی که در آن‌ها محکومان اغلب به تیرباران و زندان‌های طولانی محکوم می‌شدند، بعد از آن علنی خواهد بود. هم‌چنین با اعلام تشکیل «کمیسیون شاهنشاهی برای مبارزه با فساد»، رژیم به وجود فساد گسترده در دستگاه‌های دولتی، اقرار کرد.

رحلت آیت‌الله سیدمصطفی خمینی

در اول آبان ماه ۱۳۵۶، آیت‌الله سیدمصطفی خمینی، فرزند ارشد امام خمینی که به همراه ایشان در نجف در تبعید بود و نقش مؤثری در هدایت و هماهنگی مبارزه با رژیم داشت، به شکلی مشکوک درگذشت. امام خمینی این حادثه را از الطاف خفیه‌ی الهی خواندند. بر خلاف انتظار رژیم شاه مراسم ختم با شکوهی برای آن مرحوم در سراسر کشور برگزار شد. در این مجالس، سخنرانی‌های تندی علیه شاه صورت گرفت. با وجود ممنوعیت شدید نام بردن از آیت‌الله خمینی، این حادثه باعث شد تا بار دیگر به‌طور گسترده‌ای نام امام خمینی بر سر زبان‌ها بیفتد.



آیت الله سیدمصطفی خمینی

(۱۳۰۹ - ۱۳۵۶ ش)

سیدمصطفی خمینی، فرزند امام خمینی، در سال ۱۳۰۹ در قم به دنیا آمد.

او، علاوه بر مقام و درجه‌ای که در اجتهاد و فقه و اصول داشت، در علوم معقول و فلسفه و کلام نیز متبحر بود. سیدمصطفی خمینی همراه و همگام با پدر بزرگوارش، علیه استبداد مبارزه می‌کرد و در جریان تبعید امام خمینی به ترکیه و عراق در سال ۱۳۴۳، همراه پدر بود.

سیدمصطفی، یکی از فرزندگان و امید آینده‌ی اسلام بود. او تألیف‌های ارزشمندی در فقه و اصول و تفسیر قرآن مجید از خود برجا گذاشت و از قوت حافظه‌ی بسیار بالایی برخوردار بود.

سرانجام این عالم مجاهد، در اول آبان ۱۳۵۶، به‌طور ناگهانی و به طرز مشکوکی از دنیا رفت. معروف است که توسط عوامل رژیم پهلوی مسموم شد. پیکر او در نجف اشرف به خاک سپرده شد. از سخنان معروف مرحوم سید مصطفی خمینی این بود که «در راه آزادی کشته‌های بسیار خواهیم داد و بالاخره پیروزی ثمره پایداری است»^۱.

سفر کارتر به ایران و پیامدهای آن

در دی‌ماه ۱۳۵۶ رئیس‌جمهور آمریکا، کارتر، وارد تهران شد. چگونگی مراسم ضیافت شام، نحوه‌ی حضور اعضای خانواده‌ی سلطنت در آن و سخنان اغراق‌آمیز کارتر در ستایش از شاه، باعث تعجب همگان شد. خاصه آن که کارتر، ایران را «جزیره‌ی ثبات» در یکی از پرآشوب‌ترین نقاط جهان خواند.^۲

سرمستی شاه از تمجید کارتر و حمایت آمریکا و کشورهای غربی از حکومتش، موجب شد تا پس از پایان سفر کارتر، شاه، همان روز دستور دهد که مقاله‌ای شدیدالحن علیه امام خمینی نوشته شود. یک هفته پس از بازدید کارتر، مقاله‌ی معروف به «ایران و استعمار سرخ و سیاه» در روزنامه‌ی «اطلاعات»

۱- کوثر، ج ۱، ص ۲۹۶-۲۹۷.

۲- ن. ک: نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله‌ی ایران، ج ۲، ص ۵۸.



سینما رکس آبادان

روز هفدهم دی ماه ۱۳۵۶ به چاپ رسید. در آن مقاله، امام خمینی، به شدت مورد حمله و توهین قرار گرفته بود.^۱

قیام مردم قم و تبریز: انتشار مقاله‌ی اهانت آمیز در روزنامه‌ی «اطلاعات»، با واکنش فوری طلاب، روحانیون و مردم قم روبه‌رو شد. تظاهرات روز نوزدهم دی ماه، منتهی به حمله‌ی نیروهای نظامی به مردم شد که طی آن، چهارده نفر کشته و عده‌ی زیادی مجروح و جمعی از علما و روحانیون نیز دستگیر و تبعید شدند

اما دامنه‌ی اعتراض‌ها افزایش یافت. در بیست و نهم بهمن، در شهر تبریز برای شهدای قم، مراسم «اربعین» (چهل‌م) برگزار شد و ارتش، مردم را به گلوله بست.^۲ در یزد نیز به مناسبت برگزاری چهل‌م شهدای تبریز، این اتفاق تکرار شد و درگیری‌ها، شهر به شهر، ادامه یافت. در اصفهان و شهرضا حکومت نظامی اعلام شد و در مرداد ۱۳۵۷، سینما رکس آبادان در یک جنایت مهیب به آتش کشیده شد و ۴۷۷ نفر در آتش سوختند. مردم ساواک را عامل آتش‌سوزی می‌دانستند. سهل‌انگاری مسئولان رژیم در پیگیری موضوع و عدم رسیدگی مراکز امنیتی بر این باور صحه گذاشت.^۳

۱- کدی، ریشه‌های انقلاب اسلامی، ص ۳۵۷؛ هم‌چنین ن. ک: پارسوتز، غرور و سقوط، ص ۹۹ و ۲۱۶.

۲- اسناد انقلاب اسلامی واقعه‌ی تبریز، ج ۳، مقدمه کتاب ص ۷-۱.

۳- منصوری، سیر تکوینی انقلاب اسلامی، ص ۳۱۸.

فکر کنید و پاسخ دهید:

چرا قیام ۱۹ دی ماه نقطه‌ی عطف انقلاب اسلامی و سرآغاز حرکت خودجوش مردمی به شمار می‌رود؟

شریف امامی و ادامہ‌ی کشتارها



در پی فاجعه‌ی سینما رکس، آموزگار مجبور به استعفا شد و جعفر شریف امامی (از فراماسون‌های برجسته‌ی بنیاد پهلوی) با تظاهر به شعار آشتی ملی به نخست‌وزیری منصوب شد، اما او هم با طرح تغییر سیاست‌های رژیم توانست از گسترش اعتراضات جلوگیری کند.

تظاهرات گسترده‌ی مردم تهران که پس از اقامه‌ی نماز در عید فطر (۱۳ شهریور ۱۳۵۷) به امامت آیت‌الله مفتوح برگزار شد، وحشت شاه، دولت و آمریکا را افزایش داد؛ چرا که نمایش عظیمی از اتحاد و قدرت مردم بود.^۱

عظمت راهپیمایی روز عید فطر سبب شد که آمریکا، شاه و دولت، چاره را در اقدام به برقراری «حکومت نظامی» و توسل به خشونت گسترده ببینند.

سه روز بعد حدود ۵۰۰ هزار نفر از مردم تهران، با شعارهای «مرگ بر شاه»، «آمریکایی برو بیرون»، «حسین سرور ماست، خمینی رهبر ماست»، هم‌چنین شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» که برای اولین بار سرداده می‌شد، راهپیمایی کردند. در پایان آن راهپیمایی مقرر شد، فردا تظاهرات در میدان ژاله (شهدا) برگزار شود، اما در اخبار رادیویی ساعت ۲۴ (نیمه‌شب)، در حالی که اکثر مردم در خواب بودند، در تهران و یازده شهر دیگر، حکومت نظامی اعلام شد.^۲

صبح هفده شهریور مردم به خیابان‌ها آمدند، در تهران، هزاران نفر، در میدان شهدا، اجتماع کردند. نظامیان و کماندوها نتوانستند مردم را متفرق کنند و به اعتراف یک خبرنگار خارجی: «با مسلسل تانک‌ها،

۱- کیهان، ۱۴ شهریور ۱۳۵۷.

۲- آن یازده شهر عبارت بودند از قم، تبریز، اصفهان، مشهد، شیراز، جهرم، کازرون، قزوین، کرج، اهواز و آبادان.



آن‌ها را به گلوله بستند. هلی‌کوپترها (نیز) برای متفرق کردن مردم، از مسلسل و مواد تخریبی استفاده کردند و منظره، به میدان «اعدام دسته جمعی» شباهت داشت.^۱ پس از این کشتار گسترده، کارتر، طی پیامی، از شاه اعلام پشتیبانی و از اقدام‌های او در راه بازگرداندن نظم، حمایت کرد، اما در درون کاخ سفید بر سر چگونگی مقابله با انقلاب اسلامی اختلافات جدی وجود داشت. شورای

امنیت ملی معتقد به کشتار گسترده‌ی مردم، و وزارت امور خارجه در صدد نفوذ در انقلاب بود و این اختلاف سبب سردرگمی کارتر و شاه در سرکوب مردم و انقلاب اسلامی شده بود.

بیش‌تر بدانید

احیای تفکر دینی و بیداری اسلامی

اسلام سیاسی به کمک آرای امام خمینی، که مشخصاً با انتشار کتاب «کشف‌اسرار» در سال ۱۳۲۳ ش. انتشار یافت، رفته‌رفته به صورت رکن کلیدی فعالیت و رقابت سیاسی درآمد و طی دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ تا سال ۱۳۵۷ به ایدئولوژی برتر و برگزیده تبدیل گردید که قادر شد به توده‌ها هویت و مشروعیت بدهد و آن‌ها را جذب و بسیج نماید. هم‌چنین الگوی عقیدتی «ولایت فقیه» در دیدگاه امام خمینی، روند نوسازی و احیای اندیشه دینی و بیداری اسلامی را رونق بخشید. گروهی از فعالان سیاسی و بخشی از جنبش دانشجویی این اندیشه را همراهی و تقویت کردند. هم‌گرایی و وحدت نظر گروه غیر روحانی جنبش بیداری با روحانیان، برای اثبات سازگاری دین اسلام با پیشرفت علوم و فنون و تمدن جدید بود.

در گفت‌وگو با احیای تفکر دینی و بیداری اسلامی اندیشه‌های امام خمینی و فرهنگ ایرانی – اسلامی، جایگاه مرکزی داشت که می‌توان برای تبیین آن اصطلاح «معنویت‌گرایی در سیاست» و «بازگشت به خویشتن انسان مسلمان ایرانی» را به کار برد.^۲

۱- نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله‌ی ایران، ج ۲، ص ۹۲.

۲- قزلسفلی، «امام خمینی، گفت‌وگو با چالش با گفت‌وگوهای غالب»، (مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی تبیین انقلاب اسلامی)

ج ۲، ص ۲۵۲ و ۲۶۰-۲۶۱.

پرسش‌های نمونه

- ۱- شاه برای هماهنگی با برنامه‌ی حقوق بشر کارتر، در سال ۱۳۵۶ چه تغییر و تحولاتی در ایران ایجاد کرد؟
- ۲- برگزاری مجالس ختم سیدمصطفی خمینی چه پیامدی به دنبال داشت؟
- ۳- انتشار مقاله‌ی توهین‌آمیز روزنامه اطلاعات در هفدهم دی ۱۳۵۶، چه واکنش‌هایی در جامعه ایجاد کرد؟
- ۴- عکس‌العمل دولت آمریکا را نسبت به کشتار مردم ایران در ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ توضیح دهید.

اندیشه و جست و جو

- ۱- در مورد واقعه‌ی سینما رکس آبادان مطلبی تهیه کنید.
- ۲- در مورد حادثه‌ی هولناک ۱۷ شهریور مطلبی تهیه کنید.

پیروزی انقلاب اسلامی

در این درس با هجرت امام خمینی به پاریس و تسریع روند انقلاب، روی کار آمدن دولت ازهاری، تظاهرات عاشورا، فرار شاه، نخست وزیری بختیار، بازگشت امام خمینی به ایران و پایان سلطنت پهلوی، اعلام تشکیل دولت موقت و پیروزی انقلاب اسلامی آشنا می شوید.

هجرت امام خمینی به پاریس

با روزافزون شدن تظاهرات مردمی در ایران، رژیم عراق در پی یک توافق محرمانه با شاه و هماهنگی با آمریکا، اقدام به اخراج امام خمینی از آن کشور کرد. امام در سیزدهم مهر ۱۳۵۷ به طرف کویت رفت. اما دولت کویت اجازه‌ی ورود به وی نداد. این درحالی بود که عراق نیز به امام، اجازه‌ی بازگشت نمی داد. در نتیجه امام خمینی و همراهانش، در پانزده مهر ۱۳۵۷ به فرانسه رفتند، ولی رئیس جمهور فرانسه، به



محل اقامت امام در پاریس، مرکز تجمع دانشجویان و ایرانیان ساکن آنجا بود.

محض اطلاع از ورود غیرمنتظره‌ی امام خمینی، نظر شاه را در این باره جویا شد و بعد به امام اجازه‌ی اقامت داد.^۲ تصور شاه و آمریکا این بود که دور شدن امام خمینی از ایران، سبب جدایی وی از جریان انقلاب خواهد شد اما شرایط بهتر ارتباطات در فرانسه، به کمک رهبری انقلاب آمد. از آن پس، تماس‌ها راحت‌تر و پیام‌ها بیش‌تر شد.

۱- نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله‌ی ایران، ج ۲، ص ۱۰۲.

۲- زیسکارستن، «قدرت و زندگی»، ص ۱۱۵.

تشکیل دولت نظامی از هاری

در سیزدهم آبان ۱۳۵۷، جمع زیادی از دانشجویان و دانش‌آموزان تظاهرکننده، در دانشگاه تهران، توسط نیروهای نظامی و انتظامی به شهادت رسیدند. پخش صحنه‌هایی از این ماجرا در تلویزیون، احساسات مردم را برانگیخت. به دنبال آن، شریف‌امامی از نخست‌وزیری برکنار و ارتشبد از هاری، به جای او منصوب شد اما در همان روز، مجدداً در تهران تظاهراتی شدیدتر برگزار گردید و طی آن، بخشی از سفارت انگلیس به آتش کشیده شد. در روز پانزدهم آبان، شاه طی سخنانی، اعتراف کرد که «پیام انقلاب ملت ایران» را شنیده است و سوگند یاد کرد که خطاها و فساد و ظلم و بی‌قانونی، دیگر تکرار نخواهد شد.^۱

از هاری، در اولین اقدام برای ایجاد کاهش ناراضیتی و برقراری آرامش، جمعی از سران بدنام رژیم پهلوی، نظیر امیرعباس هویدا، نخست‌وزیر سابق و ارتشبد نصیری، رئیس سابق ساواک را دستگیر کرد اما امام خمینی به مردم ایران هشدار داد این اقدامات ظاهری و فریب کارانه است.^۲

برگی از تاریخ

آیت‌الله سید محمود طالقانی (۱۲۹۸-۱۳۵۸ ش)



آیت‌الله طالقانی از ابتدای نوجوانی به تحصیل علوم دینی پرداخت. وی از دوره‌ی رضاشاه وارد فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی شد. اوج مبارزات او در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷ بود. در این سال‌ها چندبار دستگیر و زندانی شد. مسجد هدایت در تهران که آیت‌الله طالقانی امام جماعت آن را برعهده داشت، یکی از مراکز مهم روشنگری مردم علیه رژیم ستم‌شاهی بود. این مجاهد خستگی‌ناپذیر، در آستانه‌ی پیروزی انقلاب اسلامی از زندان آزاد شد و کمی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان نخستین امام جمعه‌ی تهران از سوی امام خمینی انتخاب شد ولی در سال ۱۳۵۸ درگذشت. امام خمینی در پیامی به مناسبت رحلت آیت‌الله طالقانی، از او به عنوان «ابوذر زمان» یاد کردند.

۱- اطلاعات، ۱۶/۸/۱۳۵۷.

۲- کوثر، ج ۲، ص ۱۶۰ و ۱۶۹.

تظاهرات گسترده‌ی مردم، در داخل کشور، با هماهنگی‌های شخصیت‌هایی چون آیت‌الله مطهری، آیت‌الله طالقانی، آیت‌الله دکتر بهشتی، آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، آیت‌الله مهدوی‌کنی و دیگر علما و روحانیون شاخص تهران و شهرستان‌ها، هم‌چنین شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی مسلمان و سایر گروه‌ها هم‌چنان ادامه داشت اما قدرت تعیین‌کننده، رهبری امام خمینی بود.^۱

سران گروه‌های سیاسی و روحانیون برجسته و مبارز، مانند آیت‌الله بهشتی و آیت‌الله مطهری، برای هماهنگی مبارزات به ملاقات امام خمینی به پاریس شتافتند.

تظاهرات عاشورا: استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی

یکی از فرازهای مهم و سرنوشت‌ساز انقلاب اسلامی تظاهرات و راهپیمایی تاریخی مردم در عاشورای سال ۱۳۵۷ است. با آغاز ماه محرم، امام خمینی با صدور پیامی که برخاسته از ماهیت و فلسفه‌ی قیام عاشورا بود،^۲ مردم را به راهپیمایی در این روز بزرگ دعوت کردند.^۳ با وجود برقراری حکومت نظامی، مردم در اولین شب محرم به خیابان‌ها آمدند اما رژیم، عذاران حسینی را به گلوله بست. کشتار بی‌رحمانه‌ی مردم در جنوب تهران و سایر شهرهای کشور زمینه را برای راهپیمایی عظیم تاسوعا و عاشورا فراهم کرد.^۴ جمعیتی که در تهران با نظمی شگفت‌آور به سوی میدان آزادی حرکت کردند، حدود ۴ میلیون نفر و در سراسر کشور بالغ بر ۱۶ میلیون نفر برآورد شده است.^۵ این راهپیمایی عظیم سراسری ناظران خارجی را شگفت‌زده کرد؛ به گونه‌ای که در ظهر عاشورای ۱۳۵۷ تحلیل‌گران مسائل سیاسی و خبرگزاری‌های مختلف جهان عمر حکومت شاهنشاهی را در ایران پایان یافته تلقی کردند.^۶ مردم در این تظاهرات که به منزله‌ی یک فراندوم (همه‌پرسی) بود، خواستار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی شدند.^۷ عظمت و گستردگی تظاهرات این دو روز و نظم و انسجام آن‌ها، وحشت شاه

۱- نجاتی، همان مأخذ، ص ۱۷۷.

۲- محرم ماهی است که باید مشت‌گره کرده آزادخواهان و استقلال‌طلبان و حق‌گویان بر تانک‌ها و مسلسل‌ها و جنود ابلیس غلبه کند و کلمه حق، باطل را محو نماید. صحیفه نور، ج ۳، ص ۲۲۵ و ۲۲۶.

۳- کوثر، ج ۲، ص ۴۸۰.

۴- موحد، دو سال آخر، ص ۲۳۳؛ دوانی، نهضت روحانیون ایران، ج ۲، ص ۳۳-۳۵.

۵- کوثر، ج ۲، ص ۴۸۰؛ منصوری، سیر تکوینی انقلاب اسلامی، ص ۳۳۰.

۶- کوثر، ج ۲، ص ۴۸۱.

۷- برخی از شعارهای محوری مردم در سراسر ایران این بود: فراندوم عاشورا، پیام ما به دنیا. الغای شاهنشاهی، حکومت اسلامی. این شاه‌آمریکایی اخراج باید گردد. حکومت اسلامی ایجاد باید گردد. امام خمینی پس از این راهپیمایی بار دیگر تأکید کرد که سلطنت شاه قانونی نیست. صحیفه نور، ج ۴، ص ۵۵.

و آمریکا را بیش از پیش کرد.^۱

قطعه‌نامه‌ی راهپیمایی روز عاشورا که توسط آیت‌الله بهشتی قرائت شد، تأکیدی مجدد بر سرنگونی نظام سلطنتی، بازگشت امام خمینی به کشور و تشکیل جمهوری اسلامی و هم‌چنین دعوت از ارتش، برای پیوستن به مردم بود.

نخست‌وزیری بختیار: در چنین شرایطی ارتشبد از هاری، کناره‌گیری کرد و شاپور بختیار، از اعضای جبهه‌ی ملی به نخست‌وزیری منصوب شد، اما اختلاف نظر میان دستگاه‌های سیاست‌گذار آمریکا، شرایط را برای کارتر و شاه وخیم‌تر کرده بود. شورای امنیت ملی آمریکا به دنبال اجرای کودتا و به راه انداختن جوی خون در ایران بودند اما کارتر، وزارت امور خارجه و سازمان سیا، به فکر فریب مردم، از طریق جای‌گزینی بختیار به جای شاه و سوار شدن بر موج انقلاب بودند.

بیش‌تر بدانید

ارتشبد حسین فردوست در خاطرات خود می‌گوید: هنگامی که تظاهرات عظیم تاسوعا و عاشورا پیش آمد، محمدرضا و از هاری با هلیکوپتر (چرخ‌بال) تمام سطح شهر را بازدید کردند. محمدرضا خطاب به از هاری گفت: «همه‌ی خیابان‌ها مملو از جمعیت است پس موافقین من کجا هستند؟» از هاری پاسخ داد: «در خانه‌هایشان». آخرین امید محمدرضا به یأس بدل شد و گفت: «پس فایده‌ی ماندن من در این مملکت چیست؟» از هاری پاسخ داد: «این بسته به نظر خودتان است».^۲

فرار شاه

با بسته شدن همه‌ی راه‌ها و دست‌آویزها برای باقی ماندن شاه در کشور، اهتمام عمده‌ی آمریکا بر حفظ ساختار ارتش قرار گرفت. به همین دلیل، ژنرال رابرت هایزر، معاون نیروهای آمریکا در اروپا، در دی‌ماه ۱۳۵۷ به ایران فرستاده شد.

وظیفه‌ی ژنرال هایزر، هماهنگی با سران ارتش، برای حمایت از دولت بختیار و در صورت لزوم، انجام کودتای نظامی علیه انقلاب و حفظ مراکز راهبردی مورد نظر آمریکا بود. تلاش آمریکا برای غلبه بر تظاهرات مردمی و ایجاد تفرقه در بین نیروهای انقلابی به نتیجه نرسید و مردم هم‌چنان خواستار سقوط سلطنت و برقراری حکومت «جمهوری اسلامی» بودند.

۱- یکی از مقامات آمریکا بعد از این راهپیمایی اعلام کرد: «آن‌چه در ایران روی می‌دهد، یک تراژدی برای غرب است». موحد،

دوسال آخر، ص ۲۳۸.

۲- فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، ص ۵۸۹-۵۹۰.

به دستور امام خمینی، «شورای انقلاب اسلامی» تشکیل شد و موظف گردید به بررسی چگونگی تشکیل دولت موقت، نحوه‌ی انتقال قدرت و فراهم کردن مقدمه‌های تصویب قانون اساسی جدید بپردازد.

روز بیست و ششم دی‌ماه، محمدرضا شاه و همسرش، پس از تشکیل شورای سلطنت، از ایران گریختند. با این که قرار بود شاه به آمریکا برود، کارتر با فریب‌کاری، او را به مصر فرستاد. به دنبال اعلام خبر فرار شاه از رادیو، جشن و سروری بی‌سابقه در سراسر کشور برپا شد. مردم با ریختن به خیابان‌ها، پخش نقل و شیرینی، روشن کردن چراغ اتومبیل‌ها به شادی و شکرگزاری پرداختند.

تظاهرات اربعین و بازگشت امام خمینی

با فرار شاه، تظاهرات در شهرهای مختلف ادامه یافت. در پاره‌ای از شهرها، عوامل رژیم، مردم را به گلوله بستند. شاپور بختیار که تصور می‌کرد پس از رفتن شاه، قدرت اصلی در ایران شده است، به دنبال تحقق آرزوهای خام خود بود.

امام خمینی از نظامیان خواست پادگان‌ها و خدمت در ارتش شاه را ترک کنند. در پی آن فرار افسران و سربازان از پادگان‌ها، سرعت گرفت. در راهپیمایی عظیم و تاریخی روز اربعین حضرت سیدالشهدا (ع)، مصادف با بیست و نهم دی‌ماه ۱۳۵۷، مردم، بار دیگر نفرت خود از حکومت پهلوی و درخواستشان را برای استقرار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» تکرار کردند. امام خمینی اعلام کرد که به زودی به ایران بازخواهد گشت تلاش‌های آمریکا و بختیار برای به تعویق انداختن سفر وی به نتیجه نرسید.

سیدجلال‌الدین تهرانی که در غیاب شاه به عنوان رئیس «شورای سلطنت» تعیین شده بود، در اولین جلسه، ضمن اشاره به غیرقانونی اعلام شدن آن از سوی امام، از ریاست و عضویت خود در شورای مذکور استعفا داد. او با وجودی که عملاً جانشین شاه شده بود، ملاقات با امام خمینی را بر آن ترجیح داد؛ زیرا پیش شرط ملاقات با امام خمینی، استعفای او از عضویت در آن شورا بود. به این ترتیب، شورای سلطنت، عملاً از هم پاشید.

بیش‌تر بدانید

ویلیام سولیوان آخرین سفیر آمریکا در خاطرات خود می‌گوید: فعالیت‌های من و سفارت آمریکا برای حفظ منافع ملی آمریکا بود. من با پیش‌بینی این احتمال که شاه قدرت خود را از دست بدهد و یا از صحنه خارج شود، می‌بایست زمینه‌ای برای ادامه‌ی حضور آمریکا در صحنه، در صورت چنین پیشامدی فراهم سازم و از فرصت‌طلبی شوروی‌ها برای سوءاستفاده از این انقلاب جلوگیری به‌عمل آورم. در اواخر دسامبر برای من تردیدی باقی نماند که حفظ شاه بر سریر قدرت امکان‌پذیر نیست و ما باید به‌طور جدی آماده‌ی انطباق خود با شرایط بعد از رفتن شاه باشیم.

سوم ژانویه ۱۹۷۹ پیامی دریافت کردم که در آن گفته شده بود، نزد شاه بروم و به او بگویم به نظر دولت آمریکا، مصالح ایجاب می‌کند که شاه از کشور خارج شود. شاه به سخنان من گوش کرد و با لحنی کم و بیش ملتسمانه، گفت: «خیلی خوب! اما کجا باید بروم؟»

گفتم: «ملک شخصی شما، در سوئیس».

گفت: «امنیت ندارد». بعد گفت: «ما در انگلستان ملکی داریم ولی هوای آن‌جا خیلی بد است».

بعد گفتم: «آیا میل دارید ترتیب مسافرت شما را به آمریکا بدهم؟»

شاه یک مرتبه از جای خود بلند شد و با هیجانی شبیه حرکت یک پسر کوچک، گفت: «آه:

شما این کار را برای من می‌کنید؟!»



به‌رغم تلاش‌های آمریکا، دولت بختیار و مخالفان غیرمذهبی حکومت شاه برای جلوگیری از ورود و یا به‌عقب‌انداختن بازگشت امام خمینی^۲ به میهن و هم‌چنین با وجود احتمال سوءقصد به جان وی،^۳ امام در دوازدهم بهمن ۱۳۵۷، در میان عظیم‌ترین استقبال تاریخی، به ایران بازگشت.^۴ ایستادن امام خمینی بر پله‌های هواپیما در فرودگاه مهرآباد، نماد خاتمه یافتن دوران استیلای بیگانگان بر کشور و آغاز عصر جدیدی در تاریخ سیاسی ایران بر پایه‌ی استقلال و احیای ارزش‌های اسلامی و ملی بود.

۱- سولیوان و پارسونز، خاطرات دو سفیر، ص ۲۰۹ و ۲۱۰.

۲- اعترافات ژنرال، ص ۲۰۸ و ۲۲۶. ژنرال هایزر در خاطرات خود می‌گوید: «خطر القوه‌ی اصلی که به فاجعه‌ای برای آمریکا منجر می‌شد، بازگشت سریع [امام] خمینی به ایران بود». هایزر، مأموریت در تهران، ص ۱۷۶-۱۷۸.

۳- فردوست می‌گوید: «در نخست‌وزیری طرح انفجار هواپیمای امام نیز مطرح شد». فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی،

ج ۱، ص ۶۰۷.

۴- جهت اطلاع از جزئیات بازگشت امام خمینی به وطن ن. ک: کوثر، ج ۲، ص ۴۲۴-۶۳۳ و ج ۳، ص ۲۷-۲۸.



امام در سخنرانی خود در بهشت زهرا در همان روز، ضمن تسلیت گفتن به خانواده‌ی شهدا، درباره‌ی مشروعیت نداشتن رژیم پهلوی سخنرانی ایراد کرد. رهبر انقلاب، با بیان این که نظام سلطنت، به دلیل دخالت نداشتن مردم در تعیین سرنوشت خود و فساد شاهان موروثی، خلاف عقل بشری است، اعلام کرد: «من به پشتیبانی این ملت، دولت تعیین می‌کنم. ما نمی‌گذاریم ذلت‌های سابق، اعاده شود».^۱

اعلام تشکیل دولت موقت

با پیشنهاد شورای انقلاب، مهندس مهدی بازرگان، به‌عنوان نخست‌وزیر دولت موقت، انتخاب شد و خبر آن، در شانزدهم بهمن ماه، رسماً به اطلاع مردم رسید.

در پی آن، امام خمینی از مردم خواست تا با برگزاری تظاهراتی آرام، از دولت بازرگان، حمایت کنند اما شاپور بختیار، در همان روز، طی اقدامی خیانت‌آمیز، قرارداد تحویل تجهیزات نظامی قبلاً خریداری شده از آمریکا به ارزش هفت میلیارد دلار را لغو کرد. با توجه به این که وجه این قرارداد قبلاً پرداخت شده بود، با این اقدام بختیار، کل این مبلغ نیز به جیب آمریکا رفت.^۲

در این زمان درگیری میان نیروهای ارتش، آغاز شده بود. بسیاری از سربازانی که مجبور به تیراندازی به طرف مردم بودند، سلاح خود را به طرف فرماندهان‌شان نشانه می‌گرفتند، یا از میدان درگیری می‌گریختند.

۱- کوثر، ج ۳، ص ۱۳.

۲- «اطلاعات»، ۱۳۵۷/۱۱/۱۶.

تلاش برای کودتا و پیروزی انقلاب اسلامی

با شدت گرفتن درگیری‌ها، ساعت حکومت نظامی در تهران ۷/۵ ساعت طولانی‌تر شد. چرا که با تلاش ژنرال هایزر آمریکایی، فرماندهان نظامی، در صدد کودتا بودند تا با دستگیری امام خمینی و سایر شخصیت‌ها، انقلاب را شکست دهند.^۱

امام خمینی در همان روز اعلام کرد: «... اعلامیه‌ی امروز فرماندار نظامی، خدعه و خلاف شرع است و مردم به هیچ‌وجه به آن اعتنا نکنند. برادران و خواهران عزیزم، هراسی به خود راه ندهند؛ بلکه به خواست خدا، حق، پیروز است».^۲

اگر امام خمینی با مواضع قاطعانه‌ی خود کودتایی را که در شرف وقوع بود، خنثی نمی‌ساخت، حادثه‌ی خونینی روی می‌داد.

با صدور اعلامیه‌ی امام خمینی در ۲۱ بهمن ماه، مردم از نیروی هوایی که لشکر گارد شاهنشاهی به آن حمله کرده بود، حمایت کردند. در مدت کوتاهی با مشارکت وسیع زنان و مردان در سراسر کشور، مراکز حساس به تصرف مردم درآمد و پایگاه‌های رژیم یکی پس از دیگری سقوط کرد. با مشاهده‌ی این وضع، شورای فرماندهان ارتش، طی اطلاعیه‌ای، بی‌طرفی خود را اعلام کرد.^۳



۱- هایزر، مأموریت در تهران، ص ۳۴۴-۳۴۷؛ برژینسکی، توطئه در ایران، ص ۱۵۳-۱۵۷؛ متن مذاکرات سران ارتش، مثل برف

آب خواهیم شد، ص ۱۶-۱۸.

۲- اطلاعات، ۱۳۵۷/۱۲/۲۲.

۳- ن. ک: کوثر، ج ۳، ص ۲۹۸ و ۳۳۳.

سرانجام رژیم سلطنتی شاه که ایران را تا مرز یک کشور مستعمره و تحت سلطه‌ی آمریکا پیش برده بود، در بیست و دوم بهمن ماه ۱۳۵۷ به‌طور کامل سقوط کرد و مردم با شنیدن صدای انقلاب از رادیو در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ با سرور و شادی وصف ناپذیری پایان پادشاهی و طلیعه‌ی انقلاب اسلامی را جشن گرفتند. پیروزی انقلاب اسلامی ایران حادثه‌ی بزرگی بود که حیرت جهانیان را برانگیخت و حادثه‌ی بزرگ قرن نام گرفت.

پرسش‌های نمونه

- ۱- هجرت امام خمینی به پاریس چه پیامدهایی را در پی داشت؟
- ۲- از هاری برای برقراری آرامش به چه اقداماتی دست زد؟
- ۳- دولت آمریکا در دوره‌ی نخست‌وزیری بختیار چه سیاستی نسبت به ایران اتخاذ کرد؟
- ۴- چرا برپایی تظاهرات عاشورا به منزله یک همه‌پرسی عمومی تلقی شد؟
- ۵- دولت موقت چگونه شکل گرفت؟

اندیشه و جست‌وجو

— آمریکا در جریان انقلاب اسلامی یکی از مأموران خود را به نام ژنرال‌هایزر به ایران اعزام کرد. در مورد مأموریت‌هایزر در ایران مطلبی تهیه کنید.

دولت موقت مهندس مهدی بازرگان

در این درس با مهم‌ترین رویدادهای مربوط به استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران مانند برگزاری همه‌پرسی تعیین نظام سیاسی، تأسیس نهادهای انقلابی، تدوین و تصویب قانون اساسی و همچنین توطئه‌های آمریکا و ضدانقلاب داخلی آشنا می‌شوید.

مهندس مهدی بازرگان که در پانزدهم بهمن ماه ۱۳۵۷ به پیشنهاد شورای انقلاب، از طرف امام خمینی به نخست‌وزیری منصوب شده بود، با استقرار در ساختمان نخست‌وزیری، کار خود را آغاز کرد. امام خمینی در حکم خود، علاوه بر شرط «در نظر نگرفتن روابط حزبی و گروهی»، چهار وظیفه برای دولت موقت تعیین کرد:^۱

۱- اداره‌ی امور مملکت

۲- اجرای رفراندوم درباره‌ی تعیین نظام سیاسی کشور

برگی از تاریخ



مهندس مهدی بازرگان

(۱۲۸۷-۱۳۷۳ ش)

مهندس بازرگان در سال ۱۲۸۷ش در تبریز متولد شد و پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه در تهران، برای ادامه‌ی تحصیل به فرانسه رفت و پس از گذراندن تحصیلات خود در رشته‌ی

۱- دوانی، نهضت روحانیون ایران، ج ۶، ص ۲۲۴.

مهندسی ترمودینامیک و بازگشت به ایران، به تدریس در دانشگاه تهران مشغول شد. وی فعالیت سیاسی خود را در جبهه‌ی ملی آغاز کرد. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ از جمله مؤسسان نهضت مقاومت ملی بود و به همین علت در سال ۱۳۳۴ دستگیر و زندانی شد. در سال ۱۳۴۰ به همراه دکتر یدالله سبحانی و آیت‌الله طالقانی نهضت آزادی ایران را تأسیس کردند و در دی‌ماه ۱۳۴۱ نیز همراه با دیگر سران نهضت آزادی دستگیر و تا سال ۱۳۴۶ در زندان به سر برد. وی اندیشه‌های خود را در کتاب‌های متعدد به رشته‌ی تحریر درآورده است. مهندس بازرگان از پایه‌گذاران روشنفکری دینی در ایران است. وی در روشن نگه داشتن مشعل مبارزه علیه رژیم پهلوی تلاش ارزنده‌ای کرد. مهندس بازرگان در زمان اوج انقلاب اسلامی از سوی امام خمینی به عنوان نخست وزیر دولت موقت تعیین شد و در سال ۱۳۷۳ به دیار باقی شتافت.

۳- تشکیل مجلس منتخبان مردم برای تدوین و تصویب قانون اساسی

۴- برگزاری انتخابات مجلس نمایندگان ملت، طبق قانون اساسی جدید

امام خمینی ضمن اعلام حمایت جدی از مهندس بازرگان، دولت وی را دولتی «شرعی» معرفی کرد و از مردم خواست که از آن حمایت کنند.^۱ همزمان به فرمان امام خمینی، تمامی اعتصاب‌ها شکسته شد و همه به سر کار خود بازگشتند و عصری جدید از کار و تلاش و سازندگی آغاز شد. مهندس بازرگان در بیست و پنجم بهمن ۱۳۵۷ کابینه‌ی خود را که تقریباً همگی از اعضا یا طرفداران نهضت آزادی و جبهه ملی بودند، معرفی کرد.

برگزاری همه‌پرسی تعیین نظام سیاسی ایران

با آن‌که مردم ایران در «تظاهرات» چندمیلیونی خود، با شعارهای «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» مدل نظام سیاسی آینده‌ی کشور را تعیین کرده بودند، امام خمینی مصمم بود که با انجام یک همه‌پرسی ملی، در همان روزهای اول انقلاب، نوع حکومت جدید ایران را مشخص و تثبیت کند.

با برگزاری همه‌پرسی اکثریت ۹۸/۲٪ کلیه‌ی کسانی که حق رأی داشتند، به «جمهوری اسلامی»

رأی دادند.^۲

۱- کوثر، ج ۲، ص ۲۴۶؛ ن. ک: استمپل، درون انقلاب ایران، ص ۲۴۳-۲۴۴؛ کدی، ریشه‌های انقلاب اسلامی ایران، ص ۳۵۶.

۲- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل اول.

تدوین و تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

پس از تعیین جمهوری اسلامی به عنوان نظام سیاسی کشور در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸، امام خمینی، طی فرمانی، از دولت موقت خواستار برگزاری انتخابات برای تشکیل «مجلس خبرگان»، و تدوین و تصویب قانون اساسی شد. این مجلس با انتخاب هفتاد و دو نماینده، توسط مردم، در مردادماه ۱۳۵۸ تشکیل شد.

مجلس خبرگان، قانون‌های اساسی کشورهای مختلف غربی و اسلامی را بررسی کرد و با توجه به قانون اساسی سابق کشور و مباحثات فقهی و اسلامی، هم‌چنین نظریات نمایندگان گروه‌های مختلف سیاسی و فکری، تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را آغاز کرد.^۱

با جدی شدن تصویب اصول مربوط به «ولایت فقیه»، مخالفت‌ها با مجلس خبرگان از سوی مخالفان، بیش‌تر شد. اما امام خمینی، مردم و نیروهای انقلابی، به دفاع از اصل مذکور پرداختند و آن را «ضد دیکتاتوری» و «مخالف استبداد» دانستند.^۲

بر اساس قانون اساسی جدید، در اسفند ۱۳۵۸ شورای نگهبان^۳ تشکیل شد تا علاوه بر تشخیص عدم مغایرت و تعارض مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام و قانون اساسی، بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی نظارت و از آرای مردم پاسداری کند.^۴

تأسیس نهادهای انقلابی

بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی، امام خمینی با درایت و تیزبینی کامل فرمان تشکیل نهادهای انقلابی را یکی پس از دیگری صادر کردند. به همین منظور کمیته‌ی انقلاب اسلامی با هدف برقراری نظم و امنیت شکل گرفت. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج مستضعفان برای دفاع از کشور و ارزش‌های انقلاب اسلامی به‌وجود آمدند. به منظور سازندگی و رفع محرومیت از روستاها جهادسازندگی تأسیس شد. هم‌چنین کمیته‌ی امداد امام خمینی به قصد دستگیری از محرومان و نهضت سوادآموزی برای کاهش نرخ بالای بی‌سوادی در ایران، فعالیت خود را آغاز کردند.

۱- در بیست و چهارم آبان ماه ۱۳۵۸ مجلس خبرگان، قانون اساسی را از تصویب نهایی گذراند. این قانون، در یازدهم و دوازدهم آذرماه به همه‌پرسی گذاشته شد، و با ۹۹/۵ درصد آرای موافق شرکت‌کنندگان، به تصویب رسید.

۲- کوثر، ج ۱، ص ۷۶۷.

۳- شورای نگهبان متشکل از دوازده عضو است. شش نفر فقیه عادل و آگاه به مقتضیات زمان که توسط رهبر انقلاب منصوب می‌شوند و شش نفر حقوقدان که با معرفی رئیس قوه‌ی قضائیه و انتخاب نمایندگان مجلس شورای اسلامی به عضویت آن شورا در می‌آیند.

۴- قانون اساسی وظایف و مسئولیت‌های مهم دیگری از جمله تفسیر قانون اساسی را بر عهده‌ی شورای نگهبان نهاده است.

اوضاع داخلی کشور، در زمان دولت موقت

هرچند دولت موقت برآمده از شرایط انقلاب کشور ایران بود اما اعضای آن قادر به بهره‌برداری از این شرایط نبودند. بی‌ارادگی و ناتوانی در تبعیت از روش انقلابی امام خمینی، موجب شد به تدریج بین دولت موقت و امام و یاران امام فاصله ایجاد شود.^۱ یکی از اعضای برجسته‌ی دولت موقت، اجرای احکام اسلام را غیرمفید اعلام کرد.

توطئه‌های آمریکا و گروهک‌های تروریستی ضدانقلاب

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، آمریکا یکی از پایگاه‌های امن خود را در خاورمیانه که ده‌ها هزار نفر از مستشارانش در آن مستقر بودند و از آن به نام «جزیره‌ی ثبات» نام برده می‌شد، از دست داد. آمریکا پیروزی انقلاب ایران را بزرگ‌ترین خطر برای خود تلقی می‌کرد و به توطئه‌چینی برای نابودی آن کمر بست. تضعیف، حذف و ترور اندیشمندان و متفکران دینی، یاران امام که از ارکان اصلی انقلاب اسلامی، تلقی می‌شدند، ایجاد گروه‌های سیاسی مخالف، حمایت از ساواکی‌ها، ایجاد آشوب در استان‌ها، حمله‌ی نظامی به طبرس، تحریم و محاصره‌ی اقتصادی، جنگ تبلیغاتی و شایعه‌پراکنی علیه انقلاب اسلامی، طراحی کودتا و جنگ تحمیلی هشت ساله، رؤس اصلی توطئه‌های آمریکا علیه ملت به پاخاسته‌ی ایران بود.

بهترین ابزار برای آمریکا، گروه‌های سیاسی مختلفی بودند که در سایه‌ی قیام مردم و رهبری امام خمینی فرصت خودنمایی یافته بودند. آنان در حرکت‌هایشان چنان راه افراط در پیش گرفتند که خود را وارثان اصلی انقلاب قلمداد کردند. این گروه‌ها، دولت موقت و شورای انقلاب را که به دستور امام خمینی تشکیل شده بود، به رسمیت نمی‌شناختند. در مقابل، با رواج شایعات دروغین، جامعه را به ورطه‌ی تردیدهای بزرگ و فتنه‌های ویرانگر می‌کشاندند.

گروه‌های مذکور با در پیش گرفتن خط مشی‌های مختلف، از جمله، با انتشار نشریه‌ها، بیانیه‌ها، پوسترها و شب‌نامه‌های گوناگون به نفی و رد دستاوردهای انقلاب اسلامی و سران آن پرداختند. هم‌چنین، با تشکیل دادن ستادها و کانون‌های عملیاتی و خانه‌های تیمی در دانشگاه‌ها، مدارس و حتی میدان‌ها و خیابان‌ها، به جذب جوانانی که با پیروزی انقلاب اسلامی شور سیاسی و طبع احساسی آنان به اوج خود رسیده بود، پرداختند و کشور را با یک بحران جدی مواجه ساختند.^۲

۱- سمعی، ظهور و سقوط دولت موقت، ص ۵۷ و ۲۱۸؛ برزین، زندگی‌نامه سیاسی بازرگان، ص ۲۹۵.

۲- ن. ک. : رضوی، هاشمی و انقلاب (تاریخ سیاسی ایران از انقلاب تا جنگ)، ص ۱۵۹-۱۶۱.

این گروه‌ها، خواهان انجام سه تغییر عمده در جریان انقلاب بودند: تغییر در ترکیب شورای انقلاب، مسلح کردن گروهک‌ها و انحلال ارتش.^۱ برآورده شدن این سه خواسته، زمینه را برای تسلط این گروهک‌ها بر کشور، فراهم می‌ساخت؛ زیرا از طریق نفوذ در شورای انقلاب که تصمیم‌های اساسی را در آن شرایط حساس و بحران‌زده می‌گرفت، آن‌ها می‌توانستند به عالی‌ترین نهاد انقلاب دست پیدا کنند و با دریافت سلاح و انحلال ارتش نیز، به هدف‌های خطرناک سیاسی خود دست می‌یافتند. اصلی‌ترین این گروهک‌ها حزب خلق مسلمان، در آذربایجان شرقی، («حزب دمکرات کردستان»، «حزب خلق عرب») در خوزستان و تشکل‌های مشابه در بلوچستان و ترکمن صحرا بودند.^۲

توطئه‌ی حزب خلق مسلمان در آذربایجان

حزب خلق مسلمان در تابستان ۱۳۵۸، همزمان با انتخابات مجلس خبرگان حمله به مراکز نظامی رسمی کشور را آغاز کرد.^۳ سردمداران حزب خلق مسلمان ابتدا تهدید کردند که انتخابات را تحریم خواهند کرد. پس از انجام انتخابات نیز به نتیجه‌ی آن اعتراض کردند.

چون این گروهک تلاش‌های علمای بزرگ تبریز از جمله شهید آیت‌الله مدنی را برای حفظ آرامش نادیده گرفت و به آشوب و اغتشاش ادامه داد^۴، امام خمینی طی یک سخنرانی فعالیت این حزب را قیام بر ضد اسلام و حکومت اسلامی برشمردند.^۵ به دنبال سخنرانی امام و افشا شدن اسنادی در خصوص رابطه‌ی سخنگوی حزب خلق مسلمان با آمریکا^۶، مردم مسلمان آذربایجان با حضور حماسی در صحنه، کار این گروهک را یکسره کردند و به فعالیت‌های تفرقه‌افکنانه و فتنه‌جویانه‌ی آن پایان دادند.

توطئه‌ی دشمن در کردستان

بارزترین نمونه‌ی آشوب‌های منطقه‌ای که توسط عوامل استکبار، به منظور تجزیه‌ی بخشی از میهن اسلامی طراحی شد، غائله‌ی کردستان بود. حزب دمکرات کردستان، مهم‌ترین جریان سیاسی آغازگر این

۱- در این زمان شیرازه‌ی ارتش از هم پاشیده بود و گروهک‌ها بر انحلال کامل آن اصرار می‌کردند تا به راحتی بر اوضاع مسلط شوند و با تشکیل دادن گروه‌های شبه نظامی سرنوشت جامعه را به دست بگیرند ولی امام خمینی بر بقای ارتش اصرار می‌کردند. ن. ک. به:

رضوی، هاشمی و انقلاب، ص ۱۶۳.

۲- پیشین، ص ۱۶۹-۱۷۶، استمیل، درون انقلاب ایران، ص ۲۹۰.

۳- ن. ک. به «کیهان»؛ ۱۳۵۸/۵/۳.

۴- همان، ۱۳۵۸/۹/۱۵.

۵- همان، ۱۳۵۸/۹/۱۹.

۶- رضوی، هاشمی و انقلاب، ص ۳۰۶.

بحران بود که ریشه‌ی آن، به جریان‌های مارکسیستی دهه‌ی ۱۳۲۰ کشور می‌رسید. با پیروزی انقلاب اسلامی، این حزب نیز مجدداً فعالیت سیاسی خود را آغاز کرد و کمونیست‌های داخل و خارج، از آن پشتیبانی کردند. به فاصله‌ی اندک، حزب کومله نیز اعلام موجودیت کرد. به موازات این حزب، حزب‌ها و گروه‌های دیگری نیز در کردستان شکل گرفت که ابتدا خواهان «خودمختاری» و سپس «استقلال» (تجزیه‌ی) کردستان شدند.

بیش‌تر بدانید

اقوام ایرانی

ایران کشوری با قومیت‌های متعدد است. در میان اقوام ایرانی اختلاف و تفاوت وجود دارد ولی به‌طور طبیعی کشمکش و نزاع قومی مشاهده نمی‌شود. دو عامل مهم در منازعات قومی ایران نقش دارند یکی سیاست‌های غلط دولت‌ها است که به اختلافات قومی و نزاع‌های داخلی دامن زده است و مهم‌تر از آن، مداخلات بیگانگان است. سیاست کشورهای استعماری در طول تاریخ معاصر همواره ایجاب کرده است که هرگاه منافع آن‌ها در راستای تضعیف قدرت حکومت مرکزی ایران بوده است، قدرت‌های محلی و اقوام ایرانی را بر علیه حکومت مرکزی تقویت کرده و هرگاه منافع آن‌ها در راستای تقویت حکومت مرکزی بوده به تضعیف اقوام ایرانی روی آورده است. بیگانگان بیش‌تر از ابزار قومیت‌گرایی برای ایجاد فشار بر روی دولت مرکزی و یا تحریک جدایی‌طلبانه برای از میان بردن وحدت و یکپارچگی ایران و سلطه‌گری بهره برده‌اند. حوادثی چون مسئله جدایی هرات از ایران در زمان ناصرالدین شاه، قوم‌ستیزی و تضعیف ایلات و عشایر در دوران رضاشاه، حوادث آذربایجان و کردستان در سال ۱۳۲۴ و غائله کردستان، ترکمن صحرا بلوچستان، خوزستان و آذربایجان پس از پیروزی انقلاب اسلامی نمونه‌هایی از مداخلات مستقیم و غیر مستقیم کشورهای سلطه‌گر به شمار می‌روند. با وجود این‌ها، اقوام ایرانی در حوادث مهم ملی مانند انقلاب مشروطیت، نهضت ملی شدن نفت، انقلاب اسلامی و دفاع مقدس مشارکت گسترده‌ای داشته‌اند و همواره در دفاع کیان ملی در برابر بیگانگان اتحاد و همبستگی داشته‌اند. عامل به هم پیوستگی و هم‌گرایی هویت‌های قومی و ملی در ایران که هم‌چون ریسمانی متعدد این سرزمین را در طول تاریخ به هم پیوند داده است، دین اسلام، زبان پارسی^۱، سرزمین و تاریخ مشترک و دیرین است. از این‌رو اقوام ایرانی هویت خود را در پرتو هویت ایرانی - اسلامی می‌یابند و آن را تقویت‌کننده هویت ملی می‌دانند. تجربه تاریخی هم‌چنین بیانگر این واقعیت است که رمز بقا و یکپارچگی ملی در کشورهای چند قومی در

۱- زبان پارسی زبان یک قوم نیست. بلکه زبانی فراگیر و ملی است که سیری تکوینی یافته. تاریخ و فرهنگی که با این زبان شکل گرفته است به همه ایرانیان تعلق دارد. بیش‌تر اقوام ایرانی علاوه بر حفظ زبان مادری خود، برای ارتباط با سایر هموطنان خود با لهجه و یا گویش‌های متنوع به زبان پارسی سخن می‌گویند.

رعایت عدالت و حقوق مساوی و احترام به همه اقوام است. اصل نوزدهم و بیستم قانون اساسی جمهوری اسلامی تأکید دارد که مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ و نژاد و زبان سبب امتیاز نخواهد شد. همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.^۱

از سوی دیگر، عوامل کشورهای غربی (در رأس همه آمریکا) و بلوک شرق (در رأس آن‌ها شوروی سابق) و عامل‌های آنان در منطقه مانند رژیم بعث عراق، با ارسال پول و اسلحه، به این غائله‌ها دامن می‌زدند.^۲ بنابراین، مسئله، تنها به چند گروه داخلی مربوط نمی‌شد. بلکه هدف، توطئه‌ای بود که از آذربایجان در شمال غربی تا خوزستان و حتی مناطق مرکزی و مرزهای شرقی را دربر می‌گرفت. همزمان، دولت عراق نیز بر تحرک‌های خود در منطقه می‌افزود و به این موضوع دامن می‌زد.^۳ هم‌جواری کردستان با عراق، برای غائله‌آفرینان این امکان را فراهم می‌ساخت که به هنگام احساس خطر، به داخل خاک آن کشور عقب‌نشینی کنند و تحت حمایت رژیم بعثی عراق قرار گیرند.^۴

در کنار این عوامل، از هم پاشیدگی ارتش، همزمان با سقوط سلسله‌ی پهلوی، و نوپایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سبب شده بود که انقلاب اسلامی، نیروهای دفاعی منظمی نداشته باشد. در نتیجه در کردستان، گروهک‌ها، با اشغال مراکز نظامی، پادگان‌ها، مقر لشکرها و واحدهای نظامی، امکانات و اسلحه‌ی لازم برای غائله‌آفرینی را به دست آوردند.^۵ حتی اکثریت مردم وطن خواه کردستان نیز که زیر بار توطئه‌های آن‌ها نمی‌رفتند، از خشونت آن‌ها در امان نبودند و به جرم مخالفت با تجزیه‌طلبی و حفظ تمامیت ارضی ایران به شهادت رسیدند. مردم کردستان ایران نه تنها همواره مدافع دستاوردهای انقلاب اسلامی بوده و با عوامل ضدانقلاب به‌سختی مبارزه کرده‌اند، بلکه در تهاجم بعثی‌ها به ایران، دفاع جانانه‌ای از وطن خود کردند. در این زمینه، حتی می‌توان به تعلق خاطر کردهای سایر کشورهای منطقه به فرهنگ ایران و اسلام، و ایستادگی کردهای عراقی در برابر صدام حسین متجاوز به ایران اشاره کرد. کردها در این راه، از سوی رژیم بعثی، هم در عراق و هم در ایران، مورد وحشیانه‌ترین جنایات جنگی

۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ص ۶۶-۶۵.

۲- ن. ک. : مهاجری، انقلاب اسلامی، راه آینده‌ی ملت‌ها، ص ۲۲۱.

۳- مهاجری، انقلاب اسلامی، راه آینده‌ی ملت‌ها، ص ۲۲۱.

۴- ن. ک. : جلائی‌پور، کردستان، علل تداوم بحران آن پس از انقلاب اسلامی.

۵- رضوی، «هاشمی و انقلاب»، ص ۲۸۹.

قرار گرفتند. بمباران شیمیایی حلبچه در عراق و سردشت در ایران، از جمله‌ی جنایات رژیم بعث در مورد کردهای ایرانی و عراقی است.

از آن‌جا که اکثریت قریب به اتفاق مردم و علمای کردستان، اعم از شیعه و سنی، حامی انقلاب اسلامی و حافظ تمامیت ارضی ایران بودند، فتنه‌های تجزیه‌طلبانه‌ای که ریشه در خارج از کشور داشت، نتوانست راه به جایی ببرد.

توطئه‌ی دشمن در ترکمن صحرا

بلوای ترکمن صحرا، از فروردین ۱۳۵۸ آغاز شد و تا اواخر زمستان همان سال ادامه یافت. این آشوب، با سوء استفاده‌ی آشوبگران از اختلاف‌ها و تفاوت‌های مذهبی و قومی آغاز شد. اختلاف ناشی از عملکرد حکومت پهلوی و سیاست‌های سوء آن در منطقه بر سر مالکیت زمین‌های کشاورزی نیز، از دیگر عوامل مورد بهره‌برداری این گروه‌ها بود.^۱

این غائله، شرایط و وضعیتی عجیب در منطقه به‌وجود آورد. چریک‌های فدایی خلق که یک سازمان کمونیستی طرفدار شوروی بود، با تشکیل «ستاد خلق ترکمن»، دست به مصادره‌ی خودسرانه‌ی زمین‌ها و اموال در این منطقه زدند. این توطئه نیز با هوشمندی مردم منطقه و حضور نیروهای انقلابی خنثی شد.

توطئه‌ی گروهک‌ها در خوزستان و سیستان و بلوچستان

همزمان، گروهکی دیگر به نام «خلق عرب»، در خوزستان، با حمایت برخی کشورهای عربی؛ به‌خصوص عراق، با نیروهای انقلابی درگیر، و به جنگ برخاسته بود. در سیستان و بلوچستان نیز گروهکی به نام «خلق بلوچ» حرکت‌های تجزیه‌طلبانه‌ای را آغاز کرده بود. وجوه مشترک عمده‌ی این گروه‌ها در چند عامل خلاصه می‌شد:

- ۱- اغلب ماهیت چپ و مارکسیستی داشتند و یا به ظاهر چنان می‌نمودند.
- ۲- هر کدام به یک یا چند قدرت خارجی منطقه‌ای یا بین‌المللی وابسته بودند.
- ۳- از تفاوت‌های مذهبی و قومی در جهت تفرقه‌افکنی و فتنه‌انگیزی سوء استفاده می‌کردند.^۲

استعفای دولت موقت انقلاب

مهندس بازرگان به علت ملاقات محرمانه با برژینسکی مشاور امنیت ملی کارتر که از امرین مستقیم

۱- ن. ک: محمدی، انقلاب اسلامی زمینه‌ها و پیامدها، ص ۱۵۷-۱۶۷؛ برزین، زندگی‌نامه‌ی سیاسی بازرگان، ص ۲۰۰؛ بازرگان،

مسائل و مشکلات اولین سال انقلاب، ص ۴.

۲- ن. ک: کدی، ریشه‌های انقلاب اسلامی، ص ۱۵۸؛ بازرگان، انقلاب ایران در دو حرکت، ص ۸۶؛ بازرگان، مسائل و مشکلات

اولین سال انقلاب، ص ۱۴.

کشتار مردم ایران در زمان شاه بود، مورد اعتراض شدید گروه‌های سیاسی و انقلابیون واقع شده بود.^۱ از سوی دیگر ورود شاه به آمریکا و نگرانی‌های فزاینده از مداخلات سفارت آمریکا در تهران موجب تسخیر سفارت آمریکا، توسط گروهی از دانشجویان و به گروگان‌گرفتن اعضای سفارت در روز سیزدهم آبان‌ماه ۱۳۵۸ شد. مجموع این عوامل باعث شد بازرگان در چهاردهم آبان ۱۳۵۸ استعفا دهد. امام خمینی، نیز پس از قبول استعفای وی اداره‌ی کشور را به «شورای انقلاب» سپرد.^۲

پرسش‌های نمونه

- ۱- امام خمینی چه وظایفی را به دولت موقت محول کرد؟
- ۲- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چگونه تدوین و تصویب شد؟
- ۳- مهم‌ترین دسیسه‌ها و توطئه‌های آمریکا را بر ضد انقلاب اسلامی برشمارید.
- ۴- گروه‌های ضدانقلاب خواستار چه تغییراتی در انقلاب اسلامی بودند؟

اندیشه و جست و جو

— در مورد همکاری‌های داوطلبانه‌ی مردم با حکومت نوپای جمهوری اسلامی مطلبی تهیه کنید (گفت‌وگو با بزرگ‌ترها، یکی از راه‌های انجام این تحقیق است).

۱- کدی، ریشه‌های انقلاب اسلامی ایران، ص ۴۴۲؛ سمیعی، ظهور و سقوط دولت موقت، ص ۲۳۲.

۲- ن. ک: کلن، آمریکا در اسارت، ص ۹۷-۸۹؛ محمدی، انقلاب اسلامی زمینه‌ها و پیامدها، ص ۱۷۳-۱۸۲.

اولین دوره‌ی ریاست جمهوری

در این درس با حوادث سیاسی داخلی، به ویژه آرایش جناح‌های سیاسی و توطئه‌های استکبار جهانی در جریان انتخاب اولین رئیس جمهور، آشنا می‌شوید.

پس از استعفای مهندس بازرگان، به دستور امام خمینی، شورای انقلاب جریان امور مملکت را به دست گرفت و زمینه برای انتخابات ریاست جمهوری فراهم آمد.

در اولین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری (بهمن ۱۳۵۸) ابوالحسن بنی‌صدر با بیش از ده میلیون و پانصد هزار رأی، به عنوان اولین رئیس‌جمهور ایران انتخاب شد. او در نیمه‌ی بهمن ماه، در بیمارستان قلب (که امام خمینی در آن‌جا بستری بودند)، در حضور ایشان و اعضای شورای انقلاب و مقام‌های مملکتی، سوگند وفاداری به قانون اساسی یاد کرد و حکم ریاست جمهوری وی، از سوی امام تنفیذ شد. در اواخر بهمن ماه همان سال نیز، به سبب شرایط خاص کشور و وجود آشوب در استان‌های گوناگون، امام خمینی با اعلام این‌که در این شرایط ویژه بیش از هر مرحله به تمرکز قوا نیاز است، مقام نیابت فرماندهی کل قوا را به بنی‌صدر واگذار کرد.



ابوالحسن بنی‌صدر

ریاست جمهوری بنی‌صدر و آرایش جدید گروه‌های سیاسی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، برخی از بزرگان و پیش‌کسوتان انقلاب با پیشنهاد و مدیریت شهید آیت‌الله دکتر بهشتی، برای سازماندهی تشکیلاتی و همبستگی بیش‌تر ملی، «حزب جمهوری اسلامی» را تأسیس کردند. این اقدام، تأثیر اساسی بر آینده‌ی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران داشت. از آن پس، اعضای این حزب، سرپرستی بعضی از حیاتی‌ترین نهادهای کشور

را به دست گرفتند. به همین سبب حزب جمهوری اسلامی، از همان ابتدا، مورد عناد و مخالفت نیروهای معارض نظام و انقلاب اسلامی قرار گرفت. بنی صدر که روزنامه‌ی «انقلاب اسلامی» را منتشر می‌کرد و جمعی را در اطراف خود گرد آورده بود، از همان آغاز، به ضدیت آشکار با این حزب پرداخت.^۱

برگی از تاریخ

آیت الله شهید دکتر سید محمد حسینی بهشتی (۱۳۰۷-۱۳۶۰ ش)



شهید بهشتی در آبان ماه ۱۳۰۷ در اصفهان متولد شد. در دوره‌ی متوسطه به تحصیل در حوزه نیز مشغول شد و از استادانی نظیر آیت الله بروجردی، آیت الله محقق داماد، امام خمینی و علامه طباطبایی بهره گرفت. در سال ۱۳۳۰ موفق به دریافت لیسانس الهیات شد. وی در مبارزات ملی شدن صنعت نفت شرکت فعال داشت و پس از آن تحصیلات دانشگاهی را تا دریافت دکترای فلسفه ادامه داد. از جمله فعالیت‌های فرهنگی شهید بهشتی شرکت در جلسه‌های سخنرانی به نام «گفتار ماه» در تهران بود.

وی در سال ۱۳۴۳ با هدف ارشاد جوانان و مقابله با

گرایش‌های مادی‌گرایانه به هامبورگ رفت و پس از بازگشت به ایران در سال ۱۳۴۹، با کمک عده‌ای دیگر از علمای بزرگ و پیشنهاد در مبارزه، «جامعه‌ی روحانیت مبارز تهران» را تشکیل دادند. شهید بهشتی از اعضای شورای انقلاب و یکی از بنیان‌گذاران حزب «جمهوری اسلامی» بود و در مجلس خبرگان قانون اساسی به عنوان نایب رئیس، مؤثرترین نقش را در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران داشت. آخرین سمت حکومتی ایشان ریاست قوه قضاییه بود که در این سمت نقش اساسی در تطبیق قوانین قضایی کشور با قوانین اسلامی و شکل‌گیری قضای اسلامی داشت. وی در هفتم تیرماه ۱۳۶۰ در انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید.

پس از انتخاب شدن بنی‌صدر به ریاست جمهوری، این مخالفت وارد مرحله‌ی جدیدی شد؛ زیرا در اسفند ماه همان سال انتخابات مجلس شورای اسلامی برگزار شد و حزب جمهوری اسلامی و نیروهای طرفدار امام و انقلاب اسلامی، توانستند اکثریت قاطع کرسی‌های مجلس را به دست آورند. در نتیجه، مواضع اصلی قدرت، میان این دو گروه تقسیم شد و رقابت آشکار آن‌ها، در جریان انتخاب

۱- ن. ک: رضوی، هاشمی و انقلاب، ص ۱۹۹-۲۰۰.

نخست‌وزیر و اعضای کابینه، به مرحله‌ای دشوار و همراه با کشمکش رسید.^۱ ریشه‌ی اصلی اختلاف‌ها، همان مسائلی بود که نیروهای اصولگرا و انقلابی با لیبرال‌ها داشتند. بنابراین، رفته رفته جریان‌های سیاسی به دو جناح کلی تقسیم شدند: نیروهای انقلابی و مدافع اسلام و نیروهای مخالف این جریان شامل لیبرال‌ها و نیروهای چپ. گروه دوم به تدریج با حمایت بنی‌صدر شروع به فعالیت و جوسازی و اخلال کردند. در این میان، رسانه‌های تبلیغی غربی نیز، با ایجاد جوّ تبلیغاتی مسموم، به حمایت از بنی‌صدر و طرفدارانش پرداختند.^۲

برگی از تاریخ

شهید محمدعلی رجایی (۱۳۱۲-۱۳۶۰ ش)



محمدعلی رجایی در سال ۱۳۱۲ در قزوین متولد شد. پس از اخذ مدرک ششم ابتدایی، به کار در بازار پرداخت و در چهارده سالگی به تهران مهاجرت کرد. پس از مدتی به استخدام نیروی هوایی درآمد. در دوران نهضت ملی نفت، جذب شعارهای فداییان اسلام شد و سپس به «جامعه‌ی تعلیمات اسلامی» پیوست. پس از کودتای ۲۸ مرداد از نیروی هوایی اخراج شد. سپس به دانش‌سرای عالی راه یافت و موفق به دریافت مدرک لیسانس شد و به کسوت معلمی درآمد. در اردیبهشت ۱۳۴۵ بازداشت و بعد از پنجاه روز از زندان آزاد شد. در آذر ماه ۱۳۵۳ مجدداً دستگیر شد و تا آبان ۱۳۵۷ در زندان به‌سر برد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، وزیر آموزش و پرورش، نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور شد. سرانجام در هشتم شهریور ۱۳۶۰ در بمب‌گذاری ساختمان نخست‌وزیری که توسط یکی از افراد سازمان مجاهدین خلق (منافقین) انجام شده بود، به شهادت رسید.

انتخاب نخست‌وزیر و اوج‌گیری اختلاف‌ها

نخستین مرحله‌ی اختلاف بین دو جریان مورد اشاره، در انتخاب نخست‌وزیر شدت گرفت. طبق قانون اساسی (اولیه و قبل از بازنگاری)، رئیس‌جمهور بایستی فردی را جهت تصدی سمت نخست‌وزیری به مجلس شورای اسلامی معرفی کند و پس از رأی اعتماد نمایندگان مجلس، منصب او رسمیت و اعتبار می‌یافت. بنی‌صدر و گروهک‌های پشتیبان او برای تحمیل کردن فرد موردنظر خود

۱- ن. ک: محمدی، تحلیلی بر انقلاب اسلامی، ص ۱۵۸-۱۵۷.

۲- ن. ک: مهاجری، انقلاب اسلامی، راه آینده‌ی ملت‌ها، ص ۱۸۹؛ محمدی، تحلیلی بر انقلاب اسلامی، ص ۱۶۲.

به مجلس، اقدام به هیاهو و جوسازی گسترده کردند، اما به دلیل ایستادگی نمایندگان مجلس، سرانجام رئیس جمهور مجبور شد، محمدعلی رجایی را که مورد اعتماد مجلس بود معرفی کند و با رأی قاطع نمایندگان، رجایی نخست وزیر شد.

انقلاب فرهنگی

در این دوره‌ی بحران زده، دانشگاه‌ها محل مجادلات و درگیری‌های سیاسی شده بود زیرا گروه‌های سیاسی، کلاس‌های درس دانشگاه‌ها و حتی برخی از دبیرستان‌های بزرگ را به دفترهای گروهی خود تبدیل کرده بودند. ضمن نگهداری اسلحه و وسایل و تجهیزات نظامی در آن‌ها، تشنج‌آفرینی‌های خیابانی و آشوب را در اقصا نقاط کشور هدایت می‌کردند.^۱ به همین دلیل در اردیبهشت سال ۱۳۵۹، شورای انقلاب، به پیشنهاد دانشجویان مسلمان، دانشگاه‌ها را موقتاً تعطیل کرد تا به مدیریت آن‌ها نظم و سازماندهی بدهد. در تاریخ انقلاب، پاک‌سازی گروه‌های معاند که در مراکز دانشگاهی نفوذ کرده بودند و همچنین ایجاد تحول در درس‌های آموزش عالی، با عنوان «انقلاب فرهنگی» شناخته می‌شود.^۲

برکناری بنی‌صدر

در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، توطئه‌ای سنگین‌تر از اختلاف‌های داخلی، یعنی جنگ تحمیلی، با حمله‌ی عراق به ایران آغاز شد. این کشمکش‌ها، بر روحیه‌ی رزمندگان اسلام در جبهه‌ها تأثیری مخرب نهاد بود. بنی‌صدر که فرماندهی کل قوا را نیز بر عهده داشت، سبب بسیاری از ناهماهنگی‌ها در جنگ بود، که در درس آینده، با آن‌ها بیش‌تر آشنا خواهید شد.

وقتی اختلاف‌ها به مرحله‌ای رسید که امکانی برای اصلاح باقی نماند، و اساس اسلام و انقلاب در خطر قرار گرفت، امام در بیستم خرداد ۱۳۶۰، طی حکمی، بنی‌صدر را از فرماندهی کل قوا عزل کرد.

به دلیل کج‌روی و احساس مسئولیت نکردن بنی‌صدر در شرایط حساس و خطیر کشور، مجلس شورای اسلامی، مطابق قانون اساسی^۳، با اکثریت آرا به عدم صلاحیت بنی‌صدر برای ادامه‌ی مسئولیت

۱- مهاجری، انقلاب اسلامی، راه آینده‌ی ملت‌ها، ص ۱۹۴.

۲- ن. ک: انقلاب اسلامی و زمینه‌ها و پیامدها، ص ۱۸۳.

۳- به موجب بند ۵ اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رهبر پس از رأی مجلس به عدم کفایت سیاسی رئیس جمهور و یا پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف رئیس جمهور از وظایف قانونی، او را از سمت ریاست جمهوری عزل می‌کند.

ریاست جمهوری رأی داد.^۱ این رأی به تأیید امام نیز رسید و با پشتیبانی قاطبه‌ی مردم ایران روبه‌رو شد. پس از این رویداد تاریخی، مردم همان‌گونه که هنگام فرار شاه از ایران شادمان بودند، به خیابان‌ها ریختند و ابراز شادی کردند.^۲

ترور شخصیت‌های طراز اول کشور

ترور رهبران نهضت‌های ضد استعماری و استقلال طلبانه، در تاریخ معاصر جهان سابقه‌ای طولانی دارد و یکی از شناخته شده‌ترین شیوه‌های خشونت آمیز برای مهار انقلاب‌ها به شمار می‌رود. این شیوه زمانی به کار می‌رود که راه‌های دیگر برای به‌سازش کشیدن رهبران انقلاب اثربخش نباشند. در انقلاب اسلامی ایران، «ترور شخصیت»، از همان روزهای اول شکل گرفت.

ترور فیزیکی در فاصله‌ی کوتاهی از عمر انقلاب آغاز شد و دو مرحله داشت.

مرحله‌ی اول آن از ابتدای سال ۱۳۵۸ آغاز شد: در سوم اردیبهشت ماه ۱۳۵۸، تیمسار قرنی، اولین رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران را به شهادت رساندند. در دوازدهم اردیبهشت ماه همان سال، رئیس شورای انقلاب، علامه‌ی شهید، آیت‌الله مرتضی مطهری، که پس از امام، دارای بالاترین موقعیت دینی، سیاسی و فرهنگی کشور بود و از نظر علمی نیز موقعیت بسیار ممتازی در میان علمای زمان خویش داشت و از نظریه‌پردازان بسیار ارزشمند انقلاب اسلامی به‌شمار می‌رفت، به شهادت رسید. استاد مطهری از معماران و استوانه‌های فکری و فرهنگی انقلاب اسلامی بود که منشأ خدمات ارزشمندی برای اسلام و ایران شد. در چهارم شهریور همین سال، حاج مهدی عراقی، یکی از چهره‌های شاخص انقلابی، و فرزندش به شهادت رسیدند. مدتی بعد، آیت‌الله قاضی طباطبایی در تبریز، و در آذرماه، دکتر محمد مفتاح، استاد دانشگاه الهیات تهران و یکی از علمای برجسته‌ی انقلابی، به شهادت رسیدند. این ترورها عمدتاً توسط گروهک چپ التقاتلی «فُرقان» انجام می‌گرفت. با دستگیری اعضای اصلی فرقان در دی‌ماه ۱۳۵۸، این مرحله از ترورها خاتمه یافت.^۳



شهید دکتر محمد مفتاح

۱- مهاجری، انقلاب اسلامی، راه آینده‌ی ملت‌ها، ص ۲۳۹.

۲- ن.ک: محمدی، انقلاب اسلامی، زمینه‌ها و پیامدها، ص ۱۹۲-۱۸۹.

۳- مهاجری، انقلاب اسلامی، راه آینده‌ی ملت‌ها، ص ۲۲۴.

استاد شهید آیت‌الله مرتضی مطهری (۱۲۹۸-۱۳۵۸ ش)



مرتضی مطهری در سال ۱۲۹۸ در فریمان خراسان چشم به جهان گشود. مقدمات علوم اسلامی را در شهر مشهد گذراند. در سال ۱۳۱۶ برای ادامه‌ی تحصیل به قم رفت و مراتب عالی علوم حوزوی را نزد استادانی چون: آیت‌الله العظمی بروجردی، امام خمینی و علامه محمد حسین طباطبایی، طی کرد.

استاد مطهری با آغاز به تدریس در دانشگاه، نقشی عمده در نزدیک کردن اندیشه‌های حوزوی و دانشگاهی ایفا کرد. وی بیست و دو سال استاد دانشکده‌ی الهیات دانشگاه تهران بود.

آیت‌الله مطهری یکی از نظریه‌پردازان اصلی انقلاب

اسلامی به‌شمار می‌رفت. وی در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، به همراه گروه زیادی از روحانیون، دستگیر و زندانی شد.

در سال ۱۳۵۶، رژیم پهلوی او را ممنوع‌المنبر کرد. با پیروزی انقلاب اسلامی، آیت‌الله مطهری یکی از اعضای اصلی شورای انقلاب شد. آثار استاد جزو منابع پرطرفدار در شناخت اسلام و مبانی آن در ایران و سایر کشورهای اسلامی است.

آیت‌الله مطهری در اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۸، به‌وسیله‌ی گروهک «فرقان» ترور شد و به شهادت رسید.

مرحله‌ی دوم ترور، ابعادی وسیع‌تر داشت. بسیاری از ترورها، توسط سازمان مجاهدین خلق انجام گرفت و در فاصله‌ای کوتاه، عده‌ای قابل توجه از برجسته‌ترین مسئولان و شخصیت‌های مملکتی به شهادت رسیدند. این حرکت که به نوعی به کودتا شباهت داشت، پس از عزل بنی‌صدر از ریاست جمهوری آغاز شد. واضح بود که دشمنان داخلی و خارجی انقلاب اسلامی، در اثر از دست دادن تکیه‌گاه اصلی خود (بنی‌صدر)، این شیوه‌ی خشونت‌آمیز را در پیش گرفته بودند.^۱ اولین ترور، در ششم تیرماه ۱۳۶۰، یعنی شش روز پس از عزل بنی‌صدر، متوجه آیت‌الله سید علی خامنه‌ای شد و او را به شدت مجروح ساخت. روز بعد از این حادثه یعنی در هفتم تیرماه بر اثر انفجار بمب در محل دفتر حزب جمهوری اسلامی، بیش از هفتاد نفر از نمایندگان مجلس، وزیران و دولتمردان انقلابی که نقشی

۱- مهاجری، انقلاب اسلامی، راه آینده‌ی ملت‌ها، ص ۲۱۹.

برجسته در تدوین قانون اساسی و هدایت انقلاب در مسیر اصلی خویش ایفا کرده بودند، به شهادت رسیدند. دکتر بهشتی، رئیس دیوان عالی کشور، در رأس این گروه قرار داشت. این اقدام به تنهایی می‌توانست نظام اسلامی را به سقوط بکشاند. در تاریخ ترورهای جهان معاصر، چنین واقعه‌ای کم‌نظیر است، اما قدرت رهبری امام و نقش برجسته‌ی مردم، دو عامل اصلی حفظ نظام در گرداب این حادثه‌ی سهمناک بودند. بی‌تردید برای مردم ایران، تحمل چنین حادثه‌ی سهمگینی جز در سایه‌ی پرخورداری از فرهنگ اسلامی و تأسی به سرور شهیدان، امام حسین (ع) که روز عاشورا ۷۲ تن از یارانش شربت شهادت نوشیدند، امکان‌پذیر نبود. از آن پس، در پی هر ترور، تروری دیگر انجام می‌شد و یاران انقلاب، یکی پس از دیگری به شهادت می‌رسیدند. با وجود این، مردم و مسئولان حکومت با صبر و استواری و شجاعت، حضور خود را در صحنه ادامه دادند. به‌دنبال بمب‌گذاری سازمان مجاهدین خلق در محل تشکیل هیئت دولت در هشتم شهریور ۱۳۶۰، آقایان رجایی و دکتر باهنر، رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر، به شهادت رسیدند.

برگی از تاریخ

شهید دکتر محمد جواد باهنر (۱۳۱۲-۱۳۶۰ ش)



محمدجواد باهنر، در سال ۱۳۱۲، در کرمان متولد شد. تحصیلات مقدماتی را نزد مرحوم مجاهدی و سلطانی و درس‌های خارج فقه و اصول را در محضر آیت‌الله بروجردی و امام خمینی گذراند. مدت شش سال نیز فلسفه را در محضر آیت‌الله طباطبایی فراگرفت. سپس فوق لیسانس علوم تربیتی و دکترای الهیات را از دانشگاه تهران گرفت. در اواخر سال ۴۲ دستگیر و مدت چهار ماه در زندان به‌سر برد. در سال ۱۳۴۳ به دفتر تألیف کتب درسی وزارت آموزش و پرورش راه یافت و به تألیف کتب درسی دینی پرداخت، اما پس از مدتی برکنار شد. پس از پیروزی انقلاب، از جمله‌ی بنیان‌گذاران حزب جمهوری اسلامی بود. مدتی وزیر آموزش و پرورش و سپس نخست‌وزیر شد و سرانجام در هشتم شهریور ۱۳۶۰ در بمب‌گذاری ساختمان نخست‌وزیری به شهادت رسید.

پس از این حادثه، سران ضد انقلاب در خارج از کشور اظهار امیدواری کردند که به زودی بتوانند به ایران برگردند و حکومت دل‌خواه خود را برسر کار آورند. بنی‌صدر طی پیامی از ارتشیان



شهید آیت الله دستغیب

خواست تا به افسران فراری خارج از کشور بپیوندند. اما این قتل‌های ناجوانمردانه، مردم را در عزم خویش استوارتر می‌ساخت. ترورهای بی‌دری منافقین، تنها شخصیت‌های بلندپایه‌ی کشور را دربر نمی‌گرفت، آن‌ها فقط در عرض یک ماه، ۳۷۰ نفر زن، مرد و حتی کودک را آماج حملات خود قرار دادند. برای ایجاد رعب و وحشت، بسیاری از ترورها مقابل چشمان سایر اعضای خانواده انجام می‌شد. تروریست‌ها حتی در مساجد و کانون‌های دینی و مصلاهای نماز جمعه، به انفجار بمب و ترور ائمه‌ی جمعه و جماعات اقدام می‌کردند. شهدای محراب، آیت‌الله سیدعبدالحسین دستغیب در شیراز، آیت‌الله مدنی در تبریز، آیت‌الله صدوقی در یزد، آیت‌الله اشرفی اصفهانی در کرمانشاه و حجت‌الاسلام هاشمی‌زاد، دانشمند و روحانی مؤثر مشهد، از این جمله بودند. ترور این دانشمندان و حتی عالمانی از روحانیان اهل سنت، نشانگر این بود که دشمنان انقلاب بیش از هر چیز، از اندیشه‌ی متفکران اسلامی بیمناک‌اند.

بیش‌تر بدانید

درباره‌ی برداشت دوگانه‌ی زمام‌داران کاخ سفید از تروریسم خانم فلور الوئیز، نویسنده‌ی آمریکایی، درباره‌ی مفهوم تروریسم از نظر زمام‌داران کاخ سفید در سال ۱۹۸۶ م. چنین می‌نویسد: «برداشت ما از مفهوم تروریسم این است که اگر کسی در برابر ادعاهای ما قد بلند کند، تروریست بالفطره است و چنین آدمی وقتی مورد حمله‌ی ما قرار گیرد، باید به حقانیت این حمله، بسان یک کيفر آسمانی اذعان کند. حمله‌ی ما به چنین فردی، شامل قوانین مربوط به جنگ نمی‌شود. زیرا این کار ما جنگ نیست، بلکه نوعی «جهاد مقدس صلیبی» است. بنابراین به عقیده‌ی [زمام‌داران] آمریکا، تروریست کسی است که در مقابل حمله‌ی ما از خود دفاع کند.»^۱

در یک جمع‌بندی کلی، دشمنان انقلاب با حمایت آمریکا برای به سقوط کشاندن انقلاب اسلامی، به اقدام‌های زیر دست زدند:

۱- تقویت و تشویق گروهک‌های ضد انقلاب که جو سیاسی- اجتماعی کشور را کاملاً آشفته و بحرانی ساخته بودند.

۲- به وجود آوردن آشوب‌های استانی در قالب حرکت‌های قومی؛ سران آشوب‌ها با گروهک‌ها

۱- روزنامه‌ی نیویورک تایمز، ۳۲ فوریه‌ی ۱۹۸۶.

به یکدیگر مرتبط بودند و آشوب سراسری را هم چون زنجیره‌ای به هم وصل می‌کردند.

۳- ایجاد اختلاف در ارکان اصلی نظام.

۴- ترور شخصیت‌های برجسته‌ی انقلاب؛ گستره‌ی این توطئه بسیار وسیع بود و مردم پیوسته نظاره‌گر شهادت افراد صاحب نام انقلاب بودند.

۵- جوسازی و ایجاد جنگ روانی، و ایجاد رعب و وحشت بین مردم همراه با تبلیغ‌های وسیع از شبکه‌های سراسری خبری و مطبوعاتی.

۶- حمله‌ی نظامی آمریکا به ایران؛ زمام‌داران آمریکا پس از تسخیر سفارت این کشور در تهران، برای رهایی از این بحران و نمایش اقتدار خود، تصمیم گرفتند به بهانه‌ی نجات گروگان‌ها به عملیات تلافی‌جویانه‌ای دست بزنند. این عملیات که با ۹۰ کماندو از میان نیروهای مختلف آمریکایی، با هشت چرخ‌بال نیروی دریایی و شش هواپیما انجام شد، از ماه‌ها پیش طراحی شده بود و پس از آزمایش‌های طولانی به اجرا درآمد.

بیش‌تر بدانید

برژینسکی که از طراحان اصلی تجاوز به طیس بود، در کتاب خود می‌نویسد: «از همان آغاز پیروزی انقلاب اسلامی، به عملیات نظامی علیه ایران می‌اندیشیدم ... در جریان روزهای قبل از آغاز عملیات، ما سعی کردیم با اقداماتی در جهت آغاز مذاکرات تازه با ایرانی‌ها، آن‌ها را اغفال کنیم ... طبق پیشنهاد من، عملیات با تدارک عملیات تلافی‌جویانه‌ای هم همراه بود...»^۱

طبق محاسبات نظامی آمریکا، عملیات با دقت فراوان محاسبه شده بود. حتی براساس پیش‌بینی‌های علمی اداره‌ی هواشناسی آمریکا، در شب عملیات، هوای کویر ایران مهتابی بود.^۲ مهاجمان وارد حریم هوایی ایران شدند و در کویر «طیس» در تاریکی شب فرود آمدند و طبق برنامه‌ی از پیش تعیین شده، چرخ‌بال‌ها و هواپیماها برای اجرای مرحله‌ی بعدی عملیات اقدام به سوخت‌گیری کردند. یکی از چرخ‌بال‌ها دچار نقص فنی شد. فرمانده عملیات تصمیم گرفت وضعیت را به کاخ سفید گزارش دهد. اما برای هرگونه تصمیم دیگر، زمان کافی نداشت، زیرا توفان‌شن آغاز شده و آن‌ها را دچار حیرت کرده بود. در اثر برخورد یک هواپیما با یک چرخ‌بال، هردو منهدم شدند و هشت تن از متجاوزان در آتش سوختند و سایرین فوراً منطقه را ترک کردند. تنها لطف الهی و امداد غیبی بود که توانست ایران را از

۱- توطئه در ایران، ص ۱۹۶.

۲- روزها و رویدادها، ج ۱، ص ۲۵۱.



تهاجم و توطئه‌ای حتمی نجات دهد.^۱

۷- طراحی کودتا؛ پس از ناکامی در حمله نظامی به ایران، دشمنان انقلاب تصمیم به اجرای کودتا گرفتند تا از طریق اشغال و یا بمباران مراکز مهم کشور، از جمله قم، تهران و اقامتگاه امام، تکلیف انقلاب را یکسره کنند. عاملان این کودتا که به «کودتای نُوزه» معروف است، بنا بود در بیستم تیرماه ۱۳۵۹ از پایگاه هوایی شهید نوژه‌ی همدان، عملیات خود را آغاز کنند و با ساقط کردن نظام، حکومتی به اصطلاح سوسیال - دمکرات را در ایران برقرار سازند. کودتاچیان برنامه‌های خود را با سازمان «سیا» نیز هماهنگ ساخته بودند و به آنان در مورد حفظ بنی‌صدر نیز توصیه شده بود. ولی این کودتا نیز با نفوذ نیروهای مؤمن و وطن‌خواه انقلاب در درون کودتاچیان، هوشیاری نظام نوپای انقلابی و از همه بالاتر لطف الهی، شکست خورد و کودتاچیان دستگیر شدند و به سزای خود رسیدند.

۸- مخالفت با دست‌یابی ایران به فناوری هسته‌ای صلح‌آمیز؛ یکی از دسیسه‌های آمریکا و برخی کشورهای استعماری بر ضد انقلاب اسلامی، تلاش برای جلوگیری از دست یافتن ایران به دانش هسته‌ای صلح‌آمیز در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی بوده است.^۲ این کشورها می‌خواهند دانش ارزشمند هسته‌ای در انحصار کامل خودشان باشد و دیگر کشورها به آن دسترسی نداشته باشند. به همین دلیل، با وجود عضویت ایران در معاهده‌ی منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان.پی.تی) و

۱- برای اطلاع بیشتر ن. ک: جردن، بحران، ص ۲۰۷؛ استمیل، درون انقلاب اسلامی، ص ۳۴۶.

۲- انصراف کشورهای آلمان و ژاپن از اجرای قرارداد ساخت نیروگاه اتمی بوشهر در همین جهت بوده است.

نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران، آمریکا و هم‌پیمانانش برای توقف و تعطیلی برنامه‌های هسته‌ای صلح‌آمیز ایران کوشش کرده‌اند. این در حالی است که آمریکا چند هزار بمب اتمی در اختیار دارد و در اواخر جنگ جهانی دوم با بمباران اتمی هیروشیما و ناگازاکی، هزاران انسان بی‌گناه را به کام مرگ کشاند.

پرسش‌های نمونه

- ۱- در دوره‌ی ریاست جمهوری بنی‌صدر، بین جریان اصولگرا (انقلابی و حزب‌الله) و جریان لیبرال و چپ، چه اختلاف‌هایی بروز کرد؟
- ۲- سه مورد از مهم‌ترین اقدامات تروریستی سازمان مجاهدین خلق را در سال ۱۳۶۰ بنویسید.
- ۳- انقلاب فرهنگی در چه شرایطی و با چه هدفی انجام شد؟
- ۴- بنی‌صدر چرا و چگونه از ریاست جمهوری عزل شد؟
- ۵- علت مخالفت دولت آمریکا و برخی کشورهای استعماری با برنامه‌ی هسته‌ای صلح‌آمیز ایران چیست؟

اندیشه و جست و جو

– در مورد آزادی‌گروگان‌های آمریکایی مطلبی تهیه کنید.

درس بیست و چهارم

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران

سی و یکم شهریور ۱۳۵۹، در حالی که مردم ایران به زندگی عادی خود مشغول بودند، یکباره هواپیماهای نظامی عراق در آسمان چند شهر ایران از جمله تهران ظاهر شدند و به بمباران مناطقی از آن‌ها پرداختند. بدین ترتیب جنگ عراق علیه ایران به‌طور رسمی شروع شد. طولی نکشید که نیروهای زمینی عراق نیز مرزهای غربی و جنوبی ایران را مورد حمله‌ی همه‌جانبه قرار دادند. این در حالی بود که مردم و مسئولان ایران، به‌دلیل اشتغالات داخلی پس از انقلاب، برای مواجهه با لشکرکشی عراق، از آمادگی کافی برخوردار نبودند. با این حال، امام خمینی با صدور اعلامیه‌ای شجاعانه، تکلیف همگان را در برابر تجاوز دشمنان روشن ساختند. اکنون می‌خواهیم بدانیم، چرا عراق دست به تجاوز علیه ایران زده، و جنگ چه روندی را طی کرد و سرانجام چگونه پایان یافت.

سابقه‌ی دشمنی دولت‌مردان عراق با ایران، به سال‌ها قبل از انقلاب بازمی‌گردد. در دوران صفویان، دولت عثمانی به قصد کشورگشایی، ایران را آماج حمله‌های خود قرار داد. صفویان برای حفظ تمامیت ارضی ایران تا حد زیادی کوشیدند و مانع تجاوز دولت عثمانی به خاک ایران شدند.

پس از جنگ جهانی اول، امپراتوری عثمانی تجزیه شد و در سال ۱۲۹۸ش، از ترکیب سه استان بغداد، موصل و بصره، کشوری به نام «عراق» تأسیس شد که زیر سلطه‌ی مستقیم انگلستان قرار گرفت. سردمداران عراق نیز مثل پیشینیان خود، همواره نسبت به بخش‌های غربی ایران ادعاهای واهی داشتند. تا آن‌جا که در سال ۱۳۳۸ش عبدالکریم قاسم، رئیس‌جمهور عراق، ادعا کرد خرمشهر قسمتی از خاک عراق است. حتی پس از آن، ارتش عراق در قسمت‌های مرزی، به تجاوز به خاک ایران دست زد. در پی آن، موضوع در سازمان ملل مطرح شد و در نهایت با وساطت رئیس‌جمهور وقت الجزایر، «عهدنامه‌ی الجزایر»^۱ در سال ۱۳۵۳ش بین ایران و عراق به امضا رسید.

۱- براساس قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، مرزهای زمینی مطابق قرارداد ۱۹۱۳ قسطنطنیه (استانبول) تأیید و مرز آبی در اروندرود براساس خط القعر یا نالوگ مشخص شد.

بیش‌تر بدانید

خلیج فارس نامی به درازای تاریخ ایران

نام خلیج فارس یکی از کهن‌ترین نام‌های جغرافیایی گیتی است که چندین هزار سال پیش توسط اقوام آریایی ساکن ایران به پهنه‌ی آبی نیلگون جنوب فلات ایران داده شد. خلیج فارس در طول تاریخ همواره در حوزه‌ی جغرافیای سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی ایران قرار داشته است. علاوه بر مورخان و جغرافی‌دانان یونانی و رومی، نویسندگان عرب کتاب‌های تاریخی و جغرافیایی نیز همواره عنوان خلیج فارس را به کار برده‌اند. تا اواسط قرن بیستم هیچ‌گونه بحث و جدلی درباره‌ی نام خلیج فارس وجود نداشت و در تمام منابع اروپایی، آسیایی و آمریکایی، دانشنامه‌ها و نقشه‌های جغرافیایی عنوان خلیج فارس درج شده است. نخستین بار نمایندگان سیاسی دولت انگلستان در شیخ‌نشین‌های تحت قیمومت خود در خلیج فارس از عنوان جعلی خلیج ع-ر-ب-ی استفاده کردند. آن‌ها با فریب‌کاری و براساس مطامع استعماری خود این نام جعلی را به اعراب آموختند. یکی از اهداف صدام حسین از تحمیل جنگ بر ایران، محدود کردن نفوذ سیاسی و اقتصادی ایران و توسعه روابط بین‌الملل با کشورهای این منطقه بود.^۱

با وقوع انقلاب اسلامی در ایران و تضعیف ارتش و نیروهای مسلح و بروز بحران‌های داخلی، رژیم عراق تصور کرد که زمینه‌ی خوبی برای تجاوز به میهن ما فراهم شده است و به دلیل وقوع انقلاب، کشور آمادگی رویارویی با جنگ خارجی را ندارد. همانند تمام انقلاب‌های جهان، شرایط ویژه‌ی پس از انقلاب، حکومت اسلامی را با مسائل و مشکلات زیادی مواجه ساخته بود. به همین دلیل دولت مردان عراقی گمان می‌کردند با حمله‌ی همه‌جانبه به ایران می‌توانند، در کمترین زمان ممکن، به اهداف از پیش تعیین شده‌ی خود برسند. آن‌ها در حمله علیه ایران، از حمایت مادی و معنوی برخی کشورهای عربی و نیز قدرت‌های بزرگ نظیر آمریکا، فرانسه، انگلیس و شوروی سابق برخوردار بودند. در تمام طول سال‌های جنگ نیز میزان حمایت‌هایی که از عراق می‌شد، رو به افزایش گذاشت؛ چنان‌که صدام حسین از پیشرفته‌ترین سلاح‌های جنگی روز دنیا، حتی سلاح‌های ممنوعه‌ی شیمیایی نیز برخوردار شد و همه‌ی آن‌ها را علیه ملت ایران به کار برد.

فکر کنید و پاسخ دهید:

چرا قدرت‌های بزرگ و برخی از کشورهای منطقه، در جنگ عراق علیه ایران، به شدت از رژیم متجاوز عراق حمایت می‌کردند؟

۱- ن. ک: غفاریان، خلیج فارس، ص ۹۵ به بعد.

بنابراین رژیم متجاوز عراق با پشتگرمی و حمایت کشورهای دیگر، به تهاجمی همه‌جانبه علیه ایران دست زد. از آن‌جا که ایران هنوز آمادگی کافی برای مواجهه با جنگی بزرگ را نداشت، نیروهای زمینی عراق موفق شدند به سرعت از مرزها بگذرند و با کشتار مردم بی‌گناه و اسارت آن‌ها، بخش‌هایی از مناطق غربی و جنوبی کشور را اشغال کنند. ارتش عراق قسمت‌هایی از استان‌های کرمانشاه، ایلام، کردستان و خوزستان را به تصرف خود درآورد؛ خرمشهر به اشغال آن‌ها درآمد و شهر آبادان نیز محاصره شد. صدام حسین به علت نداشتن درک صحیح از میهن دوستی ایرانیان و علاقه‌ی مردم به انقلاب و کشور، اعلام کرده بود که طی شش روز جمهوری اسلامی را نابود خواهد کرد!



ایرانیان بسیج می‌شوند

در چنین اوضاعی، امام خمینی با اعتماد به نفسی که از ایمان و شجاعت او ناشی بود، از مردم خواست تا در برابر دشمن متجاوز ایستادگی کنند و فرمان داد مردم به‌خصوص جوانان، آماده‌ی رویارویی



با دشمن شوند. به فاصله‌ای کوتاه و به شکلی خودجوش، پیر و جوان به مراکز سپاه پاسداران روی آوردند و داوطلبانه به جبهه‌های جنگ اعزام شدند. مساجد نیز به مراکز مهم جمع‌آوری لوازم و کمک‌های مردمی تبدیل شدند. زنان شیردل ایرانی نیز از هیج کوششی برای

کمک به دفاع ملی دریغ نورزیدند. پس از چند هفته، دشمن متجاوز دریافت که خیال تصرف ایران، خام و ناپخته بوده است. پیروزی‌های بی‌دری ایران در جبهه‌های جنگ، به تقویت وحدت ملی در کشور انجامید. با همت غیور مردان ایران، آبادان از محاصره خارج و خرمشهر آزاد شد. دیری نگذشت که دشمن متجاوز در بقیه‌ی نقاط مرزی نیز تن به شکست‌های بزرگی داد.^۱ با شکست‌های بی‌دری عراق در صحنه‌های جنگ، برخی دولت‌های عربی و غربی، به میزان کمک‌های آشکار و پنهان خود به عراق، افزودند.



ورودی شهر خرمشهر در زمان جنگ تحمیلی

برگی از تاریخ

شهید دکتر مصطفی چمران

(۱۳۱۱-۱۳۶۰ ش)



شهید چمران در سال ۱۳۱۱ در تهران به دنیا آمد و پس از طی دوران متوسطه و تحصیلات دانشگاهی در رشته‌ی الکترومکانیک دانشکده‌ی فنی دانشگاه تهران، در سال ۱۳۳۷ برای ادامه‌ی تحصیل به آمریکا اعزام و از دانشگاه برکلی موفق به دریافت دکترا در رشته‌ی الکترومکانیک و فیزیک پلاسما شد. چمران که در دوران تحصیل در آمریکا، وارد مبارزات سیاسی علیه حکومت پهلوی شده بود، پس از قیام ۱۵ خرداد ۴۲ به مصر رفت و دوره‌ی جنگ‌های چریکی را آموزش دید. سپس در لبنان، در کنار

۱- در دفاع مقدس هموطنان ما از اقلیت‌های دینی نیز مشارکت داشتند و شهیدانی تقدیم این مرز و بوم کردند.

امام موسی صدر، به تقویت شیعیان جنوب لبنان در مقابل رژیم اشغال‌گر قدس پرداخت. وی در سال ۱۳۵۷ به ایران بازگشت و اولین گروه از پاسداران انقلاب را آموزش داد. پس از آن نیز مدتی پست وزارت دفاع را برعهده گرفت. با آغاز جنگ تحمیلی، ستاد جنگ‌های نامنظم را تشکیل داد و فعالانه در جبهه‌های جنگ شرکت کرد. سرانجام در سی و یکم خرداد ۱۳۶۰ در منطقه‌ی دهلاویه به شهادت رسید.

صدام و حامیانش در جست‌وجوی چاره

در حالی که نیروهای ایرانی، بی‌دربی عراقی‌ها را عقب می‌راندند، صدام حسین ندای صلح خواهی و مظلوم‌نمایی سر داد. او اعلام کرد که آماده‌ی صلح با ایران است. سازمان ملل متحد نیز که باید از همان آغاز حمله‌ی صدام، اقدام او را محکوم می‌کرد، اما تحت نفوذ قدرت‌های بزرگ شرق و غرب، از این کار ظفره می‌رفت، اکنون با او هم صدا شده بود و طرفین را به آتش‌بس – و نه عقب‌نشینی عراقی‌ها به مرزها – دعوت می‌کرد. دولت‌مردان ایران نمی‌توانستند چنین پیشنهادی را بپذیرند، زیرا هنوز بخش‌های زیادی از خاک ایران در تصرف متجاوزان عراقی بود و قبول آتش‌بس موجب تثبیت حضور آنان در خاک ایران می‌شد. به‌علاوه، آنان می‌دانستند که صدام درصدد است طی آتش‌بس، فرصتی به دست آورد تا به تجدید قوا و بازسازی نیروهای خود بپردازد. از طرف دیگر، صدام طی حمله به ایران، هزاران نفر از ایرانیان را قتل‌عام و خانواده‌های زیادی را داغ‌دار کرده بود. پس باید به عنوان آغازگر جنگ، محکوم و تنبیه می‌شد. در غیر این صورت ممکن بود، با تحریک سلطه‌جویان غربی نظیر آمریکا که به خاطر انقلاب، منافع نامشروع خویش را در ایران از دست داده بودند، از مرز دیگری ایران را مورد تجاوز قرار دهند. در آن صورت ممکن بود، مانند سال‌های جنگ‌های اول و دوم جهانی که به بهانه‌ی هجوم نیروهای انگلیسی از جنوب، روس‌ها هم از شمال حمله می‌کردند، شوروی‌ها هم به بهانه‌ی حفظ امنیت مرزهای جنوبی خود، شمال ایران را تصرف کنند. براساس بعضی گزارش‌ها، پس از حمله‌ی عراق به ایران، یکی از اعضای کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست شوروی پیشنهاد کرده بود که شوروی نیز آذربایجان و کردستان ایران را تصرف کند.

حمله‌ی موشکی عراق به شهرهای ایران

هنگامی که صدام با مقاومت مردم ایران مواجه شد و پیروزی‌های ایران در جبهه‌های جنگ، روزبه‌روز او را نگران‌تر ساخت، به جنایت‌های تازه‌ای دست زد. او شهرهای بی‌دفاع را مورد هجوم قرار داد. حمله‌ی موشکی به شهرها با هدف شکستن روحیه‌ی مقاومت مردم ایران آغاز شد. برخورد

نخستین موشک عراق به تهران در ۹ اسفند ۱۳۶۶ به منزله‌ی آغاز مرحله‌ی جدیدی از حملات عراق به مردم بی‌دفاع و اماکن غیرنظامی ایران بود. شهر دزفول بیش از ۲۰۰ بار مورد اصابت موشک‌های غول‌پیکر قرار گرفت. علاوه بر این، دزفول بیش از ۵۰۰۰ بار توسط هواپیما، راکت و توپخانه‌ی دشمن بمباران شد. با وجود این، مردم مقاوم دزفول دلیرانه در برابر تجاوز دشمن ایستادگی کردند. مردم استان خوزستان و استان‌های مرزی ایلام، کرمانشاه، کردستان، آذربایجان‌های غربی و شرقی و سایر استان‌ها، در طول هشت سال دفاع مقدس، با رشادت و ایثار از خاک میهن اسلامی حفاظت کردند.

علاوه بر این، عراق در جنگ روانی، با طرح شایعه‌ی استفاده از سلاح‌های شیمیایی در شهرهای بزرگ ایران، می‌کوشید تا هسته‌ی مرکزی دفاعی و قدرت جمهوری اسلامی ایران را که حمایت‌های مردمی بود، کاهش دهد.

در طول مدت جنگ شهرها، عراق موشک‌های دوربرد بسیاری به شهرهای ایران پرتاب کرد.^۱ به‌علاوه، استفاده از گازهای شیمیایی در جبهه‌های جنگ را در پیش گرفت. در چنین شرایطی، آمریکا رسماً به کمک نیروهای صدام آمد. اعزام ناوگان جنگی به خلیج فارس و هدف قرار دادن هواپیمای مسافربری ایران در تیرماه ۱۳۶۷، از جمله اقدامات ناجوانمردانه‌ی آمریکایی‌ها بود.



دزفول در پی یکی از حملات موشکی

۱- کشورهای غربی و شوروی در تهیه‌ی انواع موشک‌های پیشرفته، به رژیم عراق کمک کردند. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، سیری در جنگ ایران و عراق، (ج ۵)، ص ۳۷.

شهید علی صیاد شیرازی (۱۳۲۳-۱۳۷۸ ش)



امیر سپهبد علی صیاد شیرازی در سال ۱۳۲۳ در
 کیود گنبد مشهد در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. پدرش
 فردی نظامی بود، به همین دلیل از شهری به شهری منتقل
 می‌شد. علی سال ششم متوسطه را در تهران گذراند و در
 ۱۳۴۲ موفق به اخذ دیپلم شد. در سال ۱۳۴۳ در کنکور
 دانشکده‌ی افسری شرکت کرد و پذیرفته شد. او همواره به
 عنوان فردی مذهبی شناخته می‌شد. با اوج‌گیری مبارزات ملت
 مسلمان، علناً به دفاع از انقلاب پرداخت و به همین دلیل،
 دستگیر و زندانی شد. با پیروزی انقلاب، او نیز مانند سایر
 زندانیان آزاد شد. در جریان حوادث کردستان، به غرب کشور

اعزام شد و همراه با سایر فرماندهان سپاه و ارتش، سنجق را از محاصره‌ی ضدانقلاب آزاد کرد.
 علی در سال ۱۳۶۰، به خاطر رشادت‌ها و لیاقت‌های خود، توسط امام خمینی به فرماندهی
 نیروی زمینی منصوب شد. او ضمن هماهنگی با فرماندهان سپاه، در عملیات بسیاری شرکت کرد و
 پیروزی‌های بزرگی را برای ایران اسلامی به ارمغان آورد.

در سال ۱۳۷۸ به درجه‌ی سرلشکری رسید و به فاصله‌ی کوتاهی، توسط یکی از اعضای سازمان
 مجاهدین خلق (منافقین) که در جریان جنگ تحمیلی، ستاد خود را در خاک عراق و تحت حمایت
 صدام حسین ایجاد کرده بودند، ترور شد و در تاریخ ۲۱ فروردین ۱۳۷۸ به شهادت رسید.

قطع نامه‌ی ۵۹۸

در عرصه‌ی سیاسی و بین‌المللی، وزارت خارجه‌ی نوپای جمهوری اسلامی با اقدام‌های
 روشنگرانه‌ی خود، به تدریج متجاوز بودن عراق را به دنیا قبولاند. در تیرماه ۱۳۶۷ در قطع‌نامه‌ی ۵۹۸
 سازمان ملل متحد برای نخستین بار پس از ۷ سال از شروع جنگ، دو خواسته‌ی ایران مورد توجه
 قرار گرفت: عقب‌نشینی به مرزهای بین‌المللی پس از آتش‌بس و تعیین متجاوز. در نتیجه، ایران
 قطع‌نامه را پذیرفت.

مذاکرات ایران و عراق بین وزرای خارجه‌ی دو کشور شروع شد و قریب دو سال به درازا کشید.
 سرانجام در پی ایستادگی هیئت مذاکره‌کننده‌ی ایرانی در حفظ حقوق ایران در اروندرود، و پافشاری
 بر اجرای قرارداد مرزی سال ۱۹۷۵، مذاکرات با پیروزی ایران به پایان رسید. رئیس‌جمهور عراق
 طی نامه‌ای خطاب به رئیس‌جمهور وقت ایران حجت‌الاسلام والمسلمین آقای هاشمی رفسنجانی، به

اعتبار قرارداد سال ۱۹۷۵ (الجزایر) صحنه گذاشت و خط تالوگ در اروندرود، به‌عنوان مرز آبی دو کشور تثبیت شد؛ درحالی که هدف اصلی عراق در حمله به ایران، به‌هم زدن این قرارداد و تصرف کل اروندرود بود.^۱ و این اولین بار در تاریخ ۲۰۰ ساله‌ی اخیر ایران بود که به‌دنبال جنگ با کشوری خارجی، حتی یک وجب از خاک ایران جدا نشد.^۲

ارتحال امام‌خمینی و رهبری آیت‌الله خامنه‌ای

روح بلند بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام‌خمینی، در شب چهاردهم خردادماه سال ۱۳۶۸ به ملکوت اعلا پیوست. امام‌خمینی که در دوران حیات خود بزرگ‌ترین انقلاب تاریخ معاصر را رهبری کرد و پرچم هویت، عزت و بیداری اسلامی را در جهان اسلام برافراشت، با رحلت خود انقلابی دیگر برپا کرد؛ میلیون‌ها دل بی‌قرار بر پیکر پاک او گرد آمدند^۳ و صدها میلیون نفر در سراسر جهان در غم او عزادار شدند.

بلافاصله پس از اعلام مصیبت ارتحال بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، مجلس خبرگان رهبری^۴ اجلاسی فوق‌العاده تشکیل داد و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای را به رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران برگزید.

۱- جهت آگاهی بیش‌تر ن. ک: ولایتی، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران.

۲- در ابتدای حکومت قاجار، وسعت ایران قریب دو میلیون و شصصد هزار کیلومتر مربع بود که تا زمان انقلاب اسلامی قریب یک میلیون کیلومتر مربع از آن جدا شده بود. بخش مهمی از آن به‌دلیل جنگ‌های زمان قاجار و بخش‌های دیگری نظیر بحرین، آرات و اروندرود، زمان حکومت سلسله‌ی پهلوی، به‌دلیل وابستگی آن‌ها به استعمار، به دستور دولت انگلیس از ایران جدا شد و به حکومت‌های وابسته به بریتانیا واگذار شدند. کسانی که از طولانی شدن جنگ به‌دلیل خودداری ایران از قبول صلح تحمیلی انتقاد می‌کنند، از این نکته غفلت دارند که تمام قطع‌نامه‌های قبلی سازمان ملل به‌دلیل نفوذ حامیان صدام در شورای امنیت سازمان ملل که تحریک‌کنندگان او برای حمله به ایران به قصد نهایی ساقط کردن حکومت انقلابی و یا تجزیه‌ی ایران بودند، ناقص و علیه منافع ایران بود، زیرا در هیچ کدام عقب‌نشینی نیروهای اشغالگر پیش‌بینی نشده بود و بعد از بازگیری خرمشهر از نیروهای عراقی، هنوز هزاران کیلومتر از خاک وطن عزیز ما در اشغال عراقی‌ها بود. اگر ایران فقط آتش‌بس را می‌پذیرفت و جنگ متوقف می‌شد، اغلب نیروهای مدافع مرزهای ایران زمین، از داوطلبان غیرنظامی بودند که در آن صورت به خانه‌های خود برمی‌گشتند. درحالی که نیروهای جنگی عراق همگی نظامیان رسمی بودند که عراق با پول کشورهای غربی و اسلحه‌ی کشورهای غربی و شرقی ۱۲ لشکر خود را در طول جنگ به ۴۰ لشکر رسانیده بود و اگر جبهه‌ها سرد می‌شد، اهرمی در دست مذاکره‌کنندگان ما نبود تا نیروهای عراقی را که با خیال راحت در خاک ایران مستقر شده بودند، وادار به عقب‌نشینی کند و حتی ممکن بود حملات را ادامه دهند و بخش‌های بیش‌تری را تصرف کنند. تجربه‌ی تاریخی ما در جنگ‌های ایران و روس نشان می‌دهد، بسیج کردن مجدد مردمی که یک بار به جبهه آمدند و با وعده‌های حل و فصل سیاسی مسائل مورد اختلاف، به خانه‌های خود برگشته بودند، کار مشکلی است.

۳- در مراسم ارتحال حضرت امام‌خمینی (ره) بالغ بر ده میلیون نفر شرکت کردند. کوثر، ص ۵۳.

۴- نمایندگان مجلس خبرگان رهبری هر هشت سال یک بار توسط مردم انتخاب می‌شوند.

شایستگی علمی^۱ و مراتب تقوای آیت‌الله خامنه‌ای، سابقه‌ی طولانی متابعت و همراهی ایشان با امام‌خمينی از آغاز نهضت و توانمندی‌های مدیریتی ایشان که در جریان تصدی دو دوره ریاست جمهوری در دورانی سخت و طوفانی پس از انقلاب، به اثبات رسیده بود، موجب شد نام هیچ‌کس دیگری در مباحثات مجلس خبرگان رهبری مطرح نشود. از این‌رو، جامعیت و کفایت ایشان مورد تأیید خبرگان ملت ایران قرار گرفت.

این انتخاب سریع و قاطع با توجه به شناخت عمومی مردم ایران از کفایت و شایستگی ایشان، هم‌چنین باعث شد که نگرانی مردم ایران و سایر علاقه‌مندان به انقلاب اسلامی در سراسر جهان از فقدان امام‌خمينی، برطرف شود و نسبت به استمرار قدرتمندانه‌ی نظام جمهوری اسلامی، آرامش و اعتماد عمومی حاصل گردد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در اولین پیام‌ها و بیانات خود اعلام نمودند که هدف و راه امام‌خمينی را به دقت دنبال خواهیم کرد.^۲ به این ترتیب، مردم ایران که به رهبری امام، انقلاب اسلامی را شکل داده و با همه‌ی وجود از آن حراست کرده بودند، پس از رحلت امام با بیعت با آیت‌الله خامنه‌ای، بر استمرار و ادامه‌ی آن عملاً تأکید کردند.

۱- جامعه‌ی مدرسین که معتبرترین مجموعه‌ی علمی-دینی-سیاسی حوزه‌های علمیه‌ی جهان تشیع است و نقش اساسی در حمایت از انقلاب اسلامی به رهبری امام‌خمينی داشته است، پس از رحلت آیت‌الله اراکی، آیت‌الله خامنه‌ای را به‌عنوان یکی از مراجع تقلید معرفی کرد.
۲- برای اطلاع بیشتر در این باره ن. ک: حدیث ولایت، مجموعه رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی، ج ۲، ص ۲۱.

پرسش‌های نمونه

- ۱- چرا در ابتدای جنگ، ارتش صدام به پیشرفت‌های سریع در خاک ایران موفق شد؟
- ۲- نتیجه‌ی پیروزی‌های بی‌دری ایران در جبهه‌های جنگ چه بود؟
- ۳- صدام حسین چه موقع ندای صلح‌خواهی سرداد؟
- ۴- چرا در ابتدا ایران آتش‌بس را نمی‌پذیرفت؟

اندیشه و جست و جو

- ۱- در مورد قرارداد الجزایر مطلبی تهیه کنید.
- ۲- خاطراتی از رشادت‌های رزمندگان در جبهه‌های جنگ گردآوری و در کلاس بیان کنید.

آرمان‌ها و دستاوردهای انقلاب اسلامی

در این درس به‌طور خلاصه با آرمان‌ها، هدف‌ها، آثار و گوشه‌ای از نتیجه‌های انقلاب اسلامی در ابعاد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، آشنا می‌شوید.

آرمان‌ها و هدف‌های انقلاب اسلامی

هر انقلابی آرمان‌ها و اهدافی دارد که کلیه فعالیت‌ها، مبارزه‌ها و ایثارگری‌های دوران قیام، به‌خاطر تحقق آن‌ها شکل می‌گیرد و این تلاش‌ها با هدف حفظ آن آرمان‌ها و ارزش‌ها، پس از پیروزی نیز ادامه می‌یابد. همان‌گونه که در درس‌های قبل خواندید، هدف‌های اصلی و عمده‌ی انقلاب، «استقلال»، «آزادی» و «جمهوری اسلامی» بود که به‌عنوان محوری‌ترین شعار دوران مبارزه، توسط توده‌های میلیونی مردم مطرح می‌شد. به این ترتیب، هدف‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

الف. استقلال

استقلال، نخستین آرمان انقلاب اسلامی محسوب می‌شود که یکی از آرزوهای دیرین مردم ما در طول تاریخ، خاصه دو سده‌ی اخیر بود. تجربه‌ی تاریخی ایران و سایر جامعه‌هایی که روزگاری زیر سلطه و استعمار قدرت‌های بیگانه بوده‌اند، نشان می‌دهد، هیچ کشوری تا خود را از بند اسارت و سلطه‌ی بیگانگان نجات ندهد، به سعادت، تعالی و اقتدار نخواهد رسید.

استقلال ابعاد متفاوتی دارد؛ مانند استقلال فکری، سیاسی و اقتصادی.

۱- **استقلال فکری**: استقلال فکری در هر کشور زمانی حاصل می‌شود که مردم باور کنند، بیگانگان بر آنان برتری ذاتی ندارند و آن‌ها نیز با همت و پشتکار خود می‌توانند به سازندگی، پیشرفت، نوآوری و تعالی برسند. شرط تحقق استقلال فکری و فرهنگی ملت ایران، ایجاد نوعی تحول عمیق اندیشه‌ای و اعتقادی در آنان، و بازگشت به فرهنگ غنی اسلام و ایران است.

امام خمینی در اهمیت استقلال فکری گفته است: «استقلال فکری، شرط اول استقلال است»^۱.



۲- **استقلال سیاسی**: استقلال سیاسی هر کشور که از جایگاهی بسیار مهم برخوردار است، به این معنی است که مدیران، مسئولان و سران کشور، در تعیین خط‌مشی و اجرای برنامه‌های کشور، تابع دستور بیگانگان و مداخله‌ی آن‌ها نباشند.

۳- **استقلال اقتصادی**: به معنای نداشتن وابستگی در ابعاد گوناگون اقتصادی است. کشوری به استقلال اقتصادی می‌رسد که برای تأمین نیازهای اساسی جامعه‌اش، به دیگران وابسته نباشد. البته بدیهی است که هر کشور، در زمینه‌های گوناگون، به محصول‌های سایر کشورها نیاز دارد. بنابراین مبادله‌ی اقتصادی میان کشورها، به معنی فقدان استقلال اقتصادی نیست.

استقلال در همه‌ی ابعاد آن، یکی از اساسی‌ترین شعارها و خواسته‌های مردم ایران قبل از پیروزی انقلاب بود و از آرمان‌های اصلی و مهم آن به‌شمار می‌رفت.

فکر کنید و پاسخ دهید:

چرا امام خمینی استقلال فکری را شرط اول استقلال مملکت معرفی کرده

است؟

بیش تر بدانید

خانم اسکاج پُل که یکی از نظریه‌پردازان معروف مقایسه‌ی انقلاب‌ها در روزگار ماست، در چارچوب مقایسه‌ای انقلاب‌های جهان می‌نویسد: «شاه ایران یک پادشاه مستبد بود و از دیگر پادشاهان رژیم‌های فرانسه، روسیه و چین قبل از وقوع انقلاب در این کشورها بسیار قدرتمندتر بود، زیرا او ارتشی کاملاً مدرن و نوعی پلیس مخفی بی‌رحم و همه‌جا حاضر در اختیار داشت. براندازی چنین حاکمیتی که حمایت قدرت‌های استعماری جهان را نیز به همراه داشت، کار مشکل و سختی بود. از این رو، اهمیت و ارزش انقلاب اسلامی ایران در مقایسه با سایر انقلاب‌های بزرگ جهان نظیر فرانسه، روسیه و چین، کاملاً آشکار می‌شود. این عظمت را باید در قدرت رهبری انقلاب (امام خمینی)، ایدئولوژی انقلاب و مردم مسلمان ایران جست‌وجو کرد»^۱.

ب. آزادی

استعدادهای نهفته در وجود انسان‌ها، در پرتو آزادی شکوفا می‌شود. آزادی و آزادگی، از آرمان‌های اصلی انقلاب اسلامی است. این اصل، ریشه در تعلیم‌های اسلام دارد. حضرت علی (ع) در نامه‌ای به فرزندش امام حسن (ع) نوشته است: «هرگز برده‌ی دیگری مباش، در حالی که خداوند تو را آزاد آفریده است»^۲.

نیاز به توضیح نیست که آزادی به مفهوم مطلق آن، نفی‌کننده‌ی برخی آزادی‌های اصیل فردی و اجتماعی دیگران و خود است؛ زیرا رهایی از هر گونه قید و بند و انجام اعمال خودسرانه، هرگز با منطق و عقل سازگار نیست و عملاً، نتیجه‌ای جز سلب آزادی دیگران و بازداشتن انسان از رسیدن به تعالی و کمال ندارد.

واژه‌ی آزادی، همواره در کنار قانون و معنویت مفهوم و معنی می‌یابد. این نوع آزادی، مطابق عقل و فطرت الهی همه‌ی انسان‌هاست. بنابراین، حکومتی که قانون‌های آن از دستورهای الهی سرچشمه گرفته باشند، تأمین‌کننده‌ی آزادی و آزادگی به مفهوم حقیقی آن است. در چنین نظامی، آزادی به حفظ مصلحت‌ها و منافع همگانی و رشد معنوی جامعه منجر می‌شود.

شعار محوری «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» که آرمان بنیادی انقلاب اسلامی است، «آزادی» را در کنار «استقلال» و «جمهوری اسلامی» قرار داده است. این به معنای آن است که مردم ایران،

۱- اسکاج پُل، حکومت تحصیل‌دار و اسلام شیعه در انقلاب ایران، ص ۱۹۱؛ به نقل از: رهیافت‌های نظری بر انقلاب اسلامی،

ص ۱۸۶.

۲- نهج البلاغه، نامه‌ی ۳.

خواهان آزادی در راستای تأمین استقلال و مطابق با قوانین متعالی و نجات بخش اسلام هستند.

ج. جمهوری اسلامی

یکی از رکن‌های مهم آرمانی انقلاب مردم ایران، «جمهوری اسلامی» است. جمهوری اسلامی از دو واژه‌ی «جمهوری» و «اسلامی» تشکیل شده است. جمهوری اسلامی یا حکومت «مردم‌سالاری دینی»، به آرای مردم و حاکمیت قانون‌های متعالی اسلام متکی است. امام خمینی در این باره گفته است: «ماهیت حکومت جمهوری اسلامی این است که با شرایطی که اسلام برای حکومت قرار داده، با اتکا به آرای عمومی ملت، حکومت تشکیل شده و مجری احکام اسلام باشد.»^۱ مطابق تعالیم اصیل شیعی، ولایت فقیه به عنوان هسته‌ی مرکزی و جوهر وجودی نظام جمهوری اسلامی، دارای مشروعیت الهی است که با مقبولیت مردمی تحقق و عینیت می‌یابد.

بدیهی است که آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران، دامنه‌ای گسترده دارد. برپایی عدل و عدالت اجتماعی، دوری از هر گونه تبعیض و نابرابری، نفی ظلم و استبداد و ستم، قانون‌گرایی، توجه به مردم به ویژه محرومان جامعه، مبارزه با مفاسد اقتصادی و اجتماعی و مانند این‌ها، در زمره‌ی هدف‌های این انقلاب قرار دارند.

دستاوردهای انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی با گذر از بحران‌های سالیان اولیه‌ی پس از پیروزی، دچار جنگی ناخواسته و تحمیلی شد که به مدت هشت سال، مردم و مسئولان و بیش‌تر امکانات کشور را به خود مشغول کرد. اگرچه تجربه و دستاوردهای دفاع مقدس نیز به نوبه‌ی خود بسیار ارزنده و کم‌نظیر است، اما علاوه بر آن، انقلاب اسلامی در مدت زمانی که از عمر آن می‌گذرد، آثار و نتیجه‌هایی عظیم و در مواردی شگفتی‌آور به همراه داشته است. این دستاوردها در ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و علمی قابل بررسی هستند:

الف. ابعاد سیاسی

اولین نتیجه‌ی انقلاب اسلامی در داخل کشور، تغییر رژیم وابسته و خودکامه‌ی شاهنشاهی و استقرار نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر آرا و خواست‌های مردم به جای آن بود. دستاورد دیگر انقلاب، تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی است که ثمره‌ی دو قرن مبارزه‌ی بی‌گیر مردم مسلمان ایران علیه استبداد داخلی و استعمار خارجی است و میثاق ملی کشور محسوب می‌شود. از مهم‌ترین اصل‌های قانون اساسی، اصل «ولایت فقیه» است. این اصل مترقی، ضامن حفظ تمامیت ارضی، حراست از

۱- آیین انقلاب اسلامی، ص ۱۴۲.

ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب و منافع ملی مردم ایران و مانع مهمی در جلوگیری از بازگشت دیکتاتوری و نفوذ بیگانه به‌شمار می‌رود.

افزایش مشارکت مردمی در امر حکومت، از دیگر دستاوردهای انقلاب است. مهم‌ترین شاخصه‌ی رسمی و قانونی مشارکت سیاسی مردم، حضور آنان در «انتخابات» گوناگون، مثل: انتخابات ریاست جمهوری، خبرگان رهبری، نمایندگان مجلس و شوراهای اسلامی شهرها و روستاها است که نظیر آن را به ندرت می‌توان در دیگر انقلاب‌های جهان مشاهده کرد.



استقلال سیاسی و کوتاه شدن دست ابرقدرت‌ها و هزار فامیل‌ها از مقدرات کشور، از دیگر دستاوردهای سیاسی انقلاب اسلامی ایران است. همان‌طور که در درس‌های گذشته مطالعه کردید، انقلاب اسلامی ایران، بر خلاف بسیاری از انقلاب‌های معاصر که با حمایت یکی از قدرت‌های شرق و غرب شکل گرفتند، تنها با اتکا به قدرت الهی و حمایت و پشتیبانی مردم، توانست استقلال سیاسی و حاکمیت ملی خود را به‌دست آورد. این موضوع به قدری افتخارآفرین و غرورآمیز است که بسیاری از اندیشمندان جهان، آن را از شاخصه‌های بی‌همتای نظام جمهوری اسلامی ایران می‌دانند. انقلاب

اسلامی که خارج از دایره‌ی نفوذ بلوک‌های غرب و شرق به پیروزی رسید، خود به یک قطب در جهان اسلام مبدل شد. کشوری که در گذشته، دست‌نشانده و تابع قدرت‌های غربی بود، امروز در جهان سیاست، به‌عنوان قدرتی مستقل و تأثیرگذار مطرح است.

مقاومت مردم ایران در برابر انواع توطئه‌های خارجی و عوامل داخلی استکبار جهانی، اُبَهِت قدرت‌های غرب و شرق و سایر قدرت‌های سلطه‌گر بیگانه را درهم شکست. این مقاومت و تحول شگرف که در تاریخ ایران بی‌سابقه است، معلول تحول سیاسی جامعه‌ی ما و برخورداری از روحیه‌ی تسلیم‌ناپذیری و شهادت‌طلبی مردم ایران است.^۱

نهی هرگونه سلطه‌پذیری و سلطه‌جویی که از ارکان سیاست خارجی است، از دستاوردهای مهم سیاسی انقلاب اسلامی است. در تاریخ معاصر ایران، کشور ما تا قبل از انقلاب، همواره تحت نفوذ و سلطه‌ی قدرت‌های بزرگ استعماری و بیگانه (روس، انگلیس و آمریکا) بوده است.

علاوه بر آن، حفظ استقلال همه‌جانبه‌ی کشور و برقراری روابط صلح‌آمیز با دیگر کشورها، به جز کشورهای متخاصم و محارب، از دستاوردهای سیاست خارجی ایران بعد از انقلاب به‌شمار می‌رود. از نمودهای عینی این سیاست، قطع رابطه‌ی سریع با رژیم اشغالگر قدس و رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی بود.

با پیروزی انقلاب اسلامی، ملت‌های محروم جهان، برای رهایی از چنگال حکومت‌های مستبد و وابسته به ابرقدرت‌ها، با الگو قرار دادن هدف‌ها و شیوه‌های انقلاب اسلامی، حرکت‌های رهایی‌بخشی را آغاز کردند. اوج این مبارزه‌ها، در کشورهای مسلمان منطقه‌ی خاورمیانه بود.

انقلاب اسلامی در خارج از مرزهای جغرافیایی خود، دریچه‌های امید را به روی میلیون‌ها انسان مسلمان و مستضعف در سراسر جهان گشود. حمایت بی‌دریغ مردم مسلمان ایران از مبارزان فلسطینی، به پیدایش نوعی رستاخیز اسلامی در مناطق اشغالی فلسطین، تحت عنوان انتفاضه، انجامید. جنبش رهایی‌بخش فلسطین که از طرح‌های سازشکارانه، قوم‌گرایی و ملی‌گرایی، به بن‌بست رسیده بود، با الگو قرار دادن آرمان‌ها و شیوه‌های انقلاب اسلامی، به پیروزی‌های بزرگی دست یافت.

به‌طور کلی، دستاوردهای سیاسی انقلاب اسلامی را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

- ۱- تغییر رژیم وابسته و خودکامه‌ی شاهنشاهی و رفع استعمار و استبداد از ملت ایران.
- ۲- استقرار نظام جمهوری اسلامی (تحقق خواسته‌ی مردم ایران مبنی بر شکل‌گیری نظام حکومتی مبتنی بر ولایت فقیه و نقش تعیین‌کننده‌ی مردم در سرنوشت خویش).

بیش تر بدانید

«میشل فوکو»^۱، از نظریه پردازان بزرگ معاصر غربی، معتقد است: «انقلاب اسلامی ایران نخستین انقلاب «فرامردن» عصر حاضر است که برخلاف بسیاری از انقلاب‌های جهان، با انگیزه‌های اقتصادی و مادی صورت نگرفته است.»^۲ او در کتاب «ایرانی‌ها چه رؤیایی در سر دارند»، می‌نویسد: «شخصیت آیت‌الله خمینی پهلوی به افسانه می‌زند. هیچ رئیس دولت و رهبر سیاسی حتی به پشتیبانی همه‌ی رسانه‌های کشورش، نمی‌تواند ادعا کند مردمش با او چنین پیوند نیرومندی دارند... ایرانیان با انقلاب اسلامی، قبل از هر چیز خود را هدف قرار داده بودند. آنان راه اصلاح جامعه را در اسلام یافتند. اسلام برای آنان هم دوی درد فردی و هم درمان بیماری‌ها و نواقص اجتماعی بود.»^۳

۳- تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۴- استقلال سیاسی.

۵- پیوند دین و سیاست و ارائه‌ی الگویی نوین برای مردم‌سالاری دینی.

۶- رشد سیاسی و آگاهی‌های عمومی مردم و حضور مردم در صحنه‌های گوناگون.

۷- شکست اُبَهِت قدرت‌های غرب و شرق و قدرت‌های سلطه‌گر خارجی.

۸- عدم سلطه‌پذیری (از قدرت‌های شرق و غرب) و نفی هرگونه سلطه‌جویی نسبت به سایر

کشورها.

۹- ترسیم چهره‌ی صلح‌طلبانه‌ی از اسلام با اثبات مظلومیت مردم ایران در جریان جنگ تحمیلی

و سایر تهاجمات، با طرح تشنج‌زدایی در سطح دولت‌ها.

ب. ابعاد فرهنگی

برای رسیدن به درکی واقع‌بینانه از ابعاد فرهنگی انقلاب اسلامی، یادآوری وضعیت فرهنگی دوران قبل از انقلاب، ضروری به‌نظر می‌رسد. همان‌گونه که در درس‌های قبل مطالعه کردید، یکی از شاخصه‌های فرهنگی حاکمیت استبداد دوران پهلوی، تخریب سنت‌های اصیل دینی و ملی مردم مسلمان ایران بود. این سیاست، به بهانه‌ی تجددخواهی و نوگرایی، با ترویج فرهنگ مبتذل غربی، بسیاری از مظاهر فرهنگ ملی را که نشانه‌ی هویت تاریخی مردم مسلمان ایران بود، از میان برد.

رواج فرهنگ ابتدال، لاًبالی‌گری و بی‌بندوباری‌های اخلاقی و اقتصادی که به‌طور رسمی و

۱- Micheal Foucault

۲- فوکو، رهبر اسطوره‌ای قیام ایران، ص ۷۴، به نقل از: جرعه‌ی جاری، ص ۸۹ و ۹۰.

۳- فوکو، ایرانی‌ها چه رؤیایی در سر دارند، ص ۶۴.

آشکارا توسط سینما، رادیو، تلویزیون و سایر رسانه‌های عمومی نظیر مطبوعات تبلیغ می‌شد، نهادهای فرهنگی و اجتماعی را به تباهی و نابودی سوق داده بود و هویت اسلامی و ایرانی جامعه را رو به نابودی می‌برد. فسادهای گسترده در جامعه‌ی ایران قبل از انقلاب، به صورت یک «ارزش» درآمد بود و رژیم پهلوی، آشکارا به ترغیب و تبلیغ آن‌ها می‌پرداخت. برپایی نمایش‌های مبتذل تحت عنوان جشن هنر، تشکیل مجلس‌های فساد در دربار و توزیع انواع مواد مخدر در کشور توسط اشرف پهلوی -خواهر شاه- و سایر عوامل وابسته به رژیم، تنها گوشه‌ای از سیاست رواج رسمی فساد و فرهنگ ابتذال آن دوران به‌شمار می‌رود^۱. اما آنچه که در دوران حکومت پهلوی بیش از هر چیز ایرانیان را رنج می‌داد، ستایش و ترویج فرهنگ بیگانه و تحقیر فرهنگ «خودی» بود. این سیاست که ریشه در خودباختگی و بی‌ریشه‌گی رژیم حاکم بر کشور داشت، منزلت و شأن تاریخی مردم ایران را خدشه‌دار کرده و کرامت انسانی آنان را از بین برده بود. سیاست‌های ضداسلامی، از جمله تأکید بر «جدایی دین از سیاست» و به حاشیه راندن تعالیم و دستورهای دینی، عامل‌هایی بودند که سرانجام مردم مسلمان ایران را به رویارویی با حاکمیت و سرنگونی آن کشاندند. با این مقدمه، برخی از دستاوردهای «فرهنگی» انقلاب اسلامی ایران را می‌آوریم:

انقلاب اسلامی، با زدودن زنگارها و اوهام از چهره‌ی دین، به احیای فرهنگ اسلامی به‌عنوان مکتبی پویا و حیات‌بخش پرداخت. زنده کردن دوباره‌ی تعالیم اسلام که راز استقلال، همبستگی و هویت فرهنگی مردم مسلمان ایران است، احساس خودباوری، اعتماد و اتکا به خود را در جامعه زنده کرد و توانست، از ادامه یافتن احساس حقارت و خودباختگی مردم ایران در برابر بیگانگان، جلوگیری کند. خودآگاهی فرهنگی و پیدایش روحیه‌ی اعتماد به نفس، پس از سال‌های طولانی تحمیل سرخوردگی و تحقیر از درون و بیرون، انقلابی در فرهنگ جامعه‌ی ایران به‌شمار می‌رود. مردم کشور ما پس از انقلاب با تکیه بر تعالیم حیات‌بخش اسلام، مکتب اهل بیت(ع)، میراث عظیم فرهنگ ایران زمین، توکل بر خدا و اعتماد به نفس، توانستند با بهره‌گیری از نیروهای درونی و استعدادهاى سرشار خود، به موفقیت‌هایی چشم‌گیر در زمینه‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی دست یابند. علاوه بر این، انقلاب اسلامی با هدف پاکسازی جامعه از آلودگی‌های فرهنگی و اجتماعی، اقدام به بستن کانون‌های فساد و زشت‌کاری، و مبارزه با ترویج مادیگری و مظاهر فرهنگ غربی کرد.

یکی از نتیجه‌ها و دستاوردهای فرهنگی انقلاب اسلامی ایران، افزایش سطح آگاهی عمومی، افزایش و رشد مطبوعات و نشریات، گسترش کانون‌های آموزشی و تربیتی درون کشور و درخشش و

۱- جهت اطلاع بیش‌تر ن. ک. فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی؛ انصاری، من و خاندان پهلوی.

تعالی آثار هنری و فرهنگی ایران در سطح جهان است. انقلاب اسلامی هم‌چنین موفق شد شخصیت اصیل زن ایرانی را که در رژیم گذشته تحت تأثیر فرهنگ منحط غربی، هویت خود را از دست داده بود، احیا کند. حضور گسترده‌ی زنان در جامعه‌ی پس از انقلاب اسلامی در صحنه‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، بیانگر این حقیقت است. یکی از نمودهای بارز این امر، درخشش دختران و زنان در امر آموزش و تحصیل، به ویژه در سطح دانشگاه‌هاست.

احیای تفکر دینی، تحول در ارزش‌ها و نگرش‌ها و هم‌چنین احیای مفاهیمی مانند جهاد و شهادت و ایثار و اخلاص، مردمی شدن قوای مسلح و سازمان‌دهی نیروی بسیج مردمی، هماهنگی بین تعهد و تخصص و دیانت و روشنفکری و همکاری حوزه و دانشگاه، از دیگر دستاوردهای فرهنگی انقلاب اسلامی به‌شمار می‌رود.^۱

ج. ابعاد اقتصادی

اقتصاد ایران در دوران قبل از انقلاب، وابسته و «تک محصولی» بود که بر مبنای فروش مهارگسیخته‌ی نفت در چارچوب معیارهای توسعه‌ی غربی – بدون در نظر گرفتن زمینه‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی این کشور – استوار بود. در نتیجه‌ی به‌کارگیری چنین سیاستی، به جای فعالیت‌های زیربنایی و عمرانی و توجه به تولید و صادرات غیرنفتی، دارایی و امکان‌های کشور، عمدتاً صرف برنامه‌های غیربنیادی و غیرمولد می‌شد. اکثر فعالیت‌های اقتصادی مبتنی بر درآمد حاصل از فروش نفت بود که جز وابستگی اقتصادی، نبودن تعادل در بخش‌های گوناگون اقتصادی، و نفی عدالت اجتماعی، نتیجه‌ای در پی نداشت. به‌کار گرفته نشدن درآمدهای سرشار نفتی در تقویت بنیه‌ی اقتصادی کشور – خاصه در دهه‌ی ۱۳۵۰ – ایران را به یکی از عمده‌ترین واردکنندگان کالاهای مصرفی غرب تبدیل کرده بود.

با وجود مشکل‌های بی‌شمار اقتصادی بازمانده از دوران قبل از انقلاب و هم‌چنین، معضله‌های اقتصادی عظیم ناشی از جنگ تحمیلی و کارشکنی‌ها و تحریم‌های اقتصادی، انقلاب توانست از آغاز پیروزی، به تولید بیش‌تر کالاها در داخل و حتی صدور بعضی از آن‌ها به خارج از کشور، نایل آید.^۲ در

۱- جهت اطلاع بیش‌تر ن.ک.: انقلاب اسلامی و چرایی و چگونگی رخداد آن، ص ۱۸۴، حشمت زاده، چارچوبی برای تحلیل و

ساخت انقلاب اسلامی در ایران، ص ۳۷-۳۵۶.

۲- از جمله دستاوردهای علمی ایران پس از انقلاب اسلامی می‌توان به فولادهای آلپازی، دست‌یابی ایران به انرژی هسته‌ای، تولید محصولات پتروشیمی، تولید ماشین‌آلات صنعتی و خودروهای سبک و سنگین، ساخت کارخانه‌ی ذوب آهن در کشورهای دیگر، پیشرفت شگرف در تخصص‌ها و فوق‌تخصص‌های پزشکی و پیوند اعضا، ترقی علوم پایه (مثل حوزه‌های بیولوژی مولکولی، مهندسی ژنتیک و سلول‌های بنیادی) اشاره کرد.

نتیجه‌ی چنین سیاستی، سهم صادرات غیرنفتی به طرز چشم‌گیر افزایش یافت. با این همه، تا رسیدن به سطح مطلوب، راهی طولانی در پیش است.

توجه به عمران و آبادی روستاها و برخوردار کردن اکثر روستاهای ایران از نعمت آب، برق، مخابرات، مراکزهای آموزشی و بهداشتی، جاده و امکانات رفاهی، از دیگر نتایج اقتصادی انقلاب اسلامی است؛ که در قبل از انقلاب، بیش‌تر آن‌ها، از آن محروم بودند.

د. ابعاد علمی و فناوری‌های نوین

یکی دیگر از کوشش‌های مؤثر در دوران پس از انقلاب اسلامی، توجه به صنایع سنگین و اقدام‌های بنیادی و زیربنایی در این زمینه است. توسعه‌ی روزافزون در صنایع دفاعی، نفت، پتروشیمی، ذوب آهن، فولاد، برق و هم‌چنین ساخت سدهای بزرگ و گسترش یا نوسازی راه‌های کشور در این دوران، نقشی مهم در رشد و شکوفایی سایر بخش‌های اقتصادی کشور دارد.

پیشرفت‌های عظیم در حوزه‌ی علم و فناوری از جمله دانش هسته‌ای، بیولوژی مولکولی و سلول‌های بنیادی، از دیگر دستاوردهای مهم انقلاب به‌شمار می‌روند. با وجود موانع، تهدیدها و تحریم‌های ناعادلانه‌ی کشورهای غربی، جمهوری اسلامی ایران با همت دانشمندان جوان ایرانی در ردیف کشورهای دارای فناوری هسته‌ای با کاربرد صلح‌آمیز قرار گرفته است. دست‌یابی به فناوری هسته‌ای از بزرگ‌ترین و افتخارآمیزترین دستاوردهای فنی و علمی انقلاب اسلامی است. چرخه‌ی کامل سوخت هسته‌ای، یعنی فرایند تبدیل اورانیوم طبیعی به انرژی هسته‌ای، دانشی بسیار پیچیده و پیشرفته است که تنها معدودی از کشورهای بزرگ صنعتی به آن دست یافته‌اند. با همت والا و عزم راسخ دانشمندان ایرانی



تأسیسات هسته‌ای نطنز

و با وجود توطئه‌های آشکار و پنهان دشمنان انقلاب اسلامی، امروز جمهوری اسلامی ایران از حیث غنی‌سازی اورانیوم در بُعد صنعتی پنجمین کشور دنیاست. دانشمندان هسته‌ای ایران، نسل جدیدی از ساترنیویوژهای هسته‌ای را طراحی و تولید کرده‌اند که موجب حیرت جهانیان و بغض و کینه‌ی دولت‌های انحصارطلب غربی شده است.

امام خمینی درباره‌ی حفظ دستاوردهای انقلاب گفته است: «به ملت عزیز ایران توصیه می‌کنم که نعمتی که با جهاد عظیم خودتان و خون جوانان برومندتان به دست آورده‌اید، هم‌چون عزیزترین امور قدرش را بدانید و از آن حفاظت و پاس‌داری نمایید و در راه آن که نعمتی عظیم و الهی و امانت بزرگ خداوندی است، کوشش کنید و از مشکلاتی که در این صراط مستقیم پیش می‌آید، نهراسید که
 إِنَّ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»^۱

بیش‌تر بدانید

گریخته‌ای از زندگی‌نامه‌ی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

حضرت آیت‌الله سیدعلی‌خامنه‌ای، فرزند آیت‌الله سید جواد حسینی خامنه‌ای، در سال ۱۳۱۸ هجری شمسی در مشهد مقدس دیده به جهان گشود. خانواده‌ی پدری و مادری ایشان از خاندان علم و فقهات و دانشوری و سیاست بودند. لذا ایشان از اوان کودکی آموزش‌های دینی را آغاز کردند و هم‌زمان با تحصیلات ابتدایی و دبیرستانی، وارد حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد شدند و دوره‌ی مقدمات و سطح را در مدتی کوتاه به پایان بردند. ایشان که از شانزده سالگی درس خارج فقه و اصول را در مشهد، نزد مرحوم آیت‌الله میلانی آغاز کرده بودند، با سفر به نجف اشرف و هجرت به قم، از محضر بزرگان و آیات عظام بروجردی، امام خمینی (ره)، حائری یزدی و علامه طباطبایی، در فقه، اصول و علوم عقلی بهره‌مند شدند و در حدود سن ۲۵ سالگی به مقام اجتهاد نائل شدند.

هم‌زمان با آغاز نهضت امام خمینی (سال ۱۳۴۱) در حلقه‌ی یاران نزدیک ایشان قرار گرفتند و در طول شانزده سال مبارزه‌ی سیاسی، یکی از مؤثرترین چهره‌های انقلاب اسلامی بودند. آیت‌الله خامنه‌ای در سال ۱۳۴۲ به دلیل بیماری پدر، به مشهد مراجعه کردند و ضمن تدریس علوم اسلامی، به ترویج نهضت امام خمینی و تألیف و ترجمه پرداختند. نوآوری و ابتکار در آثار و بیانات ایشان، نقش مهمی در جذب و تربیت طلاب و دانشجویان جوان داشت و سخنرانی‌های متعدد ایشان در سرتاسر کشور، کانون طرح مباحث بنیادین اندیشه‌ی اسلامی و انقلابی بود. مجاهدت پرفراز و نشیب ایشان در مبارزه با رژیم ستم‌شاهی باعث شد تا در طول دوران نهضت، چندین بار دستگیر شود، به زندان بیفتد و شکنجه شود. ایشان در سال ۱۳۵۶ به ایرانشهر تبعید شدند و در اواسط سال ۱۳۵۷ با اوج‌گیری جریان مردمی انقلاب اسلامی، از تبعیدگاه آزاد شدند، به مشهد بازگشتند و در صف مقدم مبارزه علیه رژیم پهلوی، همراه با دیگر یاران، رهبری مبارزات مردم را برعهده گرفتند.^۲ چندی بعد به دعوت آیت‌الله شهید استاد مطهری، برای شرکت در جلسات شورای انقلاب، عازم تهران شدند.

۱- صحیفه‌ی نور، (ج ۲۱)، ص ۱۸۱.

۲- از دیگر اقدامات مردمی ایشان، مشارکت فعال در سامان‌دهی امدادرسانی به آسیب‌دیدگان از بلایای طبیعی سیل و زلزله‌ی

شهرستان‌های ایرانشهر، طبس، اسفراین، فردوس و ... بود.

پس از پیروزی انقلاب

هم‌زمان با عضویت در شورای انقلاب، ابتدا از سوی امام خمینی مأمور رسیدگی به امور دانشجویان شدند. در سال ۱۳۵۸ معاونت وزارت دفاع را برعهده داشتند. مأموریت دیگری که امام به ایشان محول کرد، نمایندگی در امور ارتش بود. هم‌چنین مدتی به عنوان سرپرست سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منصوب شدند. در سال ۱۳۵۹ از سوی امام به عنوان امام جمعه‌ی تهران تعیین شدند. ایشان در دوره‌ی اول مجلس شورای اسلامی نیز نمایندگی مردم تهران را برعهده داشتند و پس از تشکیل شورای عالی دفاع، نماینده‌ی امام خمینی در آن شورا بودند. ایشان در عین عهده‌دار بودن مسئولیت‌های حساس و خطیر، با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، لباس رزم برتن کردند و به طور مستمر در جبهه‌های دفاع مقدس، حضور فعال و مخلصانه داشتند. آن هنگام که دشمنان ملت ایران با هدف ضربه‌زدن به نظام جمهوری اسلامی، به ترور شخصیت‌ها و نیروهای انقلاب پرداختند، آیت‌الله خامنه‌ای جزو اولین اهداف آن‌ها بود. ترور نافرجام ایشان در سال ۱۳۶۰ هنگام سخنرانی در مسجد ابوذر تهران، توسط مجاهدین (منافقین) خلق، به مجروحیت شدید ایشان منجر شد که به طرز معجزه‌آسایی حیات مجدد یافتند و آسیب‌دیدگی دائمی دست ایشان، یکی از نشانه‌های افتخارآمیز جانبازی ایشان در راه انقلاب بود. به دنبال موج ترور شخصیت‌های برجسته‌ی انقلاب اسلامی و شهادت شهیدان دکتر بهشتی، رجایی و باهنر، وظیفه‌ی ایشان برای حضور در عرصه‌ی مدیریت عالی کشور، بیش از پیش سنگین شد و دو دوره‌ی پیاپی، با رأی قاطع مردم ایران به ریاست جمهوری اسلامی ایران برگزیده شدند. شایستگی‌های مدیریتی و اقدامات ایشان در دوران ریاست جمهوری به‌عنوان رئیس‌جمهور، رئیس شورای عالی دفاع و رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی در طی سال‌های ۶۰ تا ۶۸ که مملو از بحران‌های داخلی و خارجی بود، در تثبیت کامل انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی نقش اساسی داشت و نشانه‌هایی از لیاقت رهبری را در ایشان آشکار ساخت.

این سوابق اسلامی، انقلابی، سیاسی و مدیریتی موجب شد، پس از ارتحال امام، مجلس خبرگان رهبری، بدون کوچک‌ترین اتلاف وقت و با رأی قاطع، ایشان را به جانشینی امام خمینی (ره) انتخاب کنند.

از آن زمان تاکنون، کشور ما به دلیل موقعیت بسیار حساس جغرافیایی و سیاسی خود و هم‌چنین به دلیل بیداری فراگیر شده در کل جهان اسلام، هم‌زمان با فروپاشی شوروی (سابق) و تحولات و تلاطم‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، با حوادث بسیار پیچیده و حساسی مواجه بوده است و با درایت و مدیریت هوشمندانه و بسیار ارزشمند ایشان توانسته از همه‌ی این مراحل سخت و مخاطره‌آمیز با موفقیت بگذرد. در حالی که از زمان فروپاشی شوروی و به هم خوردن معادلات جهان دو قطبی، تعدادی از کشورها و پیمان‌های نظامی و سیاسی تغییرات اساسی کرده‌اند و حتی برخی از پیمان‌ها (نظیر ورشو و کمکون) و برخی از کشورها نظیر یوگسلاوی و شوروی، از صحنه‌ی سیاست جهانی حذف شدند. هنجارهای سیاسی تغییر کرده‌اند و سازمان ملل از اعتبار سابق تنزل کرده است و پیمان ناتو و گروه سیاسی «حجی ۸» عملاً جایگزین صلح‌بانان سازمان ملل و شورای امنیت شده‌اند. ادامه‌ی حیات سیاسی قدرتمند جمهوری اسلامی ایران در صحنه‌ی بین‌المللی، بدون تردید نتیجه‌ی رهبری توانمند و خردمندانه‌ی آیت‌الله خامنه‌ای است.



مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز همواره مسئولان و قشرهای مختلف مردم را از آفات و موانع احتمالی انقلاب برحذر داشته‌اند: «میکروب رجعت یا ارتجاع، دشمن بزرگ هر انقلاب است که به درون جوامع انقلابی نفوذ کرده و در آن رشد می‌یابد. نفوذ فساد و ایجاد تردید در اذهان جوانان نسبت به آرمان‌ها، دنیاطلبی، اشتغال به زینت‌های دنیوی و زندگی راحت در جامعه و بروز علائم زندگی تجملاتی در میان عناصر انقلابی، نشانه‌هایی از تأثیر میکروب ارتجاع و عقب‌گردی است. پرداختن به مال و مال‌اندوزی، دچار شدن به فسادهای اخلاقی - مالی و داخلی که خود فساد بسیار خطرناک است و جاه‌طلبی، کاخ آرمانی انقلاب اسلامی و هر حقیقت دیگری را ویران می‌کند.»

پیش‌نویس چشم‌انداز بیست‌ساله و سیاست‌های کلی نظام که مقام معظم رهبری به قوای سه‌گانه ابلاغ فرمودند، راه آینده‌ی کشور را روشن می‌کند. هدف‌گذاری که در این چشم‌انداز مورد تأکید رهبری نظام قرار گرفته، این است که پس از بیست سال، ایران در حوزه‌های فرهنگی، علمی، فناوری اقتصادی، دفاعی و سیاسی، به قدرت اول منطقه‌ی آسیای جنوب غربی، خاورمیانه، خلیج فارس، قفقاز و آسیای میانه تبدیل شود. به تصدیق همه‌ی صاحب‌نظران بین‌المللی، ایران هم‌اکنون در حوزه‌ی سیاسی و بین‌المللی، به دلیل تأثیر انکارناپذیرش بر کل تحولات منطقه‌ی خاورمیانه شامل عراق، فلسطین، لبنان، افغانستان و آسیای مرکزی و قفقاز به طور خاص و در کل جهان اسلام به طور عام، به مؤثرترین و با نفوذترین قدرت منطقه‌ای و جهان اسلام تبدیل شده است.

بیش‌تر بدانید

احیای هویت ایرانی - اسلامی

با آغاز انقلاب اسلامی، هویت ایرانی - اسلامی حیاتی دوباره یافت. و «کستی» نسل جوان و جامعه‌ی ایرانی را که سال‌ها در پیچ و خم مکاتب مادی، الحادی و استعماری «خفته» بود، «بیدار» کرد. بازگشت به خویشتن، خودباوری و مجد و عظمت ایران اسلامی را به ارمغان آورد. اعتماد به نفس و عزت ملی به ایرانیان نیرویی قوی بخشید تا به جای دنباله‌روی و یا تقلید از دیگران به ابتکار و نوآوری

روی آوردند و پایه‌های مستحکم برای تمدن‌سازی را پی‌ریزی کنند. اکنون با پیشرفت‌های شگفت‌انگیز دانشمندان ایرانی معلوم شده است که ملتی که در گذشته تمدن‌ساز بوده است، می‌تواند با فراهم آوردن شرایط لازم بار دیگر در عرصه‌ی تمدن‌سازی بدرخشد.

پرسش‌های نمونه

- ۱- منظور از استقلال سیاسی، استقلال فکری و استقلال اقتصادی چیست؟
- ۲- انقلاب اسلامی از جنبه‌ی سیاسی در داخل کشور چه دستاوردهایی داشته است؟
- ۳- ولایت فقیه به‌عنوان هسته‌ی مرکزی نظام جمهوری اسلامی چه نوع مشروعیتی دارد؟
- ۴- سه مورد از دستاوردهای بزرگ اقتصادی انقلاب اسلامی را بنویسید.
- ۵- در زمینه‌ی فناوری هسته‌ای، انقلاب اسلامی چه دستاوردهایی داشته است؟

اندیشه و جست و جو

– مفهوم آزادی در مکتب اسلام و نظام جمهوری را با آزادی در مکتب‌ها و نظام‌های سیاسی غرب مقایسه کنید.

فهرست کتاب‌های مناسب و مرتبط با محتوای کتاب

عنوان کتاب	مؤلف	ناشر و تاریخ نشر
۱- چلچراغ: آقا بزرگ تهرانی	فریدون حیدری ملک‌میان	مدرسه – ۱۳۸۸
۲- چلچراغ: شهید مهدی عراقی	شاهین رهنما	مدرسه – ۱۳۸۸
۳- چلچراغ: علامه امینی	محدثه گودرزینیا	مدرسه – ۱۳۸۸
۴- چلچراغ: میرزا جواد آفاتیری	بتول زرکنده	مدرسه – ۱۳۸۸
۵- چهره‌های درخشان: نسیم شمال	شهربانو صارمی	مدرسه – ۱۳۸۸

فهرست منابع

- الف - کتاب‌ها
- دوم، ۱۳۶۹.
- آیت‌اللهی، محمد تقی، ولایت فقیه زیر بنای فکری مشروطه مشروعه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، دارصادر، بیروت، ۱۳۵۸ هـ.ق.
- ابن خلدون، عبدالرحمن، تاریخ ابن خلدون، مؤسسه‌ی الاعلمی، بیروت، ۱۳۹۱ هـ.ق.
- ابن سعد، طبقات الکبری، دار بیروت، لبنان، ۱۴۰۵ هـ.ق.
- ابن مسکویه، تجارب‌الامم، ترجمه‌ی ابوالقاسم امامی، سروش، تهران، ۱۳۵۹.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، ترجمه و تحقیق محمدرضا تجدد، تعلیقات مهین جهان بگلو، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۶.
- ابن هشام، ابومحمد عبدالملک، السیره النبویه، دار احیاء التراث، بیروت، بی تا.
- ابوالحسنی، علی، تحلیلی از نقش سه گانه شیخ شهید نوری، تهران، پیام آزادی، ۱۳۶۰.
- ابوترابیان، حسین، مطبوعات ایران از شهرپور ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۶، اطلاعات، تهران، ۱۳۶۶.
- اتحادیه، منصوره، احزاب سیاسی در مجلس سوم، تهران، نشر تاریخ، ۱۳۷۱.
- احتشام السلطنه، میرزا محمود خان، خاطرات احتشام السلطنه، به کوشش سید محمد مهدی موسوی، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۶۶.
- اردبیلی، ابن بزاز، صفوة الصفا، تصحیح آبراهامیان، یرواند، ایران بین دو انقلاب، ترجمه‌ی احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، نشر نی، تهران چاپ اول، ۱۳۷۷.
- آدمیت، فریدون، امیرکبیر و ایران، تهران، خوارزمی، ۱۳۷۸.
- _____، ایدئولوژی نهضت مشروطه ایران، انتشارات پیام، تهران، چاپ اول، ۱۳۵۵.
- _____، فکر آزادی، مقدمه نهضت مشروطیت، تهران، سخن، ۱۳۴۵.
- آرنولد، توماس، تاریخ گسترش اسلام، ترجمه‌ی ابوالفضل عزتی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۸.
- آریانوف، الکساندر و دیگران، تاریخ عصر جدید، ترجمه‌ی محمد تقی فرامرزی، انتشارات شباهنگ، تهران، ۱۳۵۹.
- آشوری، داریوش، دانشنامه‌ی سیاسی، نشر مروارید، ۱۳۷۰.
- آصف، محمد هاشم رستم الحکما، رستم التواریخ، به تصحیح محمد مشیری، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۲.
- آل احمد، جلال، غرب زدگی، تهران، انتشارات فردوسی، ۱۳۷۶.
- آمبرز، استفن، روند سلطه‌گری (تاریخ سیاست خارجی آمریکا ۱۹۳۸ - ۱۹۸۳)، ترجمه احمد تابنده، انتشارات چاپ پخش، تهران، ۱۳۷۶.
- آوری، پیتر، تاریخ معاصر ایران، ترجمه‌ی محمد رفیعی مهرآبادی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی عطایی، چاپ

_____، تاریخ جامع بهائیت، تهران، سخن، ۱۳۶۸.

اقبال آشتیانی، عباس، تاریخ مغول و اوایل تیمور در ایران، نشر نامک، تهران، ۱۳۷۶.

الحسنی، سلیم، مبانی نظر رؤسای جمهوری آمریکا، ترجمه‌ی صالح ماجدی و فرزاد ممدوحی، انتشارات مؤسسه اطلاعات، تهران، ۱۳۷۴.

_____، نقش علمای شیعه در رویارویی با استعمار، ترجمه‌ی صفاءالدین تیرائیان، مؤسسه‌ی مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ اول، ۱۳۷۸.

الگار، حامد، دین و دولت در ایران، ترجمه‌ی ابوالقاسم سری، تهران، انتشارات طوس، ۱۳۵۶.

_____، میرزاملکم‌خان (پژوهش در باب تجددخواهی ایرانیان)، ترجمه جهانگیر عظیم‌ا و مجید نفرشی، تهران، شرکت سهامی انتشار و مدرس، چاپ اول، ۱۳۶۹.

الهی، همایون، اهمیت استراتژیکی ایران در جنگ جهانی دوم، دفتر نشر دانشگاهی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۷.

امیر خسروی، بابک، نظر از درون به نقش حزب توده ایران، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۵.

امیرخیزی، اسماعیل، قیام آذربایجان و ستارخان، تصحیح عبدالعلی کارنگ، تبریز، کتابفروشی تهران، ۱۳۵۰.

امینی، عبدالحسین، الغدیر فی‌الکتاب و السنة و الادب، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۳ هـ.ق.

امینی، علی، خاطرات علی امینی، به کوشش یعقوب توکلی، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۶.

باری، روبین، جنگ قدرت‌ها در ایران، ترجمه‌ی محمود مشرقی، انتشارات آشتیانی، تهران، ۱۳۶۳.

غلامرضا طباطبایی مجد، تبریز، ۱۳۷۳ هـ.ش.

استمپل، جان دی، درون انقلاب ایران، ترجمه‌ی منوچهر شجاعی، انتشارات رسا، تهران، ۱۳۷۷.

اسکاج‌پل، تدا، دولت‌ها و انقلاب‌های اجتماعی، ترجمه‌ی مجید روئین‌تن، تهران، سروش، ۱۳۷۶.

اسکرین، کلارمونت، جنگ جهانی در ایران، ترجمه غلامحسین صالحیار، نشر سلسله، تهران، ۱۳۶۰.

اسکندریگ، عالم آرای صفوی، به کوشش یدالله شکری، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۳.

اسناد انقلاب اسلامی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۴.

اشپولر، برتولد، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمه‌ی جواد فلاطوری، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۴.

اصفهان‌ی، حمزه، سنی ملوک‌الارض و الانبیاء، یا تاریخ پیامبران و شاهان، ترجمه‌ی جعفر شعار، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۴۶.

اعتمادالسلطنه، محمد حسن، المائر و الآثار، (چهل سال تاریخ ایران)، تعلیقات حسین محبوبی اردکانی، ایرج افشار (به کوشش)، تهران، اساطیر، ۱۳۸۰.

_____، تاریخ منتظم نصری، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۶۳.

_____، روزنامه‌ی خاطرات اعتمادالسلطنه، به کوشش ایرج افشار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۰.

_____، مرآت البلدان، به کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۷.

اعظام قدسی، حسن، خاطرات من، ج اول، تهران، انتشارات ابوریحان، چاپ اول، ۱۳۴۹.

افراسیابی، بهرام، ایران در تاریخ، نشر علم، تهران، ۱۳۶۷.

بزم اهریمن، جشن‌های دو هزار و پانصد ساله‌ی شاهنشاهی به روایت اسناد ساواک و دربار، چهار جلد، انتشارات مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، تهران، ۱۳۷۷.

بلاشه، پیر، ایران، انقلاب به نام خدا، ترجمه‌ی قاسم صفوی، انتشارات سبحان، تهران، ۱۳۵۸.

بویل، جی.آ. تاریخ ایران، از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی، ترجمه‌ی حسن انوشه، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۸.

بهار، محمدتقی (ملک‌الشعراء)، تاریخ مختصر احزاب سیاسی، امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۳.

بهبودی، سلیمان، خاطرات سلیمان بهبودی، بیست سال زندگی با رضاشاه، به کوشش غلامحسین میرزا صالح، طرح نو، تهران، ۱۳۷۲.

بهشتی سرشت، محسن، نقش علما در سیاست (از مشروطه تا انقراض قاجاریه)، پایان‌نامه‌ی دکتری تاریخ، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۴، به راهنمایی دکتر اسماعیل رضوانی.

بیات، کاوه، ایران و جنگ جهانی اول، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، چاپ اول، ۱۳۶۹.

_____، جنگ جهانی اول در جنوب ایران، کنگره بزرگداشت، رئیس علی دلواری، بوشهر، ۱۳۷۳.

بیل، جیمز، شیر و عقاب، ترجمه‌ی فروزنده‌ی برلیان، نشر فاخته، تهران، ۱۳۷۱.

بیل، جیمز و ویلیام راجر لوئیس، مصدق، نفت و ناسیونالیسم ایرانی، ترجمه‌ی عبدالرضا هوشنگ مهدوی، نشر نو، تهران، ۱۳۶۸.

پارسا دوست، منوچهر، نقش عراق در شروع جنگ، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۶۹.

پیردیگا، ژان و اورکارد، برنارد و ریشار،

بارتولد، تذکره جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه‌ی حمزه سردادور، چاپ دوم، تهران، ۱۳۵۸.

بازرگان، عبدالعلی، مسائل و مشکلات اولین سال انقلاب، انتشارات نهضت آزادی، تهران، ۱۳۶۲.

بازرگان، مهدی، انقلاب اسلامی ایران در دو حرکت، انتشارات نهضت آزادی ایران، تهران، ۱۳۶۱.

_____، خاطرات شصت سال خدمت و مقاومت، گفت‌وگو با غلامرضا نجاتی، تهران، ۱۳۷۵.

باسست، الیور، آلمانی‌ها در ایران (نگاهی به تحولات ایران در جنگ جهانی اول) براساس منابع دیپلماتیک فرانسه، ترجمه‌ی حسین بنی‌احمد، تهران، انتشارات شیرازه، چاپ اول، ۱۳۷۷.

باسورث، کلیفورد ادموند، تاریخ ایران، از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی ایلخانان، ترجمه‌ی حسن انوشه، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۶.

باقری، علی، خاطرات ۱۵ خرداد، بازار، حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۵.

_____، خاطرات ۱۵ خرداد، حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۶.

_____، خاطرات ۱۵ خرداد تبریز، حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۴.

بامداد، مهدی، تاریخ رجال ایران، تهران، انتشارات بانک بازرگانی ایران، ۱۳۴۷.

براون، ادوارد گرانویل، انقلاب ایران، ترجمه‌ی احمد پژوه، کانون معرفت، تهران، ۱۳۸۳.

_____، تاریخ ادبیات ایران، از آغاز عصر صفویه تا زمان حاضر، ترجمه‌ی رشید یاسمی، انتشارات سینا، تهران، ۱۳۴۷.

جهادیه (فتاوی جهادیه علما و مراجع عظام در جنگ جهانی اول)، به کوشش محمد حسن کاووسی عراقی و نصرالله صالحی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ اول، ۱۳۷۶.

چمران، مصطفی، کردستان، بنیاد شهید چمران، تهران، ۱۳۶۴.

حائری، عبدالهادی، ایران و جهان اسلام، پژوهشی تاریخی پیرامون چهره‌ها، اندیشه‌ها و جنبش‌ها، مشهد آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۶۸.

_____، تاریخ جنبش‌ها و تکاپوهای فراماسونری در کشورهای اسلامی، مشهد، آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۶۸.

_____، تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، تهران، امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۰.

حزب ایران نوین به روایت اسناد ساواک، مرکز بررسی اسناد تاریخی تهران، ۱۳۸۰.

_____، نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، امیرکبیر، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۲.

حسن‌زاده، اسماعیل، حکومت ترکمانان قراقوینلو و آق‌قوینلو در ایران، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۹.

حسینیان، روح‌الله، بیست سال تکاپوی اسلامی شیعی در ایران ۱۳۴۰-۱۳۲۰، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۱.

_____، سه سال ستیز مرجعیت سنتی شیعه در ایران ۱۳۴۳-۱۳۴۱، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۲.

حسینی فسایی، میرزا حسن، فارسنامه ناصری، تصحیح منصور رستگار فسائی، امیرکبیر تهران، ۱۳۶۷.

حکیم الهی فریدنی، هدایت الله، اسرار کودتا

یان، ایران در قرن بیستم، ترجمه‌ی عبدالرضا هوشنگ مهدوی، نشر البرز، تهران، ۱۳۷۷.

پیرنیا، حسن (مشیرالدوله)، تاریخ ایران باستان، نشر مطبوعات، تهران، ۱۳۱۱.

تاریخ مشروطیت به روایت اسناد کتابخانه‌ی مجلس، اسناد روحانیت و مجلس، (۴ جلد)، تدوین عبدالحسین حائری، تهران، ۱۳۷۴.

تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، تهران، ۱۳۷۸.

تقی‌زاده، حسن، خطابه‌ای مشتمل بر تاریخ اوایل انقلاب مشروطیت، تهران، مهرگان، ۱۳۳۸.

تهرانی، آقا بزرگ، شرح زندگانی میرزای شیرازی، ترجمه‌ی حمید تیموری، تهران، میقات، ۱۳۶۲.

تیموری، ابراهیم، تحریم تنباکو، اولین مقاومت منفی در ایران، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ۱۳۶۱.

_____، عصر بی‌خبری یا تاریخ امتیازات در ایران، تهران، اقبال، ۱۳۳۲.

جردن، هامیلتون، بحران، ترجمه‌ی مینا عمود، نشر نو، تهران، ۱۳۶۳.

جرعه‌ی جاری، سی‌مقاله‌ی پژوهشی پیرامون انقلاب اسلامی ایران، به اهتمام علی ذوعلم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی، تهران، ۱۳۷۷.

جعفریان، رسول، دخالت انگلیس در واقعه‌ی مشروطه، قم، بی‌نا، ۱۳۶۵.

جلالی، غلامرضا، مشهد در بامداد نهضت امام‌خمینی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.

جلالی‌پور، حمیدرضا، کردستان، علل تداوم بحران آن پس از انقلاب اسلامی، بی‌نا، تهران، ۱۳۷۲.

- و زندگی آقا سید ضیاء الدین طباطبایی، بی‌نا، تهران، ۱۳۲۳.
- دایر، ریجینالد، مبارزان سرحد یا خاطرات دایر در رویارویی نظامی انگلستان با سرداران بلوچ ایرانی، ترجمه‌ی حمید احمدی، تهران، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- دلاواله، پیترو، سفرنامه پیترو دلاواله، ترجمه محمود بهروزی، قطره، تهران، ۱۳۸۰.
- دنبلی، عبدالرزاق، مآثر سلطانیه، به اهتمام غلامحسین صدری افشار، تهران، ابن‌سینا، ۱۳۵۶.
- دوانی، علی، مفاخر اسلام، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۷.
- _____، نهضت روحانیون ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۷.
- درودیان، محمد، آتش‌بس، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۶.
- دو روژه، موریس، احزاب سیاسی، ترجمه‌ی ابوالفضل قاضی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۳.
- دولت آبادی، یحیی، حیات یحیی، تهران، انتشارات کیهان، چاپ ششم، ۱۳۷۱.
- دهنوی، محمد، مجموعه‌ای از مکتوبات، سخنرانی‌ها و پیام‌های آیت‌الله کاشانی، چاپ آشنا، تهران، ۱۳۶۲.
- دینوری، ابوحنیفه‌بن داوود، اخبار الطّوال، ترجمه‌ی محمود مهدی دامغانی، نشر نی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۶.
- ذبیح، سیهر، ایران در دوره‌ی دکتر مصدق، ترجمه‌ی محمد رفیعی مهرآبادی، نشر عالی، تهران، ۱۳۷۰.
- _____، تاریخ جنبش کمونیستی در ایران، ترجمه محمدرفیعی مهرآبادی، عطایی، تهران، ۱۳۶۴.
- خاطرات سری آبرونساید، به انضمام ترجمه‌ی متن کامل شاهراه فرماندهی، مؤسسه‌ی پژوهش و مطالعات فرهنگی، چاپ اول، مؤسسه‌ی خدمات فرهنگی رسا، تهران، ۱۳۷۳.
- خاطرات نصرالله انتظام، شهریور ۱۳۲۰ از دیدگاه دربار، به کوشش محمدرضا عباسی، چاپ سوم، سازمان اسناد ملی ایران، تهران، ۱۳۷۸.
- خاطرات و مبارزات دکتر سیدحسین فاطمی، به کوشش بهرام افراسیابی، چاپ دوم، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۷۰.
- خواجه‌نظام‌الملک، سیرالملوک (سیاست‌نامه) به اهتمام هیوبرت دارک، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۴.
- خواندمیر، محمود، ایران در روزگار شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی، به کوشش غلامرضا طباطبایی، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۰ ش.
- خواندمیر، غیاث‌الدین، تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد البشر، زیر نظر محمد دبیر سیاقی، چاپ خیام، تهران، ۱۳۶۲.
- خورموجی، محمد جعفر، حقایق الاخبار ناصری: تاریخ قاجار، به کوشش حسین خدیو جم، انتشارات زوار، ۱۳۴۴.
- خوش‌نیت، حسین، سید مجتبی نواب‌صفوی، اندیشه‌ها و مبارزات او، منشور برادری، تهران، ۱۳۶۰.
- دانشور علوی، نورالله، تاریخ انقلاب مشروطه و جنبش وطن‌پرستان اصفهان و بختیاری، توضیحات حسین سعادت نوری، تهران، کتابخانه دانش، چاپ

رجال عصر پهلوی، تیمور بختیار به روایت اسناد ساواک، انتشارات مرکز بررسی اسناد تاریخی، تهران، ۱۳۸۰.

رجال عصر پهلوی، دکتر علی امینی به روایت اسناد ساواک، انتشارات مرکز بررسی اسناد تاریخی، تهران، ۱۳۸۱.

ردمبیر، ه.ر.، دوره‌ی صفویان (تاریخ ایران در دوره‌ی صفویان)، ترجمه‌ی یعقوب آژند، تهران، جامی، ۱۳۸۰ ه.ش.

رسائل، اعلامیه‌ها، مکتوبات ... و روزنامه‌ها، شیخ شهید فضل‌الله نوری، (۲ ج)، گردآورنده محمد ترکمان، رسا، تهران ۶۳-۱۳۶۲.

رشید دو بی. نن.، سقوط بغداد، ترجمه اسدالله آزاد، آستان قدس رضوی مشهد، ۱۳۶۸.

رضوانی، محمد اسماعیل، انقلاب مشروطیت، تهران، بی‌تا.

رضوی، مسعود، هاشمی و انقلاب (تاریخ سیاسی ایران از انقلاب تا جنگ)، انتشارات همشهری، چاپ اول، ۱۳۷۶.

رفیعی، لیلا، سفال ایران از دوران پیش از تاریخ تا عصر حاضر، انتشارات یساولی، تهران، ۱۳۷۷.

رکن‌زاده آدمیت، محمد حسین، فارس و جنگ بین‌الملل، تهران، انتشارات اقبال، چاپ پنجم، ۱۳۷۰.

روحانیت و اسرار فاش نشده از ملی شدن صنعت نفت، به کوشش گروهی از هواداران نهضت اسلامی ایران در اروپا، دارالفکر، قم، بی‌تا.

روحانی، سید حمید، بررسی و تحلیل نهضت امام خمینی، تهران، انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱.

روحانی، فؤاد، تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران، فرانکلین، تهران، ۱۳۵۳.

ذوقی، ایرج، ایران و قدرت‌های بزرگ در جنگ جهانی دوم، پازنگ، تهران، ۱۳۶۸، تصحیح امیر هوشنگ آذر، بی‌جا، ۱۳۶۹.

____، تاریخ روابط سیاسی ایران و قدرت‌های بزرگ ۱۹۲۵-۱۹۰۰، پازنگ، تهران، ۱۳۶۸.

راعی گلوچه، سجاد، قاجاریه، انگلستان و قراردادهای معماری، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۰.

راضی، منیره، پلیس جنوب ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۱.

راوندی، محمد بن علی بن سلیمان، راحة الصدور و آیه السرور، به کوشش محمد اقبال، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۳.

راه انقلاب، مجموعه مقالات پژوهشی درباره‌ی انقلاب اسلامی، به اهتمام کمیته پژوهش و مطالعات ستاد دهه‌ی فجر انقلاب اسلامی، نشر هماهنگ، تهران، ۱۳۷۸.

رایت، دنیس، انگلیسیان در ایران در روزگار پادشاهان قاجار، ترجمه غلامحسین صدری افشار، تهران، دنیا، ۱۳۵۷.

____، انگلیسی‌ها در میان ایرانیان، ترجمه‌ی لطفعلی خنجی، چاپ اول، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۹.

____، ایرانیان در میان انگلیسی‌ها، ترجمه‌ی منوچهر طاهرنیا، انتشارات آستینانی، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۴.

رائین، اسماعیل، انجمن‌های سری در انقلاب مشروطیت، تهران، تهران مصور، ۱۳۴۵.

____، حقوق بگیران انگلیس در ایران، تهران، انتشارات جاویدان، ۱۳۵۵.

____، فراموشخانه و فراماسونری در ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷.

به کوشش احمد سمیعی، تهران، نشر نامک، ۱۳۷۴.

سفرنامه، رضا قلی میرزا، نوهی فتحعلی‌شاه، به کوشش اصغر فرمانفرمائی، قاجار، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۶.

سفیری، فلوریدا، پلیس جنوب ایران، ترجمه‌ی منصوره اتحادیه و منصوره فشارکی، تهران، نشر تاریخ، چاپ اول، ۱۳۶۴.

سولیوان، ویلیام و سرآنتونی پارسونز، خاطرات دو سفیر، اسراری از سقوط شاه و نقش پنهان آمریکا و انگلیس در ایران، ترجمه‌ی محمود طلوعی، انتشارات نشر علم، چاپ سوم، تهران، ۱۳۵۷.

سولیوان، ویلیام، مأموریت در ایران، ترجمه‌ی محمود مشرفی، انتشارات همهمه، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۰.

سهروردی، شهاب‌الدین یحیی، مجموعه تصنیفات شیخ اشراق، به تصحیح و مقدمه‌ی هانزی کرین، انجمن فلسفه‌ی ایران، تهران، ۱۳۵۵.

سیوری، راجر، ایران عصر صفوی، ترجمه‌ی کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز، چاپ اول، ۱۳۷۲.

شاردن، سیاحتنامه شاردن، ترجمه‌ی محمد عباسی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۳۸.

شاهدی، مظفر، زندگانی سیاسی خاندان علم، مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های سیاسی تهران، ۱۳۸۰.

شاهنامه فردوسی، براساس چاپ مسکو، تحت نظراً. برناس، نشر زهره، تهران.

شریف‌پور، رضا، مسجد و انقلاب اسلامی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۰.

شریف کانسائی، محمد مهدی، واقعیات اتفاقیه در روزگار، به کوشش منصوره اتحادیه، سیروس سعدوندیان، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲.

روزولت، کریمت، کودتا در کودتا، ترجمه‌ی علی اسلامی، شرکت سهامی خاص، بی‌تا.

ریاض‌الاسلام، تاریخ روابط ایران و هند (در دوره‌ی صفویه و افشاریه)، ترجمه‌ی محمد باقر آرام و عباسقلی غفاری فرد، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۳.

ریحان یزدی، سید علیرضا، آینه دانشوران، کتابخانه حضرت آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی، ۱۳۷۲.

زرگر، علی‌اصغر، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در دوره‌ی رضا شاه، ترجمه‌ی کاوه بیات، تهران، پروین و معین، ۱۳۷۲.

زرگری نژاد، غلامحسین، تحول اندیشه‌های سیاسی دوره‌ی قاجار، پایان‌نامه‌ی دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۳.

زرین‌کوب، عبدالحسین، تاریخ مردم ایران، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۷.

_____، روزگاران دیگر از صفویه تا عصر حاضر، تهران ۱۳۷۵.

زکی، محمدحسن، هنر ایران، ترجمه‌ی محمدابراهیم اقلیدی، صدای معاصر، تهران، ۱۳۷۷.

زونیس، ماروین، شکست شاهانه، ترجمه‌ی عباس مخبر، نشر طرح نو، تهران، ۱۳۷۰.

ساواک و روحانیت، بولتن‌های نوبه‌ای ساواک، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، حوزه‌ی هنری، تهران، ۱۳۷۱.

سایکس، پرسی، تاریخ ایران، ترجمه‌ی محمدتقی فخرداعی گیلانی، تهران، انتشارات دنیای کتاب، چاپ دوم، ۱۳۷۰.

سبتی، عبدالله، سلمان الفارسی، بیروت، چاپ سوم، ۱۹۷۷ م.

سیهر، احمدعلی، خاطرات مورخ الدوله سیهر،

صفایی، ابراهیم، رهبران مشروطه، تهران، چاپ شرق، چاپ اول، ۱۳۴۳.

طاهری، سیدصدرالدین، یک بررسی تحلیلی از زندگی سیاسی مدرس، چاپ دوم، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران، ۱۳۷۳.

طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، تهران، ۱۳۶۲.

طبری، احسان، جامعه‌ی ایران در دوره‌ی رضاشاه، بی‌نا، ۱۳۵۶.

_____، کزراهه، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۶.

عاقلی، باقر، روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی، نشر گفتار، تهران، ۱۳۷۲.

_____، نخست‌وزیران ایران، نشر جاویدان، تهران، ۱۳۷۰.

عبدالله‌مالکی، یوسف، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، دارالحیاء التراث، بیروت، ۱۳۲۸ هـ. ق.

عراقی، مهدی، ناگفته‌ها (خاطرات حاج مهدی عراقی)، به کوشش محمود مقدس و دیگران، خدمات فرهنگی رسا، تهران، ۱۳۷۰.

عرفان‌منش، جلیل، حیات معنوی ایرانیان، با مقدمه‌ی دکتر علی‌اکبر ولایتی، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۵.

_____، خاطرات ۱۵ خرداد، جلد اول، حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۳ و جلد دوم، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۵.

_____، کوروش و بازیابی هویت ملی ایرانیان، تحقیقی علمی درباره پیشینه و کیستی ذوالقرنین، با مقدمه دکتر علی‌اکبر ولایتی، انتشارات فرهنگ مکتوب، تهران، ۱۳۸۹.

شعبانی، رضا، تاریخ تحولات سیاسی-اجتماعی ایران در دوره‌های افشاریه و زندیه، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۷۷.

شمس‌قنات‌آبادی، خاطرات، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، تهران، ۱۳۷۷.

شمیم، علی‌اصغر، ایران در دوره‌ی سلطنت قاجار، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۷۱.

شوادرن، پنجامین، خاورمیانه، نفت و قدرت‌های بزرگ، ترجمه‌ی عبدالحسین شریفیان، انتشارات شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، تهران، ۱۳۵۲.

شوکران، ویلیام، آخرین سفر شاه، عبدالرضا هوشنگ مهدوی، نشر البرز، تهران، ۱۳۷۰.

شهرام‌نیا، امیرمسعود، پارلمانتاریسم در ایران یا بنیاد فکری و زمینه‌های تاریخی در عصر مشروطیت، چاپ اول، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران، ۱۳۷۹.

شیخ‌الاسلامی، جواد، افزایش نفوذ روس و انگلیس در ایران، انتشارات کیهان، ۱۳۶۹.

_____، اسناد محرمانه وزارت خارجه بریتانیا، مؤسسه‌ی کیهان، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۹.

شیخ صدوق، ابن‌بابویه، کمال‌الدین و اتمام النعمه، به تحقیق علی‌اکبر غفاری، الطبعة الثانية، دارالکتب اسلامیة، تهران، ۱۳۹۵ هـ. ق.

صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی (ره)، مرکز مدارک فرهنگ انقلاب اسلامی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۷۱-۱۳۶۱.

صدر، محسن، خاطرات صدراالشرف، انتشارات وحید، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۴.

صدیقی، وحیدالزمان، انقلاب اسلامی ایران از نگاه دیگران، ترجمه‌ی سیدمجید روئین‌تن، انتشارات اطلاعات، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸.

- عظاملک جوینی، علاءالدین، تاریخ جهانگشای، به کوشش محمد قزوینی، دنیای کتاب تهران، ۱۳۷۵.
- عظیمی، رقیه سادات، نهضت جنگل به روایت اسناد، وزارت امور خارجه: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۷۷.
- عظیمی، فخرالدین، بحران دموکراسی در ایران، ترجمه‌ی عبدالرضا هوشنگ مهدوی و بیژن نوذری، نشر البرز، تهران، ۱۳۷۲.
- عمید زنجانی، عباسعلی، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، انتشارات کتاب سیاسی، تهران، ۱۳۷۱.
- عقلانی، ابن حجر، الاصابه فی تمیز الصحابه، دارالحیاء التراث، بیروت، ۱۳۲۸ ه.ق.
- عنایت، حمید، اندیشه‌ی سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۵.
- غفاری، عبدالحسین، تاریخ روابط ایران و فرانسه، از ترور ناصرالدین شاه تا جنگ جهانی اول، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۸.
- غفاریان، سیروس، خلیج فارس، مدرسه، تهران، ۱۳۸۸.
- غنی، قاسم، یادداشت‌های دکتر قاسم غنی «زندگی من» به کوشش قاسم غنی و سیروس غنی، انتشارات آبان، تهران، ۱۳۶۱.
- فاتح، مصطفی، پنجاه سال نفت ایران، مهر، تهران، ۱۳۳۵.
- فالاچی، اوربانا، مصاحبه اوربانا فالاچی با شاه ایران (بخش سانسور شده کتاب مصاحبه با تاریخ)، نشر آغاز، تهران، ۱۳۵۷.
- فناحی، فتح‌الدین، هرات در قلمرو استعمار تهران، مستوفی، ۱۳۷۰.
- فخرایی، ابراهیم، سردار جنگل میرزا کوچک‌خان، چاپ پنجم، انتشارات جاویدان، تهران، ۱۳۵۴.
- فратی، عبدالوهاب، تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی، از مرجعیت امام خمینی تا تبعید، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۹.
- فرازهایی از تاریخ انقلاب به روایت اسناد ساواک و آمریکا، وزارت اطلاعات، تهران، ۱۳۶۸.
- فراشبندی، علیمراد، جنگ انگلیس و ایران در سال ۱۳۷۳ هجری قمری، تهران.
- فرامرز، احمد، شیخ‌حسین‌خان چاه کوتاهی، به کوشش سید قاسم یاحسینی، تهران، انتشارات شیراز، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- فرای، ریچارد، عصر زرین فرهنگ ایران، ترجمه‌ی مسعود رجب‌نیا، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۷۵.
- فردوست، حسین، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ۲ جلد، اطلاعات تهران، ۱۳۷۱.
- فضل‌الله، رشیدالدین، جامع‌التواریخ، چاپ چهارم، انتشارات اقبال، تهران، ۱۳۷۴.
- فقیهی، علی‌اصغر، آل بویه و اوضاع زمان ایشان یا نموداری از زندگی مردم آن عصر، دیبا، تهران، ۱۳۶۶.
- فلسفی، نصرالله، زندگانی شاه عباس اول، علمی و فرهنگی، تهران.
- فلور، ویلم، حکومت نادرشاه، ترجمه‌ی ابوالقاسم سری، تهران، انتشارات توس، ۱۳۶۸.
- فن‌میگوش، داگو برت، واسموس و لورنس آلمانی، ترجمه‌ی فرشته‌اعظم امیر فخرایی، نشر نویسا، چاپ اول، ۱۳۷۵.
- فوران، جان، مقاومت شکننده، ترجمه‌ی احمد تدین، مؤسسه‌ی خدمات فرهنگی رسا، تهران، ۱۳۳۷.
- فوریه، سه سال در دربار ایران (از ۱۳۰۶ تا

- ۱۳۰۹)، ترجمه: عباس اقبال، تهران، انتشارات مؤسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۶۳.
- قاضی، نعمت‌الله، علل سقوط رضاشاه، انتشارات آثار، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۲.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، معاونت پژوهش ریاست جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۸۰.
- کاتم، ریچارد، ناسیونالیسم در ایران، ترجمه‌ی فرشته سرلک، نشر گفتار، تهران، ۱۳۷۱.
- کاتوزیان، محمدعلی، اقتصاد سیاسی ایران: سلطنت محمدرضا شاه، ترجمه‌ی محمدرضا نفیسی، انتشارات پایروس، تهران، ۱۳۶۸.
- کاساکوفسکی، خاطرات کلنل کاساکوفسکی، ترجمه‌ی عباسقلی جلی، تهران، سیمرخ، ۱۳۵۵.
- کاظم‌زاده، فیروز، روس و انگلیس در ایران، ترجمه‌ی منوچهر امیری، تهران، مؤسسه‌ی کتاب‌های جیبی با همکاری مؤسسه‌ی فرانکلین، چاپ دوم، ۱۳۷۱.
- کحال‌زاده، میرزا ابوالقاسم، دیده‌ها و شنیده‌ها، به کوشش مرتضی کامران، تهران، نشر فرهنگ، چاپ دوم، ۱۳۷۰.
- کدی، نیکی، ایران دوران قاجار و برآمدن رضاخان، ترجمه‌ی مهدی حقیقت‌خواه، تهران، ققنوس، ۱۳۸۱.
- _____، تحریم تنباکو در ایران، ترجمه‌ی شاهرخ قائم مقامی، تهران، جیبی، ۱۳۵۶.
- _____، ریشه‌های انقلاب ایران، ترجمه‌ی عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۵.
- کرباسچی، غلامرضا، هفت هزار روز تاریخ ایران و انقلاب اسلامی، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۵۷.
- _____، تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی (تاریخ حوزه‌ی علمیه قم)، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۰.
- کربلایی، حسن، قرارداد رژی ۱۸۹۰ یا تاریخ انحصار دخانیات در سال ۱۳۰۹ ه.ق. تهران، مبارزان، ۱۳۶۱.
- کرین، هانری، تاریخ فلسفه اسلامی، ترجمه‌ی جواد طباطبایی، انتشارات کویر، تهران، ۱۳۷۳.
- کرزن، جرج. ن.، ایران و قضیه‌ی ایران، ترجمه‌ی وحید مازندرانی، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم، ۱۳۶۲.
- کرمانی، ناظم‌الاسلام، تاریخ بیداری ایرانیان، به اهتمام علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، آگاه.
- کرمی‌پور، حمید، جامعه‌ی تعلیمات اسلامی، آیت‌الله حاج شیخ عباس علی‌اسلامی و نقش ایشان در انقلاب اسلامی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۰.
- کرونین، استفانی، ارتش و حکومت پهلوی، ترجمه‌ی علی بابایی، نشر خجسته، تهران، ۱۳۷۷.
- کریستین، دلانوا، ساواک، ترجمه‌ی عبدالحسین نیک‌گهر، انتشارات طرح نو، تهران، ۱۳۷۱.
- کریستن سن، آرتور امانوئل، ایران در زمان ساسانیان، انتشارات ابن‌سینا، تهران، ۱۳۴۵.
- کسروی، احمد، تاریخ هجده ساله‌ی آذربایجان، تهران، امیرکبیر، چاپ دهم، ۱۳۷۱.
- _____، تاریخ مشروطه‌ی ایران، تهران، امیرکبیر، چاپ پانزدهم، ۱۳۶۹.
- کشاورز، فریدون، من متهم می‌کنم، رواق، تهران، ۱۳۵۷.

محمد معین، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۴.

گزیده‌ی اسناد سیاسی ایران و عثمانی در دوره‌ی قاجاریه، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، واحد نشر اسناد، ۱۳۶۹.

گلستانه، ابوالحسن بن محمد امین، مجمل‌التواریخ، پس از نادر، به تصحیح اسکارمن، لیدن، ۱۸۹۱.

لاینگ، مارگارت، مصاحبه با شاه، ترجمه‌ی اردشیر روشننگر، انتشارات البرز، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۱.

لپینگ، بریان، سقوط امپراطوری انگلستان و دولت دکتر مصدق، ترجمه‌ی محمود عنایت، انتشارات کتاب‌سرا، تهران، ۱۳۶۵.

لسان‌الملک سپهر، میرزا محمدتقی، ناسخ‌التواریخ؛ سلاطین قاجاریان، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۵۳.

لسترنج، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه‌ی محمود عرفان، بنگاه نشر و ترجمه‌ی کتاب، تهران، چاپ اول، ۱۳۳۷؛ علمی و فرهنگی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۴.

لکه‌هارت، لارنس، انقراض صفویه، ترجمه‌ی اسماعیل دولتشاهی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۰.

_____، نادرشاه، مشفق همدانی، تهران، صفی‌علی شاه، ۱۳۳۲.

لمبتون، آن، مالک و زارع در ایران، ترجمه‌ی منوچهر امیری، علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۲.

لورین، پرسی، شیخ خزعل، پادشاهی رضاخان، ترجمه‌ی محمد رفیع مهرآبادی، انتشارات فلسفه، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۳.

لیتل فیلد، هنری. و، تاریخ اروپا از سال ۱۸۱۵

کشف تلبیس (اسناد محرمانه‌ی انگلیس در باب ایران و کشف تلبیس یا دورویی و نیرنگ انگلیس)، به کوشش عین‌الله کیانفر و پروین استخری، تهران، انتشارات آذین، ۱۳۶۳.

کلن، ادوارد، آمریکا در اسارت، ترجمه‌ی پوران خاور و سرور طلیعه، انتشارات قلم، تهران، ۱۳۶۳.

کلینی، محمد بن یعقوب رازی، اصول کافی، ترجمه‌ی سیدجواد مصطفوی، علمیه اسلامیة، تهران، ۱۳۶۵.

کن‌بای، شیلار. نقاشی ایرانی، ترجمه‌ی مهدی حسینی، نشر دانشگاه هنر تهران، ۱۳۸۲.

کوثر، مجموعه سخنرانی‌های حضرت امام خمینی، مؤسسه‌ی نشر و تنظیم آثار امام خمینی (ره)، تهران، ۱۳۷۴.

کی‌استون، حسین، سیاست موازنه منفی در مجلس چهاردهم، انتشارات روزنامه‌ی مظفر، تهران، ۱۳۲۷.

کیانی، محمد یوسف، پایتخت‌های ایران، سازمان میراث فرهنگی، تهران، ۱۳۷۶.

گازبوروسکی، مارک، ج، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ترجمه‌ی غلامرضا نجاتی، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۶۶.

گذشته چراغ راه آینده است، به کوشش گروه جامی، انتشارات ققنوس، تهران، ۱۳۶۷.

گرنٹ واتسن، رابرت، تاریخ ایران دوره قاجاریه، ترجمه‌ی ع. وحید مازندرانی، نشر سیمرخ، چاپ اول، تهران، ۱۳۴۰.

گروسه، رنه، امپراطوری صحرانوردان، ترجمه‌ی عبدالحسین میکده، بنگاه نشر، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۲.

گریشمن، رومن، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه‌ی

- به بعد، ترجمه‌ی فریده قرچه داغی، تهران، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ سوم، ۱۳۷۳.
- لیدز، تاریخ معاصر جهان، ترجمه‌ی همایون حنیفه‌وند مقدم، تهران، انتشارات بنگاه، چاپ دوم، ۱۳۶۸.
- ماپرلی، جیمز، عملیات در ایران، ترجمه‌ی کاوه بیات، تهران، مؤسسه‌ی خدمات فرهنگی رسا، چاپ اول، ۱۳۶۹.
- ماموتوف، ن. ب، بمباران مجلس شورای ملی در سال ۱۳۲۶. ق، ترجمه شرف‌الدین قهرمانی، تهران، اشکان، ۱۳۶۳.
- مبارزه با محمدعلی‌شاه (اسنادی از فعالیت‌های آزادی خواهان ایران در اروپا و استانبول در سال‌های ۱۳۲۶-۲۸ ه. ق.) به کوشش ایرج افشار، انتشارات توس، چاپ اول، ۱۳۵۹.
- متولی، عبدالله، کمیته‌ی مجازات، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۸.
- _____، مقایسه‌ی نهضت جنگل و خیابانی، تهران، حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۳.
- مجد الاسلام کرمانی، احمد، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، مقدمه و تحشیه از محمود خلیل‌پور، انتشارات دانشگاه اصفهان، ۱۳۵۰.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ترجمه‌ی موسی خسروی، انتشارات الاسلامیه، تهران، ۱۳۵۶.
- مجموعه اسناد و مدارک فرخ‌خان امین‌الدوله، به کوشش کریم اصفهانیان و قدرت‌الله روشنی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۶.
- مجیرشیبانی، نظام‌الدین، تشکیل شاهنشاهی صفویه احیاء مجدد وحدت ملی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۶.
- مجموعه پیام‌های آیت‌الله کاشانی (۵ ج)، گردآورنده: محمد ترکمان، چاپ تهران، ۱۳۶۱.
- محللاتی، شیخ محمد اسماعیل غروی، الثالی المربوطه فی وجوب المشروطه، بوشهر، ۱۳۲۷ ق.
- محمدی، منوچهر، انقلاب اسلامی، زمینه‌ها و پیامدها، دفتر نشر و پخش معارف، قم، ۱۳۸۰.
- محمدی، م. تحلیل بر انقلاب اسلامی، تهران، امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۷۰.
- محیط طباطبایی، محمد، نقش سیدجمال‌الدین اسدآبادی در بیداری شرق زمین، قم، ۱۳۵۰.
- محیط مافی، هاشم، مقدمات مشروطیت، به کوشش مجید تفرشی، جواد جان‌فدا، تهران، انتشارات فردوسی، چاپ اول، ۱۳۶۳.
- مدنی، سیدجلال‌الدین، تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۰.
- _____، تاریخ سیاسی معاصر ایران (۲ جلد)، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۶۱.
- مرسلوند، حسن، زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، تهران، نشر الهام، ۱۳۶۹.
- مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسناد انقلاب اسلامی، سازمان تبلیغات انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۶۹.
- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ستم ستیزان، آیت‌الله حاج شیخ جواد فومنی به روایت اسناد، تهران، ۱۳۷۷.
- مرکز مطالعات دانشگاه اکستر انگلستان، جنگ ایران و عراق، ترجمه‌ی ستاد تبلیغات جنگ، تهران، ۱۳۶۳.
- مستوفی، حمدالله، تاریخ گزیده، به اهتمام عبدالحسین نوایی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۴۶.

از نویسندگان، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، تهران، ۱۳۶۲.

مکی، حسین، زندگانی میرزاتقی‌خان امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۵.

_____، کتاب سیاه، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳.

_____، مدرس قهرمان آزادی، انتشارات ترجمه و نشر کتاب، چاپ اول، تهران، ۱۳۵۸.

_____، وقایع ۳۰ تیر ۱۳۳۱، بنگاه ترجمه، نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰.

ملایی توانی، علیرضا، ایران و دولت ملی در جنگ جهانی اول، تهران، مؤسسه‌ی مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ اول، ۱۳۷۸.

ملک‌زاده، مهدی، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران، انتشارات علمی، چاپ دوم، ۱۳۶۳.

منصوری، جواد، تاریخ قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۸.

_____، سیرت‌کوینی انقلاب اسلامی.

موحد. ه. دو سال آخر از رفورم تا انقلاب، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳.

موسوی نامی اصفهانی، میرزا محمد صادق، تاریخ گیتی‌گشا در تاریخ خاندان زند، تحریر و تحشیه عزیزالله بیات، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳ ه.ش.

مهاجری، مسیح، انقلاب اسلامی، راه آینده ملت‌ها، تهران، انتشارات اوج، چاپ دوم، ۱۳۶۰.

میرخواند، محمدبن خواند شاه، روضه‌الصفاء فی سیره الانبیاء و الملوک و الخلفاء، انتشارات خیام، تهران، ۱۳۳۸.

میروشینکف، جنگ جهانی اول در ایران، ترجمه‌ی دخانیاتی، تهران، امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۴۴.

نامور، رحیم، برخی ملاحظات پیرامون تاریخ انقلاب مشروطیت، شهرضا، جامار، ۱۳۵۷.

_____، زهه‌القلوب، به کوشش لسترنج، دنیای کتاب تهران، ۱۳۶۲.

مستوفی، عبدالله، شرح زندگانی من. یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره‌ی قاجار، ۳ ج، تهران، زوار، ۱۳۴۳ - ۱۳۴۱.

مسعود انصاری، عبدالحسین، زندگانی من، انتشارات ابن سینا، تهران، ۱۳۵۶.

مصدق، محمد، خاطرات و تألمات مصدق، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۶۵.

مطهری، مرتضی، بررسی نهضت‌های اسلامی در صد ساله‌ی اخیر، قم، صدرا، ۱۳۶۵.

_____، خدمات متقابل ایران و اسلام، انتشارات صدرا، قم، ۱۳۵۷.

_____، نظام حقوق زن در اسلام، صدرا تهران، ۱۳۵۷.

معاصر، حسن، تاریخ استقرار مشروطیت در ایران، تهران، ابن‌سینا، ۱۳۵۲.

معتضد، خسرو، درون ارتش شاه، نشر البرز، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۵.

_____، رضاشاه، سقوط و پس از سقوط، مؤسسه‌ی مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۶.

معیرالممالک، دوستعلی‌خان، رجال عصر ناصری، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۱.

_____، یادداشت‌هایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه، نشر تاریخ ایران، تهران، ۱۳۶۲.

معین، محمد، مزدیسنا و تأثیر آن در ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، ۱۳۲۶.

مفتون دنبلی، عبدالرزاق، مآثر سلطانیه، تاریخ جنگ‌های ایران و روس، تهران، ابن‌سینا، ۱۳۵۱.

مکارم، ناصر، تفسیر نمونه، با همکاری جمعی

نوابی، عبدالحسین، ایران و جهان از مغول تا قاجاریه، نشر هما، تهران، ۱۳۶۶.

_____، «دولت‌های ایران از آغاز مشروطیت تا اولتیماتوم» تهران، انتشارات بابک، ۱۳۵۵.

نوری، میرزاحسن، نفس الرحمان فی فضایل سلمان، به تحقیق جواد قیومی، مؤسسه‌ی آفاق، تهران، ۱۳۶۹.

واتقی صدر، سیدجمال‌الدین حسینی، پایه‌گذار نهضت‌های اسلامی، تهران، انتشارات پیام، ۱۳۵۵.

واحد، سینا، قیام گوهر شاد، وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۱.

وقایع نگار، محمد صادق، آهنگ سروش، تاریخ جنگ‌های ایران و روس، گردآورنده: حسین آذر.

ولایتی، علی‌اکبر، بویابی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۳.

_____، تاریخ روابط خارجی ایران در دوره‌ی اول مشروطه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۷۴.

_____، تاریخ روابط خارجی ایران در دوران ناصرالدین شاه و مظفردین شاه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۲.

_____، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۶.

_____، مقدمه‌ی فکری نهضت مشروطیت، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ ششم، تهران، ۱۳۷۷.

وودهاس، سی.ام. عملیات چکمه، ترجمه‌ی فرحناز شکوری، نشر نور، تهران، ۱۳۶۷.

نامه‌های دکتر مصدق، گردآورنده: محمد ترکمان، نشر هزاران، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۵.

نائینی، میرزا محمدحسین، تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله، با مقدمه سیدمحمود طالقانی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۳۴.

نجاتی، غلامرضا، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، چاپ اول، مؤسسه‌ی خدمات فرهنگی رسا، تهران، ۱۳۷۱.

_____، جنبش ملی‌شدن صنعت نفت ایران و کودتای ۲۸ مرداد، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۴۸.

نجاری راد، تقی، ساواک و نقش آن در تحولات داخلی رژیم شاه، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۸.

نجفی قوچانی، محدحسن، سیاحت شرق، تهران، نشر حدیث، چاپ اول، ۱۳۷۵.

نجفی، ناصر، بازیگران سیاسی عصر رضاشاهی، محمدرضا شاهی، نشر آشتین، تهران، ۱۳۷۳.

نخجوان، محمد، تاریخ نظامی جنگ بین‌المللی ۱۹۱۴ - ۱۹۱۸، تهران، چاپخانه مجلس، چاپ اول، ۱۳۱۷.

نراقی، احسان، از کاخ شاه تا زندان اوین، به کوشش سعید آذری، مؤسسه‌ی خدمات فرهنگی رسا، تهران، ۱۳۷۲.

نراقی، ملااحمد، معراج السعاده، تهران، انتشارات اسلامیه، بی‌تا.

نصیری، محمدرضا، اسناد و مکاتبات تاریخی ایران؛ قاجاریه، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۶۶.

نقیسی، سعید، تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره‌ی معاصر، تهران، انتشارات بنیاد، ۱۳۶۴.

هرتسفلد، ارنست، تاریخ باستانی، ایران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۶.

هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، انقلاب ایران به روایت رادیو بی.بی.سی، طرح نو، تهران، ۱۳۷۲.

_____، تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ جهانی اول، تهران، امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۶۴.

یادداشت‌های امیراسدالله علم، ویراستار علینقی عالیخانی، انتشارات مازیار، تهران، ۱۳۷۷.

یاقوت حموی، معجم البلدان، انتشارات اسدی، تهران، ۱۳۶۵.

ب - نشریات

۱- آیت الله شریعتمداری، مصاحبه، مجله‌ی دنیا، ۱۳ دی ماه ۱۳۵۷.

۲- روزنامه‌ی شورا، سال اول، ش ۸۴.

۳- روزنامه‌ی صبح صادق، شماره‌ی ۴۸، سال اول، ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵.

۴- روزنامه‌ی کیهان، شماره‌های مختلف.

۵- روزنامه‌ی نوبهار، ش ۱۱، سال ۱۳۳۳.

۶- مجله‌ی پیغام امروز، ۱۳۵۸/۱/۱۹.

۷- نشر مجاهد ۱۳۵۸/۹/۱۶.

۸- ولایتی، علی اکبر. «اعتقادات دینی امیرکبیر» کیهان فرهنگی، سال دوازدهم خرداد و تیر ۱۳۷۴.

شماره‌ی ۱۳۱.

ویلبرد و نالد، ان. اسناد محرمانه CIA درباره‌ی عملیات سرنگونی دکتر مصدق (اسرار کودتا)، ترجمه‌ی دکتر حمید احمدی، نشر نی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۹.

ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه‌ی احمد آرام و دیگران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۶۷.

هاشمی رفسنجانی، اکبر، امیرکبیر مظهر مبارزه با استعمار، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۱.

هاکس، مریت، ایران، افسانه و واقعیت (خاطرات سفر به ایران)، ترجمه‌ی محمد حسین نظری‌زاد، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۸.

هالیدی، فرد، جنگ جهانی اول در جنوب ایران، ترجمه‌ی کاوه بیات، کنگره بزرگداشت رئیسعلی دلواری، بوشهر، ۱۳۷۳.

_____، دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در ایران، ترجمه‌ی فضل‌الله نیک آیین، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۸.

هدایت، رضاقلی خان، تاریخ روضه‌الصفای ناصری، به تصحیح جمشید کیانفر، تهران، اساطیر، ۱۳۸۰.

هدایت، مهدیقلی خان (مخبرالسلطنه)، خاطرات و خطرات، گوشه‌ای از تاریخ شش پادشاه و گوشه‌ای از دوره‌ی زندگی من، نشر زوار، تهران، ۱۳۷۵.

_____، گزارش ایران، قاجار و مشروطیت، به اهتمام محمد علی صوتی، تهران، نقره، ۱۳۶۳.

